بحر العبرات

دسته گلی از شعرای حسینی

آراسته

حاج ناصح اردبیلی

بحرالعَبَرات

یا

جلد سوّم کنزُالعَبَرات

«دسته گلی از شعرای حسینی»

آراسته: حاج ناصح اردبیلی

ناصح اردبیلی، اللهوردی، ۱۳٤۳ - ،
گردآورنده.
کنز العبرات، یا، دسته گلی از شعرای حسینی در مراثی شهدا و اسرای کربلا / آراسته ناصح اردبیلی.— تهران: پیری، ۱۳۸۱ -.
ج.: مصور؛ ۱۲ x ۱۷سم.
ISBN 964-6622-18-6 (ج. ۱): ۲۰۰۰۰ ریال
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
ترکی.
چاپ قبلی: فانزون، ۱۳۸۱.
چاپ ۱۳۸۲ (ج. ۳) ISBN 964-8191-01-8
۱.شعر مذهبی ترکی -- قرن ۱٤ -- مجموعه‌ها. ۲.واقعه کربلا -- ۶۱ ق. -- شعر. ۳.شعر ترکی -- ایران -- قرن ۱٤ -- مجموعه‌ها. ٤.مرثیه و مرثیه سرایی ترکی -- مجموعه‌ها. الف.عنوان. ب.عنوان: دسته گلی از شعرای حسینی در مراثی شهدا و اسرای کربلا.

PL۳۱٤/ت۲ن۲ ۱۳۸۱ ۸۹٤/۳۶۱۱۰۰۸

کتابخانه‌ملی‌ایران ۸۱-٤۱٤۵۸م

«شناسنامه‌ی‌کتاب:»

نام‌کتاب : بحرالعبرات
گردآورنده : اللّه‌وردی‌قلی‌زاده(ناصح)
ناشر : انتشارات‌پیری
نوبت‌چاپ : اوّل
چاپخانه : قلم
تیراژ : ۲۱۰۰نسخه
تاریخ‌چاپ : تابستان۸۲
شابک۸-۰۱-۸۱۹۱-۹۶۴
ISBN 964-8191-01-8

هوالجمیل

پیشگفتار

به قلم استاد گرامی جناب آقای ائلچی

انّ‌الحسین مصباح الهدی و سفینة‌النجاة

(از هر چمن گلی) شایسته‌ترین عنوانی است که می‌توان بر مجموعه‌ی «بحرالعبرات» انتخاب کرد. این کتاب، به گلستانی می‌ماند که شکوفه‌های نرگس و مریم و گلهای محمّدی را با لاله و سوسن و نسرین و نسترن یکجا در خود جای داده و دیوان گرانقدری است که از آثار ارزشمند سخن‌پردازان و کلام‌آفرینان آستان مقدّس اهلبیت اطهار علیهم‌السّلام گردآوری شده است.

(از هر نیستان، نغمه‌ای) یا (از هر دریائی، مرواریدی) از عناوین دیگری هستند که این کتاب، سزاوار داشتن آنهاست، چرا که مؤلّف با ذوق و خوش‌سلیقه‌ی آن، از میان دستنوشته‌ها، دیوانها و کتابهای گوناگون، مشتی قطعات پر سوز و گداز و پر شور و حال انتخاب کرده و نام آن را (بحرالعبرات) گذارده است و براستی که در این گلچین و انتخاب به توفیق چشمگیر نائل آمده است. حاج اللّه وردی قلی‌زاده نیک‌پی متخلّص به «ناصح» پیش از این به

جمع‌آوری و تدوین و انتشار سه جلد کتاب از این دست همّت گمارده‌است:

۱ - کنزالعبرات(۱۳۸۰)

۲ - مهیج‌العبرات(۱۳۸۱)

۳ - دیوان کاتب - جلداوّل(۱۳۸۱)

نظر به اینکه آثار فوق با اقبال و توجّه علاقمندان ادبیات عاشورایی، بویژه شعرا و مرثیه‌پردازان و نوحه‌خوانان و عندلیبان گلزار حسینی روبه‌رو شده‌اند، لذا مؤلّف دست به کار تدوین این مجموعه گردیده که کاملاً بدیهی است به جهت تنوّع کلامها، تعدد قطعات، حلاوت و طراوت سرودها، مورد عنایت خوانندگان ارجمند قرار خواهد گرفت و هر کسی مطابق ذوق و سلیقه‌ی خود به اشعار مناسبی در این کتاب دست خواهد یافت.

ناصح‌اردبیلی، شاعر با ذوق و ادیب سخن‌شناسی است که با عبارات دلنشین و روان، آثار زیبایی پدید آورده‌است. نمونه‌های اشعار وی را می‌توان در کنزالعبرات و مهیّج‌العبرات و همین مجموعه مورد مطالعه قرار داد. این شاعر در یکی از دوبیتی‌های خود چنین می‌گوید:

یازیب مصیبتووی یاحسین فغان ائدرم
بیر عمریدور اوره‌گیم محنتونده قان ائدرم
او ناصحم بیلوسن دلده سوز آهیم وار
یاپیش الیمدن آقا، حدّسیز گناهیم وار
قرین صبحیدی، اشکیم عذاره باغلیورام
بالون امام زمانلا غمونده آغلیورام

ناصح، علاوه بر چهار جلد تألیفات سودمندی که اشاره شد در حال تدوین و انتشار دو کتاب دیگر است:

۱ - دیوان کاتب - جلددوّم

۲ - مجموعه‌ی آثار ادبی(شامل غزلیّات، سروده‌های اخلاقی، اجتماعی و طنز).

جالب توجه است که کتابهای منتشرشده‌ی وی هرکدام حاوی ۵۱۲ صفحه می‌باشد. علّت این اقدام، شور و عشق وافری است که نامبرده به ۵ تن آل‌العبا و ۱۲ ائمه‌معصوم علیهم‌السلام دارد که این سه رقم در کنار هم عدد ۵۱۲ یا ۱۲+۵ را تشکیل می‌دهد.

مضامین مجموعه‌ی بحرالعبرات واقعه‌ی کربلاست. مرکز جغرافیای عشق است. کربلا، مرکز طلوع خورشید شهادت است. کربلا، عاشورائی‌ترین مکانهای عالم است و عاشورا، دایرةالمعارف بیکرانه‌ی فرهنگ حسینی است. فرهنگی جهانگیر و بیدارکننده. فرهنگی که از مظلومیّت شروع می‌شود و به عدالت نهایی منتهی می‌گردد و پرچمدار این عدالت، جز امام موعود(عج) نیست. ناصح، ارادت قلبی خود را به محضر آقا اباعبداللّه‌الحسین(مظلوم‌ترین شهید تاریخ) اینگونه بیان می‌کند:

ایللردی آقا، نوکروومم، عبد ذلیلم
آغلار گوزولن درگهووه منده دخیلم
ناصح‌دور آدیم،بنده‌ی خلاّق جلیلم
سائل سنه من، سن منه‌سلطان، سنه قربان

ناصح، بیشتر اشعار خود را بعد از نصف‌شب و مقارن حلول صبح صادق می‌سراید و اشارات وی بدین زمان خاصّ، در سروده‌های وی کم نیست:

ناصحا، فکروه بو نوحه‌لری کیم سالدی
یوخووی بیل، ائله اول کیمسه گوزوندن آلدی
دور، قوتاردی شب احیا، سحره آز قالدی
زحمتون سایه‌سینه کامه چاتارسان نئینک
غم یئمه قبریده آسوده یاتارسان نئینک

با تقدیر و تقدیس زحمات و حُسن انتخاب اشعار کتاب وزین بحرالعبرات و تبریک به مؤلّف ادیب و شاعر بی‌ریای آن، حاج ناصح اردبیلی، از پیشگاه خداوند منّان برای مؤلّف و ناشر و مسئولین تایپ و چاپ و صحافی و نشر کتاب، توفیق روزافزون و اجر معنوی مسئلت می‌نمایم.

عبّاسعلی بن مرحوم تاج الشعراء حاج عبّاسقلی یحیوی اردبیلی
۲۸ فروردین ۱۳۸۲ - ۱۴ صفر ۱۴۲۴



السّلام‌علیک یاعزیزالزهرا

ای عزیزی که آلوبسان اله بَحرُالعَبَرات
توپلاماقدابوکتابی‌چکیلوب‌چوخ‌زحمات
اوخی، اللّهه گوره، دلده دعا ایله منی
دیزلریم بلکه منیم اَسمیه یوم عرصات
برق‌تک عمر کئچور بوشلاما مولا اتگین
غملرین‌یادائلیوب‌گوزیاشاخون‌دلی‌قات
خلقه خدمت‌ائله هرقدری‌که واردور نفسون
آختارورسان اوزوه دهریده گر راه نجات
آی حسین‌عاشقی من گوزیاشوزون عاشقیم
ایستورَم درگه حقدن سیزیچون توفیقات

لَکَ الحَمد

لَکَ الْحَمْدُ یٰا ذَالنَّدیٰ وَالْکَرَمْ
لَکَ الْحَمْدُ ذَالکِبْرِیٰآءِ الْقِدَم
لَکَ الْحَمْدُ یٰا ذَالْجَمٰالِ الْجَمیل
مُنیرَ الْوُجُودِ ضِیٰاءَ الظُّلَم
لَکَ الْحَمْدُ جٰارٍ عَلَیْنَا الْعِظٰام
اَیٰادیکَ وَالسّٰابِغٰاتِ النِّعَم
عَلَیْنٰا مِنَ اللّٰهِ فیِ کُلِّ آنٍ
مِنَ الْفیضِ اَلْفٌ فَیٰا لَلْکَرَم
لِیَ الْفَخْرُ فیِ وَدِّکَ فِی الْحَیٰوۃ
وَ حُبُّکَ ایّٰایَ اَعْلَی الھِمَم
اِلٰهی اَنَا الْمُذْنِبَ الْمُستَجیر
قَرَعْتَ بِذِکْراکَ بٰابَ النِّدَم
اِلٰهیِ وَ رَبّیِ اَتُوبُ اِلَیک
بِعِصْیٰانِکَ رَبّیِ تَحُلُّ النَّقَم

به نام خدا

ای کرمت همنفس بی‌کسان
جز تو کسی نیست کس بی‌کسان
بی‌کسم و همنفس من توئی
رو به که آرم؟ که کس من توئی
کون و مکان مظهر نور تواند
جمله جهان محض حضور تواند
در دل هر ذرّه بود سیرِ تو
نیست درین پرده کسی غیر تو
جز تو کسی نیست به بالا و پست
ما همه هیچیم و توئی هرچه هست
بزم بقا را می و ساقی توئی
جز تو همه فانی و باقی توئی
کیست که قائل به ثنای تو نیست؟
کیست که مایل به لقای تو نیست؟

ما همه مشغول ثنای توایم
واله و مشتاق لقایِ توایم
روزنِ جان بر دل ما بازکن
خاطر ما را صدفِ راز کن
مرد رهی از کجی اندیشه کن
راستی و راست‌رَوی پیشه کن
هر که کند روی طلب سوی او
قبله‌ی ذرّات شود روی او



آدمی را همه از غیر منیّت شرف است
با منیّت نتوان گفت فلان باشرف است
عمر آن است که با دوست بسر بردن و بس
ورنه بی‌دوست یقین عمر عزیزت تلف‌است

«میرزاطاهرخان»

الٰهی

تو بخشنده‌ی هر گناهی الٰهی
به جز تو نباشد پناهی الٰهی
به این بنده‌ی ناتوانت مدد کن
که ابلیس دارد سیاهی الٰهی
چه درها به رویم ز رأفت گشودی
کشیدم چو از سینه آهی الٰهی
به نیکی مبدّل نمائی بدی را
چو خواهی ببخشی گناهی الٰهی
ز ما اسم غفّار تو چون درخشد
چه باکی از این روسیاهی الٰهی
ز یک عمر عصیان نشانی نماند
ز رحمت کنی گر نگاهی الٰهی
به جُرم خودم داورا چون مُقرّم
معافم کن از دادخواهی الٰهی

به جز حبّ حیدر که آنهم تو دادی
ندارم دگر تکیه‌گاهی الٰهی
ولی هر که با مرتضی آشنا نیست
ندارد به عفو تو راهی الٰهی



الٰهی توئی آگه از حال من
عیان است پیش تو احوال من
توئی از کرم دلنواز همه
به بیچارگی چاره‌ساز همه
الٰهی به عزّت که خوارم مکن
به جُرم گنه شرمسارم مکن
«؟»

عشق یا عقل؟

عقل برو برو برو، عشق بیا بیا بیا
راحت جان و دل تویی، دور مشو ز پیش ما
داروی درد عاشقی هست دوای درد دل
نیست به نزد عاشقان خوشتر از این دوا، دوا
کشته‌ی تیغ عشق او زنده دلی است جاودان
بنده‌ی خویش اگر کُشد، نیست به خواجه خونبها
مست و خراب و ساکنم بر سر کوی می‌فروش
زاهد و کنج صومعه، او به کجا و ما کجا!
جام جهان‌نمای ما آینه‌ی جمال او
جام جهان‌نما نگر، روی به آینه نما
هر که گدای او بُود، پادشه است بر همه
شه چه بُوَد؟ که پادشه بر در او بُوَد گدا
سیّد مست ما سزد بنده‌ی بندگیّ او
حضرت او از آن ما، جنّت و حوریان تو را

دوزلوک حماسه‌سین سئویریک

تا عشقی، جان کتابینه، تحریره چکموشوک
شوریده‌لیک حدیثینی، تفسیره چکموشوک
شعر عالمینده قاینا یاراق، اقتداریلن
گل واژه‌لر تبارینی زنجیره چکموشوک
بیز شاعروک، یاراتماق اولوب افتخاریمیز
شعرین گوزل حیاتینی تقدیره چکموشوک
جهلین اونونده تجربه‌لردن آلیب توان
کسگین قلم مثالینی شمشیره چکموشوک
یاندیقدا، سئوکی شعله‌لریندن قاناد ویروب
سؤز مولکونی غروریله تسخیره چکموشوک
ققنوس کیمین حقیقت اودوندان دونوب کوله
زاهدلرین ریاسینی تکفیره چکموشوک
پیسدیک بوغان آغاجلاری شاللاقلایاندا قیش
رعشه دوتان کوتوک‌لری تصویره چکموشوک

داغلار، ایچین چالاندا، سکوت‌ایچره ائل‌کیمین
کور اختناقی شعرده، تعبیره چکموشوک
دوزلوک حماسه‌سین سئویریک ائلچی‌لر کیمین
هر یرده آل شرافتی تقریره چکموشوک



شمعی که اویاق هر گئجه‌لر منله قالیر
گوزیاشی توکه سوزیله سرمشقین آلیر
هیهات منیم دردیمی احساس ائلیه
بااینکه یانان وقتیده من تک سارالیر

«ناصح»

عبرتنامه‌برای مجالس ترحیم

سالان یول دشت هجرانه ئولومدور
گزن هر خانه به خانه ئولومدور
قویان هر خلقی حسرت بیر بیرینه
سالان آفاقی طوفانه ئولومدور
یتیمون گوزلرین آغلار قویاندی
ائدن ناخونینی شانه ئولومدور
زفافینده دوتار بعضی جوانی
طویون ایلر عزاخانه ئولومدور
گلر یاسه طویا دعوت اولانلار
غذاسین پایلار احسانه ئولومدور
آپارار حجله‌دن بعضی عروسی
ائدر دامادی دیوانه ئولومدور
کسر چوخ کسلرین تار امیدین
او کی یانماز پریشانه ئولومدور

گلر رحمی نه درویشه نه شاهه
نه اعیانه نه چوپانه ئولومدور
الیندن ای رفیقان قاچماق اولماز
تاپار بیز گئتسوک هریانه ئولومدور
ائمّه بیله فرمایش ائدوبدور
گوزل نعمت مسلمانه ئولومدور
ئولومسوز هئچ بشرده قیمت اولماز
ائدن امواتی دُردانه ئولومدور
جلالیلن آتانون یا آنانون
کیچیردن آدین اعلانه ئولومدور
«تفاخر» هر زمان گلسه سُراغه
گئدرسن مرد مردانه ئولومدور

اوز آنامین آیریلیقندا[۱]

گوزلروندن بیزی آتوبسان آنا
داشلارین آلتیندا یاتوبسان آنا
ایشیقلی آئیدون بیزیم دنیایا
قارا بلوطلاردا باتوبسان آنا
راضی اولمازیدون چکه‌ک درین، آه
ندن بیزی غمه ساتوبسان آنا
حسین ماتمینده یتمیش سگز ایل
قانا گوزیاشووی قاتوبسان آنا
دادوه یتیشدی خانم فاطمه
راحت یات عهدوه چاتوبسان آنا
زهرایه توکدوگون سنون اشک تر
قبر ائوینده وئردی آناجان ثمر
بیزده فراقونده سینه داغلاروق
غمونده زهرایه باهم آغلاروق

۱- صبح جمعه ۱۳۸۲/۲/۲۶

کربلایه گئتدی روح اقدسون
قولاقیمده قالوب یاحسین سسون
زینبی هر گئجه گوندوز اوخشادون
غصه‌سینه آغلاماقدان دویمادون
یاددان چیخان دگل مهربانلیقون
ازبریمیز اولوب جانفشانلیقون
بو سؤز که یازورام اوره‌ک سؤزومدی
سنه قربان بو آغلیان گوزومدی
قالان عمریمی کاش سنله بُؤلیدیم[1]
بیر گونده سنیلن منده ئولیدیم
اولاردیم آسوده گوز یومّاق همین
چکمزیدیم بئله آیریلیق غمین
آلدی ولی سنی بیزدن پیک یار
یامان گونده ائتدون بیزی اشکبار
«ناصحم» یانورام دُؤزه بیلمورم
سندن امید الین اوزه بیلمورم

۱- از اشعار استاد صادق استفاده شده است.

برای مجلس ترحیم

ای‌گوگل شاداولما چوخ من بی‌وفاگوردوم جهانی
قویدوم هر گون اوز الیمله توپراقا بیر آشنانی
ایله که گئتدی مزاره گون دولاندی اولدی آخشام
تا سحر آختاردیم اوندان تاپمادیم نام و نشانی
ایندی که اگلشموشوک مین آرزو وار قلبیمیزده
بیز ولی سیر ایلوروک هئچ‌کیمسه‌نون یوخدور گمانی
منزل آخرده بیر یول آدیمیزلن سسلیرلر
چوخ یوبانما گل یتشدی مقصده غم کاروانی
گوز ویریم قدری یقین اول گون بیزه وئرمزله فرصت
ایندی خوشدور سسلیک دلدن خدای مهربانی
معصیتدن دور اولاق بیز ایلیک توبه انابه
واسطه درگاه اعلایه ائدک آل عبانی
عرض ائدک یارب به حق مصطفی ختم پیمبر
جان وئرنده باشیمیزون اوسته گوندر مرتضانی

عرض ائدک بیرده به حق فاطمه خاتون محشر
اوّل شبده مزاره یولاّ شاه کربلانی
گلسه مولامیز بیزیله باش باشا قویماز ملکلر
هر سؤال آسان اولار گورسوک امام انس و جانی
بیز عزاسینده عذاره توکموشوک گوزیاشی دائم
ایلیوب سودا سنیله عفو ائدرسن آغلیانی



جهان چو گشت به کام تو نام نیک اندوز
که غیر نام نیکو نیست حاصل دو جهان



به مال و مُلک جهان دل مَنِه که دولت دهر
بسانِ رنگ حنا چند روزه در کف توست

قصیده در منقبت مولای متقیان
حضرت علیّ بن ابیطالب

ای دُرِ باقیمت کنز ولایت یاعلی
وی گُل پاکیزه‌ی گلزار جنّت یاعلی
باعث ایجاد عالم علت غائی خلق
قصد خالق خلقتوندن خلقه خلقت یاعلی
شاه ذوالاجلال و عزّت میر درگاه اله
رتبه‌دن اول تاپان اسلامه سبقت یاعلی
دلدلن وصفونده نازل سوره‌ی والعادیات
والضّحی رو، لیل مو، والفجر سیرت یاعلی
باطن آیات قرآن مطلع انوار حق
لجه‌ی زهد و زکاوت فیض و حکمت یاعلی
کاف ها یا عین صاد حامیم عین سین قاف
صاد والقرآن ذی‌الذکره بلاغت یاعلی

لوح محفوظ الٰهی مصدر ام‌الکتاب
عروة‌الوثقای محکم دینه قوّت یاعلی
آیه‌ی سبحان ربک عزة عما یصف
معشر ناس ایچره ذاتون ربّ عزّت یاعلی
لیلة‌المعراجده پیغمبریلن متصف
سیر اَو ادنی‌ده هم، هم گرم صحبت یاعلی
قل کفی تختینده والی لافتی ملکینده شاه
گوهر بحر کرم کنز فتوّت یاعلی
سوره‌ی یا ایهاالمزملون معناسی‌سن
مضمر طاها اولان والشمس صورت یاعلی
ضوء نور ذات پاکون مظهر انوار حق
گون چکر نور رُخوندن شرم و خجلت یاعلی
اولماسیدون سن اگر کشتی نوح اولموشدی غرق
ایلدون اعطا نجات و حال راحت یاعلی
ایلدون یعقوبیدن بیت‌الحزنده کشف ضر
چشم نابیناسینه وئردون بصیرت یاعلی

یوسفی زندانیدن قیلدون رها وئردون نجات
سلطنتده تاپدی قوّت نچه مدت یاعلی
هم‌نفس عیسایه اولدون مرده احیا ائتدی تا
قومی اقرار ائتدی اوندان تا نبوّت یاعلی
یاور پیغمبر اولدون لیلة‌الشوراده سن
بی‌تأمّل تاپدی ذاتون افضلیّت یاعلی
تخت جاه و مرتبتدن کیمدی لایق غیر سن
ای ولی‌اللّه امام اهل طاعت یاعلی
روز خندق عمره ویردون بیرجه ضرب ذوالفقار
رُتبه‌ی جاه و جلالون تاپدی رفعت یاعلی
لطفیلن قیل بیر نظر بو بینوا مداحوه
بلکه دوتسون دامنین خیر و سعادت یاعلی
گر سنون لطفون بیزیمچون شامل‌حال اولماسا
شک ائدر بو باره‌میزده غیر ملت یاعلی
«بحری» زاره نجات هر دو داری قیل برات
تا سر کویونده ائتسون استراحت یاعلی

فراق دوست

به نسخه نیست نیازی طبیب را ببَرید
برای مرگ علی دست بر دعا ببرید
اگر بناست مداوا کنید زخم مرا
بر آن مریض خرابه‌نشین دوا ببرید
نشسته‌اند یتیمان در انتظار پدر
کمک کنید مرا در خرابه‌ها ببرید
سلام من به شما ای فرشتگان خدا
نبُرد فاطمه با خود، مرا شما ببرید
جنازه‌ی منِ مظلوم را چو مادرتان
شبانه، مخفی و تنها و بی‌صدا ببرید
اگر بناست تسلّی دهید بر دل من
برای قاتل سنگین‌دلم، غذا ببرید

جوشی - سینه و زنجیرزنی

سن شیر یزدانسان علی سن روح قرآنسان علی
سن آسمان عزّته مهر درخشانسان علی



صلح و صفاسن یاعلی مهر و وفاسن یاعلی
نور و ضیاسن یاعلی درده دواسن یاعلی
مشگل‌گشاسن یاعلی شاه ولاسن یاعلی
آخ نه دیوم شأنونده من پیغمبره جانسان علی
معراجه پیغمبر گئدوب عرض‌ائتدی ای ربّ جلی
قلب شریفینده دئدی ای کاش اولا بوردا علی
میل ایلین وقته غذا گوردی سخالی بیر الی
احسن بویوردی مرحبا سن دست سبحانسان علی
معراجیدن گلدی یره وارد اولوبدور منزله
امر ایلدی تئز سسلیون حیدر عم‌اوغلومدا گله
بلبل نجه عاشق اولار گلشنده بیر زیبا گُله
بس هارداسان فوراً دئدی سن جان‌جانانسان علی

عرض ایلدی یثربده‌یم قربان اولوم طاها سنه
صادق‌سن امر ائتدی نبی دوز سؤزدی یا حیدر منه
چوخ چوخ تعجب ایلیوب ولایه بیر باخدی گینه
آز قالموشام شکّ ایلیم مافوق انسانسان علی
وار بیر سؤالیم یاعلی حیرتده واللّه قالموشام
دینه گوره چوخ زحمته آخر سنی من سالموشام
بو نیّته جبریلیدن بیر سیب زیبا آلموشام
مثل اینکه سن مندن قاباق اللّهه مهمانسان علی
نصفین یدیم فوراً دئدیم نصفین آپارّام حیدره
فوراً علیده نصفینی تقدیم ائدوب پیغمبره
سالدی نبینی حیرته باخ گور نجه بو منظره
گوگلرده‌سن یرلرده‌سن سن هاردا پنهانسان علی
سن مکه‌ده قویدون قدم دنیایه ای صف سیندیران
سنسن جهاندا لشگر کفری علی یکسر قیران
ای ذوالفقاریلن بوتون ظالملرین بوینون ویران
اسلامی زنده ساخلادون سن شیر یزدانسان علی

ای ناطق قرآن علی قرآنه پشتیبان علی
ای یار مظلومان علی عالم سنه قربان علی
مشگل‌گشاسن هر زمان ای دردلره درمان علی
قرآن سنون سینونده‌دی سن اصل قرآنسان علی
سن اولماسیدون یکسره گوگلر سولاردی یاعلی
سن اولماسیدون دین ائوی ویران اولاردی یاعلی
ظلمیله دنیانون یوزی یکسر دولاردی یاعلی
اسلامه وئردون پرورش سن باغبانسان یاعلی
اعدا ریاست عشقینه مولاسینی اینجیتدیلر
بوبکری تأیید ائتدیلر اما سنی ترک ائتدیلر
وای اونلارین احوالینه شیطان یولوندان گئتدیلر
مظلوم اولوبسان دهریده مظلوم دورانسان علی
زهرانی مولا دوگدولر سن دینه خاطر دینمدون
دینی نظرده ساخلادون آئینه خاطر دینمدون
قرآنه حرمت ایلدون یاسینه خاطر دینمدون
زهرایه خاطر ایندیده حتماً پریشانسان علی

قلبونده زهرانون غمی دنیانی سن ائتدون رها
ذاکر دوشنده مشگله مولا سنی ایلر صدا
من بیر گدای عاجزم سنسن آقا مشگل‌گشا
یوخدور پناهیم نیلیوم سن شاه شاهانسان علی
دنیاده گوردون هر بلا طاهایه خاطر یاعلی
یاز بیر برات کربلا زهرایه خاطر یاعلی
باشی یارالی زینب کبرایه خاطر یاعلی
هر یرده آدون گلسه سن اوردا نمایانسان علی



کسی که همچو علی میر ذوالکرم دارد
دگر ز هر دو جهانش بگو چه غم دارد
کسی که خاک ره او نمود تاج سرش
چه احتیاج به سیم و زر و دِرَم دارد

«جوشی»

یارب سنی وئرّوک قسم اول شیر خدایه
بیر رحم ائله بیز ال‌سیز ایاق‌سیز فقرایه

ای مرحمتی پرده‌ی افعال ذمیمه
وی عزمی وئرن روح روان عظم رمیمه
وئرّوک سنی سوگند بو اسماء عظیمه
عفو ایله بیزی پنج‌تن آل عبایه
بیر آنیده گر قهرون ائده عالمی نابود
یا مرحمتون مین بئله عالم ائده موجود
مخلوق نجه دم چکر ای خالق معبود
محکوم به حکموک هامی بو امر قضایه
طاعاتون اولوب جمله‌ی ذرّاته فریضه
اسمونله مزیّن اولی عنوان عریضه
ای اسمی دوا ذکری شفا کل مریضه
صحّت وئر اوزون جمله مریض ضُعفایه

درگاهوه بو آه و فغاندان بودی منظور
بو دردیله اوز بنده‌لرون ایلمه رنجور
پیغمبریله روز جزاده ائله محشور
اونلار که بو دردیله گئدوب دارِ بقایه
یا من ستر کل عیوباً و بلایا
لطفیله اوزون ایله‌گیلن دفع بلایا
شهر اهلی پراکنده اولوب جمله خدایا
رحم ائت بو قالان السیز ایاقسیز فقرایه
وئرّوک قسم اول وقته که سلطان مدینه
مین زخمیله آتدان یخیلوب روی زمینه
فریاده گلوب زینب و کلثوم و سکینه
افغانیله یوز قویدولا میدان بلایه
چون چیخدی حسین سینه‌سینه شمر ستمگر
قویدی او شهِ کم سپهون حلقینه خنجر
عجزیله او شه سؤیلدی ای خالق داور
باخ حلق حسینه ستم شمر دغایه

چون تشنه‌لب اوز قانینه اول شه بلنوبدور
گرد و غمیله روی هوا تیره‌لنوبدور
اوندا اسرا باشینه کوللر النوبدور
گوردیله حسین باشی کئچوب نوک جدایه
افلاکه چیخوب آل علی شیون و شینی
چون نصب سنان ایلدیلر رأس حسینی
گفتاره گلوب فاطمه‌نون نور دو عینی
قرآنی تلاوت ائلدی آیه به آیه
آسوده‌لیک ایسترسن اگر درد و بلادن
ای شیعه یاپوش دامن شاه شهدادن
خوف ایلمه ای «راجی» غم روز جزادن
هر کیمسنه رونق وئره بو بزم عزایه



«شاه‌بیت زنجیرزنی»

تازه‌دن شیعه‌لره بیلمرم آیا نه گلوب
گینوب قاره هامی ناله و افغانه گلوب

«نوحه سینه‌زنی - جوشی زنجیرزنی»

زبانحال حضرت زهرا عليها السلام باحضرت علی عليه السلام

بالینیمه گل پیک اجل گلدی عم‌اوغلی
باغلا گوزومی فاطمه دینجلدی عم‌اوغلی

مأموریدی پیک اجل الآن باشیم اوسته
بیر سنده گل ای سؤیگلی جانان باشیم اوسته
ای ناطق قرآن اوخی قرآن باشیم اوسته
قرآن سسوه سن بیلوسن چوخ هوسیم وار
خوش لحنیله قرآنون اوخی تا نفسیم وار
زنجیر ستم قید جفا بسته‌سیم من
مظلومه‌لرون دهریده سردسته‌سیم من
قنفذ الینون ضربتینون خسته‌سیم من
قالدی آناسیز جبراً عم‌اوغلی حسنینون
جان زینبیمون جان سنون جان بو حسینون

ای مونس غم آز منی غرق محن ایله
مندن صورا ترک گل و باغ و چمن ایله
وئر غسل اوز الونله من زاره کفن ایله
آگاه ائلمه ثانی شدّادی عم‌اوغلی
گلسه بیلوسن روحیمه ایذادی عم‌اوغلی
غسلیمده گوزون یاشینی خون دله قاتما
گورسون اثر ظلم و ستم نالون اوجاتما
اگنیمده اولان کوینگی سعی ایله چیخاتما
بیر نحویله تا غسلیمی وئر کوینگیم اوستن
کشف ایلمه بیر کیمسیه قمچی اثرین سن
جان وئرمگیمی گرچه چوخ آسان سانورام من
یادیمه دوشور محسن اورکدن یانورام من
ثانی لگدین محسنه قاتل تانورام من
چون من کیمی مظلومه گورونمز گوز ائوینده
ناموس حقی کیم ویرار آخر اوز ائوینده

بیر اللی قیام ائتدیم اولان وقته مصلّی
گتدیم عمله ذکر قنوتیمی بیر اللی
گیزلینجه نماز ایلمیشم اولمیا بللی
گیزلینجه نماز ائتمگیمون علّتی واردور
چون قنفذ ائدن ظلملرون شدّتی واردور
هجران اوخونا حکم مشیّتله نشانم
لبیک دیوب محفل جانانه روانم
اما حسنیمدن چوخ حسیندن نگرانم
بلبل تک اونی بسلمیشم چونکه گل اوسته
قورخوم بودی خولی قویا مطبخده کول اوسته
بیر گون گزرم چوللری آواره دولانّام
مقتلده قزیم زینبیلن منده دایانّام
گودالیده زینب بویانان قانه بویانّام
زینب کیمی گاهی یخیلوب گه قاچارام من
گورسم باش آچوخ زینبیمی باش آچارام من

یانّام غم اطفال پریشان حسینه
گوزیاش توکرم خیمه‌ی سوزان حسینه
گلّم من اوزوم شام غریبان حسینه
لازمدی اولاخ کوفه‌ده مهمان ایکیمیزده
واجبدی دوتاخ شام غریبان ایکیمیزده
من زینت آغوشیمی کول اوسته گورنده
البته گرک کول سوورام باشیمه منده
تا مجلس ماتمده تنور آدی گلنده
وادار ائلیه منزوینی دلده اولان عشق
بو دیللریلن نوحه یازوب ایلیه سرمشق
ای باشسیز عیال و حرمین باشدان آتان باش
وی صورتینون نسبتی اللّهه چاتان باش
سنسن دی گوروم سینه‌مون‌اوستونده یاتان باش
یا گوزلرون آچ قانلی گوزوندن تانیوم من
یا منله دانیش تا که سؤزوندن تانیوم من

هانسی شل اولان ال سنی بو حاله سالوبدور
باشون گتوروب نعشووی گوداله سالوبدور
کول باشیمه کول مه یوزوه هاله سالوبدور
ای ماهِ غم اولدوزلارون آواره‌دی یاتما
سن خوابیده‌سن قیزلارون آواره‌دی یاتما
سن آینه‌ی مطلع انوار خداسن
شوریده‌سر عاشقلره مصباح هداسن
ربّی ارنی صاحبینه چهره‌نماسن
زهرانیده موسی کیمی شوره گتوروبسن
بو طور غم‌افزانی تنوره گتوروبسن
ایندی واریدیم کرب‌وبلاده من خسته
یاندیردی یانان قلبیمی بیر قلبی شکسته
گوردوم یاتوب ایستکلی رقیّون سینون اوسته
هردم دیور ای شاه لب‌عطشان منی دیندیر
تیر غم ائدوب قلبیمی شان شان منی دیندیر

ائتدوکجه اوغول حنجر منحوروه دقّت
یوز وئردی اوغولسوز آناوا حالت رقّت
گوردوم که دگوب حنجروه اون ایکی ضربت
بیلدیم بالا چوخ اینجیموسن گل سینه‌م اوسته
جان تک باسوم آغوشیمه دینجل سینه‌م اوسته
سن اوّل خلقت یازیلان خط جلی‌سن
خورشید جهان پرتو صبح ازلی‌سن
خولی سنی بیلموردی حسین‌بن‌علی‌سن
یا سن دئمدون خولیه دلبند بتولم؟
قویما منی کول اوستونه فرزند رسولم
سندن صورا دوشدی حرمون مشگله سنسیز
زینب یوزی مشگل داخی بیرده گوله سنسیز
ایراد ائده‌جک گلشنه گئتسه گُله سنسیز
قویدوم دییه‌جک اوز گلومی من قوری یرده
خوار اولسون او گل که آچیلا سولمیا بیرده

نه گلدی علی‌اکبره قالدون سن اوغولسوز
حمله گتوروب گوردی سنی دشمن اوغولسوز
قوی یوز یوزه منلن سن اوغولسوز من اوغولسوز

سنسیز منه جنّتده‌ده غم همدم اولوبدور
باخ قامتیمه گور نجه غمدن خم اولوبدور

هر باشدا بیر آز شور اولا تسلیم و رضادن
توپراق اَلنور اول سرِ پر شوره فضادن
مبهوتم حسین مقصد و منظوره قضادن

آلنوندا یازیلمیشدی اگر قانه باتیدون
لازم که دگیلدی بئله کول اوسته یاتیدون

باخدیم سینووه گوردوم اوغول صاف‌یری یوخدور
چون خانه‌ی زنبور منظم یارا چوخدور
زنبور تک هر خانه‌ده بیر زهریلی اوخدور

امّا سینون اوسته یارالار کوکبه بنزر
آت دیرناقینون ردّی مَهِ یک‌شبه بنزر

ناگه اوز اوزومدن بالا بو وجهی سوروشدوم
آخر او زمان ال دیریلیکدن که یوموشدوم
مین زحمتیلن من بونا کوینک توخوموشدوم
باخ گور یری وار کول سوورا باشینه زهرا
دشمن آپاروب من توخیان کوینکی حتی
من بیرده بو دنیادن ائدن وقتیده رحلت
ائتمیشدیم اوغول زینب مظلومه وصیّت
بو باره‌ده گل نطقه هله قیل منی راحت
بی‌کس آنون آرتوخ نگران ایلمه بوندان
آیا دی گوروم زینبیم اوپدی بوغازوندان
ثبت ایلمیشم قتلینی هر ماه لقانون
احوالینه شاهددی اوزی حاکم قانون
تأمین دلیل ایلمیشم زلفیمه قانون
بیر گون قورولار محکمه‌ی عدل الٰهی
اللّه ائدر اوز قانینی تصدیق و گواهی

پوشیده دگل اهل اولانا بو سؤز علندور
چوخلاری دیور منزوی لقمان سخندور
سؤز یوخ سؤزی با حکمت اوزی صاحب‌فندور
هر بزمیده امّا بو سؤزی دائم ائدر ورد
استاد سخن یحیویدور من اونا شاگرد



ما ز پروانه همه سوختن آموخته‌ایم
چشم و دل بر کرم و لطف حسین دوخته‌ایم
نار دوزخ جهت سوختنِ سوخته نیست
ما که بر آتش این شمع ز دل سوخته‌ایم

«باغ لاله»

از تاب رفت و طشت طلب کرد و ناله کرد
آن طشت را ز خون جگر باغ لاله کرد
خونی که خورد در همه عمر از گلو بریخت
خود را تهی ز خون دلِ چندساله کرد
زینب درید معجر و آه از جگر کشید
کلثوم زد به سینه و از درد ناله کرد

«وصال»

«کام حسن»

افسوس که رفت از دل آرام حسن
لبریز شد از خون جگر جام حسن
خونیکه به عمر خورد امروز آن خون
برگشت دوباره از کام حسن

«جوهری»

«نوحه زنجیرزنی»

قلب زاریمی دوتوب غصه و محن باجی
یاتما نازیلن اویان جان وئرور حسن باجی

باد ظلم اسوب بئله گلشن پیمبره
گرد غم توکوب عدو دودمان حیدره
اود ویروبلار عاقبت قلب سبط اکبره
اولدی ظلمیلن خزان گلشن و چمن باجی

سربه‌سر وجودیمه ائتدی زهر کین اثر
پارچالاندی لبلریم دوغرانوب یانان جگر
قلبیم اود دوتوب یانور وئر حسینیمه خبر
سؤیله جان وئرور یتیش شاه ممتحن باجی

قوی حرملر آغلاسون زینبیم سن آغلاما
ساکت اول آنام باجی جان وئروم من آغلاما
هی دئمه فغانیلن سؤلدی گلشن آغلاما
گلمه شیونه سن ای درد و غم چکن باجی

آیریلیق سالور سنون نار غم تفاقووه
رنج و غم ترانه‌سی هی گلور قولاقووه
اکبری آلاندا آل قاسمی قوجاقووه
قویما یاندیرا اونی آتش محن باجی
صبر ائله آماندی بیر آلما زلفووی اله
آغلاما بو سینه‌می قویما تیر غم دله
آخرین نفسده قوی قارداشیم حسین گله
بلکه ایلیم اونا دردیمی علن باجی
ای قلم اورکده بو فکرینون نواسی وار
بی‌ریا عزالرون چوخ آغیر بهاسی وار
هر غمون بو دهریده بیر غم آشناسی وار
یاتما نازیلن اویان جان وئرور حسن باجی

«اوخشاما»

دییرم آی قالا یری اورکده وار یارا یری
نه یامان مشگل اولار گئده قارداش قالا یری

زبانحال امام حسن علیه السلام

ای ننم فاطمه یادگاری
ایلمه بیر بئله آه و زاری
قربان اوللام سنون اللریوه
گوزلریمی اوزون باغلا باری
قلبیمی زهر کین بؤلدی زینب
دور حسن قارداشون ئولدی زینب«۲»



ای باجی دردیمه یوخدی چاره
قلب زاریم اولوب پاره پاره
دور ایاقه عزیز دو عالم
باشیوه باغلا سن ایندی قاره
قلبیمی زهر کین بؤلدی زینب
دور حسن قارداشون ئولدی زینب«۲»
گور نجه گل‌کیمین سولدی قاسم
گوزلری یاشیله دولدی قاسم

آچ گوزون یاتما زهرای ثانی
دور آماندی یتیم اولدی قاسم
قلبیمی زهر کین بؤلدی زینب
دور حسن قارداشون ئولدی زینب«۲»
وئر خبر اَشجع ناسه گلسون
عونیلن فضل، عباسه گلسون
گی قرا ساخلا ماتم بو زاره
اوز ننم فاطمه یاسه گلسون
قلبیمی زهر کین بؤلدی زینب
دور حسن قارداشون ئولدی زینب«۲»
ای باجی سالک راه دینی
گویلوم ایستور گورم نور عینی
قویما قالسون اورکده بو حسرت
سن خبر ایله گلسون حسینی
قلبیمی زهر کین بؤلدی زینب
دور حسن قارداشون ئولدی زینب«۲»

سؤال و جواب «فارسی»

دوش گفتم با خرد این نوحه و بانگ عزا
تا به کی دارد اِدامه گفت تا روز جزا
گفتمش این سوگواریها در عالم بهر کیست
گفت باشد در مصیبات شهید کربلا
گفتم آن صاحب‌مصیبت در جهان نامش‌که‌بود
گفت نام او حسین و از نژاد مصطفا
گفتمش از نام باب و مادرش برگو به من
گفت مامش فاطمه بابش علیِ مرتضا
گفتمش اصل اساس عامل قتلش چه بود
گفت حبّ سلطنت از غاصبان ناروا
گفتمش کی کُشت اورا گفت قومی بدمنش
گفتمش بر امر کی گفتا یزید بی‌حیا
گفتمش او از نژاد کیست گفتا در جواب
از نژاد و نسل سفیانی ز اولاد زنا

گفتمش منظور او از این جنایت خود چه بود
گفت بغض و کینه و افعالهای نابجا
گفتمش خود کُشت او را گفت نی نی بلکه او
فوج خونخواری روان بنمود اندر نینوا
گفتمش آن لشکر بی‌دین امیری داشتند
گفت آری زاده‌ی مرجانه‌ی شوم و دغا
گفتمش او کُشت حسین را گفت لا، شمر لعین
سر برید از پیکرش لب‌تشنه آن هم از قفا
گفتمش بهر چه دیگر از قفا رأسش برید
گفت خنجر شرم کرد از بوسه‌گاه مصطفا
گفتمش یاور نبودش گفت هفتاد و دو تن
گفتمش آنها بگفتا سی‌هزار از اشقیا
گفتم هفتاد و دو تن با آنهمه لشگر چه کرد
گفت کشتند و شدندی کشته در راه خدا
گفتمش جرمش چه بود آن خسرو عالی‌مقام
گفت عدل و راستی دوری نمودن از خطا

گفتمش بعد از شهادت جسم آنها دفن شد
گفت آری لیک اندر زیر سم اسبها
گفتمش گویند اندر خیمه‌ها آتش زدند
گفت آری شعله‌ی او زد شرر بر ماسوا
گفتمش اهل و عیال او چه آمد بر سرش
گفت آنها را به سوی شام بردند از جفا
گفتمش تعداد زنهای اسیران چند بود
گفت شصت و شش زن و دختر غریب و بی‌نوا
گفتم آنها اندر این ره احترامی داشتند
گفت آری کعب نی با سنگ دور بامها
گفتمش بهر چه آنها را دگر بردند شام
گفت تا ثابت نماید ظلم خود آن بی‌حیا
گفتمش همراه آنها بود آیا محرمی
گفت آری یک مریضی نام او زین‌العبا
گفتمش آن کاروان را همرهی دیگر نبود
گفت سرهای شهیدان بر فراز نیزه‌ها

گفتمش با آن سر دور از بدن کارش چه بود
گفت تا او را نماید زینت طشت طلا
گفتمش بر آن سر ببریده هم ظلمی رسید
گفت آری بر لبانش چوب کین شد آشنا
گفتمش بر آن لب خشکیده کی زد خیزران
گفت همان شخصی که بودی جانشین اولیا
گفتم این حادث کجا و در چه روزی رخ نمود
گفت در عشر محرّم در زمین کربلا
گفتمش بهر چه شد با این حوادث روبرو
گفت بهر تقویت از دین و قانون خدا
چونکه شد بعد از امام‌مجتبی دین هرج و مرج
شد یزید بی‌حیا بعد از حسن فرمانروا
پس حسین مأمور شد تا آن بساط کفر را
از میان بردارد و دین را دهد از نو صفا
گر نبودی خون پاکِ آن شه و یاران او
نی نمازی بود در کار و نه قرآنی بجا

گفتمش این مرثیه طبع کدامین شاعر است
گفت طبع سید مظلوم گفتم مرحبا
گفتمش چیزی تمنا کرده از آن شهریار
گفت آری شافع جرمش شود روز جزا



«یا اباعبداللّه»

به هنگام پیری مرانم ز پیش
که صرف تو کردم جوانی خویش
به کوی وفا آشیانم بده
سگ این درم استخوانم بده
مبادا برانی مرا از درت
به پهلوی بشکسته‌ی مادرت

«مسبب اصلی قتل حضرت سیدالشهدا علیه السلام»

یا شریح آدوی تاریخیده رسوا ائلدون
بش گونون عشقینه اللّهیله دعوا ائلدون

رشوه آلدون نچه کیسه قزل ای خانه خراب
دوندروب امر خطانی ائلدون امر صواب
گئیدون اوز عورتوون زیر لباسین بشتاب
ماویه اوغلونون امریه‌سین اجرا ائلدون
نیلمیشدی سنه پیغمبر صاحب صلوات
یا علی بن ابیطالب او شیر غزوات
یا خانم فاطمه صدیقه‌ی کبرا درجات
اینجیدوب قلبلرین نامه‌نی امضا ائلدون
سن که آگاهیدون اوصاف بنی‌فاطمیه
او حسینی که نبی لَحمک لحمی سولیه
باطله وئردون اونون حقّینی ای شوم نیه
کربلا دشتینه چکدون اونی غوغا ائلدون

گر دئسون شمردی قاتل اونا من که دگلم
اوندا ئولدوردون حسینی ائلدون حکمی رقم
داد و فریاد قلمدن که فساد ائتدی قلم
قلمون سینسون حسین قتلینی انشا ائلدون
ای آدی قاضی اسلام یولونوندان چیخدون
نه خدا و نه پیمبر نه امامه باخدون
سن اَوَل ویردون حسینی قلمیله یخدون
شمری خنجرله صورا قتله مهیا ائلدون
اولماسیدی سنون اعلانوون هرگاه اثری
هندون اوغلی سنه گوندرمزیدی سیم و زری
بیر قلم وئردون اونون دینه یتیشدی خطری
ائوی ویران بو نه اقدامیدی آیا ائلدون
ایلدون عمر طبیعی یاشادون محکمه‌ده
بیر ایاقون ائوه ساری بیر ایاقون لحده
چکدی اوز نفسون ئولن وقتده سنی سوی بده
چیخدی جنتدن الون دوزخی مأوا ائلدون

تاپشوروب امته ثقلینی رسول‌الثقلین
بیری قرآن بیری ذریّه‌ی زهرا حسنین
ثقل دوّم‌ده که ریحان پیمبردور حسین
سو کنارینده اونی منع من الماء ائلدون
اثر خامه‌ده ائتدون شه لولاکه ستم
او ستم ویردی تمام عالم امکانی به هم
شل اولیدی الون ای کاش که دوتمیدی قلم
اونولان زینبی سرگشته‌ی صحرا ائلدون
آه زهرادن حذر ائتمدون ای شوم پلید
بیر قلمده سن حسینی ائلدون تشنه شهید
اوز مرامینه یتوب شامده اولاد یزید
صاحب کعبه مقامینی کلیسا ائلدون
یازدیقون حرفلرون هر بیری بیر نشتریدی
اوخیدی نیزه‌ایدی ششپریدی خنجریدی
نیّتونده هدفون سینه‌ی پیغمبریدی
اوخلادون یاره‌لدون قانیله حمرا ائلدون

سطح فرماندا درست‌ائتدون عجب صحنه‌ی‌جنگ
یِر یوزون فاطمه‌نون قیزلارینا ائتدیله تنگ
نیزه باشینده حسینون باشینا ویردیلا سنگ
کوفه اهلیله دوروب سنده تماشا ائلدون
بئله بیلدون چیخاجاق یاددان عملکرد جفا
بایگانی اولاجاق پرده دالیندا بو خطا
زیر تاریخه‌ده گر گئچسه حق ایلر افشا
چونکه سن دینووی دنیائیله سودا ائلدون
مرغ طبع شعرا برق کیمی تند قاچار
یرون آلتیندا گزر هم گوگون اوستونده اوچار
سن کیمی شخصلرون پرده‌ی اسرارین آچار
حقّون حکمون نیه سن عکسینه معنا ائلدون
پرده‌ده گیزلده کیم ظلم بنی‌سفیانی
کمک ایلوب اولارا محزون ائدوب زهرانی
«یحیوی» یازدون عیان کیمدی بو ظلمه بانی
بحث بزمینده حسینی‌لری احیا ائلدون

رباعیات

بو شفاخانه حسینوندی طبیب آنی باخور
دکتری قولسوز ابوالفضلیدی مجّانی باخور
گلون آی دردی اولانلار آچیلوب باب کرم
بو یره فاطمه‌نون دیده‌ی گریانی باخور



یا حسین دردی اولان واردی یانان دلّره باخ
آغلیان زینبه خاطر، بو دولان گوزلره باخ
یاحسین معجر آچوب گوندره‌نه بیز نه دییک
آند وئرّوک او باجون زینبه بو معجره باخ



اوز کنیزوندی آقا باشدان آچوبدور لچگین
دردی واردی دوتوب الآن آنوون پاک اتگین
آند وئرّوک سنی زهرا آنوون نسگیلینه
شاد ائله دردی اولان صاحب معجر اوره‌گین

«نوحه زنجیرزنی»

بیر نامه کعبه‌دن بطحایه یازدیلار
ام‌البنینیلن صغرایه یازدیلار

فهرست نامه‌سین ازّل او شاه دین
نام خدائیلن تزئین ائدوب حسین
مرقوم ائدوب صورا بو شرطیلن همین
عرض سلامینی طاهایه یازدیلار
اوندان صورا یازوب بیر غملی ماجرا
یعنی قیزیم داخی گوز تیکمه یوللارا
من زار و بی‌کسی بو قوم بی‌حیا
عریان دوشم گرک صحرایه یازدیلار
گئت روضه‌ی بابام ختم پیمبره
مندن سلام ائله اول شاه محشره
سالدی منی عدو سؤیله بو چوللره
دیدارینی داخی عقبایه یازدیلار

بیر عدّه قتلیمه ائتمیش منیم قیام
ائتسون دعا سؤله زهرا منیم آنام
قویمادیلار اولا حجّیم منیم تمام
مین نامه ظلمیلن دعوایه یازدیلار
گئتدوم عراقه من اوردا مکان ائدم
کرب‌وبلا چولین باغ جنان ائدم
فرصت یوخومدی چون شرح بیان ائدم
قربان منی ائله مینایه یازدیلار
واردور یانیمدا اول شیر دلاوریم
عباس باوفا سردار لشگریم
یوخ واهمه هله قورخماز حرملریم
ضیغم او سروری هیجایه یازدیلار
دور و بریمده‌دور اولاد مصطفا
هم فضل و جعفریم هم شبه مرتضا
باخدوقجا اکبره لیلا ائدر نوا
مین غصه‌لر دل لیلایه یازدیلار

گل عرض ائدک اونا ای شاه مشرقین
یازدون عجب خبر صغرایه یاحسین
ناخوشدی غصه‌دن نیلر او نور عین
لیلائیلن اونی زهرایه یازدیلار
قان آغلا ای گوزوم سال یاده زینبی
قارداش غمینده اول افتاده زینبی
مظلوم حسینیلن دنیاده زینبی
هر درد و غصه‌ده همپایه یازدیلار
عالم فدا اونون محنتلی حالینه
قارداش یولوندا اول پوزقون جلالینه
بو دردیلن ئولوب یتدی مآلینه
هئچ باخمادی داخی دنیایه یازدیلار
قربان اولوم ائله درد و مصیبته
زینب دوشن غم و اندوه و محنته
چوللرده جان وئروب یتدی شهادته
گلمز قلم داخی انشایه یازدیلار

خروج کاروان حسینی از مدینه و حالات فاطمه‌صغری علیهاالسلام

دوشوبدی یادیمه بیر غملی ماجرا بو گئجه
که آز قالور گتوره باشیمه هوا بو گئجه
یازاندا نوحه‌لری ایلرم نوا گئجه‌لر
سالار ملاله دل زاریمی قرا گئجه‌لر
اگر مدد اولونا غیبیدن یازار قلمیم
قبول حضرت حق اولسا سؤزلریم نه غمیم
گلوبدی دردە دلیم یا رحیم یا رحمان
حسینوون غمی ایلوبدی باغریمی گینه قان
حسین دئدیم نه حسین آدی ازبریمدی منیم
غلامی‌یم ایکی دنیاده سروریمدی منیم
حسیندی حضرت خلّاق عالمون گوزلی
یزیده بیعتین اوستونده لا دئدی نه بلی

گوروم خراب اولا بو نانجیب دنیانی
گتیردی جانه یزیدون الیله مولانی
یازاندا محنتینی حالیمی دولاندیرّام
سیزیلدارام قره نی تک جهانی یاندیرّام
او قدری سیخدی ستم منجنیقی سینه‌سینی
قالانمادی گئجه ترک ایلدی مدینه‌سینی
اولده قبر رسول گرامه دوتدی یوزون
بیانه گتدی اولان قلبیده نهانی سؤزون
بو شهریدن دئدی من قلبی یاره گئتمه‌لیم
وطنده قالماقا یوخ راه چاره گئتمه‌لیم
گوزون سیلوب ایاقا دوردی پور شاه نجف
آلیشدی قلبی یولون دوندروب بقیعه طرف
اوتوردی فاطمه‌نون قبری اوسته گلدی دیله
حسینووی آناجان روزگار سالدی چوله
او قدری توکدی آنا قبری اوسته گوزیاشینی
گتیردی نالیه، اللّه حجاز داغ داشینی

روادی شیعه‌لرین سینه‌سی غمیله دولا
پیمبرون نوه‌سی چکدی آه دوشدی یولا
اثلیکه مکیه غم کاروانی یولاّندی
فقط علیله خانم قالدی قلبی اودلاندی
وقار و عزّتیلن اثللری دوشنده یولا
اوک باشیندا قالوب اللری خانم صغری
گورون نجه یولا سالدی وفالی قارداشینی
دالیجا سپدی خانم سو یرینه گوزیاشینی
سرشگ دانه‌لرین کیپریک اوسته دوزدی خانم
الین عزیزلریندن بکلّی اوزدی خانم
او دم که قافله گوزدن گئدوب اوزاقلاشدی
یواش یواش خانمون جام محنتی داشدی
قیتدی منزلینه غصّه‌لی اورک داغلی
گوروب اطاقلاری خاموش قاپلارین باغلی
اوتوردی آچدی باشیندان خانم اول لچگین
بیر آزجا فکره گئدوب تا اووشدوروب اورگین

دئدی الٰهی عجب قاره گونلره قالدیم
فلک آپاردی نجه حسرت اکبره قالدیم
بو علّته ائدورم درگهونده سوز و گداز
سنون قاپون قاپی‌لار باغلاناندا باغلانماز
الٰهی دردیمی قیلاّم بو گون عریضه سنه
یامان گونومدی بو گون ایله سنده چاره منه
کئچوبدی گونلری تا غم غم اوسته داشلاندی
فشاره غصه سالوب سوز قلبی باشلاندی
دییردی اکبر اطاقین گورنده جان قارداش
خبر یتیر گلوسوز یثربه هاچان قارداش
خبر یوخومدی نه مدّتدی کاروانوزدن
یازون مریضوزه احوالوزی مکانوزدن
قرار و صبریمی الدن فلک بکلّی آلوب
باجون گوزوندن ایراق کهربا کیمی سارالوب
دیلّه چرخ ویرار باجی قارداشین آراسین
چتین قویار بتیره بیر نفر اورک یاراسین

علی، اورکده فلک غملر اوسته غم گتیروب
آدامسیزام اورگیم غصه‌دن ورم گتیروب
الٰهی قلبیمی هجر آتشینده یاندیرما
ترحّم ایله منیم بختیمی دولاندیرما
سلامت ایله خدا هاردا اولسا ائللریمی
وطنده بیرده گوروم من دوباره اکبریمی
نقدری دولسا اونون جانینه یولون آجیسی
آلار قاداسین، هله ئولمیوب مریض باجیسی
اولا باشیندا خطر ناله گوگلره سالاّم
اونون بلالرینی نقد جانیمه آلاّم
اگر گورم علی‌اصغر ایاق دوتوب دل آچار
منی گورنده قباقیمه شکّ یوخدی قاچار
دیینده آی باجی اون دفعه سؤیلرم اونا جان
باجی دیین دلوه سسلرم جانیم قربان
باغیشلیوب اونی اللّه اوزی رباب آناما
اونون گولر اوزی درمان اولار اورک یاراما

اجل امان وئره اصغر قبیله‌ده باش اولار
وفالی اکبریمه دادلی دوزلی قارداش اولار
ائدر جانین باجیلار قارداشین فدا بویونا
اورکده آرزیلاریم چوخدی اکبرین طویونا
گلین گلنده اوزریک اولده یاندیرّام
دئمون اوگی باجیام مجلسینده یان دورّام
اوزوم آیرّام علی‌اصغرون گوزل تلینی
صورا گئدر، دییرم باغلیار گلین بئلینی
لباسیمون گییرم طویدا یاخشی‌سین گوزلین
الینه وئرّم علی‌اکبرین، عروسین الین
ائله گورنده منی، سسلنر آنام لیلا
اوغول علی، طویوون زحمتین چکوب صغری
گوره او آرزیلاری شاد اولار الهی اورک
اگر یامان گوزولن باخماسا جفالی فلک
ولی فلکدن ائله قلبیدن هراسیم وار
ائلیم توروندان اونون قورخورام قوتارمیالار

املِ پیاله‌سینی قورخورام جالاندیرسون
جفا و ظلم ائلیوب کایناتی یاندیرسون
بلا گتیرسه هاچان بیر قبیله‌نون باشینا
قویار مَلَر باجینی بلّی ایشدی قارداشینا
دادیزدیرار او زمانی که زهرینون آجیسین
مرامینه یتیشر گورسه غصه‌لی باجیسین
الٰهی قلبیمی هجر آتشینده یاندیرما
ترحّم ایله منیم بختیمی دولاندیرما
الٰهی بیلمه روا باشیمه بلا اَلَنه
اورکده آرزیلاریم چوخدی ائللریم گلنه
فلک بلایه دچار ایلیوب گر ائللریمی
قوتار الٰهی منی گورمیوم او گونلریمی
امید قلبیمی یاربّی یأسه دوندرمه
بلالرون منه وئر ائللریمه گوندرمه
آناسی گوزلوری یول، عون و جعفر و فضلین
گوزی یولوندادی اوغلی، عموم ابوالفضلین

بابام گلور گوروم اللّه گلن یولوندان ئوپوم
عموم گلنده علم ساخلیان قولوندان ئوپوم
قاچوم الٰهی ئوپوم اصغرون دوداقیندن
باسوم قوجاقه ئوپوم اکبرون ایاقیندن
گوروم گلور وطنه بیرده کاروانیمیزی
آماندا ساخلا الٰهی بو دودمانیمیزی
گوروم گئدنلریمی بیرده خانماندا ئولوم
رقیّه باجیمی آغوشیمه آلاندا ئولوم
یازوب مصیبتووی یاحسین فغان ائدرم
بیر عمریدور اورگیم محنتونده قان ائدرم
او «ناصحم» بیلوسن دلده سوز آهیم وار
یاپوش الیمدن آقا حدّسیز گناهیم وار
قرین صبحیدی اشگیم عذاره باغلیورام
بالون امام زمانلا غمونده آغلیورام
یازان زمان بو سؤزی نصف‌شبده زار و فکار
اطاقدا حس ائلدوم آیری آغلاماق سسی وار

«نوحه زنجیرزنی»

گینوب سفر لباسی گئدوسن عراقه قارداش
من بینوادن آخر کسوسن علاقه قارداش

نه سفردی بو سفردن اورگیمده وحشتیم وار
بو نه آیریلوقدی یوخسا غم هجره طاقتیم وار
بیلوسن علی اورکدن سنه چوخ محبتیم وار
دُؤزه‌بیلمرم گوزومدن دوشه‌سن اوزاقه‌قارداش

اولوسان رضا بو دمده ائله سندن ال اوزوم من
دایانوم غم فراقه نجه صبر ائدوم دُؤزوم من
بو فراق جاوداندور بیلورم علی اوزوم من
غم فرقتونده جانیم یته‌جاق دوداقه قارداش

گئدوری هامی روادور من ناتوان و خسته
قالورام بو یالقوز ائوده گوزی‌یاشلی دلشکسته
دل بی‌قراریم اولموش چون او تار زلفه بسته
نجه ترک ائدوب وصالی دایانار فراقه قارداش

سن اگر عراقه گئتسن گئدر عزتیم سنیله
غم و رنج و غصه دائم اولار آشنا منیله
منی قویما بو وطنده علی داد و شیونیله
داخی اولما راضی آهیم چیخا نُه رواقه قارداش
علی رسمیدور جهاندا ئوله هر قیزون آناسی
او قیزا نوازش ایلر هامی قوم و اقرباسی
ندی بس منیم علاجیم بویور ای گوزوم ضیاسی
دوتوب اود بو غمده گوگلوم دوشر احتراقه قارداش
نه بی‌بیم حمایت ایلور من زار و دل‌حزینه
نه عموی مهربانیم نه بابام شه مدینه
اولا همدمیم بو ائوده نه قالور باجیم سکینه
هامی ائل قبیله مندن کسوری علاقه قارداش
من او بلبلم که آخر قالارام گل و چمن‌سیز
من او خواهرم که گوزدن آتارام جهانی سن‌سیز
علی چون خدا رضاسی بو سفرده واردی من‌سیز
گله منده راضی اولاّم نه قضا قباقه قارداش

اثشیدم هانی او ساعت گلوسن عراقیدن سن
باجوی خلاص ائدورسن غم اشتیاقیدن سن
منی گرچه فرقتوندن سالوسانَ ایاقیدن سن
خبر وصالون امّا گتورر ایاقه قارداش
نه تلاشدور بو فاکر بو نه اضطراب و تشویش
نظرون منال دنیا اگر اولسا وار کمابیش
تاپاسان فراغت دل اول عقایدونده درویش
یوخاری باخوب غم ائتمه نظر ائت اشاقه قارداش



خواهی که شوی ز غم رها در عرصات
مفتوح شود به روی تو باب نجات
بفرست به چارده‌نفر معصومین
از احمد و تا مهدی قائم صلوات
«طهوری»

نامه‌ی حضرت صغری علیها السلام
به حضرت علی اکبر علیه السلام

سلام اولا سنه ای قلبیمون صفاسی علی
الٰهی جانیمه گلسون بویون فداسی علی
نه کم‌محبت‌ایمیش‌سن نه بی‌وفا قارداش
مگر بودور باجی قارداشلیقون وفاسی علی
وطنده هئچ دئموسن بیر علیله باجیم وار
نه قوم و خویش یانیندا نه اقرباسی علی
ائویمده یاخشی غریب ایلدون منی گئتدون
ائشیتموری قولاقیم آشنا صداسی علی
قاپوم یوزیمه منیم باغلانوبدی سن گئده‌لی
قاپومی آچماقا وار خلقین ادّعاسی علی
گئجه صباحه کیمی ناله‌م عالمی بوریوب
مکدّر ائتدی بو مخلوقی آه و واسی علی

غذا جگر قانیدی شربتیم گوزوم یاشی
مریض عشقین ازلدن بودور غذاسی علی
نه احتیاج سنه عرض ائدم اوزون بیلوسن
نقدری وار سنه بو بیکسون دعاسی علی
گئدنده وعده وئروبسن گلوب منی آپاران
هانی او سؤزلریوین اصل مدّعاسی علی
سبب نه اولدی که ترک حجاز ایلموسوز
یقین که یاخشیدی کرب‌وبلا صفاسی علی
نه وقت یتیشدی مبارک الیوه بو نامه
منیده سالگیله بیر یاده حق رضاسی علی
او مهربان آتاما سؤیله بیر قیزون واردور
نه بیر گلوب گئده‌نی وار نه هم‌نواسی علی
مگر قیزی دگلم من اونون سؤال ایله
و یا آتارلا قیزی اولماسا آناسی علی
منیم دلیمجه عمومه یتور سلام و دعا
اودور منیم بو سنیق گوگلومون دواسی علی

محبّتی چوخیدی خاطریمی ایستردی
اونونداکی بویوموش لطفونون بقاسی علی
مگر بو حالیمی بیلمور خانم بی‌بیم زینب
اونون الینده‌دی بو دردلرون دواسی علی
او ایسته‌سیدی اگر من وطنده قالمازدیم
گییردیم اگنیمه منده سفر لباسی علی
سکینه بختور اولدی آنا قوجاقینده
همی بی‌بیم اونی ایستر همی آناسی علی
منیم آنامدا اگر ئولمیوب ساغ اولسیدی
قبول ائدردی آتام مندن التماسی علی
هزارحیف طویون گورمدیم علی‌اکبر
گلینجه سن داخی یوخ عمریمون وفاسی علی
علی دئدیم او قدر آغلادیم باشیم آغاروب
یاخنمادیم باشیما بیرجه طوی حناسی علی
اولیدیم اوردا دونیدیم باشووا آی قارداش
گیینده اگنیوه ذوقیله طوی لباسی علی

اگر عروسوی گورسم اونا کنیز اولاّم
خصوص اولسا بنی‌هاشم اقرباسی علی
خدانکرده اگر سن گلینجه من ئولسم
کیمیم مزار قازار کیم دوتار بو یاسی علی
مزاریم اوسته کیمیم بس منه اوخور قرآن
کیمیم قورار منه بزم عزا بناسی علی
عجب عزیزیدیم عالمده چوخ ذلیل اولدوم
سالوب بلایه منی چرخ دون جفاسی علی
بو غملو واقعه‌دن اهلبیت پیغمبر
فغان و آهیله عالملره سالوبلا شرر
ویراردی باشینه آغلاردی بینوا لیلا
دییردی کاش اولیدی بو خیمه‌ده صغرا
گوریدی اکبری لیلا نجه ائدوب داماد
گلیدی سؤیلمگه اکبره مبارکباد
بو غملی سؤزلری «اقبالی» قیلگیلان کوتاه
سنی جزاده باغیشلار بو سؤزلره اللّه

گوهر تابنده

مهر تو را به عالم امکان نمی‌دهم
این گنج پربهاست من ارزان نمی‌دهم
گر انتخاب جنّت و کویت به من دهند
کوی تو را به جنّت و رضوان نمی‌دهم
نام تو را به نزد اجانب نمی‌برم
چون اسم اعظم است به دیوان نمی‌دهم
جان می‌دهم به شوق وصال تو یا حسین
تا بر سرم قدم ننهی جان نمی‌دهم
ای خاک کربلای تو مُهر نماز من
آن مُهر را به مُلک سلیمان نمی‌دهم
ما را غلامی تو بود تاج افتخار
این تاج را به افسر شاهان نمی‌دهم
دل جایگاه عشق تو باشد نه غیر تو
این خانه‌ی خداست به شیطان نمی‌دهم

گر جرعه‌ای ز آب فراتت شود نصیب
آن جرعه را به چشمه‌ی حیوان نمی‌دهم
تا سر نهاده‌ام چو «مؤید» به درگهت
تن زیر بار منّت دونان نمی‌دهم

«عشق کربلا»

اگرچه دل شکسته‌ای حسین را صدا بزن
وگر ملول و خسته‌ای حسین را صدا بزن
در این بهار معرفت پرستوی بهاری‌ام
اگرچه پرشکسته‌ای حسین را صدا بزن
سحر شد و سپیده زد چرا تو همچو مرغ شب
لب از ترانه بسته‌ای حسین را صدا بزن
تو سر به زانوی غمی ز شرم کرده‌های خود
چرا غمین نشسته‌ای حسین را صدا بزن
اگر به باغ آرزو به عشق کربلای او
دل از همه گسسته‌ای حسین را صدا بزن

«غفورزاده»

«نوحه سینه‌زنی - جوشی زنجیرزنی»

ای کرب‌وبلا سنده‌کی قربانلارا قربان
ناحق او بیاباندا آخان قانلارا قربان

ای کرب‌وبلا سن نه گوزل آدلی مکانسان
اسموندی قویان چشم حسینی‌لری گریان
جانانینه بیر جمع وئروب سنده سوسوز جان
جانلار ائله بیر جمعه، ائله جانلارا قربان

ای قانینی توپراقینه بیر جمع قاتان یر
یوخ شأن و شرافتده سنه بیرجه چاتان یر
اشرفدی هامی یردن او بیر عده یاتان یر
سنده باش اگن شاهلارا سلطانلارا قربان

بیر یر هانی سندن اولا تا شأنیده برتر
ای تربتی محبوب خدا جسمینه بستر
دل سنده‌کی شش‌گوشه اولان قبری چوخ ایستر
بیر شه ایکی شهزاده او عطشانلارا قربان

قان اولدی گوگل کرب‌وبلا ذکر غمینده
بیرجه نولی گوزیاشلی دوریدوق حرمینده
وار چشم امید اول شه خوبان کرمینده
ائتدیکلری چوخ لطف و چوخ احسانلارا قربان

یوخدور بو شهین دهریده مانند و نظیری
حیرتده قویوب همتی هر شاه و امیری
اسلامه فدا پیر و جوان طفل صغیری
بیر گونده ائدن جان او مسلمانلارا قربان

جان وئردی اوزی تشنه نه تک مقصده یتدی
قارداش اوغول اوز گئتدیگی مقصودیله گئتدی
یارانی گلن تیره وجودین سپر ائتدی
اوخدان پر آچان پیکری شان شانلارا قربان

دین‌اوسته هانی بیر شه ئولوم جامینی ایچسون
اصحابی هامی یاوری جاندان ائله گئچسون
لیلا کیمی یا اوغلونا خلعت اوزی بیچسون
سیر ایلین ایمانه او ایمانلارا قربان

سو صحبتی چون طاقت ابوالفضلیدن آلدی
اطفالین عطش ناله‌سی گوردی چوخ اوجالدی
بیر مشگ سوسوزلاردان آلوب چگنینه سالدی
جانین ائده تا دیده‌سی گریانلارا قربان
صدحیف اولا اما هامی زحمت تلف اولدی
زحمتلرینون حاصلی آه و اَسف اولدی
دورت‌مین اوخا سقا اوزی مشگی هدف اولدی
حالیندن اولان حالی پریشانلارا قربان
اوخلاندی سو مشگی سوئی قانی کیمی آخدی
حفظینده الی اولمادی آخدیقجا سو باخدی
یاندیردی او حسرت دل سوزانینی یاخدی
بو غمده یانان سینه‌ی سوزانلارا قربان
باغلاندی گینه کرب‌وبلانین یولی یارب
سنسن گئجه‌نی گوندوز ائدن گوندوزی، یا شب
قان اولسون اورکلر بئله قویما سنی زینب
بو غصه‌ده فاکر اورگی قانلارا قربان

«رجز - جوشی سینه و زنجیرزنی»

ای گوهر والا حسین - بند دل زهرا حسین
ائتدون بلا توپراقینی - مینای اعظم یاحسین

سن کشته‌ی حقسن حسین نصّ فنا فی‌اللّهسن
سن گوهر کنز خدا مرآت وجه‌اللّهسن
بو نکتیه یوخدور سؤزوم مضموم عشق‌اللّهسن
ائتدون مسلّم عالمه معلوم ذبیح‌اللّهسن
اولماز مقام قربیده هرگز سنه همتا حسین
سن‌تک وئروب کیم امتحان ای سرورگلگون‌قبا
سن تک کیمون قربانگهی وار یا ذبیح من قفا
اسلامی قیلدون سرفراز حشره کیمین اولماز فنا
تقدیره اولدون سن رضا گلدی بلا اوستن بلا
دُؤزدون مصیباته دئدون هانسی بلایه لا حسین

سن شاهراه حقّسن سنسن صراط المستقیم
ارض و سما لوح و قلم اولموش وجودونله اقیم
سن اولماسیدون مصطفی دینی اولاردی منهدیم
آخدی قانون سو تک یره نقش‌ائتدی یاربّ العظیم
کهف آیه‌سین ورد ایلدون سرنیزه‌ده حتی حسین
کرب‌وبلا دشتینده سن بیر عمده اقدام ایلدون
قادر دگل بیر کس اونا تک سن‌سن انجام ایلدون
قربان همان نیّاتوه، احیای اسلام ایلدون
پرچم آچوب دین اوستونه ترویج احکام ایلدون
دین پیمبر حشره تک تا اولدی پابرجا حسین
نهر فراتون اوچ گئجه گوندوز یولین باغلانماقین
گل تک خانم قیزلاروین سوز عطشدن یانماقین
اوچ‌شعبه‌لی پیکانیلن تا اصغرین اوخلانماقین
غارت اولوب اخیاموی ظلمون اودیلا یانماقین
اللّهیله عهد ایلدون وئردون اوزون امضا حسین

یاد ایلرم اول وقتوی ای سرور گلگون قبا
جان‌اوسته‌سن غش ایلیوبسن طاقتون یوخ دورماقا
تل اوسته قان آغلور باجون زینب سنی ایلر صدا
اخیاموه دولدی قشون گل هارداسان تئز گل اخا
امدادیمه یوخدور گلن زینب قالوب تنها حسین
قارداش ئولوبسن بس نیه یوخ ئولمگوندن بیر اثر
یا زنده‌سن بو زینبون حالینه ائت بس بیر نظر
مور و ملخ تک خیمیه دشمندی هر یاندان گلر
اهل و عیالون قورخودان یاپراق کیمی تترر اسر
یکسر خانم قیزلاروون قلبینده یوخ یارا حسین
زینب سسین درک ایله‌جک ای سرور گلگون‌کفن
دوردون سوروندون خیمیه ساری یوزی اوستونده سن
بو قصّه باجون زینبه نسگل اولوبدور هر ندن
بیر مختصر گلدون دوشوب گوداله اول اوخلی بدن
اول پارچا پارچا پیکره گودال اولوب مأوا حسین

کشتی نجه طوفانیده گردابیده لنگر سالار
کشتی‌کیمی جسمون دوشوب گودالیده دوتدی قرار
اوخلار آغیرلار جسموی ترپنمگه یوخ اختیار
گون ایستی‌سی عطشان اوزون سینونده سایسیز یاره وار
آغلار سنون اول حالووه میدانیده زهرا حسین

بو جان «حیرانی» حسین اولسون فدا اول جانوه
قربان اولوم ذرّ عالمی منشور اولان پیمانوه
قربان اولوم سنده اولان حریّت و ایمانوه
حقّی ثبوت ائتدی قانون قربان اولوم اول قانوه
آخدی یره یازدی قانون نام حق یکتا حسین

«شاه‌بیت زنجیرزنی»

توکمه گوزیاشون عذاره گلمه آه و زاره زینب
ویرما یاره سن دوباره قلب داغداره زینب

«جوشی زنجیرزنی - نوحه سینه‌زنی»

ای شیعه‌لرین دردینه درمان قره پرچم
بو قاره گیین‌لر سنه قربان قره پرچم

بو شور حسینیله عزا بزمی قورانلار
مظلوم آقاما خاطر ایاق اوسته دورانلار
گوزیاشلی حسینی چاغوروب سینه ورانلار
شایسته جوانلار سنه قربان قره پرچم
هر بزمیده عشقیله سنی بیز اله آلّیق
دین دشمنین پیکرینه ولوله سالّیق
سنلن شرف عشقده افلاکه اوجالّیق
سنسن شرف عشقه نگهبان قره پرچم
سن کامه حسینی یتروبسن هدفینده
چاتماز سنه هئچ پرچم دنیا، شرفنده
دین پرچمیسن عاشق شوریده کفینده
سنلن اوجالار دولت قرآن قره پرچم

سن پرچم قرآنسن ای رأیت سرمد
سنلن تانینار مکتب توحیدی احمد
سنسن علم نصرُ من‌اللّه محمّد
وار سنده عجب جلوه‌ی جانان قره پرچم

سن پیکره‌ی عشق حسینی‌لره جانسان
عاشقلره عشقین شریانینده‌کی قانسان
هستی سنه مدیونیدی سن جان جهانسان
جانان ئوزی جلونده نمایان قره پرچم

ای رأیت پیروزی عاشور حسینی
وی فلسفه‌ی مکتب و منشور حسینی
عاشقلر الینده علم شور حسینی
عشق اهلینه جانانیدن احسان قره پرچم

عشق اهلی سنون حرمتیوی بیلدی فریضه
اشگیله سنه یازدی نیاز اهلی عریضه
وار سنده شفا نسخه‌سی درمانده مریضه
قیل چاره ائله دردینه درمان قره پرچم

«روایت درفضیلت‌عزاداری و زیارت‌کربلا»

خوش او کیمسه‌لرون رتبه‌ی سعادتینه
حسینه آغلیا یا که گئده زیارتینه
دیوم بو مژده‌نی حضّاره ایلسونلر یاد
اولور زیارت ائدنلر گناهیدن آزاد
گلور جزاده ملک اونلارون شهادتینه
دییر گئدوبله بولار کربلا زیارتینه
شهادتین اونون حقینده چون عیان ایلر
خدادن امر اولونار داخل جنان ایلر
یازوبلا آغلیان حقینده هر روایتده
که آغلیان گوز او گون آغلاماز قیامتده
خصوص آغلیانون بابتینده وار بو خبر
حسین گلر او ئولندن صورا گوزیندن ئوپر
اولوب مباحثه چوخ یرده بو روایاده
یاتوب بیریسی گوروبدور حسینی رؤیاده

دییر سلام ائلدوم عرض قیلدیم ای مولا
فدا اولوم سنه من ای غریب کرب‌وبلا
سیزون آدوزلا دییرلر حسین تشنه‌جگر
ئولنده آغلیانون غملی گوزلریندن ئوپر
بو سؤزی سن بویوروبسان و یا روایتدور
روایت اولسا سیزه بیر بویوک خیانتدور
بئله جواب بویوردی منه او کان کرم
بلی اوزوم دئمیشم آغلیان گوزین ئوپرم
بو رحم صاحبینه گوزلر آغلاماز نیلر
یانوب مصیبتینه سینه داغلاماز نیلر
همان حسیندی آچوب باش توکنده گوزیاشینی
اولوردی وحی حسین قویمیون آچا باشینی
حسین آچاندا باشین عرشیده ملائک‌لر
دگرله بیربیره گوگلرده ناله ایلرلر
تعجّبم او مبارک باشا نه ظلم اولدی
باخاندا گوردیله قان آخدی گوزلری دولدی

گوروب دایانمیاجاق قان او شاه دلخسته
مبارک اللرینی قویدی یاره‌نون اوسته
محاسنیندن آخار گوردی قطره قطره او قان
الی باشیندا اولوب سوی خیمه‌گاهه روان
حزین سسیله یتوب سسلدی گل آغلا باجی
قلجلانوبدی باشیم گل یارامی باغلا باجی
عزیز قارداشینون چون باجی ائشیتدی سسین
اورک دوگوندی غم‌وغصه تنگ‌ائدوب نفسین
یتیشدی اللر اورکده دایاندی بیر دوردی
باخوب حسینه ایکی اللی باشینه ویردی
قولینی بوینونا سالدی الینده بیر دسمال
یوزین قویوب یوزونه آغلادی اولوب بی‌حال
او یاره‌ایله باجی قارداشین نجه گورسون
که آزجا قالدی گورنده اوزونی ئولدورسون
یازار مصیبتوی ذاکر ای غریب وطن
نجه روادی سوسوز قوملار اوسته جان‌وئره‌سن

مقایسه کعبه باکرب‌وبلا و شهادت و غارت خیام امام‌حسین علیه‌السلام

اگرچه کعبه ائوی محترمدی حرمتی وار
ولیک کرب‌وبلانون اونا شرافتی وار
بو کعبه بیت مجازیدی لیک کرب‌وبلا
حقیقی کعبه‌دی هم باطن هم حقیقتی وار
اودور که کعبه ائوی فخر ائدنده یتدی ندا
که کعبه کرب‌وبلانین سنه فضیلتی وار
گر اولماسیدی او یر سن بنا اولونمازدون
که علّت اصلیدی معلوله افضلیّتی وار
بلی او بُقعه که سلطان عشقه مدفن اولا
حقیقتاً او یرون اوزگه بیر جلالتی وار
آدی گلن کیمی یاقوت تر نثار ایلر
او گوزلری که اورکده حسین محبّتی وار
او پاک قان که توکولدی او پاک صحرایه
نقدر مدح اولا زیبنده‌دور لیاقتی وار

توکنده شمر همان قانی تیتردی یرلر
گورن دییردی بو گون رستخیز علامتی وار
دوتولدی گون یوزی آفاقی چولقادی ظلمت
باخوب او ظلمته زینب بیلوب نه علتی وار
چیخوب خیامیدن اوز قویدی قتلگاهه طرف
یتوب نه‌گوردی که شمرون بیر اوزگه حالتی وار
الینده خنجر حسینون چیخوبدی سینه‌سینه
او نور حقّی خموش ایله‌ماقدا سرعتی وار
دئدی اماندی دایان ای شقی الون ساخلا
سنون مگر نقدر قلبوین قساوتی وار
پیمبر اوغلونی ئولدورمه بو حقارتیله
عزیز فاطمه‌دور شأن و جاه و عزّتی وار
چیخوب او سینیه عرش خدانی تیترتمه
او اوخلی سینه‌نون عرش خدایه رفعتی وار
تمام اولور اوزی سن باتما قانینه ناحق
بو صون نفسده داخی قاتله نه حاجتی وار

او یر پیمبر ئوپن یردی بیر حیا ایله
او پاک حنجریله خنجرین نه نسبتی وار
اذیت ایلمه جان اوسته‌دور چوخ اینجیتمه
یارالیدور گوروسن جسمیده جراحتی وار
گون‌ایستی‌سی اوزی تشنه بو قدری قانی آخوب
نه اختیاری قالوب نه توان و طاقتی وار
یارالی سینه‌سینی جان وئرور آغیرلاتما
ندندی بیر دئموسن شارعین شریعتی وار
چکیل کناره آلوم باشینی دیزیم اوسته
یارالی قارداشیمون بلکه بیر وصیّتی وار
او قدری وئر منه مهلتکه باغلیوم گوزونی
یانیندا یوخدی آناسی گوگلده حسرتی وار
ترحّم ائت منی بو چولده قویما قارداشسیز
علاوه بیر بولوک اهل و عیال و عترتی وار
چکوب حسینیدن ال شمر الینده بیر قمچی
دئمم نئدوب دلیمین بو مقاله لکنتی وار

آچوب او حالیده گوز پادشاه بی‌یاور
گوروب که زینبینون قارداشا حمایتی وار
دئدی باجی بو ستمگردن التماس ائتمه
نه رحمی وار نه بیر انصافی نه مروّتی وار
عبث بو ظالمه یالوارما مندن ال چکمز
گرک بُروزه وئره دلده هر شقاوتی وار
خصوص اوزومده رضایم که تئز خلاص‌ائتسون
نقدر تئز کسه اوز قلبیمون رضایتی وار
کسوب علاقه‌سین آیریلماسا بو باش مندن
وصال شاهد اصلین منه صُعوبتی وار
منم که باش وئرورم باش کسنده لازمدور
کیمون بو شمردن اوزگه بو امره جرئتی وار
اگرچه قاتل بی‌رحمه العطش دییرم
بو العطش دئمگین سرّی چوخدی حکمتی وار
فراتی ایستمورم جام عشقیله مستم
دگل سو دلده میِ وصلِ یار نیّتی وار

نه سلسبیل نه کوثردی نه شراب طهور
او می که آختاروارم اوزگه بیر حلاوتی وار
حلاوتیله اگر اوز بوغازیمون قانین
بو بزم عشقیده من ایچمسم نه لذّتی وار
بلا پیاله‌سینی سنده شوقیله نوش ائت
بلالی باشوون عالمده چوخ مصیبتی وار
علاج صبردی صبر ائت بلایه تسلیم اول
باجی بو امر مقدّردی حق مشیّتی وار
باش آچما زلفووی یولما یوزون خراش ائتمه
چکوب سس آغلاما دشمنلرین شماتتی وار
قیت خیامه یغ اهل و عیالیمی باشووا
سکینه نازینی چک گرچه چوخ مشقّتی وار
تسلّی وئر اونا مندن صورا چوخ آغلاماسون
او آغلیاندا منیم روحیمه اذیتی وار
یتیم اوشاقلاریمی قویما دشمن اینجیتسون
نقدر زحمتون اولسا حسینه منّتی وار

صفیّه‌م، عاطفه‌م، عالمده نازنین بویوبوب
رقیّه‌م هاردا گوروب دشمنین اسارتی وار
وحید قارداشی جلاّد الینده قویدی باجی
قیتدی گوردی امام امرینون اطاعتی وار
الی اورکده گوزی یاشلی خیمه‌گاهه طرف
گئدور نه دلده قراری نه دیزده طاقتی وار
اوزی گئدور ولی قارداش محبّتی قویمور
کسنمور عُلقه‌نی قارداشدان آخر اُلفتی وار
گئدنموری نگراندور عزیز قارداشدان
نه گئتماقا نه دونوب باخماقا جسارتی وار
عجیب نظم وئرورسن کلامه ای «ذهنی»
حسیندندی که طبعون بئله مهارتی وار

«اوخشاما»

بیر قوش گلور داغ داشدان   خبر وئرور داغ داشدان
قارداش باجیدان دویسا   باجی دویماز قارداشدان

«نوحه زنجیرزنی - جوشی سینه‌زنی - رجز»

ای اولان اللّه یولوندا تشنه قربان الدخیل
گلموشوک درگاهوه ای شاه عطشان الدخیل

ای باتان کرب‌وبلاده ظلمیله اوز قانینه
پیکر پاکی دوشن باشسیز بلا میدانینه
ای دگن دورت مین یارا بیر سینه‌ی سوزانینه
ای قوری یرلرده لب‌تشنه وئرن جان الدخیل
ای قولی باغلی گزن اهل و عیالی چوللری
ای گئدن شامه جدالرده سر پُر انوری
ای قالان اوچ گون قوری یرده کفن‌سیز پیکری
ای اولان کافوری خاک و غسلی القان الدخیل
ایهاالمظلوم مظلوم ای شهید ابن شهید
یا قتیل العبره مذبوح من حبل الورید
وُردی بو بی‌چاره‌لر دامانوه چنگ امید
ناامید ائتمه امان ای کان احسان الدخیل

جانیمیز قربان اولا یتمیش ایکی قربانوه
چکمرم ال سندن آند اولسون مبارک جانوه
ویرموشوق دست توسل او گوزل دامانوه
بو الیم بو اختیارون کس بو دامان الدخیل
ای گئدن قانلی باشی بزم قماره یا حسین
بی‌مدارایوق بیزه سن ایله چاره یاحسین
شیعه‌لر احوالینه بیر قیل نظاره یاحسین
سندن اوتری اولموشوق چاک گریبان الدخیل
ای کنار نهر علقمده قولی تندن جدا
ای علمدار رشید پادشاه کربلا
غیرتون قربانی یا عباس ابن مرتضا
ای دوشن قولسوز فرات‌اوستونده عطشان الدخیل
خلقی دوتمش بو بلادن خوف و وحشت یاعلی
وقتیدور مردانه ایله بیر حمایت یاعلی
مرد و زن خوفه دوشوب اولدی قیامت یاعلی
یا علی‌المرتضی ای شاه مردان الدخیل

ای باتان محراب ایچینده ظلمیله اوز قانینه
باغلانان قولاّری بیر گبرون جفا فرمانینه
چکمروک ال سندن آنداولسون حسینون جانینه
ایله سن بو درد بی‌درمانه درمان الدخیل
باده‌ی توحید ایچوبدور «شمس» مستوندور سنون
من نه تنها هر دو عالم پای‌بستوندور سنون
اردبیل اهلین بلا دوتسا شکستوندور سنون
الدخیل ای گوشوار عرش رحمان الدخیل



یاحسین، من نه دیوم هجریده قالماخلیقدان
تنگه گلمیش اورگیم غم دِله سالماخلیقدان
تربتوندن الیمه چاتدی منیمده مولا
دویمورام صبح و مسا عطرینی آلماخلیقدان
منی‌ده ایسته اجل پیکی گله قورخوم وار
عمریمون شیشه‌سینه داشینی چالماخلیقدان
«ناصح»

«جوشی سینه‌زنی و زنجیرزنی»

از ما خطا یا اللّه	وز تو عطا یا اللّه
اِغفِر لَنا یا اللّه	اللّه اللّه یا اللّه

هستیم بس خجالت غیر از خطا نکردیم
حُسن عمل برای روز جزا نکردیم
شایسته طاعتی را بهر تو ما نکردیم
ابواب فضل و غفران بر چهره وا نکردیم
اِغفِر لَنا یا اللّه - اللّه اللّه یا اللّه

ای که تو در وجود هر ذرّه تابناکی
آرامش درون دلهای چاک چاکی
ما بنده‌ایم ناپاک تو کبریای پاکی
غیر از عطا چه باید کردن به مشت خاکی
اِغفِر لَنا یا اللّه - اللّه اللّه یا اللّه

یارب به احترام صدق و صفای عباس
یارب به مشگ خشک و خونین لوای عباس

یارب به بازوان از تن جدای عباس
یارب بر آن شکسته قدّ رسای عباس
اِغفِر لَنا یا اللّه - اللّه اللّه یا اللّه
یا واهب الهَدایا یا باعث البرایا
یا قاضی المنایا یا کاشف البلایا
یا مُجزی العطایا یا سامع الشکایا
یا منتهی الرّجایا یا غافر الخطایا
اِغفِر لَنا یا اللّه - اللّه اللّه یا اللّه
وئرّوک قسم حسینون شهزاده اکبرینه
قرآن یولوندا قانه آغشته پیکرینه
اوچ پر اوخا نشانه ششماهه اصغرینه
قوش‌تک او تشنه طفلون مجروح حنجرینه
اِغفِر لَنا یا اللّه - اللّه اللّه یا اللّه
یارب بر آن گلی که خارش ز خیزران شد
یارب بر آن لبی که بر طشت خونفشان شد
یارب به غنچه‌ای که از خیزران خزان شد

یارب به بلبلی که زین غصّه بر فغان شد
اِغفِر لَنا یا اللّه - اللّه اللّه یا اللّه

وئرّوک قسم او باشه تابوتی اولدی نیزه
قرآن یولوندا ائتدی کفّاریله ستیزه
اولدی گوزل وجودی آماج تیر تیزه
صدپاره دوشدی نعشی گودال غصّه‌خیزه
اِغفِر لَنا یا اللّه - اللّه اللّه یا اللّه

«شاه‌بیت زنجیرزنی»

زبانحال حضرت صغری علیهاالسلام

گل گوزلریم فدا اکبر هایانداسان
صغران باجون سنی گوزلر هایانداسان



حضرت علی اکبر علیه‌السلام

ای مهربان بالا آچ قانلی گوزلرون
یاندیم جوان بالا آچ قانلی گوزلرون

«برپاشدن یوم‌محشر و جریانات امام‌حسین علیه‌السلام»

نوحه زنجیرزنی - جوشی سینه‌زنی

عرصه‌ی حشره حسین قانینه غلطان گله‌جک
ائتمگه شیعه‌لرون دردینه درمان گله‌جک

دونه‌جک روی زمین کوره‌ی حداده او گون
اهل محشر گله‌جک ناله و فریاده او گون
بیر بئله وقته حسین‌دور یتر امداده او گون
جمله مجرملریچون شافع عصیان گله‌جک
بیر طرفده دوراجاق باشلاری الده شهدا
بیر طرف صف چکه‌جک قوللاری باغلی اسرا
قویاجاق عرصه‌گه حشره قدم خیرالنسا
حقّیدن ایستیه‌جک عدلیله دیوان گله‌جک

دوتاجاق الده حسینون او کسوک اللرینی
بَجدلون کسدیگی انگشتیله انگشترینی
ایکی بازوی ابوالفضل وفاپرورینی
آیری محشر ائده‌جک خلقه نمایان گله‌جک
دوتاجاق قائمه‌ی عرشی او خاتون جزا
دییه‌جک بار خدایا بو حسین بو شهدا
عفو قیل هرکیم عزا ساخلیوب عالمده اونا
تعزیه‌دارلره مژده‌ی غفران گله‌جک
انتقام ایستیه‌جک حضرت زهرا او زمان
تا معذّب اولاجاق خصم‌لری پیر و جوان
خولی و حرمله و شمر و عمرسعد و سنان
دمبدم اونلاریچون شعله‌ی نیران گله‌جک
کاتبا غم یمه گر اولسا گناهون نه‌قدر
اولو شافع سنه اول پادشه تشنه جگر
ثبت قیل دفتره محنت‌لرینی شام و سحر
تا الونده اولا محشر گونی عنوان گله‌جک

«خطاب به مخالفان تعزیه»

ایا مخالف بزم عزا حسینی تانی
حسیندی شافع روز جزا حسینی تانی
پیمبرین نوه‌سی نور دیده‌ی زهرا
زکیّه نفس و شه کربلا حسینی تانی
حسینه حضرت آدم اوزی دیوب نوحه
سالوبدی عالمه شور و نوا حسینی تانی
حسیندی شافع محشر حسیندی جلوه‌ی حق
گوزل آدی هامیا آشنا حسینی تانی
حسیندی عشق مدارینده امتیاز آپاران
بلالی عرصه‌ده غرق بلا حسینی تانی
عزیز حضرت زهرا غیور بی‌همتا
شهید نامور نینوا حسینی تانی
آتاسی حیدر کرار امّید محرومان
زعیم نیک‌روش باوفا حسینی تانی

مقدّس آدی اولان دین حقّه پیرایه
رسول اکرمه اعظم فدا حسینی تانی
یگانه مرد فداکار مکتب توحید
حریم عشقیده دوز رهنما حسینی تانی
حقارتیله حسین یاسینه نظر سالما
فقیه پاک‌لقا مقتدا حسینی تانی
سرور شادی دلها چراغ محفلها
حقیقت عاشقی مرد خدا حسینی تانی
گئدن جلالی الیندن یاریم گون عرضینده
اولان تمام بلادن رضا حسینی تانی
ویروبدی کلّ جهانه لوای آزادی
اودور که جلوه‌لنور گون به گون جهاندا آدی
وجود عالم ایجاده رهنمادی حسین
علینون اوغلی هامی عالمه آقادی حسین
خلوص نیّتیلن کیم یاپوشسا دامانین
طبیب حاذق هامی دردلره دوادی حسین

یگانه رهبر بنیانگذار حریّت
شریک محنت و غم یار باوفادی حسین
حریم عشق عدالتده منبع حسنات
آتاسی حیدره مظهردی باسخادی حسین
حضور حقّه یاشیل شیشه‌ده گئدن قانی
غریق بحر دِما عاشق خدادی حسین
علی نشانه‌سی بی‌باک یوم عاشورا
شجاعت عالمی چون شاه لافتادی حسین
سلوک صبری قویان کائناتی حیرتده
نقدری گلسه بلا قلبیدن رضادی حسین
دچار صاعقه دشت بلاده سرگردان
عبید صالح و لب‌تشنه جانفدادی حسین
او قدری واردی حسینون جهاندا خواهانی
گوزل آدی بوریوب گون مثالی دنیانی
محرّم آئیدی رسم و قرار حسینچیلره
اولار حسینی چاغیرماق شعار حسینچیلره

حسین حسین دئمگی سهل سانما ای غافل
حسین اوزی یتوروب اعتبار حسینچیلره
زمان نوحه‌سرا دهه‌ی محرّمده
ملکلر عرش خدادن باخار حسینچیلره
آناسی فاطمه زلفین آلار اله آغلار
اودا ائدر اوزونی همقطار حسینچیلره
همیشه حال مکدّر محافل غمده
حقیقی گوزیاشیدور افتخار حسینچیلره
دیورله روز قیامتده موقع دشوار
کمک ائدر اوزی پروردگار حسینچیلره
لجام عشقی چکوب گور هارا بو عاشقلر
یازوبلا یوخدی قیامتده نار حسینچیلره
حسینون عاشقین البته اوددا یاندیرماز
محل آتش اولار لاله‌زار حسینچیلره
اودور که عادت ائدوب شعر یازماقا دهقان
اوزونی بزم عزاده قوشار حسینچیلره

ورد مقابله دستجات

«ورد اوّل»

ای شیعه بو آی دشمن دین حقّین امامین
ئولدوردی قالان عترتی غرق مُحن اولدی
قالمیشدی کفن‌سیز بدنی گون قاباقیندا
زهرا قیزینون زلفی او جسمه کفن اولدی

«ورد دوّم»

ای شیعه بو آی باد خزان کرب‌وبلاده
زهرا گل و گلزارینه شدّتله اسیلدی
شش‌ماهه علی‌اصغری اوخلاندی سو اوسته
عباسون اوزون قولاّری ظلمیله کسیلدی

«ورد سوّم»

ای شیعه قرا باغلا خانم اجروی وئرسون
ظلم اُموی اوج ائدوب افلاکه دایاندی
جان وئردی علی‌اکبری عطشان سو یانیندا
دامادون الی طوی گونی القانه بویاندی

«ورد چهارم»

ای شیعه آلوبسان نه، عقیدوندن آلوبسان
خردا اوشاقین اوپ او گوورمش سینه‌سیندن
طاغوتی سالوب یاده عقیدون قوی اولسون
محو اولدی نجه گور بولارون ناله سسیندن

السّلام علیک یا عبدالصالح

ز هر جا می‌رسد بوی ابوالفضل
جهان مست از گل روی ابوالفضل
بنفشه با تمام دلربائی
ندارد عطر گیسوی ابوالفضل
هلال نو اگر خواهی ببینی
نگه کن طاق ابروی ابوالفضل
هزاران سوسن و ناز شقایق
نمی‌ارزد به یک موی ابوالفضل
شود هر محفلی را یک سخنگو
بود زینب سخنگوی ابوالفضل
چه سرّی در دل زینب نهان است
که می‌بوسد ز بازوی ابوالفضل
همی گوید به هنگام نوازش
بنازم خلقت و خوی ابوالفضل

هرآن‌کس را که دردی‌ناعلاج‌است
بیاید عاقبت سوی ابوالفضل
مریضی دارم اندر کُنج خانه
شفا خواهم ز داروی ابوالفضل
بگو رحمان به ردّالمطلع عشق
جهان مست از گل روی ابوالفضل



گلزار امامتده آچان یاسه‌دی عشقیم
گنجینه‌ی اسرارده الماسه‌دی عشقیم
عالم اولا بیر کفّه‌ده، مندن باش اولانماز
چون باش یارانام حضرت‌عباسه‌دی عشقیم
((؟))

به مناسبت فرارسیدن ماه‌محرّم

شیعه باشلاندی گینه یاسی ابوالفضل آقامون
یاده دوشدی غم عظماسی ابوالفضل آقامون
هر قرا پرچمین اوستونده آدین گورسه ئوپر
کیم اولا عاشق شیداسی ابوالفضل آقامون
آناسی فاطمه حتماً قاپی آغزیندا دورار
هر مکاندا قورولا یاسی ابوالفضل آقامون
عبد صالح لقبین حق اونا اعطا ائلیوب
چونکی وار رتبه‌ی والاسی ابوالفضل آقامون
دوگسه هرکیم قاپوسین صدقیله قُوماز قاپودان
حُرّی چون قُومادی مولاسی ابوالفضل آقامون
دامنیندن یاپوشان سائلی مأیوس ائلمز
بسکه پاکیزه‌دی احساسی ابوالفضل آقامون
چاره‌سیز دردوه درمان ائلیر شک ائلمه
گوشه‌ی چشمیله ایماسی ابوالفضل آقامون

شبهه‌سیز مرده‌ی صدساله‌نی احیا ائلیر
دم جانبخش مسیحاسی ابوالفضل آقامون
قدرت معجزه‌ده حضرت موسانی کئچر
معجزات ید بیضاسی ابوالفضل آقامون
او کسیک اللریلن حتمی دوتار اللروی
واردی چون سیرت زیباسی ابوالفضل آقامون
آتاسی شیر خدا مثلی جهاندا تکیدی
غیرت و صولت و تقواسی ابوالفضل آقامون
یاز قلم حُسنیده مین یوسفی باطل ائلیر
هاشمی خال دل‌آراسی ابوالفضل آقامون
گوز آچاندان گونی واله ائلمیشدی اوزونه
بدر کامل کیمی سیماسی ابوالفضل آقامون
ای قلم گلدی آدون دوشدی قلم قول یادیما
یعنی بازوی توانای ابوالفضل آقامون
ئوپدی خنجر نجه که حیدر ئوپن اللرینی
قالدی خولسوز قد طوباسی ابوالفضل آقامون

او هیاهوده گلوب صاق‌گوزون اوخ بوس ائلدی
سوزولوب نرگس شهلاسی ابوالفضل آقامون
گوزی الله یارادوب گورمگیچون گورمدی گوز
دوتولوب دیده‌ی بیناسی ابوالفضل آقامون
اللری اولمادی گوزدن چیخادا اوچ‌پر اوخی
چوخ چتیندور بو معمّاسی ابوالفضل آقامون
داش آتانلار یغیشوب دوره‌سینه داشلادیلار
بیر بئله موقع حساسی ابوالفضل آقامون
ال گئدوب گوز گئدوب الدن، یوخ الیندن دوتانی
تنگ‌اولوب عرصه‌ی هیجاسی ابوالفضل آقامون
قولسوز حالتده گلوب نوفل اونون کسدی یولون
چوخالوب محنت و ایذاسی ابوالفضل آقامون
اَندیروب آهن عمودین او سپرسیز باشینا
تتردی قامت رعناسی ابوالفضل آقامون
سجده‌گاهی داغیلوب قاشلار انوب گوز یرینه
پوزولوب حالت سیماسی ابوالفضل آقامون

علمی تک بدنی صاق صولا لنگر ائلدی
قالمادی جسمیده یاراسی ابوالفضل آقامون
اوجا قامت اوجا یردن یره قولسوز یخیلوب
داغیلوب دوغرانان اعضاسی ابوالفضل آقامون
هامی عطشانلاری سیراب‌ائلین قالدی سوسوز
وئردی جان اولمادی سقاسی ابوالفضل آقامون
کاش اشعار صبانی اوزی تأیید ائلیه
وریلا ذیلینه امضاسی ابوالفضل آقامون



ئولنده اکبریم کام دل آلدیم
مقام قربیده قارداش اوجالدیم
دوشنده پنجه‌سیز سن مرکب اوستن
ابوالفضلیم بئلیم سیندی قوجالدیم

«جوشی»

گیموشوک قاره‌وی ای صاحب مشگ و علم
گلموشوک ماتمووه ای قولی تندن قلم
هاموموز مبتلا - عاشق کربلا
یااباالفضل، یااباالفضل

یا ابافاضل ای بند دل مرتضا
آستانوندی سنون شیعووه باب رجا
عبد صالح لقبون جانووه جانلار فدا
ایسته بو شیعه‌لری قبرووه ای محترم
هاموموز مبتلا - عاشق کربلا
یا اباالفضل - یا اباالفضل
قان دولان گوزلریله مجلسه باخسون گوزون
کیم مخالفدی بیزه ایله مجازات اوزون
درگه حقده سنون چون یره دوشمز سؤزون
سائل درگهووک سن آقا صاحب کرم
هاموموز مبتلا، عاشق کربلا - یااباالفضل یااباالفضل

ای سو اوستونده وئرن ظلمیله صاق و صولون
دینه ایثار ائلین جنگیده بیر بیر قولون
قانلی قولاریله آچ کرب‌وبلانون یولون
گوزل آدوندی بیزیم ازبریمیز دمبدم
هاموموز مبتلا، عاشق کربلا - یااباالفضل یااباالفضل
آند وئرّوک سنی بیز غملری چوخ زینبه
حامی اول اول کسه که حامی اولوب مذهبه
خادموک بیز هاموموز دوز یولا دوز مکتبه
کیم مرید اولسا سنه کج یولا قویماز قدم
هاموموز مبتلا، عاشق کربلا - یااباالفضل یااباالفضل
خدماتون چوخ اولوب عترت پیغمبره
چوخ چالیشدون وئره‌سن سو سارالان گللره
سو کنارینده سنی یخدیلار آتدان یره
منتظردور یولووا ایندیده اهل حرم
هاموموز مبتلا، عاشق کربلا - یااباالفضل یااباالفضل

«جوشی سینه‌زنی - نوحه زنجیرزنی»

ای باجی موسیِ عشقی گتورور شوره بو یر
کربلادور آدی فخر ایلیه‌جک طوره بو یر

من بو صحرایه باجی گلم‌میشم اوز باشیما
وئرمرم نکته‌سینی هم سنه هم قارداشیما
آغلادور شوق منی باخماگیلان گوزیاشیما
مژده‌ی وصل وئرور چون دل مهجوره بو یر
مِی وحدتله باجی مستیدی یتمیش ایکی جان
گلدی بو عالمه آلدی او مئی بوردا نشان
بیر کسون گلمز او نشئه باشینا ایچمسه قان
ایچدیرور قان اودی هر تشنه‌ی مخموره بو یر
حکم قتلیم یازیلوب محضر جاناندا باجی
اولموشام راضی همان حکمه او میداندا باجی
باش و جانیله وارام من سر پیماندا باجی
چکدیرور قرمزی قاندان خط منشوره بو یر

وئرمیشم دل باجی باش وئرمگه عباسیمیله
عونیله جعفریله اکبریله قاسمیله
گل نسرینمیله نسترن و یاسیمیله
بیر گلستان اولی هر بلبل پر دوره بو یر
هوس وصلیله باجی دل شیدا خوش اولور
غم و درده اولا هر باشدا بو سودا خوش اولور
اکبرون قانه بویانماقینه لیلا خوش اولور
یتورور عاشق مهجوری او منظوره بو یر
الیم اوسته گرک اصغر باجی میدانه گله
تا که نمرودین اوخ آتماقینه عنوان دوزه‌له
تشنه اوخلانماسا گلمز هامی مقصودیم اله
بیر مبین‌دی همان قصّه‌ی مشهوره بو یر
نقد جان الده باجی مجلس یاره گئدرم
چکسه جانان اوزی هر شهر و دیاره گئدرم
اوز کسوک باشیمیله من سرِ داره گئدرم
پایدار اولماقیمی بیلدیری منصوره بو یر

آختاروردوم باجی نور اللهیه فیض حضور
گتورن باشه بو شوری دگو جز جلوه‌ی نور
گئدرم دیر نصارا اولا یا کنج تنور
یتوروبدور منی صد شکر همان نوره بو یر
بو آی اولدوز که باجی دوره‌ی مهره دوزولوب
هامی روشندل و افروخته چهره دوزولوب
اولاری که باجی بیر رشته‌ی مهره دوزولوب
مخزن حاصل اولی هر لؤلؤ منشوره بو یر
«صافیا» ایلمه بیجا یره تحقیق و بیان
کربلاده اولان اسرار دگل غیره عیان
بو شرافتده یر اولماز اونا لایقدی هر آن
تپراقین سُرمه ائده گر بصرِ حوره بو یر
«شاه‌بیت»
باجی گلستانه بنزر بو یرون عجب هواسی
اولی بلبلی سکینه گُلی اکبرون یاراسی
«کاتب»

«رجز - جوشی»

باجی حسینون عهدائدوب بو یرده امتحان‌وئره
گرک حقیقت عاشقی حقیقتین نشان وئره
حقیقت اوسته جان وئره

گرک بیر امتحان وئروب سالام جهانی حیرته
او سینه‌ای که کنزدور معانی حقیقته
بو چولده مخزن ایلیم سپاه بی‌مروّته
او قدر اوخ دگه نه بیر حساب اولا نه سان وئره
ازل بو عهدی ائتمیشم قورام بو یرده بزم راز
دوشم یارالی قان آرا ائدم حبیبیمه نیاز
تاپولماسا وضویه سو قیلان زماندا من نماز
نفس چکنده سو کیمی سنان یاراسی قان وئره
بو عرصه‌نون حوادثی مُحیّرالعقولدور
نئجه حوادث اوز وئره حسینووه قبولدور
بو جاندان آرتوق اکبریم که مظهر رسولدور

گوزوم ائوینده قان‌آرا گرک بو چولده جان‌وئره
جهاندا بذل جان فقط بیر عشقیچون ثباتیدور
که اهل عشقین ئولمگی ئولوم دگل حیاتیدور
نظرده یوخدی باش و جان بولار مقدّماتیدور
گرک حسین اوز عترتین اسیر کوفیان وئره
گرک گون اوزلی قیزلاریم اسیر شامیان اولا
فرنگ و روم اسیری تک اولا جفایه مبتلا
سکینه هر زمان ائدوب فغان دئسه بابا بابا
گرکدی قمچی تسلیت او زاره هر زمان وئره
گورنده قانلو نعشیمی یر اوزره پاره پاره سن
نه سیلی وور یوزه نه گل فغان و آه و زاره سن
بو چولده قویما جسمیمی گون‌اوزره قوی مزاره سن
ولی بو شرطیله اگر سنان و شمر امان وئره
گورنموسن که توز قونوب یوزومه ایله سن فغان
ندور علاجون ائتسه‌لر باشیمی زینت سنان
گرکدی بیر گئجه ائده بو باشی خولی میهمان

جدا باشیندان اندیروب تنوریده مکان وئره
بو عهدی ائتمیشم باشیم گئده یزیده ارمغان
یزد مجلسینده تا ائده حقیقتی عیان
ائدنده قانلی لبلریم کلام حقّیدن بیان
حضور خاصّ و عامده جواب خیزران وئره

«زوّارلر دلیجه»

یاحسین محضرووه دلدن آلیشدیم گلدیم
گوزیاشیم کوسموشیدی منله باریشدیم گلدیم
آند وئردیم سنی اول قدری آنون فاطمیه
دعوتیم لطف ائلدون منده چالیشدیم گلدیم
شوق وصلون باشیما ایللریدی دوشموشیدی
درّه‌لر دالدا قویوب تپّه‌لر آشدیم گلدیم
آبروئیم یوخودی درگهووه یوز چوورم
اذن وئردون آقاجان خلقه قاریشدیم گلدیم
«ناصح»

«رجز - جوشی‌سینه‌زنی - نوحه‌زنجیرزنی»

شیعه راحت یاتار اولاد پیمبر بو گئجه
چون سلامتدی جوانلار هله یکسر بو گئجه

کئچمیوبدور هله ظلمیله چراغ نبوی
یاتمیوبدور علم باحشم مصطفوی
دوشمیوب وحشته اهل حرم مرتضوی
ائتمز اندیشه هله عترت حیدر بو گئجه

العطش صوتی عجب خیمه‌دن عرشه دایانور
گه یاتار خردا اوشاق راحت اولور گه اویانور
قورخی یوخ الده قلج، دور خیامی دولانور
چون کشیکچیدی ابوالفضل دلاور بو گئجه

اَسمیوب باد خزان گلشن لیلایه هنوز
چیخمیوب واولدا صوتی ثریایه هنوز
دوشمیوب اکبرینون پیکری صحرایه هنوز
هله نازیله یاتوب خیمه‌ده اکبر بو گئجه

چکمیوب تازه گلین حجله‌سینه قاره هله
هاردا دامادین اولوب پیکری صدپاره هله
گوشواره هانی غارت اولا اشراره هله
طوی تدارک ائدوری قاسمه مادر بو گئجه
بالا داغینده هله یانموری اودلاره رباب
هله بیلمور بوغازین اوخ ائده‌جک یاره رباب
بالاوای سؤیلموری بیکس و آواره رباب
هله گهواره‌ده ساکت یاتوب اصغر بو گئجه
هله زینب بو گئجه قارداشیله خلوت ائدر
حسرتیله نجه شیرین دانیشور صحبت ائدر
گاه هاجر کیمی اوغلانلارینا زینت ائدر
باتمیوب یاسه هله مادر و خواهر بو گئجه
آلمیوب شمر جفاجو الینه خنجر هله
شاه دین سینه‌سینه چیخمیوب اول کافر هله
ائتمیوب لرزه زمین تیتره‌میوب گوگلر هله
نه هوا تیره نه اسمیش قره یِللر بو گئجه

خیمه یاندیرماقا اعداده هانی جرئت هنوز
اولمیوب رخت و اساس شه دین غارت هنوز
زینبی وورماقا دشمنده نه وار قدرت هنوز
اولمیوب ماه مدینه هله مضطر بو گئجه

نه علی قیزلاری قول باغلی اولوب ناقه‌سوار
نه ویروب سلسله سجّاده هله قوم شرار
گلمیوب قتلگهه اهل حرم با دل زار
اولمیوب کرب‌وبلاده هله محشر بو گئجه

نه بدن یرده یارالی نه کئچوب نیزیه باش
ساربان ظلمونه گوزدن نه توکوب فاطمه یاش
ای خدا عالمی بو ظلمیله ویران اولا کاش
نه سحر گلمیه نه اولمیا آخر بو گئجه

بو گئجه وقتی «غریق» ایله گریبانوی چاک
او قدر باشه ویروب آغلا اوزون ایله هلاک
عرض‌قیل ای شه لب‌تشنه حسین روحی‌فداک
قبریوه ایسته بو حضّاریوی یکسر بو گئجه

نوحه سینه‌زنی - جوشی زنجیرزنی

ترکیب‌بند عاشورا

گوردی الینه قیزلار آلوب جام علی‌اکبر
آخر گئجه گئتدی سووا ناکام علی‌اکبر

عمامه‌ی پیغمبری ابروسینه اندی
دلبند حسین صفلره دوندردی سمندی
دلدن اوجالوب گوگلره تکبیر بلندی
شمشیری دولاندیردی علی تک علی‌اکبر
باشلاری توکوب تپراقا دلبند پیمبر
سرکرده‌لرون تیغ دوسر ووردی بئلیندن
قویمازدی کناره چیخا راه عجلیندن
دورت‌مین اوخ آتان اوخلارینی آتدی الیندن
اولسون بو جوانلار سنه قربان علی‌اکبر
دیوانه ائدن شیعه‌لری جان علی‌اکبر

خدمت ائلدون آیه‌ی قرآن مبینه
مردانه فدا ائتمگه جان پرچم دینه
تلّ اوسته تماشایه دوروب شاه مدینه
اکبر سنی ال باشدا دعا ائتدی سکینه
گلدی صودامر اصغرینی آلدی الینه
اکبر سسینی آلدی آنا خیمه‌سراده
گلدی الی قوینوندا خانم ناله و داده
لیلا دئدی فرصت یتیشر قوم عناده
عطشاندی کومکسیزدی بالام قانلو مناده
طوفاندی الٰهی بو گئجه کرب‌وبلاده
لیلا ال آچوب درگه والایه چکوب آه
سالم یتورن یوسفی یعقوبینه اللّه
ای صاحب درگاه اولان قلبیدن آگاه
اللّه بالامی حفظ ائله سن تیغ بلادن
سالم بالامی گلدی گوروم قانلو منادن

گلدی خانمون ناله‌سینه یاندی سکینه
عرض ایلدی احوالوه اودلاندی سکینه
لیلا آنا گوزیاشوه قرباندی سکینه
قان آغلاما غیرتلی عموم واردی دلاور
صدقیله دخیل گئت اونا سالم گلر اکبر
سن اللری قوینوندا دایان خیمه دالیندا
گورسون منی غیرتلی عموم غملی حالیندا
من خورداجا قیزلاری دوزوم صاق و صولیندا
گلدی دییه دردین گئجه دربار حسینه
لیلانی دخیل گتدی علمدار حسینه
دریای ادب کان شجاعتدن اوتاندی
تا خیمه دالیندا الی قوینوندا دایاندی
قلبی یارالاندی گوزی یولدا نگراندی
قویدی قدمین خیمه‌ی سرداره سکینه
گوزیاشلی سلام ائتدی علمداره سکینه

عرض ایلدی سرلشگر اسلامه اماندور
اکبر گئجه‌نون وقتی گئدوب جنگه جواندور
لیلا آناما آتش هجرانی یاماندور
جنگون گییمون گییدی علمداری حسینون
میدانه گئده یار و هواداری حسینون
قارداشلارینی باشینه جمع ائتدی او ساعت
مرکوبه سوار اولدی او دریای شجاعت
آت سالدی قوی پنجه جوان شیر امامت
گورسندی بو اون دورت گئجه‌لیک ماه منوّر
تلّ اوسته نظر سالدی او ضرغام غضنفر
شهلا گوزونه اولدی عیان مرد سیاهی
بیر نعره چکوب شیر ژیان دلدن الٰهی
آغلاتدی همان نعره سرِ تلّیده شاهی
شه دوردی ایاقه دئدی جان شیریم ابوالفضل
سقای حرم جنگیده شمشیریم ابوالفضل

اکبر غمی دولموشدی دل شاه حجازه
قارداشلاری یانینده وزیر آلدی اجازه
اعدادن آلوب شطی علی‌اکبری تازه
اندی ائلیکه تلّیدن عباس هنرور
مانند علی فتح ائلیوب قلعه‌ی خیبر
مردانه خیامه گتورور سو علی‌اکبر
آهسته دییر اوز اوزونه جان علی‌اصغر
سولدی نجه یاندی آلیشوب خرداجا لبلر
گوردی یولی بیر عده سواره کسوب اللّه
سسلندی سیاهی گئجه‌نون وقتی اول آگاه
گر کرب‌وبلا لشگریلن دولسا سراسر
شمشیره چکر صفلری تنها علی‌اکبر
تلّ اوسته تماشایه گلر شیر دلاور
قوللارین آچوب گلدی دله جان علی‌اکبر
جانیم اولا بو غیرته قربان علی‌اکبر

«نوحه زنجیرزنی»

ایلرم سنی دعا گلمیشم دخیل عمو
اکبریم گئدوب سووا گلمیشم دخیل عمو

گلمیشم بو درگهه چون خدا رضاسی من
اولموشام بو ورطه‌ده غملر آشناسی من
ال آتوم او دامنه گوزلرون فداسی من
ایلیور آنام نوا گلمیشم دخیل عمو
شاهزاده قیزلاری جمع ائدوبدی باشینه
یاندی قلبیم ای عمو گوزده قانلو یاشینه
دولدی ناله عالمون دشت و داغ داشینه
ای غیور باوفا گلمیشم دخیل عمو
سندن اکبری عمو ایستورم بو نصف شب
دوره‌سین آلوب اونون کوفیان بی‌ادب
قورخورام شهید ائده رزمگاهیده عرب
سالما باشیمه قرا گلمیشم دخیل عمو

قوی آتوم ایاقوه معجری علاج ائله
خیمه‌ده عمو آنام زلفلرین آلوب اله
راضی اولما اکبریم تک یارالانوب ئوله
قلبیمه دگر یارا گلمیشم دخیل عمو
سن بو بارگاهیمون جنگجو وزیری‌سن
دادگاه حقّیمون منشی دبیری‌سن
هاشمی جوانلارون شیردل امیری‌سن
ای جوان مه‌لقا گلمیشم دخیل عمو
کوفیان هراس ائدر گورسه مه جمالوی
پهلوانلار ای عمو گورمیوب قتالوی
گئت گتور جوانیمی حقدن آل مدالوی
آل اله اوزون لوا گلمیشم دخیل عمو
سالم اکبریم گله خیمه‌گاهه شاد اولام
راضی اولما زلفومی نصف‌شب عمو یولام
اکبریم باتا قانا منده گل کیمی سولام
ایله دردیمه دوا گلمیشم دخیل عمو

«نوحه‌زنجیرزنی - جوشی‌سینه‌زنی»

کیمدی گلدی گئجه‌نون عالمی درباره دخیل
دئدیلر اکبر آناسیدی علمداره دخیل

آستانونده دخیلم سنون ای شیر ازل
مشگلیم واردی منیم مشگلیمی ائتگیله حل
نوجواندور بالام هئچ گورمیوب عمرینده جدل
لیلی باعث اودی گلمیش در سرداره دخیل
اکبریم گئتدی سووا تاپدی اونون گلمگی طول
اولموشام من او سببدن بئله غمگین و ملول
چون عرایض اولی بو باب‌الحوائجده قبول
باخماسون عرضینه گئتسون هارا بیچاره دخیل
واسطه الده واروم درگهوه معجریلن
نازپرورده سکینه هم علی‌اصغریلن
خاطرین آل نظره حفظِ علی‌اکبریلن
ایکی نوگُلدی گلوب باب سپهداره دخیل

ایستدی اکبرین عباس علیدن لیلا
وئردی لیلایه تسلّی دئدی ائتمه پروا
عزم ائدوب نهره طرف اول خلف شیر خدا
منتظر قالدی در خیمه‌ده دیداره دخیل
وسط راهده ناگه که طلوع ایلدی ماه
گوردی شهزاده یول اوستونده سپاهی ناگاه
سسلدی گلمه سیاهی عطشیندن باالله
گلوب عباس عموما اصغر مه‌پاره دخیل
بیرده سسلندی سیاهی بو قدر ائتمه هجوم
خیمه‌لرده عطشیندن یانار اطفال عِموم
بو خیام ایچره واریمدور منیم عباس عموم
سسلرم دادیمه اولاّم او وفاداره دخیل
یولومی کسمه سو مشگین آپاروم خیمه‌لره
قیمتی چوخدی یتورسم اونی گر تشنه‌لره
تشنه سیراب ائلمک اجرینی سن آل نظره
قویما اولاد پیمبر گئده کفّاره دخیل

گتوره بیلمدی طاقت داخی عباس رشید
نور دیده نیه گلدون دئدی بی‌یار و وحید
نه قدر اولمامیشام دشت بلا ایچره شهید
قویمارام عترت طاها اولا اشراره دخیل
عمو قارداش بالاسین سینیه با آه و نوا
جان کیمی چکدی او مه پیکرینی سینیه تا
گورجک اکبر عموسین ایلدی تعظیم و ثنا
گلدی گلمیشدی نجه لیلی آواره دخیل
سس دوشوب گتدی علی‌اکبر علی‌اصغره سو
عربستان اولا، عطشان اولا بیرده گوره سو
کشمکش اولدی سو اوسته داغیلوبدور یره سو
او یانان سینه‌لری دوشدیله قوملاره دخیل
بارالٰها اولا درگاهوه بی‌حد و سپاس
امر قیل مشگلیمی حل ائلسون سرور ناس
«ناطقون» دردینه تئز چاره بویورسون عباس
اولماسون گر گئدرم عابد بیماره دخیل

حالات شهادت حضرت‌علی‌اکبرعلیه‌السلام

واردور شکایتیم فلک کج‌نگاهدن
کج باخسا هر ائوه یخاجاق گاهگاهدن
کج باخدی یخدی آل علی خانمانینی
واللّهی قویمادی اثر اول بارگاهدن
گتدی شه حجازی بلانون دیارینه
اوزدی الینی جاه و جلال و سپاهدن
دوغراندی نوجوانلاری شمشیرلن تمام
قان نهر تک آخاردی چوله قتلگاهدن
پس بیر یره یتیشدی او شاه شهون ایشی
ال چکدی بیر شبیه رسول الهدن
نیّت ائدوب سوسوز اونی میدانه گوندروب
کیم ال گوتوردی بیر بئله آهو نگاهدن
گوندردی دوغرادیلا اونی لشگر زنا
قان چشمه آخدی او زرین کلاهدن

میداندا دوغریاندا تماشایه چیخدیلار
اهل حرم آیلمادی لا آهی آهدن
ویردوقجا سسلنوردی جماعت یاواش ویرون
رحم ایلیون آنام باخوری خیمه‌گاهدن
ئولدورمسوز اگر بیلورم ئولدورر منی
بو یاره‌لر سالوبدی منی تاب آهدن
باری چکون کناریده سیز ئولدورون منی
آلدوز قرار و صبر شه بی‌پناهدن
ناگه یتیشدی منقذ بی‌دین کمین ائدوب
مین جان آلوب دوباره او حال تباهدن
چوخ زوریلن ویروب قلج اگلشدی باشینه
شق‌القمر کیمی آیروب ماهی ماهدن
تأیید شاه أولماسا ائتمز یقین ظهور
بیر بیله سؤز «ذلیل» کیمی روسیاهدن

«نوحه زنجیرزنی و سینه‌زنی»

سُرادقدن علی‌اکبر اولاندا رزمه آماده
نه حالت قویدی زینبده نه طاقت قالدی لیلاده

اوغول اذن ایستدی میر حرمدن جنگه عزم ائتسون
حرملر دورینی دوتدی دییردی قویماروق گئتسون
قیامت آز قالوبدور بو کشاکشدن ظهور ائتسون
باجی دوتموشدی دامانین آنا گلمیشدی فریاده
ائشیتدی خیمه‌ده لیلا بالاسی اذن جنگ آلدی
اوتوردی قلبی اود دوتدی دوروب رفتاریدن قالدی
غلط مشهوریدور لیلا او ناکامه کفن سالدی
حیا قویمازدی چیخسون خیمه‌دن لیلا او اثناده
او ناکامه وئرن زینت او صحراده حسین اولدی
دولی گوزله باخوبدور گوزلری خونباریلن دولدی
دئدی ای نخل گلزاریم گُلون بَر وئرمه‌میش سولدی
ئولونجه گوزلریم حسرت قالار بو قدّ رعناده

دونوب عرض ائتدی گل عمه کناره گیزلین عرضیم‌وار
بو سرّی ساخلا گیزلین اهل‌بیته ایلمه اظهار
آنام لیلایه سؤیله سندن اوزگه دادرس کیم وار
کنار ائتمه اوزوندن قویما ویرسونلار بو صحراده
سنون صبرون بلالرده آنون زهرادن آرتوخدور
منیمده بیر آنام لیلادن اوزگه نسگلیم یوخدور
اونی چوخ قویما ویرسونلار منیم دردیم اونا چوخدور
ئولونجه یا علی سؤیلر چکر ناله گلر داده
سوار اولدی عقابه خیمه‌دن بیر از اوزاقلاشدی
سکینه یوز دالیجان قویدی بیر قارداش دیوب قاشدی
خدایا نه محبّتدور نه‌نوعی باجی قارداشدی
یتیرجک قول بویون اولدی بو شهزاده او شهزاده
دئدی قارداش خیالون وار منی دشمن اسیر ائتسون
دئدی باجی آنام خاتون محشر دادوه یتسون
دونوب گوردی دیر زهرا قزیم قوی قارداشون گئتسون
ائدوب سو حوض کوثردن اونا پیغمبر آماده

دئدی قارداش دایانما گئت سنی اللّهه تاپشوردوم
اوجالمیش خیمه‌لرده ناله‌ی جانکاهه تاپشوردوم
گوزی‌یاشلی جگر داغلی اوغولسوز شاهه تاپشوردوم
بو جسم نازنینون قیل هدف پیکان فولاده
منیم عرض سلامیم ایله پیغمبر حضورینده
سکینه عرض ائدر گلّم صف محشر حضورینده
علی‌اکبر دیینده خالق اکبر حضورینده
تئز آلسون انتقامیم قاتل اکبردن عقباده
بو گون شق‌القمرده بیر نشان ظاهر ائدوب باشون
هلال‌آسا دو نیم ایلر دم شمشیریله قاشون
آخار باشون کسنده هاشمی خال اوسته گوزیاشون
الیم قوینومدا یالوارّام باشون اوستونده جلاده
خداوندا سنی وئرّم قسم اول شاه بی‌یاره
یانان قلب آغلیان گوز اجر کامل وئر بو حضّاره
خصوصاً «واقف» بی‌چاره‌نون قیل دردینه چاره
اونی شرمنده‌ی اهل عیال ائتمه بو دنیاده

«نوحه زنجیرزنی»

او سرو قدّون اولوم فداسی
منی سالوبسان خیاله قارداش
نچون گیوبسن سفر لباسی
مگر گئدورسن جداله قارداش

عجب گلوبسن بو زاره مهمان
گوز اوسته اگلش یرون وار الآن
گرک ائدوم من بو جانی قربان
او سرو قدّ نهاله قارداش

بو غملی قلبی اله گتوردون
اورک یاراسین گلوب بیتیردون
حدیث هجری منه یتوردون
دوباره باتدوم ملاله قارداش

اوزون باخ ایندی بو آه سرده
بو اشک چشم و بو رنگ زرده
نجه سکینه دُؤزر بو درده
بو گونده گلسون زواله قارداش
بو چرخ قویدی منی نه حاله
ئولونجه سالدی غم و ملاله
گلوردی هجرون مگر خیاله
امیدیدیم بو وصاله قارداش
گلوردی بیرجه سنه گمانیم
سن ایندی گئتسون گئدر توانیم
دوشر بلایه غریب جانیم
دونر بو قدیم هلاله قارداش
بوّ نوعی معلوم اولور سؤزوندن
سالورسان آیری منی اوزوندن
گل ایندی بیرجه ئوپوم اوزوندن
فدا او خط و او خاله قارداش

گلوبدی جوشه گوزومده قانیاش
بو آیریلوق چوخ چتیندی قارداش
بو درده دُؤزمم اورک اولا داش
باجون قالوب گور نه‌حاله قارداش

منیم بو حالیم سنه عیاندور
دئمم که گئتمه بیر آز دایان دور
یوزون دویونجا گوروم آماندور
ندور سؤزون بو سؤاله قارداش



یا حسین قلبیمیزه صدق و صفا ایستیوروک
گلموشوک درگهووه دردە دوا ایستیوروک
یولووی آچموسان عاشقلرون اوزلرینه
بیزیده ایسته بو گون کرب‌وبلا ایستیوروک
«ناصح»

«جوشی سینه و زنجیرزنی»

شاهد اول سن ای حیّ لم یزل
ئولمگه گئدور اکبریم منیم
خلق و خُلقیده شبه مصطفی
حُسنیده ملک منظریم منیم

یولاّدیم او مه‌طلعت اوغلومی
قتلگهده جانانه جان وئره
بند بند اولا سرو قامتی
مقتلینده عشقین نشان وئره
پیکرینده سایسیز یارالاری
ایستی قوملار اوستونده قان وئره
قطعه قطعه اولموش جوانیمی
ایسترم گوره گوزلریم منیم

شور و شوقیلن من بو دشتیده
دلستانی دلداره یولاّدیم
دسته باغلادیم زیور ایلدیم
بو قیزیل گُلی یاره یولاّدیم
اکبری فدا ایلدیم سنه
پیشگاه داداره یولاّدیم
ائتدیم آرزو بو هدیه‌دن
کاش اولا رضا داوریم منیم
من دئدیم قوجالسام بو دهریده
تئز دوتار الیمدن جوان اوغول
مهربان آتایه دایاق دورار
هر زمانیده مهربان اوغول
اکبریم گئدور دوغرانا بو گون
قدّیمی ائدر چون کمان اوغول
قامتی قیامت ائدر منه
ایندیدن قوپار محشریم منیم

حقّیدن دفاع ائتمگه بو گون
قتلگاهه اکبر بالام گئدور
آیریلوبدی آل رسولیدن
مصطفایه بنزر بالام گئدور
آغ محاسنی آلموشام اله
ای خدا دلاور بالام گئدور
قول قانادیدی اکبریم منیم
سیندی ظلمیلن شهپریم منیم
مین علیّ‌اکبر کیمین بالام
دین یولوندا دوغرانسا یانمارام
مین علیّ‌اصغر کیمین اوشاق
ظلم اوخیلا اوخلانسا یانمارام
مین رقیّه تک نازنین بالام
خیمه‌گاهیده یانسا یانمارام
حقّیمی قبول ایلمور عدو
یاندیرور منی اخگریم منیم

فکرینون سنه چوخ علاقه‌سی
وار گئجه گونوز آه و زار ائدر
اکبرون آدیلا یازاندا سؤز
بیت و بیتینه افتخار ائدر
نیلیوم علی عشقین آتشی
قلب زاریمی پُر شرار ائدر
سؤیلدی آقام شاهد اول خدا
مقتله گئدور اکبریم منیم

«شاه‌بیت زنجیرزنی»

یولاّدیم دوغرانا یارب علی‌اکبر بالامی
خَلقیده خُلقیده پیغمبره بنزر بالامی

«نوحه زنجیرزنی»

یاتما یاتما اویان، اکبر نوجوان
میوه‌ی قلب مادر، ای شبیه پیمبر
قان دوتان گوزلرون، یاندیرور قلبیمی
ای جوان دلاور، ای شبیه پیمبر
یاتما آرام جانیم - یاتما روح روانیم
ملک غربتده سنسن یاور و همزبانیم

عمریمون حاصلی بیر سنیدون علی
قطع قیلدی امیدیم دشمن آلدی الیمدن
قالدیم آواره من کسدیلر چاره‌می
گور نجه آیری دوشدوم اقربا و ائلیمدن
مهربانیم اوغول نوجوانیم اوغول
تا قیامت اولونجا دوشمز آدون دیلیمدن
مدّت عمریمی صرف قیلدیم سنه
آدیوی ائتدیم ازبر ای شبیه پیمبر

حشره دین آغلارام سینه‌می داغلارام
زلفوه توز قونوبدور بس لباسون نولوبدور
کیم لباسون سویوب بیله عریان قویوب
تپراق‌اوسته‌یاتوبسان گُل‌جمالون سولوبدور
هاشمی خالوه عارض آلوه
قرمزی قان آخوبدور قاره گوزلر دولوبدور
هر زمان یل اسر کاکلوندن دگر
قلبیمی غارت ایلر ای شبیه پیمبر
شانه ویردوم علی کاکل زلفوه
عرصه‌گاه گئدنده لشگرون رحمی گلسون
ویرماسونلار سنی تیر و شمشیریلن
نوجواندور دئسونلر کافرون رحمی گلسون
گل جمالون علی گورسه خنجر اوزی
کسمسون حنجرون تا خنجرون رحمی گلسون
کاش ئولیدی آنون گورمیدی سنی
خاک و خون ایچره بی‌سر ای شبیه پیمبر

اقربالر منیم خاطریم ساخلادی
هر مجالسده اولدوم عزّت و حرمتیلن
هر باخاندا علی فخر ائدردیم سنه
طوی اساسی تدارک قیلمیشام زحمتیلن
ایندی سندن صورا احترامیم گئدر
آغلارام قان اولونجا گوزیاشیم محنتیلن
یوخدی سندن سوای کیمسنم تا اولا
ملک غربتده یاور ای شبیه پیمبر
بوقچادا معجر و زرنگاریم اوغول
ساخلادیم نوعروسون خاطرین ایلرم شاد
بو خیالی که حدّ رشده یتوب
اکبر نوجوانی ایلیم تازه داماد
من طویون گورمدیم بس ندن ئولمه‌دیم
گور نجه ظلم الیلن اولموشام خانه برباد
پوزدی مقصودیمی چرخ دون قلبیده
نسگلیم قالدی یکسر ای شبیه پیمبر

چکدیم اون‌سگّز ایل زحمتون دهریده
حاصل زحمتیمدن بیر سنیدون گمانیم
غرق اولوبسان بئله قانوه ظلمیله
یوخدی باشون بدنده باشوه من دولانیم
یاره‌لی جانوه جان لیلا فدا
گون قباقینده قالدون اولمادی سایه‌بانیم
زلفیمی ایلرم سایبان جسموه
قالمیوب باشدا معجر ای شبیه پیمبر
آرزو حسرتی دیلده قالدی علی
بیرده زوّار اولیدی قبر پاکون اوپیدی
رو به قبله دوروب بیر سلام عرض ائدوب
فیض آلوب محضروندن تا سعادت تاپیدی
آغلیوب گوزیاشین آب نیسان کیمین
محضر انوروندە قبر پاکه سپیدی
جمع حضّاریلن نوحه‌خوانون اولوب
ناطقون الده دفتر ای شبیه پیمبر

«نوحه - جوشی»

زبانحال خانم لیلا به جناب علی اکبر علیه السلام

گوزومون نوری دیزیم طاقتی اکبر بالاوای
گییمین اگنینه طوی خلعتی اکبر بالاوای

نه یامان درده یامان گونلره سالدون آنووی
مثل مجنون ائلیوب چوللره سالدون آنووی
شهر یثربدن ائدوب بیر یره سالدون آنووی
جمعیدور اوردا جهان محنتی اکبر بالاوای
او زمانی که ائدردون منیلن نشو و نما
زلفوه شانه ویراردیم نه محبتله بالا
بیر توکی زایل اولا مادرون اولمازدی رضا
او توکون واردی مگر قیمتی اکبر بالاوای

مین غمون داغ علی بو دل نالانه چکوب
مین طرفدن دوزولوب غم هره بیر یانه چکوب
بالاسی ئولموش آنالار بیلو لیلا نه چکوب
اهل راحت نه بیلور زحمتی اکبر بالاوای

هاشمی‌خالیوه گوگلوم قوشی بند اولموش علی
گردنیمده او قرا زلف کمند اولموش علی
باشوه مسکن عجب جای بلند اولموش علی
آی کیمین وار باشووین طلعتی اکبر بالاوای

بیر دانش گوگلیمی آل ناز ائلمه بسدی اوغول
آنووا رحم ائله بی‌مونس و بی‌کسدی اوغول
باشووی منقذ ملعون نجه کسدی اوغول
اولمامیش یاخشی قاباق زحمتی اکبر بالاوای

نیزه باشینده باشون منله مقابل دایانوب
ماه رخساروون اطرافینه کاکل دایانوب
قاتلون گور نجه مقصودینه نائل دایانوب
نه یانار قلبی نه وار رقّتی اکبر بالاوای

اورت یوزون زلفیله گوسترمه گلن قاتله گل
سایه تک سالما دالونجان منی اکبر بئله گل
سنله یول یولداشیام بیرجه منیلن دیله گل
دانیشاق صحبت ائدک خلوتی اکبر بالاوای
سسلرم گئتمه دایان هی سنی آغلار سسیلن
صحبتیم واردی نهان سن پسر نورسیلن
دولانوم باشوه دور ای باشی عطشان کسیلن
قوی گلوم گئتمه دایان سرعتی اکبر بالاوای
شامون اهلی بیلوسن هئچ نه تمنایه گلوب
غرضیلن هامی طعن ائتمگه لیلایه گلوب
باشیون نیزه‌ده بو قوم تماشایه گلوب
ائت پراکنده بو جمعیّتی اکبر بالاوای
مضطرا کیم سنیچون ایلدی القا بو سؤزی
اله آلجاق قلمی ایلدون انشا بو سؤزی
بلی بیلدوم یری واردور دیه لیلا بو سؤزی
گوزومون نوری دیزیم طاقتی اکبر بالاوای

«نوحه زنجیرزنی و سینه‌زنی - جوشی»

گئینن لباس فاخر طوی ائدن یارالی اولماز
نه سنون کیمین عم‌اوغلی اَلی قان حنالی اولماز

بئله رسمیدور جهاندا اولار هر کسی که داماد
ائدر حجله‌گاهی مسکن اوز عروسی‌ایله دلشاد
بو گورونمیوبدی کسسون باشینی طویوندا جلاّد
اولی شاد دل عروسی اوزونون ملالی اولماز

بو نه طویدی نوعروسین اوجالوبدی آه و زاری
طوی ائدن جوانون اولماز قانی قتلگاهه جاری
ولی قویدی اهل کوفه ستمیله بو قراری
باشی نوعروسون آخر بو قدر بلالی اولماز

باشووی ویروب ستملن بیر اوجا جدایه قاتل
دوتوب ابر تک او ماه رُخووی او قانلی کاکل
گوره بیلمرم جمالون ای عم‌اوغلی جان نه حاصل
که چه فایده عروسون بو غموندن حالی اولماز

گَلی چون فغانه بلبل گوره غملی حالی گُلده
نجه من قویوم گئدوم بس سنی بو بلالی چولده
گلور ایندی شمر ظالم قالور حیرتیم گوگلده
بو عروسوون سنیله دانیشا مجالی اولماز
منه بیر جواب سؤیله یارالی بدن عم‌اوغلی
طوی ائدن روادی قاندان گئینه کفن عم‌اوغلی
نه سنون کیمین جهاندا اولی طوی ائدن عم‌اوغلی
نه منیم کیمین عروسون بئله غملی حالی اولماز
گئدورم دیار شامه یوخ انیس و غمگساریم
یانیمیجا وار متاعیم بو فغان و آه و زاریم
دوشه‌جک نچون که بعضی یره بیلمیشم گدازیم
سفره گئدنلر آخر بلی دست‌خالی اولماز
چو قویارلا شخصی قبره قالو بی انیس و یاور
گله‌جک سؤاله بی‌شک او زمان نکیر و منکر
ولی عاشق حسینون نه غمی او وقته «مضطر»
ملک احترامین ایلر غم و انفعالی اولماز

«نوحه زنجیرزنی - نوحه‌سینه‌زنی»

ای عم‌اوغلی دایان آیریلقدان امان
گئتمه ناشاد عم‌اوغلی تازه داماد عم‌اوغلی
رحم قیل بو زمان باغریمی ائتمه قان
ایله دلشاد عم‌اوغلی تازه داماد عم‌اوغلی
بختی قاره عروسی سالما درد و ملاله
بیر دویونجا باخوم من اول سولان گل جماله

نوعروسون اولوب شادکام اولمادوم
ای اولان همزبانیم گئتمه ای مهربانیم
من نجه صبر ائدوم محنت فرقته
یوخدی تاب و توانیم گئتمه ای مهربانیم
بیر توقف ائله تا سنه عرض ائدوم
واردی درد نهانیم گئتمه ای مهربانیم
دلغمین اولموشام گور نجه ایلرم
آه و فریاد عم‌اوغلی تازه‌داماد عم‌اوغلی

رحم قیل حالیمه بختی قاره منی
دشت کرب و بلاده ایلدی ظلمِ دشمن
فرصت اولمادی چون حجله‌گهده سنی
بیر دویونجا گورم من گوردوم هجران ائدورسن
محض بو فکریله گلمیشم گورمگه
رزمگاهه گئدورسن ایندی بس نیلیوم من
ئولدورورلر سنی بیرده من گورمرم
حجله برباد عم‌اوغلی تازه‌داماد عم‌اوغلی
ایندی وار فرصتیم قالمیا حسرتیم
حسرتیله باخام من اول سولان گل جماله
بیر ترحّم ائله چاره‌سیز قالموشام
ظلم قوم عدودن دوشموشم گور نه حاله
باشدا قاره دُواق دلده درد فراق
آیریلیق غصه‌سیندن ایلرم آه و ناله
سالما گوزدن منی ایندی بو غصه‌دن
ایله آزاد عم‌اوغلی تازه داماد عم‌اوغلی

ترک دنیا ائدوب مندن ال چکموسن
جانب رزمگاهه شوقیله گئتمگون وار
عرض ائده بیلمرم ترک قیل گئتمگی
چونکه بو گئتمگونده مقصده یتمگون وار
اذن صادر اولوب شاه بی‌یاریدن
تشنه‌لب حق یولوندا جان فدا ائتمگون وار
راضیم ایندی گئت شاه بی‌یاوره
ایله امداد عم‌اوغلی تازه داماد عم‌اوغلی
ایندی که اولموسان عازم رزمگه
واردی بیر التماسیم گئتمه بیر آز دایاندور
التماسیم بودور قیل تصدق منی
بختی قاره عروسم باشوه بیر دولاندور
ئولدوروب اشقیا قارداشیم اکبری
فرقه‌ی اشقیادن آل قصاصیم آماندور
رزمگهده منیم سن همین عرضیمی
ایله بیر یاد عم‌اوغلی تازه داماد عم‌اوغلی

درک ائدوب مطلبی قاسم نوجوان
قلبی اودلاندی یاندی گئتمیوب بیر دایاندی
وئردی تسکین دل نوعروسه او دم
آیریلوب حسرتیله گئتدی قانه بویاندی
«مخلصون» حاجتی حضرت قاسمه
نوعروسون دلیجه ختم سؤزده بیاندی
شرح ائدر محنتون قیل شفاعت اوزون
یوم میعاد عم‌اوغلی تازه داماد عم‌اوغلی



چون مهر اگر زره ز خنجر پوشم
جان تشنه جگر، گریزد از آغوشم
در آتش خشم اگر شوم خاکستر
هیهات که باده‌ی مذلّت نوشم
«ده‌بزرگی»

«جوشی زنجیر و سینه‌زنی»

جداله گئتمه خیمه‌دن دایان عم‌اوغلی - جوان عم‌اوغلی
جداله گئتسون ایلرم فغان عم‌اوغلی - جوان عم‌اوغلی

ایله بو غملی حالیمه نظاره گئتمه - کناره گئتمه
چتیندی فرقتون عروس زاره گئتمه - کناره گئتمه
قونار ئولوم توزی او گل عذاره گئتمه - کناره گئتمه
غمونده گوزیاشیم اولار روان عم‌اوغلی - جوان عم‌اوغلی
بو رزمه گئتمه قورخارام عم‌اوغلی سندن - بو گل بدندن
ستمله طوی لباسووی سویارلا تندن - بو گل بدندن
منیمله جمله زحمتی آلارلا سندن - بو گل بدندن
نه چاره ایلرم ائله بیان عم‌اوغلی - جوان عم‌اوغلی
نجه رضا اولوم یتوب خزانه گللر - ئولوبدی اکبر
ویروبلا جسم پاکینه ستمله خنجر - ئولوبدی اکبر
غمونده گوزیاشیم آخار یوزه مکرر - ئولوبدی اکبر
اولوبدی گلشن حسین خزان عم‌اوغلی - جوان عم‌اوغلی

دوروبدی قتلوه سنون بو قوم اشرار - الینده اوخلار
عم‌اوغلی هلهله ائدر گروه کفّار - الینده اوخلار
بو دشته جمع اولوبدی بس هامی‌ستمکار - الینده اوخلار
ائدرله جسمون‌اوخلارا نشان‌عم‌اوغلی - جوان‌عم‌اوغلی
یخارلا سرو قدّیوی زمینه خسته - قوری یر اوسته
یاخارلا قانیدن حنا او پای و دسته - قوری یر اوسته
نجه گورر سنی عروس دلشکسته - قوری یر اوسته
یارالی پیکرون ائدوب مکان‌عم‌اوغلی - جوان‌عم‌اوغلی
ستمله اود ویرارلا اودلانار خیامون - یانار خیامون
طنابِ ظلم الیله دوغرانار خیامون - یانار خیامون
عدوی دین الینده تالانار خیامون - یانار خیامون
ائدرله کوفیه بیزی روان عم‌اوغلی - جوان عم‌اوغلی

«بیت»

خنده‌کُنان می‌رود روز جزا در بهشت
هر که به دنیا کند گریه برای حسین

«بحر طویل»

آه او زمان پادشه کربلا
قاسم شهزاده‌نی داماد ائدوب
بولمرم آیا نجه طوی‌ائتدی تا
جنّ‌وبشر ناله‌وفریاد ائدوب

یوز وئروب اندوه وغم - باش آچوق اهل حرم
ناله ائدوب دمبدم - تازه گلین باشینه
سالدی قرا بی‌نوا - درد و غمه مبتلا
توکدی یوزه گوزیاشینی برملا - منتها
اولدی دچار غم و درد و بلا - ابتلا
دخت شه کربلا - ظاهر او بیچاریه بو ماجرا
محشرکبرانی که بنیادائدوب - یوز وئروب اندوه‌وغم
باش آچوق اهل حرم - ناله ائدوب دمبدم

آغلادی بیر گوشه‌ده تازه گلین - دلغمین
باشدان آچوب معجرین - گوردی چو داماد شه‌عالمین
بی‌معین - قالمیش او سلطان دین
اولدی مؤثر او جوان حزین - شور و شین
قیلدی به حال حسین - توکدی یوزه گوزیاشین
اول مه‌جبین یعنی او بی‌کس حسین
غملرینی یاد ائدوب - یوز وئروب اندوه و غم
ناله ائدوب دمبدم
دیشره چیخوب خیمه‌دن اول نوجوان - بیر زمان
قیلدی خروش و فغان - اولدی حضور شه دینه روان
شیعیان - غمدن اولوب ناتوان - عرض ائدوب ای
سرور کلّ جهان - الامان - باغریمی غم ائتدی قان
ناله سسی قویمادی منده توان
صوت عطش قلبیمی ناشاد ائدوب
قوی گئدوم اکبر کیمی

وئر منه اذن جدال شه سوار - تاجدار سرور گردون وقار - الدن آلوب ناله سسی اختیار بی‌قرار - ائتدی منی غمگسار - قوی که گئدوم جانیمی ایلوم نثار - خوار و زار منده اولوم خاکسار - آخر عموجان گورورم آشکار ظلملرین بو سپه عادت‌ائدوب - یوز وئروب اندوه‌وغم باش آچوق اهل حرم - ناله ائدوب دمبدم

آرام دل و روح روان است حسین
جان جوهر عشق و جانِ جان است حسین
هرگز نرود ز درگهش کس مأیوس
زیرا که کریم و مهربان است حسین

«ده‌بزرگی»

شهامت حضرت ابوالفضل علیه‌السلام

شاهین هوایه اوج ائلینمز پر اولماسا
عنقا نه‌نوعی قافه چیخار شهپر اولماسا
الدور حوادثاتِ بدندن دفاع ائدن
فکر ائت بدن نه حاله دوشر اللر اولماسا
دعواده لشگرین گوزی سرلشگر آختارور
سرلشگرین علاجی ندور لشگر اولماسا
من بو منای عشقیده دینون فداسیم
آزاده امتحان وئررم یاور اولماسا
من کاروان عشقه بو صحراده رهبرم
چاتماز مراده قافله گر رهبر اولماسا
الدن آلوبلا خنجریمی، قولاّریم دوشوب
کیم سو وئرر بو حنجریمه خنجر اولماسا
من تشنه‌ی وصال حسینم سو نینورم
آب فراتی ایستمرم کوثر اولماسا

محشرده باشه تاج شفاعت قویانمارام
نوک جدایه قانلی باشیم زیور اولماسا
دولدورسا یر یوزون سو، سوسوز ئولّم ایچمرم
سیراب اگر رقیّمیله اصغر اولماسا
سقّایم اهلبیته سویوم یوخدی نیلیوم
سقایه عیبدور بو سو مشگی تر اولماسا
دولدورّام ایندی قانیله مشگی عجالتاً
گوز کاسه‌سینده سو وئررم ساغر اولماسا
یالقوز وفالی قارداشیمون انتظاریم
جان وئرمرم یانیمدا همان سرور اولماسا
جان اوسته خیمه‌گاهه سورونّم یواش یواش
دور و بریمده بو سپه کافر اولماسا
پای حسینه ساخلامیشام بیر یارالی باش
سردار شاهه بس نه باغیشلار سر اولماسا
قان لجه‌سینده کشتیم اوخلاندی لنگریم
کشتی دوشر تلاطمه گر لنگر اولماسا
پور معاویه نقدر اشتباه ائدوب
یوخ دینه حامی فکر ایلدی حیدر اولماسا

بیلموردی وار بو دینه ابوالفضل تک فدا
دویماز جهاددن نقدر مضطر اولماسا
افسوس آنام یانیمدا دگل جان وئرن زمان
کیملر عزا دوتار اوغولا مادر اولماسا
سسلندی ناگه عالم معناده فاطمه
عباس چکمه غم سنه گر یاور اولماسا
گرچه آنون یانوندا دگل من سنون آنون
زلفیمله باغلارم گوزیوی معجر اولماسا
گل سینه‌مه یارالاریوی خشگه‌بند ائدوم
آغرور یارالینون یاراسی بستر اولماسا
سن جدّیمون شریعتینی زنده ایلدون
قرآن ئولر شریعت پیغمبر اولماسا
محشرده مدرکیم ندی امر شفاعته
آیا الیمده بو کسیلن اللر اولماسا
بسدور شفاعته منه بیر جوت قولون سنون
دستار لاله‌گون علی‌اکبر اولماسا
محشرده یوخدی دردیوه چاره کریمیا
شرمنده‌سن الونده‌کی بو دفتر اولماسا

«نوحه زنجیرزنی»

ای علمدار من - یار و غمخوار من
یاتما صحراده قارداش - گلدیم امداده قارداش
دوغرانوب پیکرون - قالمیوب صاف یرون
گل تک اعضاده قارداش - گلدیم امداده قارداش

گل کیمین پیکرون - سربه‌سر یاره‌دور
یاره‌لردن آخوبدور - قان گئدوبسن اوزوندن
لحظه‌ای هوشه گل - بیرجه منلن دانیش
سؤیله‌قارداش‌بیلوم من - اولسا هر بیر سؤزوندن
قان دوتوب گوزلرون - یوخ الون سیلمگه
قوی سیلوم من او قانی - ایندی شهلا گوزوندن
آچ گوزون قیل نظر - قالموشام بیر نفر
بین اعداده قارداش - گلدیم امداده قارداش

بیرقون سرنگون - اولموسان غرق خون
بیر سلامت یرون یوخ - گل کیمین پیکروندن
قطعه قطعه ائدوب - لشگر کینه‌جو
تکیه‌گاهون اولوبدور - صورت انوروندن
دوندروم ایندی من آرخون اوسته سنی
بیر اوپوم حسرتیله - قان دولان گوزلروندن
حق یولوندا بو گون - جان فدا ایلدون
سن بو مأواده قارداش - گلدیم امداده قارداش
یاد ائدوم ایندی من - اوخشیوب آغلیوم
هانسی بیر نسگلوندن - هانسی بیر محنتوندن
قوللارون دوشمگین - مشگون اوخلاناقین
راضیم حق یولوندا - ائتدوگون خدمتوندن
نَقَدر واریدون - یاتا بیلمزدیلر
کوفه و شامون اهلی - سطوت و صولتوندن
سن ئولندن صورا - اولماز آسوده‌لیک
آل طاهاده قارداش - گلدیم امداده قارداش

من نجه تاب ائدوم - ایندی بو محنته
صاحب اون‌یدی‌منصب - قارداش الدن گئدوبدور
سن کیمی باوفا - قارداشون ئولمگی
من اوغولسوز غریبون - قامتین خم ائدوبدور
ممکن اولسا اگر - دور گئدک خیمیه
سن اوزون بیر نظر قیل - گور سوسوزلار نئدوبدور
جام آلوبلار اله - جمله گلمیش دیله
آه و فریاده قارداش - گلدیم امداده قارداش
بیر بولوک عترتین - خیمه‌ده منتظر
گوزلرین یولدا قویدی - لشگر ظلم پرور
قالمادی یار من - ای هوادار من
بو قدر دشمن ایچره - یالقوزام ای برادر
ایندی ایلر هجوم - هر طرفدن قوشون
قتلیمه منتظردور - شمر دون الده خنجر
ظلمیله تشنه لب - باشیمی کسمگه
اولمیش آماده قارداش - گلدیم امداده قارداش

آه او وقتدن امان - شاه تشنه‌لبان
باخدی حسرتله گوردی - دوشدی قارداش نفسدن
قالدی یرده بدن - یوخدی بیر دفن ائدن
دوغرانوب قالمیوبدور - یار و انصار کسدن
یوز وئروبدور نه غم - اینکه اولماز رقم
واردی بیر التماسیم - شاه بی‌دادرسدن
امر صادر ائده - مخلص هر غصه‌دن
اولسون آزاده قارداش - گلدیم امداده قارداش



باخسام چمنده یاسمن و یاسه آغلارام
گئتسم هایاندا بیر بئله اجلاسه آغلارام
گورسم هایاندا بیر اوجا سروین سینوب خولی
اوردا دویونجا حضرت عباسه آغلارام
«نقوی»

روایت از دست دادن موسی برادرش هارون را وگریز به شهادت حضرت ابوالفضل علیه‌السلام

اگرچه واردی خبر جای باصفادی جنان
گوزلدی منظره‌سی، قصری، دلگشادی جنان
اورکلر ایستکی هرچند دلربادی بهشت
ولی حسینچیلره ارض کربلادی بهشت
ائشیتموشوک بیر عومور بیزلر اهل منبردن
جلال و زینت جنّات حیّ داوردن
او جنّتین بیلروک واردی میوه هم شجری
آخان زماندا گوزل نهری جلب ائدر نظری
بو علّته یارادوب حق دیلّه رضوانی
او یرده لطفین ائده بنده‌گانه ارزانی
دیلّه حور و ملائک، بهشته زینتدور
بیزیم خیالیمیزه زینت آیری حکمتدور
یازولاّ زینت جنّت قدحله ساغریدی
ولی حسینچیه زینت حسینون اکبریدی

نه اینکه واردی بیزیم دلده آیری بیر احساس
قدح ندور دییروک اولماسا غیور عباس
حسینیلن اورانون حُسنی وار مسلّمدی
اگر حسین‌سیز اولا عدن یوخ جهنمدی
حسینه یاور و انصارینه گوزوم قربان
او چولده قورخولی قیزلارینه گوزوم قربان
نقدری عمریم اولا بو جهاندا نوکری‌یم
یتیشه عرشه باشیمدا غلام اکبری‌یم
اگر قبول ائلسه شکّ یوخدی گوزیاشیمی
اوجالداجاق بیلورم، کهکشانلارا باشیمی
گورن دییر دی گوروم کیم وئروب بو جاهی سنه
ائدوبدی حق اوزی عرض ایلرم بو لطفی منه
دوشوبدی یادیمه بیر داستان موسادن
ائدر رقم قلمیم اولسا لطف، یکتادن
نه یاخشیدور بئله ثبت ایلسم من اوّلده
روایت ایلوری راوی کتاب مقتلده

یتیشدی حضرت موسایه جبرئیل امین
یتیردی حضرته بی‌پرده سؤز، یتیشمک همین
ایا کلیم خدا سؤزلر ایچره سرّ یاتوب
که یعنی قارداشون هارون عمری باشه چاتوب
فراق و هجر برادر آغارداجاق باشووی
یتینجه پیک اجل، گور دویونجا قارداشووی
بو دهر ترکینی، کُل یارانمیش ائتمه‌لیدی
یتوبدی وقتی بو گون قارداشوندا گئتمه‌لیدی
همیشه گوزلری آغلار قویاندی چرخ فلک
او قدری باخ یوزونه تا که کامین آلسین اورک
یازولاّ حضرت موسی ائدوبدی تئز ال ایاق
گوروبدی قارداشینی آز زمان بو دهره قوناق
صفالی منظره گورموشدی اوز دیارینده
واریدی، چتری آغاج، چشمه‌نون کنارینده
گون اولماسین، تاپا بیر سایه فکرینه قالدی
آپاردی قارداشینون اوردا بسترین سالدی

یاتیرتدی قارداشینی رختخواب راحتده
که جان وئرنده نچون قالماسون اذیّتده
آلوب دیز اوستونه حسرتله قارداشین باشینی
سیزیلدیوب یوزونه هی توکوردی گوزیاشینی
بیلوردی قارداشی تا گوز یوموبدی دینجله‌جک
وفالی قارداش الیندن که گئتدی گورمیه‌جک
اگرچه عمر ائلمیشدی کمال حدّینده
گینه گوروندی بونون انکسار قدّینده
بو یرده یادیمه بیر سؤز دوشوب یانور اورگیم
نجه یازوم سیزه یازدوقجا اودلانور اورگیم
نه ال چالان واریدی دوره‌ده نه چوخ یاراسی
یوخیدی قارداشینون صاق‌گوزونده اوخ‌یاراسی
دوشوبدی خاطریمه یا بقیة‌الاخیار
دیار کرب‌وبلاده بیر آیری قارداشلار
خبر وئروم سیزه بو یرده آیری قارداشدان
گورنده قارداشینی غصه‌سی آشوب باشدان

گلون اجازه وئرک بوردا چشم زمزمینه
سؤزی بو یرده قویاق آغلیاق حسین غمینه
او قارداش آلنینا ال قویدی قارداش آهسته
بو بیرسی قارداشینی تاپدی قوملارون اوسته
بو گوزیاشیلا گلون عهدنامه باغلاشاقون
حسینه قارداشی عباسه باهم آغلاشاقون
نه‌نوعی تاپدی حسین قان ایچینده قارداشینی
یوموبدی گوزلرینی قانه قاتدی گوزیاشینی
نجه یازوم بو سؤزی قتلگهده یا اللّه
وزیرینون اوتوروب باشی اوسته شاهنشاه
گوروبدی قارداشی بیر سرویدور که خولاّر یوخ
دوشوبدی مرکبون اوستن بدنده قولاّر یوخ
اولده اللرینی حسرتیله قویدی بئله
بو نوعیلن بئله بیلّم امام گلدی دیله
فدای حضرت جانان ائتموسن اوزوی
داریخدی قلبیم ابوالفضل آچگیلان گوزوی

عمامه‌میله سنون قوی سیلوم قانین گوزوون
منم بو چولده خریداری آخرین سؤزوون
اگر بیله ئولومون قیزلاریندا رنگی سولار
رقیّه‌مون گوزی آسوده خوابه حسرت اولار
چاتار مرامه او لشگر که هئچ چاتانمازدی
یاتار او گوزلری که خوفیدن یاتانمازدی
چکوبله تیغه بو گون پست و دونیلر اثلیمی
سنون یخیلماقون عباس سیندیروب بئلیمی
نه وار الیم دوتانیم وار نه تسلیت وئره‌نیم
تمام گوز دولوسی دوره‌م ال چالاندی منیم
ورقلدی نجه گور دست ظلم گللریمی
ولی خوشام گورورم راضی حیّ داوریمی
خزان الیله بو گون عمریمون گلی سولاجاق
یقینیم اولدی رقیّه‌م اسیر شمر اولاجاق
بو ئولمگونله سنون د شمن آلدی قوّتیمی
ویرارلا شام یولوندا عزالی عترتیمی

دیرله دهریده چوخ سختیدور جوان ئولومی
علاوه سختیدی قارداش مهربان ئولومی
او قانلی گوزلرون آچ باری باخ بو گوزیاشیما
گلوبدی هر ایکیسی گورگیلن منیم باشیما
آزالتدی اکبریمون مرگی نورینی گوزومون
ولی سنون ئولومون آلدی قلبیمون دُوزومون
گلوبدی تنگه دلون «ناصحا» چوخ اولما فکار
بش اون گون عاریه عمرون تمام اولار قوتارار
ییوب اورک قانیوی سنده صبحی شام ایله
نقدری جور ائده‌لر صابر اول دوام ایله
وئروبدی هر کسه نه روزگار آلمالیدی
سنون بو شعرلرون یادگار قالمالیدی

در حال تدوین و تنظیم دوبیت برای این قسمت بودم که مادرم «کربلائی خانم گلی رشتبری» جان به جان‌آفرین تسلیم نمود ۸۲/۲/۲۵

«نوحه سینه‌زنی - جوشی زنجیرزنی»

دور یاتما بو قان ایچره علمداریم ابوالفضل
یالقوزلادی دشمن منی سرداریم ابوالفضل

جان بذل ائلیوب قارداش عجب قانه باتوبسان
قربان گوزووه قارداشووی گوزدن آتوبسان
جاندان ال اوزوب محضر جانانه چاتوبسان
سس‌وئر سسیمه غم‌گونی غمخواریم ابوالفضل

آچ گوزلریوی باخ منه قلبیم دولی قاندور
سردار ئولومی پادشهه خیلی گراندور
گوزلور یولوی اهل و عیالیم نگراندور
آغلار بیلورم عترت اطهاریم ابوالفضل

جسمون یارالی نیزه‌دی خنجردی و اوخدور
هر عضوه باخاندا گوروروم صاف یری یوخدور
قارداش دئموسن قارداشیمون یاوری یوخدور؟
سنسیز پوزولوبدور گلِ گلزاریم ابوالفضل

باخدوقجا بو گل صورتوه جاندان اوساننام
قان آغلارام احواليوه اوز حاليمه يااننام
جسميم قالاجاق آتلار اياقينده ايناننام
معکوس اولاجاق رشته‌ی رفتاريم ابوالفضل

سن ئولدون عدو ايندی تاپار ياخشی جسارت
ايلرله اسير عترتيمی، خيمه‌می غارت
مشگلدی علی قيزلارينا قيد اسارت
زنجيره بو گون باغلانا بيماريم ابوالفضل

قوللار کسيلوب نعشون اولوب پاره برادر
بير جسميده اولماز بو قدر ياره برادر
چارم آزالوب قالموشام آواره برادر
يالقوزلادی دشمن منی ای ياريم ابوالفضل

هجرانوه يوخ تاب گليم شيونه قارداش
قان آغليام اوز حاليمه يا که سنه قارداش
قورتاردون اوزون يتدون عجب ايمنه قارداش
وای قيزلاريمون حالينه دلداريم ابوالفضل

بو ظلم عدو یتمیه‌جک ایندی تمامه
باشیم باشویله گئده‌جاق نیزه‌ده شامه
زینبده قولی باغلی گئدر مجلس عامه
چوخ گرم اولاجاق شامیده بازاریم ابوالفضل

مدتدی دوشوبدور بو زبردست کمنده
آواره‌دی حیراندی معاشینده وطنده
حلّ ایله‌گیلن مشگلونی لطفیله سنده
بیر وقفه اولا شوقیله زوّاریم ابوالفضل

بو دنیا چونکه دار امتحاندور
همیشه شخص بیر حالتده قالماز
کسر نورون قاباقین ابر ظلمت
چیخار گون پرده‌ی غیبتده قالماز

«شور»

السلام علیک یا عبدالصالح یا قمربنی‌هاشم
یا ابوالفضل العباس علیه السلام

ابو الفضل، جان ابو الفضل، جان ابو الفضل
قلم قولاّروه قربان ابو الفضل
دولاندیر گوزلرون وار دردمندون
کرم قیل دردلره درمان ابو الفضل

دوشن ای قولاّری ظلمیله تندن
دعایه التماس ایلوبله مندن
اوزون آگاهسن بو مُلتمسلر
گلوب ایستورله درمان درده سندن

جماله ای سرشگین باغلیانلار
حسین آلامینه دل داغلیانلار
سیزه وار بیر سؤزوم ای مخلصانه
ابو الفضله اورکدن آغلیانلار

آچیخدور بو قاپی هر بنده گلسین
قالوبدور کیم الی دامنده گلسین
آچار مشگل علی اوغلی ابوالفضل
که اولماز هئچ گلن شرمنده گلسین

اگر بیمارووه یوخدور معالج
عمیقاً وئر قولاق آل تئز نتایج
الون قطع اولدی هر یردن عزیزیم
اورکدن سسله یا باب‌الحوائج

او کسدی عبد صالح صاحب فضل
اونون قارداشی عون و جعفر و فضل
یتر فریاده جای شکّ یوخدی
علینون نامدار اوغلی ابوالفضل

رضاخان دوره‌سینده وار حکایت
چاغیردی دادینه بیر بیوه عورت
اورکدن سسلدی بیر یول ابوالفضل
پلیسی ایلدی واصل به لعنت

پناهیم سؤیله سنسن یا ابوالفضل
دوشن قولاّری تندن یا ابوالفضل
مقیّد اولما منلن هم‌نوا اول
اورکدن سنده سسلن یا ابوالفضل

حمایت ایلدی دین مبینه
ائدوب بیر یول خجالت قوم کینه
دییردی مشگه دشمن آتمیون اوخ
سو جامی الده یول گوزلر سکینه

توخاندی مشگه اوخ عباس باخدی
وجودین اود کیمی یاندیردی یاخدی
سرشگی چوخ قاباق مشگین سویوندان
گوزوندن صفحه‌ی رخساره آخدی

عقابیم سسلدی گئتمه خیامه
قیت حمله ائدک قوم ظلامه
گورم قیزلاری ئولّم غیرتیمدن
گله لعنت بو قوم پست شامه

نجه اخیامیده عطشاندی اصغر؟
نجه مشکین سویون توکدی بو لشگر؟
ائله قانلار توکوم اللّه یولوندا
حسینیم سسله‌سون اللّه‌اکبر
ائدوب حمله او قوم کافر اوسته
کانّه اود توکوبدی لشگر اوسته
یاناردی سسلنردی اللّه اللّه
همانند اوزریک مجمر اوسته
خیامی ذهنیده تُولاندیم اللّه
اوزون گوردون نجه اودلاندیم اللّه
سوسوز قیزلار سو جامی اللرینده
رقیه‌ایلن دیورلر یاندیم اللّه
ائله قُودوم گئجه شمر پلیدی
قرا گوردی گوزی صبح سفیدی
دئدیم عباس ئوپوب دست امامی
مگر بیرده ئوپر دست یزیدی

اگر دنیایه گورسم سرورم من
گینه قلباً حسینه نوکرم من
امامیمدور منی سالسا گوزوندن
یوخومدور چاره اللّه نینرم من
باشیم اوسته حسینیم سایه سالسا
دیز اوسته یاره‌لنمیش باشیم آلسا
آنام زهرا رضا گر اولسا مندن
غمیم اولماز باشیم اللرده قالسا
حسینیم سال منی بیر یاده تئز گل
یخیلدیم تپراقا امداده تئز گل
یوبانما خیمه‌ده پهلو شکسته
گلوبدور گل آنام زهراده تئز گل
حسینجان گل دیله بذر وفا اک
وجودیم زورقین طوفانیدن چک
آنام زهرانی گوردوم یاندی قلبیم
اگیلمیشدی جوان قدّی کمان تک

حسینجان من اوتوزبش ایل دئییدیم
جمالین گورمگین آرزی ائدیدیم
منیم کاش گوزلریمدن اوخ دگیدی
آنامی قد خمیده گورمییدیم
یولووی یاره‌لنمیش باش گوزتلور
توکور حسرتله گل قانیاش گوزتلور
دوزولموش دوره‌مه اشرار کوفه
ولی قارداش یولون قارداش گوزتلور
او نیرو که سراغیم وار اوزومده
گینه محکم دایاننام اوز سؤزومده
یتیش فریادیمه قارداش اولوبدور
سنه قولّاردا قربان صاق گوزومده
حسینجان ئوپ رقیه گوزلریندن
اورک دویموبدی شیرین سؤزلریندن
آدیم سقّا اوزوم اولدوم خجالت
سووا خاطر، ربابین اصغریندن

روایت درباره‌ی قبر علی‌اصغر علیه‌السلام و قبر حضرت عبّاس علیه‌السلام

گلدی جمعِ صاحبان دانشِ فضل و کمال
محضر بحرالعلومه ائتدیلر اوندان سؤال
ای اولان غوّاص بحر علم تاریخ سیر
وارث مسندنشین حضرت خیرالبشر
بو ایکی امر مهمّی روز و شب ذکر ایلروک
حیرت‌افزادور چگونه اولماقین فکر ایلروک
قیل بیزه یاسیّدی بو بارەده لطف و عطا
بو ایکی مطلبده ایله بیزلری غمدن رها
مطلب اوّل عبارتدور بو مبهم سرّدن
اولموشون جوینده اصلاً اولمیوبدور کشف‌ائدن
وئر خبر ای عالم احکام شرع انورون
هاردادور آرامگاهی شیرخواره اصغرون
هر کتاب مقتله بو مطلبی ائتدوک رجوع
بیر خبر قبر علی‌اصغردن اولمادی وقوع

بعضی قائلدور کتابتده یازوب بو طرزیله
اول قوزی قربانی القانه باتوردی حرمله
دفن ائدوب خیمه دالیندا اصغرین سلطان دین
یوخدی قبریندن اثر آخر بیزه اولماز یقین
مطلب دوّم ابوالفضلین مزار پاکیدور
آغلاروق اول سروره چوخ قلبیمیز غمناکیدور
اول رشادتده شجاعتده سپهدار حسین
بیر اوجا قامت اوزون قوللی علمدار حسین
مرکبه هردم سوار اولسیدی اول کان کرم
خط اوزنگیدن سالوردی تپراقا بیر چین هم
قامت بالا عظیم‌الجثه سالار رشید
نه شهامت نه شجاعت گوستروب اولدی شهید
بیر ائله جسم تنومندون که یوخدور نسبتی
قبری چوخ کوچک اولا آیا ندور بس علّتی
بو ایکی مطلب ائدوب بحرالعلومه چوخ اثر
فکره پیچیده اولوب ائتدی روان اشگ بصر

مهلت آلدی بیر گئجه اول سرور عالی‌مقام
قبر ششگوش حسینه یوز دوتوب قیلدی سلام
عرض ائدوب ای کربلا شاهی امام ممتحن
بو سؤالاتی که مندن ائتدیلر آگاهسن
اول گئجه رؤیاده گوردی شاه مظلومان گلوب
خیلی افسرده پریشان سرور عطشان گلوب
حضرته عرض ایلیوب درد دلین بحرالعلوم
سن منی حالی ائله ای کشته‌ی قوم ظُلوم
یا حسین من بو ایکی مطلبده عاجز قالموشام
دامن پاکون دوتوب چنگ توسّل ویرموشام
یوز دوتوب بحرالعلومه پادشاه نینوا
قیلدی فرمایش حسین ابن علی میر هدا
بیل خبردار اول اورکده قالماسون نسگللرون
سینه‌مون اوستونده‌دور آرامگاهی اصغرون
غنچه‌ی تر نوگل احمردی شش‌ماهه بالام
قبریده ممکن دگل اصلاً که من اونسوز قالام

بیرده مطرح ایلدون عباسیمین کیفیتین
قبرینون مندن سوروشدون کوچک‌اولماق علتین
حامل اولماز پرچم شاهه مگر شخص دلیر
باک قیلماز هر قدر دشمن ویرا شمشیر و تیر
قارداشیم عباس جنگ ائتدی بابام‌حیدرکیمین
یاندیروب تیغ شررباریله کفرون خرمنین
کربلایه جمع اولانلار قارداشیم عباسیلن
چوخلاری اولموشدی قانلی اول شجاع‌الناسیلن
اول زمانی که اونون قولّارین ائتدیلر قلم
هر طرفدن لشگر اعدا ائدوب جرئت به هم
ویردیلار چوخ یاره‌لر یخدیلار اسبندیندن اونی
قطعه قطعه دوغرادیلار بند بندیندن اونی
هر شهیدون که گلوردوم باشی اوسته با نوا
خیمه‌گاهه حمل ائدوردوم من اونون نعشینی تا
قارداشیم عباسه هرچند ایستدوم ممکن ائدم
دوغرانان نعشینی قادر اولمادیم حمل ایلیم

باخبر اول قبری کوچک اولماقا علت اودور
هر دل آگاه اگر فکر ایلسه معلوم اولور
«غمگینا» سن آرزوی قبر عباس ائتگیلن
وار امیدیم ایلیه قسمت خدای ذوالمنن
ای خداوندا به حق خامس آل عبا
قیل بیزی بو جمعیلن زوّار شاه کربلا



آغلامورام پیکریم یالقوز قالور
آغلامورام آنام اوغولسوز قالور
هر دردیدن بو درد منه چتیندی
من گئدورم حسینیم یالقوز قالور



سن نئجه قارداشیدون من‌بیلورم ئوزگه‌سی بیلمز
مین عالم اولا عالمه مثلون داخی گلمز
بیر قدّی که قارداش ئولومی بوکدی دوزلمز

«نوحه زنجیر - جوشی سینه - آهنگ جدید»

باجی دور قاره گئیین قافله‌سالاریم ئولوب
بوکولوبدور بئلیم عباس علمداریم ئولوب

ایستدیم تا گتورم خیمه‌لره پیکرینی
یادینه سالدی سکینه[1] عطش و غملرینی
یوزونه قیلدی روان آهیله اشک ترینی
دئدی گئت خیمه‌ده اظهار ائله سرداریم ئولوب
دی سکینه سو یولون گوزله‌مسون اولمادی سو
مشگیمون گئتدی سوئی ویردیلا اوخ قوم عدو
الی بوش خیمیه گلمم که چتین امریدی بو
دئگیلن عترت زهرایه هواداریم ئولوب
بو گون اول گونلره بنزردی وفات‌ائتدی رسول
سیندی ظلمیله قابورقاسی وفات ائتدی بتول
ایشدیروب قارداشیما زهر جفا قوم جهول
باشی ضربت گوتوروب حیدر کرّاریم ئولوب

۱- رقیّه هم خوانده می‌شود.

ظلمیلن اهل جفا قوللارینی قیلدی قلم
دگوب اوخ مشگینه آغشته اولوب قانه علم
غرق دریای جراحتدی دوتوب قلبینی غم
حمزه‌ی ثانی اولان میر وفاداریم ئولوب
دل بی‌حال و قراریمده داخی قویمادی تاب
شرر فرقتی قیلدی دل بریانی کباب
باجی عباسیم‌ئولوب خانه‌ی دین اولدی خراب
دییه‌سن شهپر آچان جعفر طیاریم ئولوب
اوزوی ایله اسیر اولماقا آماده باجی
المون چوخدی غمون چوخدی بو صحراده باجی
داخی یوخ وحشت و غم لشگر اعداده باجی
هاموسی اولدی جری گوردی سپهداریم ئولوب
باشیوه جمع ائله اطفالیمی جدیّتیلن
دی بو عنوانی خبر وئر بو سؤزی محنتیلن
که اسیر اولماقا بئل باغلیالار همّتیلن
غمیم آرتوبدی باجی غملره غمخواریم ئولوب

«نوحه سینه زنی - جوشی زنجیر زنی»

آچ گوزلروی آرخام ائلیم قارداش ابوالفضل
یاتدی علمون سیندی بئلیم قارداش ابوالفضل
دور قیلگیلا من بی‌کسه بیر چاره برادر
چاره‌م کسیلوب قالموشام آواره برادر

سنسیز داغیلوبدور بو بیاباندا سپاهیم
افلاکه ائدوب اوج منیم گور نجه آهیم
بو دشت بلا ایچره اولان پشت و پناهیم
آچ گوزلروی قالموشام آواره برادر

دور آل علمون آخر آماندور اله قارداش
قارداشدا قویار قارداشی یالقوز بئله قارداش
اطرافیده دشمنلر ائدر هلهله قارداش
آچ گوزلروی قالموشام آواره برادر

ایلوبله قلم قولاّروی مشگووی پاره
ظلمیله ووروبلار بو قدر جسمووه یاره
باخدوقجا بو حالون سالوری جانه شراره
آچ گوزلروی قالموشام آواره برادر

احوالوه قارداش نظر ایلوب یانارام من
بو چولده سوسوز دوغرادی ناحق سنی دشمن
مشگلدی یاتا آل عبا خیمه‌ده ایمن
آچ گوزلروی قالموشام آواره برادر

سندن اوزولوب جور و ستمله الیم آخر
دور دوت الیمی گلموری سنسیز بئلیم آخر
دوتمور دانیشام سنله برادر دلیم آخر
آچ گوزلروی قالموشام آواره برادر

قلبیمده گلوب موجه اخا بحر ملالیم
خون دلیله جاری اولور اشگ زلالیم
واضحدی ائدر عالمی افسرده بو حالیم
آچ گوزلروی قالموشام آواره برادر

ئولدوردی سنی ظلمیله بو لشگر اعدا
اوز قانوه غلطیده اولوب صورت زیبا
سنسیز منیده ئولدوره‌جک لشگر ترسا
آچ گوزلروی قالموشام آواره برادر

من بی‌کس و بی‌یاری گوزوندن عجب آتدون
قانه بویانوب باشووی معناده اوجاتدون
گئتدون بو یولی سرعتیله منزله چاتدون
آچ گوزلروی قالموشام آواره برادر

سندن صورا دنیاده داخی قالمارام ئولّم
آردونجا سنون منده یقین بو یولی گلّم
ایندی نولوب اوز عترتیمون حالتی بیلّم
آچ گوزلروی قالموشام آواره برادر

فایز بو جماعتله نوا قیل بو عزاده
محشرده ابوالفضل یقین بیل سالی یاده
ورد ائتگیله بو مصرعی هر صبح و مساده
آچ گوزلروی قالموشام آواره برادر

«جوشی»

دور ای دعوالر اصلانی ابوالفضلیم علمداریم
آخان سو تک قزل قانی ابوالفضلیم علمداریم

دییم دوتمور دلیم قارداش
دور ای آرخام ائلیم قارداش
سینوب سنسیز بئلیم قارداش
ابوالفضلیم علمداریم

کسوب دشمن یولون آخر
سالوب صاق و صولون آخر
نه باش وار نه قولون آخر
ابوالفضلیم علمداریم

آنون یوخدور کسه یانون
باجون یوخ خشک ائده قانون
آخوب قانون گئدوب جانون
ابوالفضلیم علمداریم

علمداریم زبون اولدون
قتیل قوم دون اولدون
علم تک سرنگون اولدون
ابوالفضلیم علمداریم
اوغول یوخ دردیمی بیلسون
منه یار و معین اولسون
اوغولسوز قارداشون ئولسون
ابوالفضلیم علمداریم
توکندی طاقتیم سنسیز
بوکولدی قامتیم سنسیز
قان آغلار عترتیم سنسیز
ابوالفضلیم علمداریم
اوزون مقصودوه یتدون
بئله احبابی ترک ائتدون
منی یالقوز قویوب گئتدون
ابوالفضلیم علمداریم

ایا ماه بنی‌هاشم
منیم ایستکلی قارداشیم
دونوب القانه گوزیاشیم
ابوالفضلیم علمداریم

دییم گورمز گوزوم قارداش
یقین دوزدور سؤزوم قارداش
سنه قربان اوزوم قارداش
ابوالفضلیم علمداریم

اوزون گئتدون خلاص اولدون
دولی پیمانه تک دولدون
گلستانیم نه تئز سولدون
ابوالفضلیم علمداریم

منی کیم غرق ائدوب قانه
سالوب بو قانلو میدانه
یانار بو حاله بیگانه
ابوالفضلیم علمداریم

بو غربتده وحید اولدوم
کومکدن ناامید اولدوم
سن ئولدون من شهید اولدوم
ابوالفضلیم علمداریم
قالوب «صراف» بی‌چاره
محیط غمده آواره
اوزون قیل دردینه چاره
ابوالفضلیم علمداریم

عزیز و محترم شاعرلر:

اگر مایل‌سوز شعرلروز بو مجموعه‌لرده چاپ اولونا لطفاً شعرلروزی بو آدرسه مرحمت ایلیون اردبیل بازار جلائی، کتابفروشی ناصح

«نوحه‌سینه‌زنی - جوشی‌زنجیرزنی»

ای آدی اولان دردلره درمان سنه قربان
یا باب‌الحوائج
گلدوک قاپوا قیل بیزه احسان سنه قربان
یا باب‌الحوائج

گلدوک قاپووا باخ بیزه مولا سنی تاری
نسگل‌لروه ایلییروک ناله و زاری
سنسن ائلین شیعه‌لری غم گونی یاری
ساخلار سنه یاس ملت ایران سنه قربان
دائم سنه گوزیاش آلروک بزم عزاده
سو گورسوک هایاندا سالاروق اصغری یاده
اولدون او سودان اوتری خجل کرب‌وبلاده
گوزلردی یولون غمزده طفلان سنه قربان

بیر مشگ سودان اوتری او گون قانه بوروندون
اوخلار هدف ائتدی سنی هر سمته که دوندون
امدادوه قارداش یتیشن وقته سوروندون
سسلندی حسین ای مه تابان سنه قربان

سن بیل او چولون تشنه اوشاقلاری ابوالفضل
سولموشدی سارالموشدی دوداقلاری ابوالفضل
گل سال یولا ایندی بو قوناقلاری ابوالفضل
گوز یولدا قالوب هامی پریشان سنه قربان

عالم سنه قربان اولا صاحب کرم عباس
سسلردی سنی بیر گونی اهل حرم عباس
لطف ائت بیزه‌ده ای قولی تندن قلم عباس
دوندر گوزوی مجلسه بیر آن سنه قربان

سن مایه‌ی فخر اولدون آنون ام‌بنینه
امداد ائلدون سخت زمانینده حسینه
وئردون ایکی قول بیر گوزووی دین مبینه
ائتدون اولاری فدیه‌ی جانان سنه قربان

یاننوق او زمانه گل حسین صوتون اوجالدی
یت داده دئدون لشگر آت اوستن منی سالدی
گلدی سنی اللردن حسینون اوزی آلدی
تاپدون دییه بیلّم تزه‌دن جان سنه قربان
اگلشدی باشون اوسته اول آچدی حسین باش
گورمیدیم ابوالفضل دئدی باش یاروی ایکاش
قویدون نه چتین وقتده کمک‌سیز منی قارداش
دور یاتما قوم اوستونده لب‌عطشان سنه قربان
قویدی باشووی قوملارین اوستن دیزی اوسته
دردی سینووین اوخلارینی دسته به دسته
بو اوخلار ائدوب سسلدی قارداش سنی خسته
اولدون ره قرآنیده قربان سنه قربان
اطرافیمی بو کوفه‌لیلر گور نه آلوبدی
باخ گور نه حسین اللری قوینوندا قالوبدی
دوتمورسان الیندن دئموسن هئچ قوجالوبدی
یا یوخدور الون اولما پریشان سنه قربان

زینب خبر آلسا او گل یاسه نه گلدی
ئولسون باجیسی آتشین احساسه نه گلدی
قیزلار دئسه‌لر گر عموم عباسه نه گلدی
کئچدی دییه بیلّم نجه قولدان سنه قربان
یومدون گوزوی طایفام ائلیم سیندی ابوالفضل
پی‌دن داخی قصر املیم سیندی ابوالفضل
آتدان یخیلان وقتده بئلیم سیندی ابوالفضل
ائتدون دیزیمی بو غمه لرزان سنه قربان
بیر عده هراسانیمه بو نوعی دئدیم من
چوخ آغلامیون سسلنور عباس گئدیم من
ایندی سن اوزون سؤیله نه‌نوعی قییدیم من
ایلور حرمیم ناله و افغان سنه قربان
آچ قانلی گوزون قارداشووی غصه یوروبدی
سینمیش قوشونی باشوون اوسته اوتوروبدی
دوشسون او بیلک که گوزوه یاره ویروبدی
دگمیش گوزووه زهریلی پیکان سنه قربان

دشمن یوراجاق غصه‌لی اولدوزلاری قارداش
ویرانه‌ده ساخلارلا اوغولسوزلاری قارداش
قمچیله ویرارلار مله‌شن قیزلاری قارداش
یولدا قالار اوچ سنیده جیران سنه قربان
سن ئولدون ابوالفضل منیده تنگه سالارلار
اهل حرمین خوش گونونی الدن آلارلار
باغلارلا قولون زینبی شامه آپارارلار
طعنیله اولار سینه‌سی سوزان سنه قربان
باتدون قانا سن ای خلف حیدر صفدر
بیر مسئله بو قومیدن اولدی منه اظهر
قیزلاریمی هم زینب و کلثومی دوگرلر
سسلرله سنی داده عزیزان سنه قربان
اودلی سؤزولن بیرده یانان قلبی آلیشدیر
دشمن گولوشور یاتما منی بیرده دانیشدیر
موجه گلن آلامیمی عباس قاریشدیر
سنسیز ال آچور اوستومه عدوان سنه قربان

گوزیاشیمه قلبیم قانی بو غمده عجیندی
بیلسه یخلوبسان بالا قیزلار گلر ایندی
قارداش قوجاقیندا ئوله قارداش نه چتیندی
بیلمز باشینا گلمین انسان سنه قربان

ای یارەسی اندازەدن آرتیق اولان ایوای
زهرا ساچینی باشینون اوسته یولان ایوای
باشی یاریلوب گوزلرینه قان دولان ایوای
گورمز تایووی عالم امکان سنه قربان

گوزلور یولووی خیمه قباقینده سوسوزلار
یاندیم العطش ناله‌لری گوگلره قالخار
گلمور بورا سس خیمەدن آرتیق آرامیز وار
جان اوسته اولاردان نگرانسان سنه قربان

هر بیر اوخی که پیکروه دگمیش ابوالفضل
سینوندن اول قلبیمه اگلشمیش ابوالفضل
باخ قامتیمی همچو کمان اگمیش ابوالفضل
منده اولارام قانیمه غلطان سنه قربان

من غملی شه‌ائیدیم منه سن غملی علمدار
آرام دلیم حال دلوندن خبریم وار
سنده یارالی منده فزون دل یارامیز وار
دل یاره‌سی چوخ سختیدور اوخدان سنه قربان
ای لشکریمون عرصه‌ده سرلشگری لایلای
دوشدی خطره زینبیمون معجری لایلای
لایلای غمی یاددان چیخادان اکبری لایلای
یان یانه یاتان جمله شهیدان سنه قربان
هیهات چیخا غصه‌لرون اودلی دلیمدن
آلما خبر احوالیمی گور اَیری بئلیمدن
یوخدور قالانیم پرچمووی آلسون الیمدن
قالموب حرمه بیرجه نگهبان سنه قربان
ایللردی آقا نوکروووم عبد ذلیلم
آغلار گوزولن درگهوه منده دخیلم
«ناصح»دور آدیم بنده‌ی خلاّق جلیلم
سائل سنه من - سن منه سلطان سنه قربان

«جوشی سینه‌زنی و زنجیرزنی»

زبانحال امام در بالین علمدار کربلا

ای تشنه‌لب آل‌اللّهین سقّاسی عباس
رسوا ائدن دریالری غوغاسی عباس
دنیا ملالین آتموسان
نهر اوسته قولسوز یاتموسان
لایلای ابوالفضل - لایلای ابوالفضل

یومدون گوزون بیر گوز ایکی دست کرمدن
والاده‌دور شرحی اونون لوح و قلمدن
الدن اوزوب ال، اوزمدون اما علمدن
احسن سنه آل‌اللّهین عبّاسی عباس
غرق اولدی امّا بیدقون سینونده قانه
احوالوه زهرا ننون گلدی فغانه
جسمون کیمی مشگ آغلیور هی دانه دانه
قان آغلیان مشگی گوزی اعضاسی عباس

قان چشمه چشمه داشلانور گل پیکروندن
دوشموش نقابه صورتون خون سروندن
آچ گوزلرون قوی بیر ئوپوم تا گوزلروندن
گئتدی یارالی قلبیمون یاراسی عباس

وار قلبیمه قوّت سنون هر بیر سؤزونده
آگاهسن بو امره اوّلدن اوزونده
قارداش بو نه قاندور چکوب پرده گوزونده
سیلدیم گینه گورسنمیور شهلاسی عباس

گُل عارضون آی تک دوشوب قاندان نقابه
یوخ تاب و طاقت باشون اوسته آفتابه
یرده وجودون بنزیور بی‌پر عقابه
ای اوج قاف غیرتون عنقاسی عباس

قانیله دولموش گوزلرون مثل پیاله
زلفون سریلمیش صورته مانند لاله
باشون قالوب آهن عمود آلتدا نه حاله
گویا دگوب داش سیندیروب الماسی عباس

بوکدی بوکولموش قدّیمی آخر زمانون
بیر گوز ایکی قول سلب‌ائدوب قارداش توانون
بیر مشگ سو اوسته گئدوب بیر مشگ قانون
سیراب اولوبدور کربلا صحراسی عبّاس



زبانحال قمر بنی‌هاشم علیه السلام

درک ائت منیم احوالیمی بو اودلی سؤزومدن
اوخلار منی میداندا حسین سالدی دُؤزومدن
باشیم نه حالا قالدی گلنده گوره‌جکسن
مشگین‌سوئی تک قان توکولور یاره گوزومدن

«نوحه - سینه‌زن - جوشی»

باشون‌اوسته گلمیشم‌من سنه وار سؤزوم اباالفضل
گوزون آچ سنی خیامه آپاروم اوزوم اباالفضل

سسووی خیمده آلدوم اورگیم قالوب او سسده
باشون اوستونه گلنده واریدیم که بو هوسده
سنیلن دوداق دوداقه قویام آخرین نفسده
یوزوی ئوپنده قانه بویانا یوزوم اباالفضل
سورونوبدی تپراق اوستن آتام اوغلی مه جمالون
علی‌اکبریمدن آرتوق منی یاندیرار ملالون
قوری یرده یاتماقوندان دی گوروم ندور خیالون
بو چتین زماندا سندن نجه ال اوزوم اباالفضل
گورورم ووروبدی دشمن باشووا عمود آهن
ائلیوبدی عرصه‌گاهی باشوون قانی مزیّن
نجه گور منه شماتت ائلیور گروه دشمن
بو شماتت و جفایه نجه من دؤزوم اباالفضل

ائلیوب شکسته قدّون منی دلشکسته قارداش
بو یارالی باشی قویما قالا تپراق اوسته قارداش
بیلورم سنی یارالار ائلیوبدی خسته قارداش
یری وار سرشک توکسه نقدر گوزوم اباالفضل
دوشوب اللرون، منیمده یره شهپریم دوشوبدی
سپریم گئدوب الیمدن ایتی خنجریم دوشوبدی
نجه نوریدن بو چولده مه انوریم دوشوبدی
بیر اولوب گوزومده الان گئجه گوندوزوم اباالفضل
چکم ال بو حالدا سندن منی قویمیور علاقه
نجه تاب ائدوم بو باشی آلا نیزه‌لر قوجاقه
خم اولوب بئلیم بیلورسن دورا بیلمرم اياقه
اياقا دوراندا سؤز یوخ اسه‌جک دیزیم اباالفضل
نجه تاپشوروم یارالی سنی بو گروه شامه
باشون آیریلا بدندن یته اهل کوفه کامه
نولور اوخلاناندا مشکون، منیلن گئدک خیامه
شهدا کیمین ردیفه سنی من دوزوم اباالفضل

اوزونی گلوبدی «اظهر» شعرای عصره قوشدی
بو سؤزی یازاندا دیگ غمی جوشه گلدی جوشدی
دئسه گر حسین دلیجه بو سؤزی دوباره خوشدی
باشون اوسته گلمیشم من سنه وار سؤزوم اباالفضل

قطعه

حسینچیم بو قرا کوینگیم جوازیمدی
حسین محبّتی عشقیمدی امتیازیمدی
حسینین آدین اگر قبریم اوستونه یازالار
گلاب و شمع ندی گل منه نه لازمدی
صفا تاپار اورگیم تپراق آلتدا من بیلورم
انیس و مونس و دلدار و دلنوازیمدی
بو قاره کوینگیلن دفن ائدون ئولنده منی
بو تذکره‌مدی منیم مدرک مُجازیمدی
حسینین عاشقی‌یم آند اولا حسین جانینا
محرّم و صفر ایّام عشقبازیمدی

«نقوی»

«سینه‌زنی - زنجیرزنی»

فارِسِ میدان ابوالفضل
حامی قرآن ابوالفضل
دعوت ایله کربلایه
جان سنه قربان ابوالفضل
خوشدی اوردا وای دییک - اصغره لایلای دییک

سرو بستان امامت
مرکز صدق و صداقت
زینت مُلک ولایت
ای گُل رضوان ابوالفضل
سالما گوزدن شیعه‌نی - محو اولا دین دشمنی
صاحب عزّ و شرف‌سن
خوش آدیلاّن متّصف‌سن
زاده‌ی شاه نجف‌سن
شافع عصیان ابوالفضل
عهدیمیزده باقیوک - قبریوون مشتاقیوک

خوشلوروق کرب و بلانی
بیر گورک قانلو منانی
شیعه‌لر ورد و زبانی
صاحب احسان ابوالفضل
پیشگاهون باصفا - قیل نظر بابُ الرَّجاء
آغلادور دردِ فراقون
سؤیملی صحن رواقون
وار حضورونده قوناقون
ائتموسن مهمان ابوالفضل
بیزده مشتاقوک گلاخ - قبریوون عطرین آلاخ
سن حبیب لم‌یزل‌سن
یوخ مثالون بی‌بدل‌سن
هر گوزللردن گوزل‌سن
جان‌ابوالفضل جان‌ابوالفضصل
قانون اللّه قانیدی - سن‌سیز عالم فانیدی

ایسته مولا کربلایه
اوز قویاق خیمه‌سرایه
اگله‌شاق اوردا عزایه
صاحب وجدان ابوالفضل

منبع جود و کرم - قولاّری تندن قلم

صبریلر یغمایه گئتدی
عمردن سرمایه گئتدی
قویمادوق اجرایه گئتدی
اولموری جبران ابوالفضل

سن بیزه سرمایه‌سن - باشلار اوسته سایه‌سن

احمد مختاره خاطر
حیدر کرّاره خاطر
جعفر طیّاره خاطر
ایله تئز احسان ابوالفضل

عاشقوک دیداروه - قوش بیزی زوّاروه

دردلره ایله معالج
حل اولا مولا نتایج
قیل نظر باب‌الحوائج
دردلره درمان ابوالفضل
مطلبه آگاه‌سن - زیب قربانگاه‌سن
عالمی گوزدن آتوبسان
محضر حقّه چاتوبسان
قبریده باش‌سیز یاتوبسان
رونق رضوان ابوالفضل
صبریوه قربان اولاق - قبریوه قربان اولاق
ظلم اولوب اول شهریاره
ناطقا بسدور اشاره
جسمینه دگمیشدی یاره
قالدی سرگردان ابوالفضل
باتدی یکسر قانینه - جان فدا ایمانینه

«افراد»[۱]

یتیشدی خاطریمه بیر زمانی عباسون
امام‌حسینون او آرام جانی عباسون
قالوبدی عقلر حیران اونون کرامتینه
حسینه نسبت او ایثار و نفس و همتینه
عقابون اوسته وفالی یارالی سرکرده
دایاندیروب یارالار قانلولار برابرده
وجودی باشدان ایاقه قلج دگوب یارادور
گوزین آچوب باخا بیلمور گوروم بورا هارادور
سنونله یوخدی رجوعیم که نالیه گله‌سن
بو سن بو یاس ابوالفضل اونی اوزون بیله‌سن
دولاندا گوزلره قان ال گرک کنار ائلیه
اگر ال اولماسا قولسوز بدن گرک نئلیه

۱- از دفتر خطی حاج آقابابا احمدی نوحه‌خوان نوشته‌شد.

تاپان زماندا ابوالفضل طُرفه بیر فرصت
یارالی باشینه هردم وئردی بیر حرکت
حرکتی که وئرردی او چاره‌سیز سردار
اولاردی گوزلرینون قانی قطره قطره کنار
او وقته مشگه بیر اوخ دگدی قانلو سو داشدی
سوون سسین ائشیدوب دیسکنوب گوزون آشدی
سووی گورنده آخور چکدی سوز دیلدن آه
بویوردی ای سپه شام، دشمن اللّه
ایا جماعت بی‌رحم باخمادوز سؤزومه
بو اوخی کاش ویریدوز منیم ایکی گوزومه
توکولدوز اوستومه من قولسوز ای گروه ظلام
بو سووی قویمادوز آخر سوسوزلارا آپارام
منی که ائتدوز اولاردان بیر اوخلا شرمنده
وورون بو ئولمگیم افضلدی گئتمرم منده
تیکوبله گوز یولوما تشنه‌لر سودان ساری
اولارون آهینی قوی گورمسون گوزوم باری

اثلیکه گوردی سو مشگیندن ائتدیلر مأیوس
خجالت اولدی سوسوزلاردان ایلدی افسوس
دئدی عقاب منی قوی یره داخی ئولورم
یارالاریم قاریشوب بیر بیره داخی ئولورم
دونیدی کاش فراتون سووی او گون قانه
دینمورم نجه آتدان یخیلدی میدانه
دولاندیروب یوزونی ائتدی آهیله پیغام
او حالیله ائلدی شاه کربلایه سلام
ایا شهنشه دوران حسین سلام علیک
غریب جانوه قربان حسین سلام علیک
اوزون یتور منه بیر ئولمه‌مش گوروم یوزوی
آماندی پیک اجل گلمه‌میش گوروم یوزوی
نقدر «ذاکر» ابوالفضله آغلاسون آزدور
حسین دفترینه آغلا آدوی یازدور

«اوخشاما»

دییرم یارام آغرور اوخ دگوب یارام آغرور
آلنووا داش دگنده بیلرسن هارام آغرور

این ترکیب‌بند بنا به درخواست یکی از مداحان برای طشت‌گذاری ماه‌محرّم سروده‌شد

لطف ائدوب طبعیمه قدرت گینه خلّاق انام
ائدورم منده اونون آدینه آغاز کلام
یازورام بیرده حسین سرور احراره سلام
نه حسین، حقّه فدا ذات حقه سؤیگلیدی
خلقتین گلشنینون عطریلی زیبا گُلیدی
او حسیندی، حقه یتمیش ایکی قربان وئردی
ایچمدی سو، ره جاناندا سوسوز جان وئردی
قوریا قویمادی، دینون آغاجی قان وئردی
نقدر دور زمان وار او شجر بر وئره‌جک
قان حسینون قانیدی بهره مکرّر وئره‌جک

ای عزیزلر گئده قویمون هدره فرصتوزی
برق تک عمر کئچور، آرتیق ائدون همّتوزی
ارزشوز چوخدی سینا قویمیاسوز قیمتوزی
عَرَض اولسا بو جهان سیزلر اونون جوهری‌سوز
صدفه عالمی تشبیه ائلسم، گوهری‌سوز
آند اولا قلبینی اوخ پاره‌لین سلطانه
اونون عشقی ائلیوب بیزلری چون دیوانه
یانوروق دلده نجه شمعه یانار پروانه
دولانوم خیردا بویوک تک تکیزون باشلاروزا
خانمون شیشه‌سی آماده‌دی گوزیاشلاروزا
رشته‌ی عشرتی هر ماه محرّم قیرّوق
مسجد و معبره کلاً قره پرچم ویرّوق
یاوه‌گولر دهنین منطقیلن سیندیرّوق
آهیله جمع اولاروق جامیله طشتون باشینا
آغلاروق زینبین اللرده ئولن قارداشینا

مدّعی نقشه چکور تازه‌لیه دل یاراسین
فکری وار قطع ائلیه عاشق و معشوق آراسین
بیز ولی گئیملیوک یوسف زهرا قاراسین
مصریده یوسفه صف چکدی اگر مشتریسی
گوره دشمن وار حسینون نقدر مشتریسی
بلی یوسف سالینوب چاهه گهی زندانه
عاقبت غُل سیاقیندا چکیلوب میدانه
بیر گونی مصریده‌ده سس یائیلوب هریانه
قرعه‌ی فال گلون جمعیده واضح آتیلور
بیلمینلرده بیله شهریده یوسف ساتیلور
مصرین اشرافی آلا یوسفی حیرتده گلوب
سینه‌ده اللری آماده‌دی خدمتده گلوب
گوردولر الده کلافی قوجا عورتده گلوب
دئدیلر گورمیوسن جمعیدی انبوه طلا
یوسفی آلماقا گلدون نئه سن گور عجبا

دَئری وار نخیمون سؤیلدی جزئی ثمنه
بیلورم بو کَلَفه یوسفی وئرمزله منه
گلمیشم مشتری‌یم منده او گل پیرهنه
دئمیون سیندیرورام یوسف مصرین آدین
بیر نفر آرتیرورام مشترینون تعدادین
یری وار فاطمیه عرض ائدک ای اهل عزا
آغلاروق غملروزه ائللر اولا صبح و مسا
بیزی سن مشتری یاز یوسفووه یا زهرا
بیله بیلمز هامی درّ و گُهرین قیمتینی
سن بیلرسن بو آخان اشک ترین قیمتینی
چوخلاری یوسفیچون مال فراوان گتیروب
باخ سنون یوسفووه الده هامی جان گتیروب
وار اوزاقدان گلنی دیده‌ی گریان گتیروب
مصره گئتمیشدی اولار یوسف کنعان آپارا
ولی گلمیش بولار اوز دردینه درمان آپارا

اولاری که یغیشوب بو یره دوتمیش ماتم
جوشلانور گوزلرینون یاشلاری همچون زمزم
دیوب ائوده گئدورم دردیمی اربابه دییم
دردیمی محضر مولایه دئسم دینجلّم
قلبیمون مطلبینی آغلارام آلاّم گلّم
آقاجان سن بیلوسن روحه صفا ایستیه‌نی
دردینه جمعیدی بو یرده دوا ایستیه‌نی
هرنه‌دن چوخدی بو گون کرب‌وبلا ایستیه‌نی
یاندیرور مرقد شش‌گوشه غمی قلبیمیزی
ئولمه‌میش قبریوه اللّه گوره ایسته بیزی
یابن‌زهرا بیلوسن هجرده دللر یارادی
بیزیده ایسته گورورسن یارین عشقی یارادی
تلّیلن مرکز میدان گوره‌ک هاردان هارادی
بیلیوک کوفه‌لیلر رسم جفا یوخلادیلار
گوره‌ک هاردا علی‌اصغر بالووی اوخلادیلار

تاپا بیلسوک او یری، جمعیله محزون دورّوق
آهیله اوردا آقا شمع عزا یاندیرّوق
یاندیران نوحه‌لریله اورگه اود ویرّوق
یوزه گوزیاشیمیزی چشمه کیمی باغلاداروق
داشلاریندا او یرون نوحه‌میزه آغلاداروق
دییروک بوردا گرک روضه‌ی اصغر اوخونا
حرمله الده کمان گلدی بو یرده یوخونا
توش ائدوب حلق علی‌اصغری اوچ‌پر اوخونا
باتدی قانه او بالا نه دانیشوب نه دیندی
خیمه‌ده اوخ سسین آلدی آناسی دیسکیندی
تا حسین اصغرینی گوردی گئدوبدور هوشه
باخدی اوخ یاره‌سینه گلدی محبت جوشه
محضر یاریده باسدی بالاسین آغوشه
دئدی یارب بودا درگاهوه خونین گلدی
اوچ گونیدی یاتا بیلموردی عجب دینجلدی

اوزی آسوده منی ایلدی پیچیده غمه
قالمیوب هم‌نفسیم حالی اولا کیف و کمه
نه اوزیلن قئیدیم اوخلی بالیلان خِیَمه
اگر عباس گوریدی بو یارالی بالامی
قویمازیدی قالا ال اوسته وفالی بالامی
آز قالور محضروه منده خدایا گلورم
بیر به بیر عهدیمه ایفا ائدورم دینجلورم
باخورام اصغره عباسیمه گوزیاش الورم
گر گوریدی او وفا کانی لالا قاندا منی
دُؤزمزیدی گوره بو حالیده میداندا منی
ای خدا نوشیدی عشقونده بو اندوه و بو غم
هر بلا گوندره‌سن بوردا خریداری منم
من حسینم ئولرم دشمنه عجز ایلمرم
نخل اسلامی طراوتده بو گون قان ساخلار
بو حسینون قانیدور دینیله قرآن ساخلار

شاهد اول اللریمون اوسته منیم بارخدا
وردی اوخ اصغریمه حرمله‌ی شوم و دغا
امر ائله عکسیمیزی سالماقا عکاس قضا
تاجر عشقم اولوب قان منیچون سرمایه
وئرمرم بیر بئله عکسی بیلوسن دنیایه
یانورام عشقین اوتوندا گوزه‌رن مجمر تک
اصغریمده قانینا باتدی بو گون اکبر تک
سالارام قانیله سجّاده آتام حیدر تک
خوشدی آی‌مثلی گئدوب عشق سحابینده باتام
قطره‌ام جهد ائدورم موجیلی دریایه چاتام
عشقووین باده‌سی ازبس گتیروب باشیمه شور
مست مستم منه یکسانیدی اندوه و سرور
فرقی یوخ بستر راحت منه یا کُنج تنور
عاشق ایستر ره جانانیده گُل مثلی اولا
تحفه‌ی یاریدی اوچ‌پر اوخ اولا یا کول اولا

سنون عشقونده باتوب پیر و جوانیم قانینا
تک تکی قربان اولوب مکتبینه قرآنینا
آنداولا اصغریمون قوش‌کیمی چیخمیش جانینا
راضیم قتله یتم غارت اولا مال و حشم
عجله‌م واردی منیم قافله‌مه تئز یتیشم
باغبان مثلی گُلوم زینب دامانیمدی
ارزیابی ائلسین سن کیمی جانانیمدی
بو شهیدلردن آخان قاندا منیم قانیمدی
گلدی مَن کلمه‌سی یارب بورودی قلبیمی غم
من دئدیم اینجیمه چون منده سنون ئولموشووم
«ناصحا» فکرووه بو نوحه‌لری کیم سالدی
یوخووی بیل ائله اول کیمسه گوزوندن آلدی
دور قوتاردی شب احیا سحره آز قالدی
زحمتون سایه‌سینه کامه چاتارسان نینک
غم یمه قبریده آسوده یاتارسان نینک

«نوحه سینه‌زنی - جوشی زنجیرزنی»

اوز قانین ایچن سو یرینه جان علی لایلای
حلقین بیچن اوچ‌شعبه‌لی پیکان علی لایلای

آز سنّیله بو چولده بویوک منصبه چاتدون
حقّ اوسته بالا سنده سوسوز قانوه باتدون
گئتدون علی گوزدن منی بیر دفعه‌لیک آتدون
هردم یوخوما گل سنه قربان علی لایلای

من بیلمدیم اوخلار سنی بو فرقه‌ی عدوان
یوخسا سنی وئرمزدیم الیمدن سنه قربان
اولسیدی صودوم اولمازیدون قانوه غلطان
حقّوندی گوزوندن منی آتسان علی لایلای

سو فکریله بیکس آنوون ترکینی ائتدون
نه سو ایچه بیلدون نه علی مقصده یتدون
بو دشتیده بیر جرعه سویون بادینه گئتدون
قویدون منی بیر عمر پریشان علی لایلای

بیچاره آنون سنسیز علی گئتسه وطنده
گونلر قاباقین مسکن ائدر بیت‌الحزنده
گورسم یانارام خیردا اوشاقلار صود امنده
سالاّم سنی یاده دییرم جان علی لایلای

گل پیکرون اوسته باش آچوب آغلامادیم من
سایر آنالار تک سینه‌می داغلامادیم من
بو نسگله یانّام یاراوی باغلامادیم من
قالدی آنووین گوزلری گریان علی لایلای

آخر گئجه بن‌بسته دایاندوق ایکیمیزده
سوز عطشه قلبیده یاندوق ایکیمیزده
صبحه کیمی اخیامی دولاندوق ایکیمیزده
دل دردیمیزه اولمادی درمان علی لایلای

بیلمزدیم علی یاز گُلی تک تئز سولاجاقسان
بیلمزدیم علی بیله بولوط تک دولاجاقسان
بیلمزدیم علی قانوه غلطان اولاجاقسان
امّیدیم اولار ظلمیله حرمان علی لایلای

سینسین فلکین چرخینی اوز کامینی آلدی
گونلر قاباقیندا آناوین رنگی قارالدی
درناقلاروین یرلری بو سینه‌ده قالدی
بو نسگل ائدر قلبیمی شان‌شان علی لایلای

عدل‌جو[1] عمرونده گرچه ائتموسن بی‌حد گناه
زشت اعمالون سنی هرچند ایلوب روسیاه
درگه زهراده لیکن تاپموسان چوخ عزّ و جاه
روز محشرده یقین ایلر خانم لطف و نگاه
بانوی یوم شفاعت کیمدی زهرادن صورا؟

«شاه‌بیت»

هانسی بلبلون بوغازی اوخلانوب چمنده یارب
هانسی‌بلبل اصغریم‌تک جان‌وئروب ئولنده یارب

«حیرانی»

۱- به جای عدلجو در مجالس ای عزیز می‌توانی بخوانی.

«جوشی زنجیرزنی و سینه‌زنی»

زبانحال حضرت رباب علیها‌السلام

نازلی دلبریم لایلای، ماه منظریم لایلای
اوخلانان سو اوستونده، دلسیز اصغریم لایلای
لایلای اصغریم لایلای

اوچ گئجه گونوز عطشان قالدون ای گونی‌قاره
دیرناقون یری قالمیش ائتدی سینه‌می یاره
عفو ائله منی اوغلوم تاپمادیم سنه چاره
شاهدیم بو احواله حیّ داوریم لایلای
لایلای اصغریم لایلای

من سنه اوغول لایلای نه امیدیلن چالدیم
گولمدی یوزوم افسوس قاره گونلره قالدیم
ئولمدیم سنی عطشان خیمه‌دن یولا سالدیم
سن گئدن یولا حسرت باخدی گوزلریم لایلای
لایلای اصغریم لایلای

سو اول اوشاقیندور ایسته‌سه یوباتمازلار
بیر ایچیم سودان اوتری قانینه بویاتمازلار
هئچ شکاره سو اوسته رسمیدور اوخ آتمازلار
حرمله جفاسیندن سیندی شهپریم لایلای
لایلای اصغریم لایلای
حق یولوندا جان وئردون جانووه ننون قربان
اکبریله هم‌پایه شأنووه ننون قربان
سو کیمین آخان قانی قانووه ننون قربان
گل کیمین سولان رنگی غنچه‌ی تریم لایلای
لایلای اصغریم لایلای
هانسی مکتبون اولمیش دهریده بو اعجازی
ایلیوبدی بیر طفل شیرخواری جانبازی
هانسی ارتشون سن تک واردی خردا سربازی
حشره‌جک آدون اولدی باشدا افسریم لایلای
لایلای اصغریم لایلای

یاخشی وقتیده اولدون شاه دین هواداری
سربه‌سر بویانمیشدی قانه یار و انصاری
اولدون آخر صفده خرداجا علمداری
تک قالاندا میداندا شاه محشری لایلای
لایلای اصغریم لایلای
قلبینه فلک بذر درد و محنتی اکدی
باخدی بیر فرات‌اوسته بیلدی یاری یوخ تکدی
تیری تشنه حلقوندن یومدی گوزلرین چکدی
آغلادوبدی دنیانی غملی رهبریم لایلای
لایلای اصغریم لایلای
گلشنیمه بو چولده صرصر خزان اسدی
بو مصیبتون اوغلوم حشره‌جک منه بسدی
تیغیدن بَتر اوچ‌پر اوخ بوغازوی کسدی
تشنه حلقووه قربان ای وای اصغریم لایلای
لایلای اصغریم لایلای

قانووی آتون اوّل اوجونا دوتوب باخدی
یاندی قلبی گوزیاشی چشمه‌لر کیمین آخدی
قانووی او بحراندا آغ محاسینه یاخدی
آغلادی دئدی دلسیز حقّه مظهریم لایلای
لایلای اصغریم لایلای

دولدوروب گینه اُوجون تا که کامکار اولسون
قانووی آتون سپدی گویده یادگار اولسون
شیعیه بو ارزنده تحفه افتخار اولسون
سسلنوبدی ای عرشه قانی زیوریم لایلای
لایلای اصغریم لایلای

سنده شعروه «فرهاد» ایسته سوزش و تأثیر
شرطی وار اولا توأم آه و ناله‌ی شبگیر
سؤز یازاندا گوزیاشین جاری ائت بلاتأخیر
سسله ای اولان زیبا آدی ازبریم لایلای
لایلای اصغریم لایلای

«زنجیرزنی - سینه‌زنی»

صودامر سوسوز اوشاقه اوخینان سو ساخلامازلار
سو وئروب یولا سالارلار سو یانیندا اوخلامازلار

سوئی کاش او گون فراتین دولانیدی قان اولیدی
نه بالام سووا گئدیدی نه اوخا نشان اولیدی
نه بو دربدر ربابه قوری یر مکان اولیدی
نه دئمیدیلر آز آغلا گئجه گوندوز آغلامازلار
لب رود و جویباره گئدر اوچیلار شکاره
او غزالی اُولامازلار اگر اولسا شیرخواره
ولی حرمله ربابون بالاسین چیخوب کناره
دیین اولمادی او شرطی بئله گون ایاقلامازلار
دیور اصغرین آناسی علی کیم سنه اوخ آتدی
او که سو وئرن دگلدی نیه قانی قانه قاتدی
آتووی ائدوب خجالت اوزونون باشین اوجاتدی
دئمدون اوخی اوشاقین بوغازیندا یوخلامازلار

«جوشی زنجیرزنی - نوحه‌سینه‌زنی»

حسرت باخارام گوزلریم آغلار سو گورنده
لایلای بالا لایلای
چوللرده لب‌عطشان یارالی آهو گورنده
لایلای بالا لایلای

چوللرده دولاندون نچه آی ناقه‌لر اوسته
ای قلبی شکسته
هر یاندا سو وئردیم بالاما اولمیا خسته
یات سینه‌مون‌اوسته
گُل باغلادی گهواروه اکبر نچه دسته
ای شهپری بسته
قلبیم دوتولار یاره‌لی بیر تیهو گورنده
لایلای بالا لایلای

آی دالدالانوب گون دولانوب اولدوزی باتدی
گوزدن منی آتدی
دلسیز بالاما حرمله اوچ‌شعبه اوخ آتدی
اولدوزکیمی‌باتدی
قوشلار کیمی جان‌وئردی باخوب گُل گُله یاتدی
مقصودینه چاتدی
عطرین آلارام یاسمن و شب‌بو گورنده
لایلای بالا لایلای
گونلر قاباقیندا دییرم ای قوزی قربان
اوخ یارووه قربان
گُل یاپراقینا ویردیلا اوچ‌شعبه‌لی پیکان
ای قلبی پریشان
احوالووه آغلار گئجه‌لر بیر سوری جیران
آی یاره‌لی قربان
حسرت باخارام چایلار آخاندا سو گورنده
لایلای بالا لایلای

گل یاندی آخوب چوللره دریا کیمی علقم
ای محنتی اعظم
سو اولمادی اخیامیده باخدون منه هردم
ای غنچه‌ی پُر غم
آغلار غمووه شیعه‌لر هر ماه محرّم
الده قره پرچم
لایلای دییرم اوغلی ئولن بانو گورنده
لایلای بالا لایلای
اوخ دگدی حسینون بالاسی قانه بویاندی
یاتمیشدی اویاندی
باخدی قوزی قربانینه میدانی دولاندی
قلبی غمه یاندی
عباسی چاغوردی دئدی گل قارداش آماندی
میدانی دولاندی
صبریم کسیلر قانه باتان بازو گورنده
لایلای بالا لایلای

«دوشمه سینه‌زنی و زنجیرزنی»

باجی ای غم خریداری - فغان و ناله مشتاقی
آچیلدی غصه بازاری - گل آل بو قانلی قونداقی

آپاردیم سو امیدیله بو عطشان طفلی میدانه
الیمده حرمله گورجک آلوب تاپشوردی پیکانه
آچوب اوخ دایه‌سی صوددن باتوردی صود یرین قانه
گلوب خلعت هواسیله بولوبدور مرحمت چاقی
سنه چوخ وئرمیشم زحمت دلیل خجلتیمدور بو
قبول زحمت ائت بیرده که آخر زحمتیدور بو
گل آل آرام جانیمدور قرار و طاقتیمدور بو
بو بیر گلدور نثار اولموش بهار عمره یاپراقی
قضا چون اصغری گوردی باجی چوخ اضطرابیله
تاپوب تقدیری ئولدوردی خیالین بیر خطابیله
ایکیسی ال بیر اولدی بیر اولوب بیر اوخ جوابیله
ولیکن اوخ آتان اولدی بابام پیغمبرون عاقی

بلا ابری بو گون قالخوب هواده باشباشا چاتدی
چیخان اولدوز گوروب آخدی دوشوب تپراقلارا باتدی
بو بیر قرص قمردور گون النیده ال به ال یاتدی
جفا دستیله سوندوردی بیر او ظلمی بو اشراقی
آناسینه بویور گلسون آپارسون چکمسون زحمت
الیمده بر خطالی ال بالاسین ایلیوب راحت
بیر اوخ قویدی کمان اوسته او اوخدان طرح اولوب قسمت
من ایستک لاله گونیمدن بونا قاندان بویانماقی
باجی گل ایلدی اکبر غمینی اصغریم تازه
وئروب جان تازه‌دن گویا علی‌اکبریم تازه
او قانین گئتمه‌میش رنگی بویاندی اللریم تازه
خدایه شاهد عرض ائتدیم بو ناحق قانه تپراقی
ربابه وئر خبر سینه بو غمده داغلاسون زینب
آچوب اوز قانلی قونداقین گوزینی باغلاسون زینب
یغوب اوغلی ئولنلردن باشینه آغلاسون زینب
گلوب فریاده دولدورسون اوغول وائیله آفاقی

باجی بیر خیمه‌دن دیشره قدم قوی گور نه عالمدور
من اصغر قانینه غرقم او غرق اشگ ماتمدور
ائدر انفاق جان هرکس که جانانیله خرّمدور
چون انفاق آیه‌سی اولموش بیلون قرآندا مصداقی

داشوبدور «صافیا» باشدان آشوبدور معصیت سیلی
سنی بو سیلیدن هرگز کنار ائتمز عمل خیلی
ولی دوت دامنین یالوار حسینون اولسا گر میلی
حساب ائتمزله محشرده قالان صورتده الباقی



عاشق که شایق است به راز و نیاز عشق
خواهد ز پیر میکده گیرد جواز عشق
در آرزوی سجده محراب عشق یار
سازد وضو به اشک و بخواند نماز عشق

«طهوری»

«جوشی»

زینبیم گل بالام قانه باتدی
امدی پیکانی گوز یومدی یاتدی
گئت دئنن بختی قاره ربابه
اصغریم سینوون داشین آتدی

من دئدیم سو وئررلر ایچر سو
ایلیر قمری‌لر مثلی کوکو
بیلمدیم بعضی اوچی سو وئرمیش
اوخلانا سو کنارینده آهو

آل بو قنداقی مندن آماندی
غصه‌دن قلبیمون باشی یاندی
بیلمورم اوخ نجه دگدی زینب
کئچدی اوخ صاق قولوم پارچالاندی

حرمله قویدی بیر اوخ کمانه
اصغری دوتدی حلقین نشانه
تشنه قربانیمه دگجگین اوخ
قنداقی دوشلوگی باتدی قانه

گوئیا هئچ یاراللی دگولدی
گل کیمی باخدی پیکانه گولدی
گئت ربابه دی باشون ساغ اولسون
وئردیگون غنچه بیر دسته گُلدی

اصغریمه او پیکان چوخیدی
پهلوانی یخان بیر اوخیدی
آرزیمون گللری پرپر اولدی
گوئیا اصغریم هئچ یوخیدی

تیتره‌دی اوخ دگنده ایاقی
تیتره‌دیم منده اصغر سیاقی
بوسه آلدیم بوغازیندن افسوس
بوسه‌سیز قالدی سولموش دوداقی

یات دئدیم ای گل پرپر اوغلوم
گئت سنی فاطمه گوزلر اوغلوم
سولماقون غنچه وقتینده واللّه
قارداشیم محسنه بنزر اوغلوم

خیمه‌ده سوسن و یاسیم آغلار
گوزلریم مثلی احساسیم آغلار
بیلسه میداندا آواره‌ام من
حالیمه قولسوز عباسیم آغلار

اوخشیور گوزلریم ابره اوغلوم
التماس ایلورم صبره اوغلوم
چوخ چتیندی آتا اوز بالاسین
اوز الیلن قویا قبره اوغلوم

قارداشیم ئولمه‌سیدی گلردی
اود دوتان قلبیمه سو سپردی
من قویاندا سنی قبره اوغلوم
قبریوون اوسته تپراق توکردی

«دوبیت»

کیفیّت وداع امام‌حسین علیه‌السلام از بیمار کربلا

زینبدن آیریلاندا حسین بیر زمانیدی
اطراف خیمه‌لرده قیامت عیانیدی
محشر گونی دگلله نجه خلق بیربیره
اوخشاردی خیمه‌گاه او گون روز محشره
اوج ایلر حشریده نجه وانفسی برملا
فریاد ائدردی آل علی وامحمّدا
معلومیدی حسین گئده گر خیمه‌گاهیدن
بیرده یقین قیتمیه‌جک رزمگاهیدن
قانی آخا آخا نچه یردن یاراسینون
گلدی عیادتینه او ناخوش بالاسینون
بیر حالیدیدی گوز آچا بیلموردی قیزمادان
اگلشدی باشی اوسته ائدوب گوزیاشین روان
گوردی اولوبدی دردینه بیمار مبتلا
فرمایش ایلدی نجه‌سن ناخوشوم بالا

گفتاره گلدی آلدی خبر سوز آهیله
امرون هارا یتیشدی بابا بو سپاهیله
فرمایش ایلدی بالا شیطان نابکار
چون غالب اولدی بو چولی قانلا سواردیلار
بیمار آغلادی دئدی ای مهربان بابا
وَینَ حبیب سؤیلدی ئولدوردولر بالا
عرض ائتدی وَینَ مسلم ایا سرور انام
فرمایش ایلدی اوغول ئولدوردی اهل شام
آلدی خبر هانی عموم عباس نامدار
سسلندی قولاّرین بالا سو اوسته سالدیلار
هر بیر جوانی آلدی خبر غصه‌سین یدی
هر فرد فردینی آقا ئولدوردولر دئدی
نوبت یتیشدی بیر نفری آلماقا خبر
ناگه سوروشدی قارداشیم اکبر نولوب مگر
سالدی حسین باشین اشاقا وئرمدی جواب
گوردی جواب اولمادی چوخ ائتدی اضطراب

ابر بهار تک دوتولوب تنگ اولوب نفس
قربانووم بابا علی‌اکبر نولوبدی بس
بیر آه چکدی آغلادی سلطان کربلا
فرمایش ائتدی صبر ائله ای درده مبتلا
باد مخالفیله سولوبدور چمن اوغول
بیر سن قالوبسان آلما خبر بیرده من اوغول
شام اهلی خیمه‌گاهیده دیّار قویمادی
من بینوایه یاور و انصار قویمادی
بیمار آغلادی دئدی عمّه اوزون یتور
دور بیر عصا گتور منه بیرده قلج گتور
بیله دیینده اهل عزا قالخدی شور شین
سالدی قولینی بوینونا اوغلی ئولن حسین
ئوپدی یوزیندن آلدی خبر نور دیده جان
شمشیریله عصاده اولان سرّی ائت بیان
عرض ایلدی بابا داخی دنیانی نیلیوم
شمشیر آلوب عصایه دوروب تکیه ایلیوم

قوی منده نامراد علی‌اکبر کیمی گئدوم
دشمنله جنگ ائدوب سنه جانیم فدا ائدوم
ناخوش بالا سنه او قیامت یازیلمیوب
کرب‌وبلا چولونده شهادت یازیلمیوب
مندن صورا گرک اولاسان عالمه امام
زنجیر ظلمه قولاّری باغلی روان شام
اهل عیالیمه اولوسان میر قافله
بی‌کس یتیملرون آلوسان قلبینی اله
طعنه ویراندا صبر ائده‌سن لشگر ظلام
اود یاغدیراندا باشوزه بام اوستن اهل شام
عمامون اود دوتاندا قولی باغلی ناقه‌ده
آهون چیخاندا عرشه اورک داغلی ناقه‌ده
اطفالیمون چیخاندا گوگه آه و ناله‌سی
اوج ایلینده صبر ائده‌سن واحسین سسی
«ذاکر» توسّل ایله که بیمار کربلا
ضامندی چون مریضه ائدر دردوه دوا

«نوحه زنجیرزنی»

ای بو غملی دشتیده اودلارا یانان باجی
قارداشون حسین گئدور ایلمه فغان باجی

باشیمون یاراسینی باغلا قان گوزه دولوب
صرصر خزان اَسوب گلشن علی سولوب
پرچمیم یاتوب بو گون صاحب علم ئولوب
یدّی قاره باشینه نصف گون سالان باجی
جمله یار و یاوریم عشقیلن باتوب قانا
یاتدی عون و جعفریم قان ایچینده یان یانا
جسمیده حسینووین یاره گلمیور صانا
اشگ چشمون ایلمه فرقتیمده قان باجی
آخرین وداعیدور ایلورم سنه علن
گئتگه اگنیمه گیوم ایندی کهنه پیرهن
جسمیمه بو کوینگیم قالسا گر اولا کفن
صبر ائله گوزون یاشین ایلمه روان باجی

ایلدیم سنی بو گون اهلبیته سرپرست
هر بلا اگر گله اول بلایه چیره‌دست
نطقویله ائتگیلن دشمنانی سن شکست
ایستیور یزیدیان محو اولا قرآن باجی
عالم اَلستیده ای شریک نهضتیم
عالمه طلوع ائدر گون کیمی شهادتیم
قویما پایمال اولا زینبا بو خدمتیم
هر مصیبته دُؤزوب صبر ائله دایان باجی
زینب عرض‌ائدوب سؤزون خاطریمدن آتمارام
هر مصیبت اوز وئره اشک چشمه باتمارام
یاتمیونجا قیزلارون گوز یوموب نه یاتمارام
قوی دئسونله زینبه اوتلارا یانان باجی
رزمگاهه کیم گئدوب شادکام قئیتمیوب
دوغرانوبدی پیکری خوش پیام قئیتمیوب
شعره «نصرتی» ائدوب تا قیام قئیتمیوب
هر زمان یازوب غمیم ائتدی چوخ فغان باجی

اگلش دولانوم باشوه هنگام فرصتدور
اخیامووه ایله نظر گور نه قیامتدور
رجعت ائله اخیامووه بااینکه زحمتدور
قیزلارون اولدی باغریقان گئتمه حسین گئتمه
قارداش منی ائتسون سنه اللّه بلاگردان
ائتدی یارالی قلبیمی بو حالتون سوزان
اولسون کمکسیز جانووه زهرا آنام قربان
ای لشگری مغلوب اولان گئتمه حسین گئتمه
ظلمون دوتوبدور ظلمتی بو قانلو صحرانی
آیا تحمّل بس نجه ایلوم بو هجرانی
نه نوعیلن ساکت ائدوم بیر عدّه طفلانی
گلزاریمه یتدی خزان گئتمه حسین گئتمه
مظلوم ائدوب اعدا سنی غربت ولایتده
قالدی باجوندا معرض طعن و شماتتده
گئتسون باتار گل پیکرون قانه بو ساعتده
الده سِنان گوزلور سَنان گئتمه حسین گئتمه

ایله گشاده مُنحرون اوپسون باجون زینب
بیرده او تشنه حنجرون اوپسون باجون زینب
گل تک او سولموش لبلرون اوپسون باجون زینب
دشمن سنه وئرمز امان گئتمه حسین گئتمه
بحر ستم موج ایلیوب هنگام طوفاندور
شوق شهادت یا اخا سنده نمایاندور
باغلاندی چاره یوللاری زینب هراساندور
یوخدور بیزه بیر پاسبان گئتمه حسین گئتمه
آغلا «رحیمی» جمع ائله عقبایه گوزیاشین
ایلر عطا مظلوم حسین محشرده پاداشین
زینب بئله ائتدی ندا آغلاتدی قارداشین
ای سرور کون و مکان گئتمه حسین گئتمه

«نوحه زنجیرزنی

ای اولان دچار محنت بو غمین مکاندا زینب
یوزی گولمین آنام تک بو فنا جهاندا زینب

«نوحه - جوشی - سینه‌زن»

گل ای محنت‌کش دوران باجی زینب خداحافظ
یتیشدی موسم هجران باجی زینب خداحافظ

چتیندور آیریلیق گرچه تاپوب تغییر احوالون
گرک عهده وفا ایلوم پریشان اولماسون حالون
آنام زهرا نشانی جان سنون جان خوردا اطفالون
گلوبدور قتلیمه فرمان باجی زینب خداحافظ
بو آخر گئتمگیمدور ای بلاکش چکمه دلدن آه
دالیمجا باخما حسرتله یتیشسون دادوه اللّه
داخی من گئتمه‌لی اولدوم بو سن بو خیمه و خرگاه
یولومی گوزلیور عدوان باجی زینب خداحافظ
بو شام و کوفه‌نون اهلی همی ظالمدی هم فاسد
یولومی گوزلور ئولدورسون منی بو فرقه‌ی فاسد
ئولنده منتظر قالما خیامه یولاّرام قاصد
وئرنده قوملار اوسته جان باجی زینب خداحافظ

گئت اگلش خیمه‌گاهونده ائلیکه قاصدیم گلدی
اَیری قارنی آلتیندا یقین بیل قارداشون ئولدی
او وقته بیر علامت وار گوررسن ظاهره گلدی
اولور عالمره اعلان باجی زینب خداحافظ

قویار یوز خیمیه دشمن یانار بو خیمه و خرگاه
آچار ال غارته غارتگران فرقه‌ی گمراه
سیزه رحم ایلین اولماز بئله وقته مگر الله
یاغار عرش خدادن قان باجی زینب خداحافظ

یارالی نعشیمون اوسته گلنده سینه چاک ائتمه
سووروب باشوه تپراق اوزون آلوده خاک ائتمه
منی هر حالیده گورسون اوزون چوخدا هلاک‌ائتمه
بلایه صبر قیل هر آن باجی زینب خداحافظ

خانم حقّون وار حقّون وار باجی قلبی دوام ائتمز
حسین‌تک قارداشین داغی اورکدن حشره‌دین گئتمز
نجه یانماز بو کلماته نجه «ذاکر» فغان ائتمز
دییه سلطان مظلومان باجی زینب خداحافظ

«نوحه - رجز»

کربلا دشتینی ویران گلون ایلمیون
قانیله بو چولی الوان گلون ایلمیون

نچه‌مین نامه یازوب یوللادوز ای اهل سقر
منی مهمان گتوروبسوز بو نه مذهبدی مگر
ایلدیم ترک وطن ایندی پشیمانسوز اگر
ایلمیشدوز منی مهمان گلون ایلمیون
سیزه وئردوم یمن و ملک و حجاز و حلبی
بابل و شهر دمشقیله عراق و عربی
بیگناهم سوسوزام بهر خدا حق نبی
منی اوز قانیمه غلطان گلون ایلمیون
خیمه‌دن عرشه چیخوب رحم ائلیون آه و فغان
آز قالوب وئرسون عطشدن شهدا قیزلاری جان
بیرجه قطره سو وئرون حق پیمبر بو زمان
آل پیغمبری عطشان گلون ایلمیون

ایلدیم بیلمورم آیا نه حلالوزی حرام
نیه اجماع ائلیوبسوز مگر ای لشگر شام
دوغرادوز یاریمی انصاریمی بو چولده تمام
منی بوندا اندا پریشان گلون ایلمیون
یولاّدوم اکبری ئولدوردوز ایا قوم پلید
ایلدوز ظلمیله عباس علمداری شهید
قویموسوز کرب‌وبلاده منی بی‌یار و وحید
بو جفاده داخی طوفان گلون ایلمیون
ظهر وقتینده گل فاطمه‌نی سولدوروسوز
جام مقصودی منیم قانیمیله دولدوروسوز
چون سوسوز عرصه‌ی‌میداندا منی ئولدوروسوز
یارالی نعشیمی عریان گلون ایلمیون
بئله عهد ایلمیشم ایلرم عهدیمه وفا
شمر بی‌دینون الیندن ایچرم جام بلا
یتیشور سیزلره فرصت او دم ای قوم دغا
خیمه و خرگهی تالان گلون ایلمیون

بیلورم آتش جوریله یانار خیمه‌سرا
داغیلار چوللره صحراوره یکسر اسرا
بیر مددکار تاپولماز اولارا لشگر آرا
اوندا چوخ زینبی ترسان گلون ایلمیون
شام شومه چکیلنده اسرا قافله‌سی
اوندا بیمار اسرانون اولی سرسلسله‌سی
اوزی ناخوش قاباقیندا بیر آغیر غلغله‌سی
ناقه اوستون اونا زندان گلون ایلمیون
نیزه باشینده باشیم گاهی اوخور آیه‌ی نور
گاه اولور دیر نصاراده زیارتگه حور
گاه اولور منزل خلوت منه مطبخده تنور
خولینی لیک نگهبان گلون ایلمیون
«حامدا» جهد ائله الده نقدر فرصت اولا
آز اولور بیر بئله مجلس سنه تا قسمت اولا
قیل مکرّر بو سؤزی دلده اگر مکنت اولا
کربلا دشتینی ویران گلون ایلمیون

«ارمغان حسین علیه السلام»

الٰهی بهر قربانی به درگاهت سر آوردم
نه تنها سر برایت بلکه از سر بهتر آوردم
پی ایفاء قد قامت به ظهر روز عاشورا
برای گفتن اللّه‌اکبر، اکبر آوردم
علی را در غدیر خم نبی بگرفت روی دست
ولی من روی دست خود علیِ‌اصغر آوردم
علی انگشتر خود را به سائل داد امّا من
برای ساربان انگشت با انگشتر آوردم
پی آزادی نسل جوان از بند استعمار
برادرزاده‌ای چون قاسمِ فرّخ فَر آوردم
برای کشتن دونان به دشت کربلا یارب
چو عباس همایون‌فر امیر لشکر آوردم
برای آنکه قرآنت نگردد پایمال خصم
برای سُمّ مرکب‌ها خدایا پیکر آوردم

«نوحه‌زنجیرزنی - جوشی‌سینه‌زنی - رجز»

بو یر ای معبود برحق وعده‌گاهیمدور منیم
قانلو تپراقلار خدایا سجده‌گاهیمدور منیم

ایلرم سیر سلوکی سیر وحدتده تمام
طی اولا بو مرحله اتمام اولور عین مرام
بو تمام اولماقلیقا سعی ایلرم هر صبح و شام
بو سؤزه یتمیش ایکی قربان گواهیمدور منیم
عاشق صادق بلای عشقیدن ائتمز گله
صبر ایذای غم ایلر اهل دل گلمز دله
چکمه‌سه ذلّت سالانماز رشته‌ی عشقی اله
بو رموزات وفا سیر نگاهیمدور منیم
رمز عشقی عاشق یکرنگه تعلیم ایلرم
تحفه‌ی جانی حریم قدسه تقدیم ایلرم
باشسیز السیز حضرت جانانه تعظیم ایلرم
عالم حالیم اولان الحق الٰهیمدور منیم

گل کیمی قانه باتوب شبه پیمبر اکبریم
ئولدی عباسیم علم یاتدی داغیلدی لشگریم
بیلمه‌سون تنها منی بو رحمسیز دشمنلریم
دسته دسته لشگر محنت سپاهیمدور منیم
عرصه‌ی شطرنجیده تاپدی منی پیل اجل
یوز قویوب آتلو پیاده اوستومه ایلر جدل
رُخ وروب غم قالموشام حیرتده استاد ازل
بو کشاکشده عجب پشت و پناهیمدور منیم
بو چوخور یر بزم خلوت جلوه‌گاه عشقیدور
رهروان کوی عشقه شاهراه عشقیدور
خسروی ملک وفایه بارگاه عشقیدور
انتهای امتحاندور قتلگاهیمدور منیم
شاه درویشان منم بو عالم امکانیده
خوش‌نشینم قان ایچینده درگه جانانیده
برگ‌سبزیم آزدی وار دورت‌مین یارا بو جانیده
نشأتینی گرم ائدن تأثیر آهیمدور منیم

بو سوسوزلوق سوزشی سنگ قناعتدور منه
تشنه‌لب قالماقلیقیم رسم طریقتدور منه
باشدا دستار و عمامه بیر امانتدور منه
ذکر یاحق دمبدم شام و صباحیمدور منیم
قانیدور باشیمده‌کی سرمایه‌ی تمجیددور
رونق اقبالیدور بو دولت جاویددور
بو قانون هر قطره‌سی مین نکته‌ی توحیددور
یرده قالماز خون حق، حق خون‌خواهیمدور منیم
راقم مشق عزایم بلبل شیرین کلام
جمعیدور منده حسین تأثیری الحقّ بالتمام
آغلارام تا وار حیاتیم بو حسینه صبح و شام
بو سرشگ دیده تخفیف گناهیمدور منیم

«شاه‌بیت»

گل هارداسان بابا آل دستمازوی
من سؤیلیوم اذان سن قیل نمازوی

«نوحه‌زنجیرزنی - رجز - جوشی‌سینه‌زنی»

کوفیان انکار ائدوب قرآنی عاشورا گونی
ظلمیلن دولدوردولار دنیانی عاشورا گونی

یازدیلار نامه حسینه خُلف دعوت ائتدیلر
حقّدن یوز دوندروب ناحقّه بیعت ائتدیلر
حجت‌اللّهی قویوب بی‌دینه طاعت ائتدیلر
قویدولار کفره عجب امضانی عاشورا گونی
نوریدن خارج اولوب داخل اولوبلار ظلمته
مست دنیا اولدولار کفران ائدوبلر نعمته
باغلیوبلار سو یولون اشرار آل عصمته
تشنه‌لب یاندیردیلار صبیانی عاشورا گونی
بیر امامی که اونی تصویب ائدوبدور لایریٰ
ایلیوب امضاء او تصویبی رسول و مرتضی
ائتدیلر انکار او معنانی گروه اشقیا
کشف اولوب کفریله حق میزانی عاشورا گونی

بیر امامی که اودور محبوب خلّاق جمیل
مفتخردور خدمتینده حشر اولونجا جبرئیل
سو کنارینده اونی اعدا ائدوب عطشان قتیل
سو کیمی آخدی یره القانی عاشورا گونی
بیر علی‌اکبر که ماه و سرور بطحائیدی
خلقاً و خُلقاً و نطقاً مظهر طاهائیدی
سرّ حقه اول جوان بینا و هم دانائیدی
ئولدوروب آغلاتدیلار لیلانی عاشورا گونی
بیر ابوالفضل که علی اوغلیدی دانا و رشید
سینه‌ی پاکینده حلم و علم و قرآن مجید
سالدیلار قولاّرینی سو اوسته کفّار عنید
یخدیلار عطشان یره سقانی عاشورا گونی
قاسم شهزاده که علم وجاهتده قدیم
یادگار مجتبی افسرده ناکام و یتیم
وارث علم شرافت خُلقده درّ یتیم
غرق خون ایلوبله اول ذی‌شأنی عاشورا گونی

یوز مین اعدایه مقابل دوردی بیر جمع قلیل
تک تکی دریای علم و حکمت و دینه دلیل
درک‌ائدوب فیض شهادت اولدولار عطشان قتیل
اهل کفرون اوج ائدوب طغیانی عاشورا گونی
باتدیلار قانه لب‌عطشان ذوقیلن انصار دین
کئچدیلر باشیله جاندان جمله‌ی اهل یقین
قالدی دشمن ایچره یالقوز پادشاه متقین
گوردی قالمور بیر نفر اعوانی عاشورا گونی
آغلاشور ناگه نه گوردی عترت خیرالانام
سرعتیله ایلیوب سالار دین عزم خیام
سسلنوبدور نائب زهرا باجی علیامقام
سیز بو نوعی ائتمیون افغانی عاشورا گونی
عرض‌ائدوب زینب که ای شاهنشه عالی نسب
بو فغان و شوره واردور ای حبیبیم بیر سبب
سن دیینده دشمنه هل من معین ای تشنه‌لب
سسلینده فرقه‌ی اعدانی عاشورا گونی

ناله‌ی هل من معینون اوج قیلدی گوگلره
ولوله دوشدی او ساعت جمله‌ی بحر و بره
اصغریم آلدی سسون قارداش اوزون سالدی یره
امریوی ایجاب ائدوب شایانی عاشورا گونی
آلدی آغوشه او سرور شاهزاده اصغری
اوزگه بیر حالتده‌دور گوردی او طفل مضطری
گل کیمین رنگی سولوب خشگیده قانلو لبلری
مرگینه هردم وئرور اعلانی عاشورا گونی
گتدی میدانه مخاطب قیلدی قوم ابتری
بیر اله قرآن آلوب بیر الده دوتدی اصغری
سؤیله‌دی ای قوم گورمورسوز بو طفل مضطری
آز قالور چیخسون عطشدن جانی عاشورا گونی
سهلدور سو وئرمیوبلر اول رفیع مضطره
ویردیلار تیر سه‌شعبه حلق پاک اصغره
بو مصیبتدن عیان اولدی غریبه منظره
آغلادوب اول منظره اعدانی عاشورا گونی

بسدی «خائف» ساخلا ال بو زحمتون اولماز هدر
هر ایکی دنیا وئرر خدمتلرون شیرین ثمر
قسمتیم اولسا اگر قبر شریفی، دادگر
باشلارام قبرینه بو طوانی عاشورا گونی



آز قالوبدور که منی درک ایلیه پیک اجل
یوخ الیمده آپارام قبر ائوینه یاخشی عمل
یاحسین لطف ائله بو گوزیاشیمون خاطرینه
قبرین اوّل گئجه‌سینده منیم امدادیمه گل



ازبر اولموش دیلیمه دائمی دنیاده حسین
جان وئرن وقته چاغیرّام گلر امداده حسین
جامه‌ی عشقیمی چوخدور کرمی سویماز آقام
قبرین اوّل گئجه‌سینده منی تک قویماز آقام

«نوازی»

«فارسی»

به عاشق با رخ خونین عبادت لذتی دارد
حسین بن علی را این سعادت لذتی دارد
وضو خون غسل خون سجاده خون محراب طاعت خون
خدا را با چنین حالت اطاعت لذتی دارد
بگفتن با لبان تشنه یا اللّه یا اللّه
طلب کردن ز خالق استعانت لذتی دارد
نکردن اعتنا بر سایه‌های شهپر جبریل
ز خورشید سما دیدن حرارت لذتی دارد
نهادن سر به سجده در حضور ربّ‌الاعلاء
به اعضای پر از زخم و جراحت لذتی دارد
به زیر خنجر دشمن نمودن شکرها بر دوست
نشان دادن ز خود شور و شهادت لذتی دارد
گذشتن در سجود حق ز سر با غایت رغبت
به سجده یافتن فیض شهادت لذتی دارد
شدن مهمان خولی در تنور آزرده و خسته
به روی خاک کردن استراحت لذتی دارد

به پای دیر رفتن سر به نیزه با رخ خونین
نمودن پیر راهب را هدایت لذتی دارد
به بجدل دادن انگشتر به حال سجده با انگشت
به فرزند علی شاه ولایت لذتی دارد
سرش در نیزه هم باشد برای شخص غیرتمند
به اهل‌بیت خود کردن نظارت لذتی دارد
به حین سنگساری با لب و رخسار خون‌آلود
برای عاشق قرآن تلاوت لذتی دارد
به ویرانه ز اطفال یتیم و بی‌سروسامان
نمودن با سر بی‌تن حمایت لذتی دارد
جفای خیزران دیدن ز دشمن در رضای دوست
چو غنچه لب گشودن با طراوت لذتی دارد
کند عرض ادب ناصر به شاه کربلا هر صبح
نمودن بر حسین عرض ارادت لذتی دارد
نشد قبر حسین قسمت به ما در اربعین قسمت
به روز اربعین فیض زیارت لذتی دارد

«رجز - جوشی سینه و زنجیرزنی»

او دم که زینیدن بی‌یار و یاور
حسین بن علی تپراقه دوشدی
دوتولدی گون اَسیلدی قاره یللر
حسینیم وای سسی آفاقه دوشدی

حبیب لم یزل سبط پیمبر
وجودی عالم امکانه لنگر
یداللّه اوغلیدور، اسلامه رهبر
آناسی فاطمه، خاتون محشر
ائله مولائیلن اللّه و اکبر
اونا زینبدی بیر ایستکلی خواهر
دوراندا روبرو اشرار کافر
حسینیم وای سسی آفاقه دوشدی
او قدری حمله ائتمیشدی او سرور
چو شیران گلّه‌ی روباهون اوسته

آلیندی اللره یکسر کمانلار
یاغوب اوخلار کمکسیز شاهون اوسته
او شه چون مظهریدی ذات حقّه
اودور اوخلار یاغوب اللّهون اوسته
دگنده جسمینه اوخ، نیزه، خنجر
حسینیم وای سسی آفاقه دوشدی
قوتاردی تا کمانلاردان حسینون
یتیشدی اوپدی جسمین قالدی اوخلار
هارا سانجیلدی جاری اولدی قانی
توانا‌سین الیندن آلدی اوخلار
یقینیم وار که خنجر یوخ، امامی
زمین کربلایه سالدی اوخلار
دوشنده مقتله سلطان محشر
حسینیم وای سسی آفاقه دوشدی
امان نادان الیندن کردگاره
دل دانانی ایلر آنی یاره

دئدی مولا یزید میگساره
یارا ووردی حسین تک شهریاره
ائدن بیچاره‌گان دهره چاره
اوزی عطشان یخیلدی ریگزاره
سالاندا تپراق اوسته قانلی بستر
حسینیم وای سسی آفاقه دوشدی
حسین حامیدی دین و مذهبیندن
اولوب حافظ طریق مکتبیندن
الین اوزدی خیام و عترتیندن
نچون آسوده‌ایدی زینبیندن
عطش سالمیشدی طاقتدن وجودین
دوشن ساعت یارالی مرکبیندن
ویراندا باشینه زهرا و حیدر
حسینیم وای سسی آفاقه دوشدی
یارالی بوتراب اوغلی ترابه
گورون آیا نجه آتدان یخیلدی

قشون خوف‌ائتدی قاچدی دوره‌سیندن
کانّه عرش الرّحمان یخیلدی
دلیم یوخدور دییم دوشدی نه حاله
پر آچمیشدی بدن اوخدان یخیلدی
ملکلر سسلدی اللّه و ا کبر
حسینیم وای سسی آفاقه دوشدی
بدن بیر پارچا قان اول شاه عطشان
یوزون دوتدی او ربّ چاره‌سازه
نمازین قیلماقا سو یوخدی گوردی
قناعت ایلدی قان دستمازه
حسینون آلدیقی قان دستمازی
وئرور عالم بوئی رونق نمازه
اولان موقع فدای حیّ داور
حسینیم وای سسی آفاقه دوشدی
او چولده شمر مستیدی، حسین مست
عجب، میخانه ربّون نینواسی

حسینی مست ائدوب عهدی الستین
ائدوبدور شمری امّا ری هواسی
واریدی شمره یاور چوخ ستمگر
حسینه سس وئرن پیکر یاراسی
چکنده خنجرین شمر بداختر
حسینیم وای سسی آفاقه دوشدی
حسین مدهوش دوشمیشدی منایه
گوزون آچدی او دم که حاله گلدی
باشیندا قاره معجر گوردی اللّه
ائده زهرا آناسی ناله گلدی
آتاسی مرتضی جدّی پیمبر
یانیندا مجتبی گوداله گلدی
توکنده گوزیاشین گوگده ملکلر
حسینیم وای سسی آفاقه دوشدی
دگنده بیر بیره عطشان دوداقی
دییردی فاطمه جان جان حسینیم

ویروبلا یاره داغ اکبر اوسته
سالوب دلدن سنی پیکان حسینیم
علی آغلاردی جدّی ذکر ائدردی
اولا عالم سنه قربان حسینیم
ائدنده نیزه‌نی تبلیغه منبر
حسینیم وای سسی آفاقه دوشدی
گوروب اللر باشیندا تلّون اوسته
دمادم یالوارور زینب اِلٰهه
حسینیم، سسلینده قالدی هاردا
جهانی آز قالور یاندیرسون آهه
سوروندی زینبه ساری یارالی
یوزی اوسته یخیلدی قتلگاهه
نه حالدی قالدی اول صدپاره پیکر
حسینیم وای سسی آفاقه دوشدی
حسینون خیمه‌گاهی اودلاناندا
گلوبدور ضجّه کُلّ ماسوادن

ترابه لنگر عالم دوشنده
یاغوردی قان یره اول دم سمادن
چیخاندا عترتی خیمه‌سرادن
دایاندی عرشه ناله کربلادن
دولاندا خیمیه افواج لشگر
حسینیم وای سسی آفاقه دوشدی
بو دنیانون جلال و جاه و مالی
ائدوب دیوانه شمر دون و پستی
اگرچه دوتمشیدی گوزلرین قان
یارالی شاهی گوردی چوخ تَلَسدی
الینده خنجر بیدادی اسدی
باشین مظلوم امامین تشنه کسدی
گوروب زینب او حالی زار و مضطر
حسینیم وای سسی آفاقه دوشدی
ائله ظلم ایلیوبدور شمر ظالم
گتیردی شیونه روح‌الامینی

دلیم گلمور دییم ائتدی نه ایذا
قویوب باشسیز او ملعون شاه دینی
ائدوب محزون امیرالمؤمنینی
او شوم آغلاتدی ختم‌المرسلینی
گتیردی لرزیه افلاکی یکسر
حسینیم وای سسی آفاقه دوشدی
چالیندی طبل شادی کربلاده
سرور دل تاپوب آل امیّه
گئجه شام غریبان چیخدی آرام
گلوبدور مقتله دلخون رقیّه
دئدی بابا منه سس وئر او باشسیز
بوغازدان بیله سس گلدی ایلّیه
گورنده پیکر عریانی بی‌سر
حسینیم وای سسی آفاقه دوشدی
اجل گلسه گئدرسن سنده «ناصح»
قالار سندن اثر دنیاده نامون

بونا فخر ایله وار عاشقلر ایچره
غلام سیّد بطحا مقامون
اوزی دوز[۱] نوحووه گر ویرسا زهرا
اولار معلومیدور شیرین کلامون
نقدری واردی بو دنیا دیرلر
حسینیم وای سسی آفاقه دوشدی



در محفل عاشقان فرزانه و مست
می‌گشت سبوی کربلا دست به دست
ناگاه ز خیل ناکسان دستی پست
هفتاد و دو پیمانه به یک سنگ شکست
«مردانی»

۱- نمک

«نوحه زنجیرزنی - جوشی سینه‌زنی»

کربلاده بیر امام بی‌پناه ئولدوردولر
ازدحام ایلوب رعیّت پادشاه ئولدوردولر

با وجود این اولور عین خلاف رسم و راه
ایلسه هر بیر رعیّت بی‌سبب عصیان شاه
کربلاده شاه دین حقّینده قوم روسیاه
گوزلموب بیر ذرّه‌ای آئین و راه ئولدوردولر

امر شه واجبدی خلقه حرمت سلطان حرام
یعنی لازیمدور رعیّت شاهه قیلسون احترام
واردی بیر شهدن سراغیم کربلاده اهل شام
بیکس و بی‌احترام و بی‌گناه ئولدوردولر

بیر امامی که اونون جدّیدی ختم‌الانبیا
زهره‌ی زهرا آناسی حضرت خیرالنسا
بیر بئله مولانی مین ظلمیله مسلوب‌الردا
کربلا دشتینده قوم دین‌تباه ئولدوردولر

شیعیه واضحدی بو کیم فاطمه مهریدی آب
بس نچون اولدی عطشدن تشنه‌کام اوغلی کباب
یاره‌لی خشکیده لب ایستی هوا گرم آفتاب
قوملار اوستونده سوسوز صد آه آه ئولدوردولر
دوشدی چون آتدان یره صدپاره شاه کربلا
تپراقا قویدی یوزون عرض ائتدی ای بارخدا
بو حسین بو کربلا بو ذلت اهل جفا
اول اوزون بو حالیمه یارب گواه ئولدوردولر
ظهر اولوب گوردی سو یوخ آلقانیله آلدی وضو
قویدی باشین سجدیه ذکر ائتدی حمدین موبه‌مو
اوستونه اولدی او حالتده هجوم‌آور عدو
ساجد مسجود درگاه الله ئولدوردولر

«شاه‌بیت»

سنه یاحسین یوزومدن آچیلان نقابیم آغلار
باشیم اوسته ذرّه ذرّه دوشن آفتابیم آغلار

«رجز - جوشی»

سو کیمین آخار قانی آز قالور چیخا جانی یوزمین اهرمن آلدی دوره‌ی سلیمانی

چگنینه عبا سالمیش شاه سرمدی قاندان
اگنینه گییوب جامه شالدی تیرمه‌دی قاندان
آلتینا سالوب مسند فرش مسندی قاندان
دوره‌سینده گلدانلار گُل محمّدی قاندان
قانیلن وئروب تشکیل تاج تخت سلطانی
کربلا خلیلینده وار خلیلون آثاری
هاردا اول خلیلون وار بیله نحو گلزاری
سینه‌ده وئروب تشکیل منظر چمنزاری
دوره اوخ شجر دورت‌مین نهرلر اولور جاری
گل آچوبدی رنگارنگ گلشن و گلستانی

بذل‌وبخشه دورت یاندان گوز تیکوبدی جمعیت
جایزه آپارسونلار گنج شاهیدن قسمت
بارگاهینه گئتسون بیر نفرده یوخ جرئت
شمر دون گوز آلتیندان چوخ باخور وئرور دقت
بیر عمامه‌ی شاهه بیر عبایه پنهانی
مضطرا نتیجیلن ائت کلاموی خاتم
دورت طرف گدا دورمش اورتادا قالوب حاتم
بعضیسی لباس ایستر بعضی ایستیور خاتم
ساربان نه ایستر گور نفسینه اونون ماتم
ارزیابی یکسالی مالیات ایرانی
گوندوز اوغریسی چوخدور طول تاپانماسون مطلب
کیمدی حرمله خولی کیمدی شمر لامذهب
ساربانیلن بجدل سارقان وقت شب
گوزلمورله جان وئرسون تا برادر زینب
خلوتی گئجه وقتی باشلاسونلا یغمانی

یوخ نفس بیری بیلمز ساغدی یا ئولوب سلطان
غیر از اینکه نظاره گیندن ایلیور عدوان
سعدون اوغلی بیر عده لشگره وئروب فرمان
خیمه‌گاه سلطانی ایلسونله تئز تالان
شمر قویدی اجرایه ناگهان بو فرمانی
یوز قویوب گلور لشگر خیمیه شتابیلن
گوردی گلمگین شمرون زینب اضطرابیلن
خیمه‌دن قاچوب تلّه دیده‌ی پُرآبیلن
ذکری هارداسان قارداش هاردا بو خطابیلن
آز قالور ائده ویران کائنات امکانی
شدّت مصیبتدن قویدی اللرین باشه
قاتدی قلبینون قانین گوزدن آخدیقی یاشه
دوتدی یوز بو نوعیلن عرض قیلدی قارداشه
یاحسین یتوب عمرون شمر الینده گر باشه
سن امامسن قارداش بس علامتی هانی

زینبون صداسیندن پادشاه دلخسته
آچدی گوزلرین بیر سؤز کشف قیلدی آهسته
باجی حق برحقدن هر بلایه صبر ایسته
گلدیم آغلاما گلدیم یانوه سینم اوسته
ئولمیوبدی قارداشون ئولمیوب باجیم جانی



می از خم عشق در سبو کرد حسین
مستانه ز خون سر وضو کرد حسین
چون سرو بلند گاهِ دست‌افشانی
بی‌سر به حضور دوست رو کرد حسین
«ده‌بزرگی»

«نوحه‌سینه‌زنی - جوشی‌زنجیرزنی»[۱]

زینب یتیشوب چون او شه بی‌کفن اوسته
سالدی اوزونی آهیله باشسیز بدن اوسته

قارداشینی آختاردی تاپوب گلدی فغانه
گورجک اورگی دوندی او احوالیله قانه
اولموش بدنی نیزه و تیریله نشانه
قلبی دوتوب اود یاندی او سولموش چمن اوسته

گوردی پوزولوب یاسمنی صحن چمنده
گل تک داغیلوب پیکری گلزار محنده
عرض ائتدی اخا بوسه‌گهی یوخ بو بدنده
بسکه توکولوب نیزه و خنجر بدن اوسته

زینب باشینا چاره حسین نیلیه سن‌سیز
نیلر چمنی بلبل شوریده سمن‌سیز
جسمون پوزولوب یرده قالوب نعشی کفن‌سیز
آشدی باشینی یولدی ساچین بی‌کفن اوسته

۱- از دفتر خطی قدیمی نوشته شده است.

چوخ سعی ائلدی تاپمادی اوز دردینه چاره
اگلشدی یره نعشینی بیر گوتدی دوباره
بیر بیر چیخادوب اوخلارینی آتدی کناره
گوردی دگوب اوخ یاره‌سی اوّل دگن اوسته
پروانه کیمی جسمینه اول زینب مضطر
گاهی دولانوب با دل غم‌دیده‌ی پر تر
سالمیش اوزی اوسته او شهی شمر ستمگر
گورجک دوتوب اود قلبی شه ممتحن اوسته
زینب بو غم اوسته چوخ اولوب قلبی شکسته
قول سالدی غمیله چووروب آرخاسی اوسته
گوردی دگوب اوخ سینه‌سینه دسته به دسته
بیر بزم عزا قوردی او بزم محن اوسته
وئرمیشدی او گون پیرهنِ کهنه گئدنده
گوردی چیخادوبلار اونی قویموبلا بدنده
عرض ائتدی اخا قالمادی طاقت داخی منده
باخدی نه ستملر یتیشوب پیرهن اوسته

عرض ائتدی حسین جسمیوه زینب اولا قربان
نعشون داغیلوب چوللره چون آیه‌ی قرآن
محالیدی سندن صورا زینبده قالا جان
گئتدی باجووین طاقتی بو ظلم تن اوسته
نه حالیله گوردی بدنین گلدی نوایه
قرآن کیمی جلدی داغیلوب آیه به آیه
بیر شئی تاپا بولموب سالا تا نعشینه سایه
بلبل تک ائدوب ناله گل یاسمن اوسته
قارداش نه بدندور بو قدر یاره‌سی چوخدور
باشدان ایاقا تیغ و سنان خنجر و اوخدور
بیر بوسه‌گهون گل بدنونده یری یوخدور
گل تک داغیلوب هر یره دشت دمن اوسته
نوری بو حسین فاطمیه نور دو عین‌دور
طاهایه اولان قوّت دل نام حسین‌دور
یاز اشگیله نوحه بو حسین کشتی دیندور
وور چنگ یتیش ساحله بحر فتن اوسته

«جوشی سینه‌زنی و زنجیرزنی»

دور یاتما بئله قان ایچره اویان
ای گل بدنی خندان یارالی
بیکس باجووین سس وئر سسینه
زینب سسیوه قربان یارالی

قارداش بیر اویان اولموش نجه گور
ظلمیله اسیر اشراره باجون
دوشموش ائله بیر درده یارالی
تاپمور اوزونه بیر چاره باجون
ناچار گورور کوچ ائتملیدور
گلمیش سنیله دیداره باجون
دور سال یولا بو رنجور غمی
بو دردیمه قیل درمان یارالی

دور و بریمی دشمن‌لر آلوب
داده یتیشن یوخ بیرجه نفر
ازبس اورگیم قانیله دولوب
غربال گوزوم خون دل الَر
ای میر حرم قلبیم دوتولوب
گوگلوم آچیلار دل‌لنسن اگر
دللن دلوون قربانی باجون
ای قانه باتان عطشان یارالی
باخمازلا منیم قارداشیم ئولوب
قالموبدی داخی سینمده توان
صبریم کسیلوب ایلوبدی حسین
قارداش ئولومی بو باغریمی قان
شوریله سنه من آغلاماقا
بو فرقه‌ی کین وئرمزله امان
حسرتله دولوب بو اودلی دلیم
درده گلورم هر آن یارالی

قول‌باغلی چکور شاماته طرف
بیکس باجوی اشرار زمن
نه بیر سسیمه وار سس وئره‌نیم
نه بیر کمکیم نه داده یتن
بیر کیمسه دئمز شاماته نجه
قول باغلی گئدر قارداشی ئولن
جبراً آیرور سندن باجوی
بو طایفه‌ی عدوان یارالی
چوخ تنگیدی بو دنیا گوزومه
سندن‌صورا غم هم‌خانه‌سیم
گوزیاشی توکوب دلدن یانورام
شمع اَلمین پروانه‌سیم
شاهددی خدا بولمم ئوزومی
عالمده حسین دیوانه‌سیم
بوینومدا گرک زنجیریم اولا
آرامگهیم زندان یارالی

گر وئرسه امان بو شمر و سنان
بیر عمر حسین بوردا قالارام
بو قتلگهی مسکن ائدرم
دلدن یارالی دردون آلارام
گوزدن توکرم اشگ تریمی
بو یاره‌لره مرهم سالارام
بلکه ساغالا جسمونده اولان
سانسیز یارالار عریان یارالی
قارداش باخورام بو گل بدنه
شام اهلی ویروب ازبس یارا چوخ
زخمیله دولوب باشدان ایاقا
بو پیکریوون بیر صاف یری یوخ
خنجر دوزولوب خنجر یرینه
ظلمیله دگوب اوخ اوستونه اوخ
ازبس ویرولوب نیزه یاراسی
بو جسمون اولوب شان‌شان یارالی

ای کوی وفا قربانی حسین
هرکس باخا بو زیبا بدنه
واردور یری گر تشبیه ائلسه
گل پیکروی عالی چمنه
افسوس اولا اوخشور گُل یارالار
هر تک تکی سولموش یاسمنه
باخدوقجا باجون بو حالتوه
بلبل تک اولور نالان یارالی
بو پیکروین گلزاری حسین
واقعده عجب رنگین گل آچوب
ترتیبیله بو اوخلار دوزولوب
گویا دییه‌سن باش سنبل آچوب
جسمونده اولان سانسیز یارالار
هر تک تکی بیر نوعی دل آچوب
غم گلشنووین شرحین هره‌سی
بیر طرزی ائدر اعلان یارالی

تا واردی جهان قارداش نه بئله
با ذوق و صفا بیر گلشن اولی
نه بیر نفرین عالمده دوشر
بیر بیله گوزل گلزاره یولی
وار هاردا بئله بیر گلشن اولا
بو نکهت و بو عطریله دولی
بو باده‌ی غم عطریله دولوب
ای پادشه خوبان یارالی
دولدورموش ائله بو دشت غمی
خوش عطریله بو صد پاره بدن
بیر گلشن اولوب بو قتلگهون
رشگ ایلر اونا گلزار عدن
هر کیمسه گوره بو نکهتیله
بو گلشنووی ای شاه زمن
مشگلدی دوشه بیرده باشینا
شوق چمن رضوان یارالی

من بلبل بی‌بالم یارالی
بوگلشن آرا خوشدور دولانام
کامیمجه ائدم شور اوسته نوا
دلدن شرر عشقیله یانام
بیر مدّت اولام همدم گلومه
گل سایه‌سینه بیر دالدالانام
تا آئینه‌ی دلدن سیلینه
بو زنگ غم سوزان یارالی
بیر نوحه گر شاهنشه دین
پاکیزه جوان اوز آدی غلام
بو نوحه‌لرین بانی‌سی اولوب
تااینکه تاپوب بو رشته نظام
تائب یوزومه گوزیاشی توکوب
بو طرز یازوب دلسوز کلام
ایسته گله‌لر جمعاً او گوزل
قبره بو گلن قربان یارالی

«زینب محزون»

دید چون زینب به دشت کربلا یاور ندارد
جسم شاه دین به خاک افتاده اما سر ندارد
سوی گلزار نبوت چون نظر بنمود دیدی
لاله‌زار فاطمه غیر از گل پرپر ندارد
اشک‌حسرت ریخت از چشمان به‌زاری گفت یارب
محرمی زینب به غیر از عابد مضطر ندارد
خواست تا دست برادر بوسد از روی محبت
دید شاه کربلا انگشت و انگشتر ندارد
حنجر ببریده‌اش را بوسه داد و گفت شاها
زینب محزون چه سازد چاره‌ی دیگر ندارد
از مدینه کامدم عباس و اکبر بود و اصغر
با که زینب گوید اکنون اکبر و اصغر ندارد
می‌کشد این غم مرا کین جسم صدچاک برادر
کهنه پیراهن که بودش حالیا در بر ندارد

«ناظم» از این غم نماید روزوشب افغان و زاری
زینب ماتم کشیده چون دگر یاور ندارد



تا قلم لب بر مرکّب می‌زند
بوسه بر جاپای زینب می‌زند
کربلا می‌مرد اگر زینب نبود
شیعه می‌پژمرد اگر زینب نبود



«شاه‌بیت»

نَقَدر بو جاندا جان وار دوتاروق عزا حسینه
توکروک سرشگ گوزدن ائدروک نوا حسینه
«کاتب»



گئدورم دیار شامه شه مهربان حسینیم
یولا دوشدی کاروانیم سؤله بیر اذان حسینیم
«ناصح»

زبانحال حضرت زینب
به لشکریان ابن‌سعد ملعون

مگر نه واقعه برپادی ای مسلمانلار
بو قدر شورش و غوغادی ای مسلمانلار
یغیلموسوز هامی بیر بینوا غریب اوسته
نه ظلمدور نه تماشادی ای مسلمانلار
مگر بو لشکر آراسیندا بیر مسلمان یوخ
دئسون نه رسم و مداوادی ای مسلمانلار
بدن یارالی جگر تشنه حال غشوه‌ده‌دور
غریب و بی‌کس و تنهادی ای مسلمانلار
مگر دگل بو حسین حجّت خدای عظیم
ولیِ درگه یکتادی ای مسلمانلار
مگر دگل بو حسین نور چشم پیغمبر
بونا نه ظلم هویدادی ای مسلمانلار
حیا ائدون اوتانون روز حشری یاده سالون
بودور که شافع عقبادی ای مسلمانلار

قویون بو حالتیلن ال چکون یاخاسیندن
خدا بو لشگره بینادی ای مسلمانلار
اماندی رحم ائلیون سینه‌سی فشاریده‌دی
نه حالی وار نه توانادی ای مسلمانلار
کنار اولون چکیلون یول وئرون نظاره ائدوم
گوروم نه حال غم‌افزادی ای مسلمانلار
چتین دگل سیزه ئولدورمگی ندور عجله
مگر بجز بو تمنادی ای مسلمانلار
شکسته سینه خدا علمینون خزینه‌سیدور
دوشون گوروم بو نه بلوادی ای مسلمانلار
قویون گوروم ائلیوب غش یا که قان آپاروب
و یا که حالت رؤیادی ای مسلمانلار
ائووز خراب، نبی دودمانینی یخیسوز
بودور که مظهر طاهادی ای مسلمانلار
باشا دوشون که قلج چکموسوز خدا یوزونه
گورون که زلزله پیدادی ای مسلمانلار

زمین تزلزل ائدر گوگلر آز قالور یخولا
ستون گنبد خضرادی ای مسلمانلار
حسین یخیلسا یقین عرش کبریا یخلور
بو زیب عرش معلاّدی ای مسلمانلار
یانیندادور باباسی مصطفی آتاسی علی
باخون مگر هامی اعمادی ای مسلمانلار
گوگل تلاطم ائدر بیر قویون گوروم یوزونی
دلیم فغانه مهیّادی ای مسلمانلار
دیوب بو سؤزلری چون بنت حیدر کرّار
جواب وئردیلر اول فرقه‌ی جفاکردار
گلوب تکلّمه شمر شریر کینه شعار
خطاب ایلدی کفّاره اول خطا کردار
نه دورموسوز باخوسوز ای گروه کینه اساس
ایشین تمام ائلیون شمرایچون عطا گونیدور
تأمل ایلمیون تئز کسون سوسوز باشینی
تغافل ایلمیون ایش کئچر سخا گونیدور

«ناله از دل»[۱]

آن دم بریدم من از حسین دل
کآمد به مقتل شمر سیه‌دل
او می‌دوید و من می‌دویدم
او سوی مقتل من سوی قاتل
او می‌کشید و من می‌کشیدم
او خنجر از کین من ناله از دل
او می‌نشست و من می‌نشستم
او روی سینه من در مقابل
او می‌برید و من می‌بریدم
او از حسین سر من از حسین دل

«تک‌بیتی»

هست از درهای جنّت یک درش باب‌الحسین
فاش می‌گویم کلید قُفل آن در زینب است

۱- از کتاب ارزشمند گلچین احمدی نوشته‌شد.

«جوشی زنجیرزنی و سینه‌زنی»

ای نعشی قالان عریان بی‌غسل‌وکفن قارداش
وردیم اولاجاق هرآن اللرده ئولن قارداش
اللرده ئولن قارداش

گه بو بدنی گوردوم آغوش پیمبرده
گه سینه‌ی زهراده یا سینه‌ی حیدرده
ایندی گورورم باش‌سیز السیز قوری یرلرده
ئولمز نجه تاب ایلر بو ظلمی گورن قارداش

جدّوندن ائشیتمشدیم ال ظلمه قویار دشمن
بو گُل بدنون قانه آخرده بویار دشمن
فکر ایلیه بیلمزدیم نعشونده سویار دشمن
چوخ رذل و دنی طبع‌دور بو ظلمی ائدن قارداش

بار غمیلن قدّون اگمیشدون آنام اوغلی
دشمنلرون رأیین بولمیشدون آنام اوغلی
بیر پیرهن کهنه گیمیشدون آنام اوغلی
قویموب اونودا قالسون اشرار زمن قارداش

شرعاً شهدانون اوز رختین کفن ایلرلر
دین اوسته آخان قانین غسل بدن ایلرلر
بو کوفه‌لیلر شرعین عکسین ندن ایلرلر
محتاج دگول قبره آیا بو بدن قارداش
قارداش اورگیم غمدن اود دوتدی آلولاندی
هانسی باجی قارداشین گوردی بئله عریاندی
بیر باجیه بو محنت قارداش مگر آساندی
مین محنته بیر خواهر دُؤزمز مگه من قارداش
گوردوم یارالی جسمون گلدی اورگیم درده
یخدی ائویمی دشمن آخرده یامان یرده
بیر مقنعه یا معجر یوخدور ائلیم پرده
تا قویمیا گون دوشسون بو گل بَدَنَن قارداش
قارداش منی بو چولده نار غمه داغلارلار
بی‌صاحب اولوب قیزلار وحشت‌ائدوب آغلارلار
زنجیریله بیمارین قوللارینی باغلارلار
بیچاره باجون هاردا گورموشدی رَسن قارداش

دردن اولوب اقبالی بو دهرده بی‌چاره
زینب ائده‌جاق چاره گر باخسا بو گفتاره
گر اینجیمسه «کاتب» محتاجدی تکراره
یاز باشداکی سربیتی اللرده ئولن قارداش



هر دردیدن آرتوق بو نسگل منی یاندیردی
سعد اوغلونا یالواردیم ساکت دایانوب دوردی
بومردم بی‌غیرت هئچ مندن اوتانموردی
دوردوم الی قوینوندا من باخدیم اولار ویردی



حروف ابجدی اوسته یازیلمیش نه گوزل تنوین
دوشوبدور یر به یر زیر و زبر نیزه ائدوب تضمین
قویوب اوچ‌شعبه‌اوخ تشدید خنجرلر چکوب مدّین
حروفات اوسته نقطه نوک پیکاندور آنام‌اوغلی

«حسینی»

«زبانحال حضرت زینب علیها السلام درقتلگاه»

دستمازون قزلقاندی قارداش
زینبون قلبی شان‌شاندی قارداش
یاره‌لر سینون اوسته گل آچمیش
هر بیری بیر گلستاندی قارداش
دستمازون قزلقاندی قارداش

قلبینی اوخ بؤلن قارداشیم وای
حق یولوندا ئولن قارداشیم وای
نعشی عریان قالان قوملار اوسته
تشنه‌لب جان وئرن قارداشیم وای
دستمازون قزلقاندی قارداش
زینبون حالوه قانیاش آغلار
ذبح اولان باشووه داغ داش آغلار
قلبووه اوخ ویران ال شل اولسون
باشون اوسته آنام قارداش آغلار
دستمازون قزلقاندی قارداش

گلمیشم گوزلرون باغلیام من
غصّه‌لی سینه‌می داغلیام من
قویمیولاّر منی نعشون اوسته
بیر دویونجا سنه آغلیام من
دستمازون قزلقاندی قارداش
یوخ باشون بوس ائدم لبلروندن
قوی اوپوم یاره‌لی حنجروندن
نعشووی دوندریم آرخون اوسته
اوخلاری من چکوم پیکروندن
دستمازون قزلقاندی قارداش
قلبیمی غم سالوبدور فشاره
اولموشام گور نجه بختی قاره
بو غمه آغلارام من ئولونجه
جسمون اولموش سنون پاره پاره
دستمازون قزلقاندی قارداش

قلبیمی غصه‌لر غملر آلدی
گلشن آل عصمت سارالدی
خیمه‌دن قتلگاهه گلینجه
زینبون یولدا قارداش قوجالدی
دستمازون قزلقاندی قارداش
سینووی اوچ بؤلوب تیر و پیکان
قتلگاهون ائدوبدور قزل قان
ای آنام فاطمه‌نون نشانی
آچ گوزون یاتما قارداش حسینجان
دستمازون قزلقاندی قارداش

«شاه‌بیت»

ای قتیل خنجر دستِ اشقیا حسین
نحر اولان بوغازووه زینبون فدا حسین

«رجز»

زبانحال عاشقان و خونین‌کفنان حضرت اباعبدالله‌الحسین

اولمادیم من کربلاده باشیله جاندان کئچم
اولمادیم من کربلاده اگنیمه خلعت بیچم
اولمادیم شهد شهادت کربلاده من ایچم
سن وئروبسن کربلاده باشوی عطشان حسین
منده یارّام باشیمی جانیم سنه قربان حسین
زینب کبری خانیمدان من بو درسی آلموشام
روز عاشورا گینه مجلسده غوغا سالموشام
چوخلاری باشین یاریبدور یاحسین من قالموشام
بو باشیمدا قینین قاندا سنوندور یاحسین
باش ندور جسمیمده‌کی جاندا سنوندور یاحسین

باشینی زینب یاریب اول نی‌ده‌کی باش عشقینه
عالم معناده حیران قالدی نقاش عشقینه
دقت ایله زاهدا بو باجی قارداش عشقینه
نیزه باشینده حسینه بیر عجوزه ووردی داش
یاحسین سسلندی محملده خانیمدا یاردی باش
کوفه اهلی نه جنایتدن نه ظلمیندن دویوب
بی‌وفادور اهل کوفه جامه‌ی غیرت سویوب
زینبین باش یارماقی عالملری حیران قویوب
یارماسیدیم باشیمی نقصان یتردی عشقیمه
اهل‌بیته من علمدارم حسین‌جان غم یمه
من بو کوفه اهلینون قلبین دایاندیرّام حسین
نطقمیلن یوخلیانلاری اویاندیرّام حسین
بو آغارمیش زلفی قانیمله بویاندیرّام حسین
زینبون عهد ایلیوب باشدا یارا قبره گئده
باش یارانلاره کیمین وار جرأتی ایراد ائده

احوالات و مصائب حضرت اباعبدالله‌الحسین در یوم عاشوراء در زمین پربلای کرب‌وبلا

یا فاطمه اورکلر اولوب قان حسینووه
گور شیعه‌لر ائدور نجه افغان حسینووه
دائم بو دیده‌لر بالووا اشکریزیدور
بی‌قدریدی گر اولماسا گریان حسینووه
گوزیاشینون نه ارزشی وار بیلمز اوزگه‌لر
سنسن بیلن اولور نجه ارزان حسینووه
توک شیشووه خانم سن اوزون ساخلا محشره
شاید بیزی باغیشلادی رحمان حسینووه
بیر دلبره وئروبدی هره دل بو دهریده
دل باغلیوبدی ملت ایران حسینووه
علت اودور محرّم اولاندا قرا گیوب
غمدن ائدرله چاک گریبان حسینووه

عاشق دگل کول اولمیان عشقون شرارینه
عاشق او کیمسه‌دور اولا بریان حسینووه
بیز یاد ائدنده محنتینی سینه داغلاروق
چون عاشقوک او خسرو خوبان حسینووه
مهمانوزم امام زمانم بالون دئدی
اما ائدوبله جور فراوان حسینووه
پیغمبر اوغلیام دئدی حرمت اولونمادی
سو یوللاریندا باغلادی عدوان حسینووه
اوچ‌گون سوسوز قالوبلا او چولده اوشاق‌بویوک
شام اهلی ائتدی حرمت شایان حسینووه
عصرون امامینه نجه گور اولدولار مطیع
چوخ ظلمیلر ائدوبدوله دونان حسینووه
بیر بیر جوانلارین بالووین ائتدیلر شهید
هر تک تکی اولوبدولا قربان حسینووه
گوردون که حلق اصغره اوخ دگدی نیلدی
بیر باخدی گولدی غنچه‌ی خندان حسینووه

دل آچمامیشدی گوزله خداحافظ ایلدی
جان‌بخش اولوبدی زینت رضوان حسینووه
باخدی نقدری اصغرینه قلبی دویمادی
اولموشدی دهر، گوشه‌ی زندان حسینووه
جان تک باساندا باغرینا سسلندی جان بالا
مَهمُور اولوندی عهدیله پیمان حسینووه
آز قالدی منده قانه باتام آی گوزل بالا
بیر عاشقانه بوسه ائت احسان حسینووه
قویدی یانان دوداقین او دم قانلی لبلره
بیلمم نه یوز وئروبدی او بحران حسینووه
عمامه‌سین رسول خدا گوتدی آغلادی
مولا علیده آغلادی خندان حسینووه
شمشیریله قازوبدی مزارین او غنچه‌نین
ال دوتمادی او چولده مسلمان حسینووه
تا گوردی فدیه‌سی قوتاروب بذل یار ائده
یا ربّی سسلدی ندی فرمان حسینووه

آهسته فضیه دئدی وئر کهنه کوینگی
زینب گلینجه زار و پریشان حسینووه
یا فاطمه اورک آلیشوب یاندی بو غمه
ایّوبیلر قالوبدولا حیران حسینووه
هر بیر یارالی‌نون که گئدردی سراغینه
افغان ائدردی عرصه‌ی میدان حسینووه
صبر ایله سسلنردی خیامه گلن زمان
غملر شریکی زینب نالان حسینووه
صبر ایله سؤیلین اوزی امّا دُؤزنمدی
گوردی چاتوبدی نوبت هجران حسینووه
بیر یول دئدی بو آیریلیقا من نجه دُؤزوم
یا فاطمه اوزون یتور الآن حسینووه
بیر آه چکدی اوپدی بوغازیندن آغلادی
همدرد اولوبدی انجم و کیوان حسینووه
وار گلمگون دئدی گینه‌ده منتظر قالوم
بو بیر سؤز اولدی آتش سوزان حسینووه

صبر ایله سؤیلدی باجی منده گرک گئدم
گودال انتظاریدی چوخدان حسینووه
یوزمین قوشون که بوردا doorوب مندن اوتری‌دور
وئرمز امان بو فرقه‌ی نادان حسینووه
ترجیح وئرمیشم ئولومی من بو ذلّته
کافیدی قالسا عزّت قرآن حسینووه
تا باتماسام قیزیل قانیما راحت اولمارام
عاشقدی بوردا خنجر برّان حسینووه
پیکانی پیک یار بیلر قارداشون باجی
منّتدی جانه ویرسالا پیکان حسینووه
گوسترّم حرمله گوزونه قلبیمون باشین
اوچ‌شعبه‌لی بیر اوخ آتا پرّان حسینووه
تپراقون اوسته یوز قویارام قتلگاهیده
شاملدی چونکه رحمت سبحان حسینووه
عصرون زمانی مقتلینه دوشدی یاره‌لی
ناظر اوزیدی حضرت منّان حسینووه

احوالینه یارالاریدا آغلیوردی قان
گوگ اهلی ناله ائتدیله عطشان حسینووه
احساس سایه ائتدی او دم آچدی گوزلرین
جبریل او حالدا اولدی نمایان حسینووه
آچمیشدی شهپرین گوگون اوسته بو نیّته
گون ایستی‌سین مباد ائده تابان حسینووه
سسلندی جبرئیل قانادون حایل ایلمه
خوشدور نقدری گون شاخا شان‌شان حسینووه
من یاره‌لنمیشم یارا خاطر یخیلمیشام
آرتدوقجا یاره‌لر یتیشور جان حسینووه
من زنده قالمارام بیلورم گونده شاخماسا
ئولّم دوباره جان اولی ارزان حسینووه
ربّیم که وئردی جان منه جاوید اولار جانیم
بو لطفی ایلیر بلی جانان حسینووه
دور بیر کناریده گون ائوینده یانوم سوسوز
یاره‌ئیله یار عشقیدی میزان حسینووه

سن پؤزما زینبیم پوزاجاق بوردا حالیمی
دُؤزمز باخاندا قانینه غلطان حسینووه
قان ایچره گورسه جان وئرورم سسلر آی ننه
گل سنده اول بو بزمیده گریان حسینووه
ظلمیله گللرین بو قوشون پرپر ایلدی
نه گل قالوب آنا نه گلستان حسینووه
تا غنچه‌سینه قیردیلا گللر قوتارجاقین
اولموش بیر عده ایندی نواخوان حسینووه
بیر حالدا گتدی اللری اوستونده اصغرین
سسلندیم اوندا یوز فقره جان حسینووه
ایندی همان حسیندی چالور قاندا ال ایاق
گل سنده ال یتور ال اوزی قان حسینووه
هئچ بیلمورم کشاکش ائدیم شمر دونیلن
یا سینه داغلیوم شه دوران حسینووه
قارداشیمی ویرورلا آنا من باخا باخا
بی‌دینیلر ائدوبدوله طغیان حسینووه

جوشه گلوبدی قان داماریمدا دُؤزنمورم
یوخ بیر کمک بو ورطه‌ی طوفان حسینووه
ای کاش ساغ اولیدی ابوالفضل باوفا
تا ال دوتیدی ضیغم شجعان حسینووه
اما گوررورله یوخ کمکی هر گلن ویرور
شاباش ائدورله نیزه قلجدان حسینووه
یالواردیم هرچه شمره دئدیم وئر امان بیر آز
آرتیردی ظلمینی او جفا کان حسینووه
قویمادی دوندرم یوزونی قبله سمتینه
فرصت اقلّی وئرمدی بیر آن حسینووه
شمشیریله قفادن آیردی سوسوز باشین
مأوا اولوندی نیزه‌ی دونان حسینووه
گلدیم خیامه یاره‌لی قوینومدا اللریم
گوردوم توکوردی گوزیاشی نسوان حسینووه
عورت اوشاق قاچوب قاباقا آلدیلار خبر
آغلاشدی منله غمزده طفلان حسینووه

یا فاطمه اورک باشینی یاندیران بودور
یان سنده منله شاه شهیدان حسینووه
درمان ائدردی دردلره اما بلا گونی
بیر درده دوشدی اولمادی درمان حسینووه
سؤزدور که گلدی فکره قلم یازدی دفتره
اما بو دردی بیلمروک آسان حسینووه
حرمت گورن اوتانمادی کسدی الین گئجه
ائتمیش بو ظلمی مرد شتربان حسینووه
بوینوندا چون واریدی اونون حقّ دوز چورک
بو نوعی دوتدی شام غریبان حسینووه
چوخدور خانم اگر بالووین جانفدالری
«ناصحده» فخر ائدور اولا قربان حسینووه
چوخ آرزو ائدور اولا بیر یولدا قسمتی
محزون و باغریقان اولا مهمان حسینووه
تاپشور اونی گلوبدی دلی تنگه هجریدن
عباسه یا که حجت یزدان حسینووه

آمدن حضرت جبرئیل به صحرای کربلا

دلیل راه وفا جان‌نثار جاده‌ی عشق
وئروب مذاکره بزمینده عالمه سرمشق
چو نور دیده‌ی زهرا شهنشه حرمین
شهید لاله رُخ کربلا امام حسین
قوری یر اوسته جگر داغلی جسمی صدپاره
آخاردی قان یاراسیندان مثال فوّاره
دییردی درد دلین کردگار یکتایه
نه گوردی باشینون اوسته گوروندی بیر سایه
سؤال قیلدی که ای قیدیمه قالان کیمسن
بو گونده سایه باشیم اوستونه سالان کیمسن
او سایه صاحبی عرض ایلدی که یا مولا
منم بو گونده سنه نوکر اولماقا اولی
او کیمسه‌یم که بو عالمده خون دل یمیشم
گئجه گونوز گلوبن لای‌لایووی دئمیشم

او کیمسه‌یم که اطاعت بئلینی باغلامیشام
بو دوغرانان بدنی سینه‌م اوسته ساخلامیشام
که ای اولان آدی عرش خدایه پیرایه
او کیمسه‌یم وئروب اللّه منی سنه دایه
مقرّب حرم خالق جلیلم من
اولیدی کاش گوزوم کور جبرئیلم من
بویوردی حضرت روح‌الامینه شاه اُمم
بو سایه سالماقووا بیل یقین رضا دگلم
گوتور قنادوی لازم دگل منه سایه
رواق عرشیده جدّیم دوروب تماشایه
گوتور قنادوی قوی چشمه چشمه قان آخسون
آتام یارالاریما ساق عرشیدن باخسون



محبوبیمون منیله محبت بناسی وار
معلوم اولور شفقّت و مهر و وفاسی وار

معشوقیدن گرک یتشه عاشقه بلا
عاشق دگل او کیمسه بلادن هراسی وار
هر نه بلا گله ائدرم جانیله قبول
البته بو بلالرینون مدّعاسی وار
جانان یولوندا هر یارا بیر گُلدی عاشقه
گلزار سینه‌مون نه عجایب صفاسی وار
دورت مین یارا د گوب گینه آزدور بو سینیه
مین‌دفعه جانیله چکرم هر جفاسی وار
قیل بیرجه قتلگاه تماشاسی جبرئیل
باخ گور حسین تشنه‌لبون نه اساسی وار
قربانگهه خلیل آپاروب بیر فدا اگر
اما حسینه باخ نجه یتمیش فداسی وار
عباس نامداریمی قربان کسوبدولر
قولسوز دوشوبدی قانه بویانمیش لواسی وار
طوی دوتموشام بو دشتیده شهزاده قاسمه
یاخمیش الینه قانیله الوان حناسی وار

صدپاره دوغرانوبدی علی‌اکبریم سوسوز
تپراقلار اوستی نعشی دوشوب چوخ یاراسی وار
من قوی یانوم بو گون قباقیندا کباب تک
سال اکبر اوسته کولگه اوغولسوز آناسی وار
بیلمم سبب ندور منی گوزدن آتوب آنام
میدانه زینبیم گله بیلمز حیاسی وار
دورما اوزون یتور نجفه سؤیله یاعلی
اوغلون حسین ئولور سنه چوخ‌چوخ دعاسی وار
گل کربلایه باشیمی آل بیر دیز اوستونه
گورسونلر اهل کوفه علی تک آتاسی وار
غم گلشنینده «قمری» بی‌یار و خسته‌نون
فریاد واحسینیله شور و نواسی وار

«شاه‌بیت»

سجده‌گاه عشقه سالدون قانلی جانمازی قارداش
نه بابام قیلوب نه جدّیم سن قیلان نمازی قارداش

«منزوی»

درکیفیت‌غارت‌خیام‌امام علیه‌السلام

یتوب شهادته چون پادشاه کرب‌وبلا
توکولدی زینبون اوسته نقدری واردی بلا
احاطه ایلدی هر سمتیدن او بی‌یاری
غریب ئولکه‌ده اولدی بلا گرفتاری
الی اورکده پریشان او مهربان زینب
حسین بالالارینا یار و پاسبان زینب
مصیبت آرتدوقجا اود دوتوب اورک یاندی
بلایه صبر ائدوب ام‌المصائب آدلاندی
آلوبدی خوردا اوشاقلار اونون صاق‌وصولونی
درون خیمه‌ده گوزلوردی قارداشون یولونی
باخوب نه گوردی گینه باشینون بلاسی گلور
قولاقینه دیه‌سن های‌وهو صداسی گلور
قدم کناره قویوب اضطرابیلن ناگاه
قلج‌لار الده گلور گوردی بیکران سپاه

گلورله خیمه‌لر اوسته بلند اولوب غوغا
دوزولمیش آتلی پیاده قاباقدا شمر دغا
نه حالیله قولی چمراقلی اللری قانلی
الینده شمر دغانون او خنجری قانلی
توکولدی دسته‌ئیله قانلی‌لار خیام اوسته
مثال مور و ملخ خیمه‌ی امام اوسته
ئولوبدی خیمه‌لرون صاحبی قالوب خالی
گورنده قانلی‌لاری دوندی زینبون حالی
حسین یتیملری قورخدی اضطراب ائلدی
صدای ناله‌لری زینبی کباب ائلدی
قاچوبلا آهو کیمی زینبی آرایه آلوب
سکینه سؤیلدی عمه بابام بس هاردا قالوب
چاتوب او ناخوش‌امامه زبس اورک سیخیلوب
دئدی بی‌بون سنه قربان گوز آچ ائویم یخلوب
توکولدی خیمیه لشگر بالا ندور چاره
ندور علاج بو دردون گله من زاره

دولاندی قتلگهه باخدی گوزلری دولدی
بویوردی عمه قاچون چوللره بابام ئولدی
بلای زینبی ذاکر یازاندا دفترینه
سالوب خیالینه آغلار همیشه غملرینه



تصویر تمام کربلا زینب بود
تفسیر پیام کربلا زینب بود
در عشق و فداکاری و ایمان و وفا
زهرای قیام کربلا زینب بود
«مؤیّد»

بزودی کتاب جدید ناصح در دسترس شما

علاقمندان قرار خواهد گرفت.

«نوحه - جوشی»

تالاندی هر اساسیم یاندیم اللّه یاندیم اللّه
الُولاندی لباسیم یاندیم اللّه یاندیم اللّه

گورورسن مهربان پروردگاریم شاهد اول سن
گورورسن هر عذاب روزگاریم شاهد اول سن
منیم شمر لعینیلن نه کاریم شاهد اول سن
آچوب ظلمه مراسم یاندیم اللّه یاندیم اللّه
آتام یوخ قارداشیم یوخ کیمسه‌نم یوخ گوزیاشیم وار
اسیرم هم یتیمم هم غریبم اوچ یاشیم وار
ئولوب اکبر ئولوب اصغر بلادن یولداشیم وار
هانی شهزاده قاسم یاندیم اللّه یاندیم اللّه
اگرچه شمر بی‌پروا ویرار سیلی من زاره
دگر سیلی اولور نیلی یوزوم اولاّم گونی قاره
جگر قانی گوزوم یاشی آخار اولماز او غدّاره
مؤثر التماسیم یاندیم اللّه یاندیم اللّه

هامی غم بیر یانا واللّه بو محنت قلبیمی داغلار
رباب اصغر دییر لیلا دییر اکبر عروس آغلار
ایاقلاریم یاراسین معجریلن زینبیم باغلار
گورر بو روی کاسیم یاندیم اللّه یاندیم اللّه
دیین یوخ اهل شام و کوفیه بو ظلم بسدور بس
من بیچاره‌نی آز اینجیده چون بیکسم بی‌کس
او پر قو رختخوابیم بارالٰها اولدی خار و خس
اورکده وار هراسیم یاندیم اللّه یاندیم اللّه
گوگردوب رویمی سیلی ایاقلاریم قابار اولموش
جفای قوم عدواندان اورگیم داغدار اولموش
ایشقلی گون نئدیم بو گوزلریمده لیل تار اولموش
اولاجاق خوار یاسیم یاندیم اللّه یاندیم اللّه
کیمیم واردور دییم درد دلیم آخر من محزون
منیم بو خوردا چاقیمده الف قدّیم اولوبدور نون
منه اکبر یرینه جان دییر سیلی‌ایله شمر دون
اونیلان نه تماسیم یاندیم اللّه یاندیم اللّه

سؤزی یازدیم قوتاردیم دویمادی امّا گوزوم یاشدان
دمادم ناله اوج ایلر فلکدن داغیدن داشدان
اورکلر اودلانور «معماری» باشلا بو سؤزی باشدان
تالاندی هر اساسیم یاندیم اللّه یاندیم اللّه

«مقدمه»

قطب عالم، سرّ اعظم، شافع عقبا حسین
فخر خاتم، شأن آدم، سرور بطحا حسین
روی بازوهای تو لب تشنه اصغر جان سپرد
غنچه ور شد، پر شجر شد، دشت غم‌افزا حسین
باز رو دارند اندر گیتی باقی مانده‌اند
جام و ساغر، آب خودسر، خرّم و شیدا حسین
ساقیا این طشت و ساغر با دل خونین بِبَر
نزد سلطان، شاه عطشان، تشنه‌ی دریا حسین
ناله‌ی «معماری» توام با ملال و آرزوست
فیض عطا کن، باصفا کن، دل کما فیها، حسین

«نوحه‌زنجیرزنی - جوشی‌سینه‌زنی - رجز»

گئجه‌نون عالمی بیر خردا قیز افغانه گلوب
یوز قویوب قتلگهه شام غریبانه گلوب

نصفی‌یانمیش چادری بختی‌کیمین گوردی قرا
اوتوروبدور قوری تپراقلارون اوسته اسرا
باجی قارداشینی اوخشار بالاسین اوخشار آنا
باش آچوبدور هره بیر سمتیده افغانه گلوب

بیلدی اوضاعی دگرگوندی اولوب طاقتی طاق
خیمه‌دن چیخدی او ایستکلی بالا گور نه سیاق
گئجه‌نون عالمی وحشتلی هوا خردا اوشاق
قوّت قلبینه باخ گور نجه میدانه گلوب

جذب ائدوبدور آتا عشقی بالانی سالدی چوله
دیزلری تتردی آز قالدی هراسیندن ئوله
بلبل سینه‌ی سلطاندی دوشوب عشق گُله
جان‌به‌کف نازلی بالا محضر سلطانه گلوب

«نوحه زنجیرزنی»

ای باشین کول اوستونه ظلمیلن قویان بالا
آچ او قانلی گوزلرون گلمیشم اویان بالا

ای حسین فاطمه وی شهید کربلا
ای فدای راه حق وی ذبیح من قفا
ای دوشن بلالره وی شهنشه هدی
ای یارالی نعشینی دشمنان سویان بالا
قویما کوللر اوستونه باشووی یاراسی وار
هانسی شهدی سن کیمی بیر بئله بلاسی وار
قانلی باشون آختاران من کیمین آناسی وار
خولی تک او باشووا واردی میزبان بالا
بو یارالی باشوون قانی چشمه‌تک آخار
چوخدی محنتون سنون بینوا آنون باخار
خولی بو جفائیلن صبر خانه‌سین یخار
باشون اوسته فاطمه اولدی باغریقان بالا

سن هارا تنور هارا خصم‌لر منازلی
گلشن پیمبره اَسدی بیر جفا یلی
قازدی ظلمی ریشه‌دن قانوون آخان سیلی
وای حسین دییر باجون زینب هر زمان بالا
کوفه‌ده باشون سنون کربلاده پیکرون
کسدی من باخا باخا ساربانون اللرون
قانه باتدی اکبرون اللرونده اصغرون
هر ایکی اوغول وئروب اللرونده جان بالا
نعشوی قویوبدولار داشلار آلتدا یاره‌لی
بوردا گوسترور باشون اورداکی جفالری
باغلانوب حرملرون ریسمانه اللری
کربلا چولون گزر زار و ناتوان بالا
اود ویروبلا یاغی‌لر یاندی خیمه‌گاهیلر
اوز قویوبدی چوللره قاچدی بی‌پناهیلر
هر بیرین قُووب دوتوب ویردی روسیاهیلر
قالمادی او گون اولوب هاموسی تالان بالا

باشووی کسن کیمین شمر دون روسیه
آلدی سعد بی‌حیا وئردی فوری خولیه
گتدی قانلی باشووی بو بلالی کوفیه
گلمیشم سراغینه الده دوغرانان بالا
هانسی دردوه باخوم من یارالی آغلیوم
قاره‌می آچوم گینه تازه قاره باغلیوم
قانلی کوینگون هانی وئر همیشه ساخلیوم
الده محشره گلوم باتماسون بو قان بالا
یازگیلان بو سؤزلری سن «پاشاپور» هر زمان
وئر کتابه نشر ائله بو جهاندا رایگان
قوی تاپوب آلا اونی هر طرفده شیعیان
تا دلیمجه اوخشیا من تک آغلیان بالا

«شاه‌بیت زنجیرزنی»

ای بابا جفائیلن سندن آلدیلار منی
رحمسیز عدولریم آیری سالدیلار منی

«جوشی سینه‌زنی و زنجیرزنی»

ای کوللر اوستونده یاتان عطشان حسینیم
عطشان حسینیم
زهرا یارالی باشووه قربان حسینیم
عطشان حسینیم

دیندیر منی مهمانووم ای دلشکسته
یانّام سنون بو حالووه من زار و خسته
خولی نیه باشون قویوبدور کوللر اوسته
عالم اولار احوالوه گریان حسینیم
عطشان حسینیم
هاردا قالوب قارداشلارون قانه باتوبسان
بیر عده بیکس عترتون گوزدن آتوبسان
زهرا آنون قربان قوری یرده یاتوبسان
نعشون قالوب افسوس اولا عریان حسینیم
عطشان حسینیم

اینده‌ی باجون آغلار گلر آه و فغانه
سالدی گوزوندن زینبی دور زمانه
دشمن ویروبدور باشینه چوخ تازیانه
یانمیش چادردا یاس دوتوب الآن حسینیم

دین اوسته لازمدی بالا قانه باتیدون
آیا روادی کوللر اوستونده یاتیدون
اوغلوم گرک سن سینه‌مون اوسته یاتیدون
دشمن ائوینده ایلرم افغان حسینیم

هئچ بیلموسن نازلی بالون هاردا یاتوبدی
دنیا شیرین دیللی قیزی گوزدن آتوبدی
دشمن آلوب گوشواره‌سین کامه چاتوبدی
رنگین سارالدوبدی اونون هجران حسینیم

ال باشدا زینب خیمه‌ده گلمیش فغانه
اوغلی ئولنلر آغلاشارلار یانه یانه
یانّام دوشنده یادیمه اول نازدانه
اولسون بو دنیانی گوروم ویران حسینیم

«جوشی سینه‌زنی و زنجیرزنی»

آچ گوزلرون ای گوزلریم نوری حسینیم
مطبخ‌سرا گوزدن سالوب طوری حسینیم

من نیلمیشدیم خولیه ای زار و خسته
واردور یری قان آغلاسون بو دلشکسته
قرآن ناطق باشینی قویموش کول اوسته
حسرتده بو باشون قویوب حوری حسینیم
آلدون رضای حقی وئردون امتحانون
لبیک یازدی توپراقا آخدوقجا قانون
اود ویردی زهرا قلبینه اوز ساربانون
دنیایه ثابت ائتدون عاشوری حسینیم
یثربدن آلدیم عطروی امداده گلدیم
قلبونده گوردوم بیر اوخی فریاده گلدیم
عشقوندن اوتری خانه‌ی صیاده گلدیم
اللّه وئروب زهرایه بو شوری حسینیم

گلدی بو چولده هر بلا بو باشه دُؤزدون
آخر وداعده قیزلارون یول اوسته دوزدون
بو دیندن اوتری سن رقیّوندن ال اوزدون
گوزدن نجه سالدون او رنجوری حسینیم
بو دیندن اوتری سن حسین کئچدون اوزوندن
قانلی بو زلفیله کولی سیلّم گوزوندن
قلبیم بیر آز آرام اولار ئوپسم یوزوندن
آچ گوزلرون دیندیر بو مهجوری حسینیم
باشدان باشا زلفوم کیمی قانه باتوبسان
ششماهه اصغر قانینی عرشه آتوبسان
اکبرله قاسم بس هانی یالقوز یاتوبسان
بس هاردادور سقا سو مأموری حسینیم
آتدان دوشن یرده وجودون دوشدی خسته
جدّونله من اگلشمشیدوخ باشون اوسته
دشمن ویراردی نیزه داش اوخ دسته دسته
کاش گورمیدیم نحر منحوری حسینیم

باشون مثلدی آیه‌ی اللّه نوره
مطبخ‌سرانی دوندروب عشقیله طوره
خولی شقاوتدن اونی قویدی تنوره
بو امتین واردور نه منظوری حسینیم
اکبر وئروب خالقدن آلدون امتیازون
حیرتده قویدی عالمی قان دستمازون
قدّوسیانی آغلادوب راز و نیازون
ای جسمی جنگ‌افزار مستوری حسینیم
چوخداندی زایر یوخدی ایراندان عزیزیم
«چاکر»لرون چوخ کئچدیلر جاندان عزیزیم
سیراب ائدورلر یوللاری قاندان عزیزیم
محو ایلسون اللّه بو مزدوری حسینیم[1]

«شاه‌بیت زنجیرزنی»

ای حسین ای آیت رحمان سلام اولسون سنه
ای وئرن دین‌اوسته جان عطشان‌سلام‌اولسون‌سنه

۱– صدام رئیس جمهور عراق

خالص حسینچی کیملر دیلر، خیمه‌لرون اودا یانماقی،غارت،اسرانون کربلادن گئتمگی

خالص حسینچی، باشدان آتار غیبتین داشین
حق اوسته مین بلایه سالار آغریماز باشین[1]
هر یرده اولسا ریب و ریا تئز چیخوب قاچار
دائم ویرار حسینچیلیگین سینیه داشین
خالص حسینچی دلده فقط یاحسین دئمز
اخلاص قلبی، ظاهر ائدر گوزده قانیاشین
یاد ایلیر گورنده گوزی آی هلالینی
شهزاده اکبرون قانا باتمیش قلم قاشین
اُوجوندا جانی بزم عزاده دییر خدا
آلسون بو جانی یوخدی سؤزوم آلما گوز یاشین
عباس محنتین یادا سالدوقجا، ورد ائدر
معلومیدور سیناندا اوزوک ساخلاماز قاشین

۱- حقدن طرفداری ایلیوب اداره‌لر دولانار گاهدا اوزون خطره‌سالار.

سسلر آقام رئوفیدی هم مهربانیدی
تک شمره گوستروب غضب آلوده پرخاشین[۱]
زینب مصیبتی اوخوناندا، باتار غمه
یاددان چیخاردار هم اوزون هم یار و یولداشین
آغلار دییر فلک اولا ویران ائوون سنون
بیر گونده آلدون الدن اونون یدّی قارداشین
هر یاندا سوگورر گوزی آغلار حسینینه
نسگیلّی سؤزله قلبینی داغلار حسینینه
سسلر بو گوزلریم سنه گریاندی یاحسین
گوز یوخ جانیمدا آدوه قرباندی یاحسین
یانّوق او وقتووه که هامی یار و یاوورون
شمشیرهای تیزیله دوغراندی یاحسین
حیرتده کائنات قالوب صبرووه آقا
دُؤزدون ال اوسته اصغرون اوخلاندی یاحسین

۱- اشاره به آوردن امان‌نامه.

اونداندا سخت‌تر او زمانیدی گوردولر
مقتلده پیکرون ال اوزون قاندی یاحسین
اول وقتیده قولاقووه سس گلدی ناگهان
قالدون هایاندا بو نجه طوفاندی یاحسین
گوردون که زینبوندی دیور باشدا اللری
ظلم آتشیله خیمه‌لرون یاندی یاحسین
گل گل یتیش هرایمه قارداش اوشاق بویوک
قالمیش هامی اود ایچره هراساندی یاحسین
بیلمور رقیه اوددا یانا یا چوله قاچا
هر سمته یوز قویا دولی عدواندی یاحسین
اوددان قوتاردی آیری اودا سالدی جانینی
صیادیلر گوروبدوله جیراندی یاحسین
ناگه ساتاشدی شمره گوزی تیتره‌دی الی
بیر یول چاغیردی گل بابا یا مرتضی علی
دشمن الینده قالموشام آواره قورخورام
بی‌چارووه اوزون گل ائله چاره قورخورام

اوچ ایلده نازیلن بویودوبدور آتام عموم
ایندی فلک سالوب منی اودلاره قورخورام
اود ویردیلار خیامیمیزه بس بابام هانی
امداد یوخدی غمزده قیزلاره قورخورام
سویقونچیلار سالوب بیزی آتلار قباقینه
غارت اولوندی معجر و گوشواره قورخورام
اوچ گوندی تشنه‌یوک قوریوب دل دوداقیمیز
یوخ رحم ائدن بو عترت اطهاره قورخورام
بیر خوفناک چهره‌ایلن الده قمچی‌سی
گوردوم بیری آلوب اله گهواره قورخورام
نامردی که اوخیلا ویرا شیرخواره‌نی
توش اولموشام بابا ائله خونخواره قورخورام
قارداشلاریم بابام عمومی ئولدوروبدولر
باخدوقجا شمر شوم و ستمکاره قورخورام
عمه‌م بویوردی قاچدی چوله باشسیز عترتون
بیر باخ ایاقلاریمدا اولوب یاره قورخورام

بو چولده هر نفس چکورم قلبیم اینجیور
چوخ چوخ منیم مدینه‌میزی گوگلوم ایستیور
ای کاش گلمییدی بورا کاروانیمیز
دوشمیدی مین بلایه بیزیم خسته جانیمیز
ای کاش قوش مثالی اوچیدوخ مدینیه
اوز شهریمیز اولیدی گینه آشیانیمیز
نه یوز قوییدی اوستوموزه شمر و حرمله
نه سو کیمین آخیدی بو صحراده قانیمیز
ظلمون اودیلا یاندی کوله دوندی خیمه‌میز
هئچ بیلمورم هایان اولاجاقدور مکانیمیز
بیر گونده باتدی قانه بابام هم کمکلری
بیر گونده باغلی قالدی بیزیم دودمانیمیز
قاسم طوئی یاس اولدی بو چولده قلجلانوب
اکبر کیمین شبیه پیمبر جوانیمیز
قولسوز یاتوب قان ایچره عموم قلبیمیز اَسور
اونلان گئدوبدی چونکه اورکدن توانیمیز

عباس عموم اولیدی ویرانمزدیلر بیزی
اما گوروروله یوخدی او شیر ژیانیمیز
قالسون بو یرده سؤز، گئده‌گون کوچ وقتینه
تا عرشی یاندیرا اوجالاندا فغانیمیز
زینب یتیشدی قتلگهه توکدی گوزیاشین
گویا مخاطب ائتدی بو نوعیله قارداشین
سسلندی وئر اذان گوروسن قافله‌م گئدور
یوخ یوخ که آدی قافله، بیر پارچا غم گئدور
روحیم قالور سنیله حسین قتلگاهیده
بی‌جان پیکریمدی آتور هر قدم گئدور
وئرمیش آنا فدا بالاسین باجی قارداشین
هجران زمانیدی هامی گوزلرده نم گئدور
باخ گور حرملرون نجه پیچیده‌دور غمه
اما سرور قلبیله اهل ستم گئدور
قوینوندا اللری اوتوروب ناقه‌ده رباب
اکبر دالیجا لیلیدی غرق الم گئدور

ئولدوردولر طویوندا جوانین سریه‌نون
آلامینون حدودینه یوخدور رقم گئدور
عباسیمون گوزوندن ایراق وقریلن گلن
شاماته قهرمان باجیسی قدّی خم گئدور
یول یولداشی اولوبدی بیزه زجر و حرمله
فکر ائتمه عترتون گینه‌ده محترم گئدور
سگّز گونی بیزیله بو چول سازش ائتمدی
غم غصه‌دن گتیردی اورکلر ورم گئدور
شاماته زینبم گئدورم بیر علم ویرام
تاریخ شومِ عمرِ یزیده قلم ویرام



اَسر قلبیم بلالی یل اَسنده
خزان اولدی گوزل گللر چمنده
اوزوم گوردوم او شمری تلّون اوستن
حسینون باشینی دالدان کسنده

«کوهی»

«نوحه - رجز»

گلمیشم قارداش جنازون اوسته قانیاش توکمگه
نعشوون اوسته آچوب معجر یولوب باش‌توکمگه

باشینه شاهون ائدرلر دسته دسته گل نثار
بس نیه برعکسینی ائتدی بو قوم نابکار
سهلیدور عطریله گل سپمک مهیا اولدیلار
اوستووه باران‌کیمین اوخ یاغدیروب داش‌توکمگه
گوزلریم اولسون فدا جسمونده قان فوّاریه
سانجیلوب پیکان اوخ اوستن پیکر صدپاریه
امر قیلدی سعدون اوغلی دولدی دشت ماریه
قانووی شمشیریله گلدیله بیر باش توکمگه
آدلارین امت قویانلار خاتم پیغمبره
یخدیلار پیغمبر اوغلون ذوالجناح اوستن یره
گون دوتولدی تاپدی فرصت گلدی فوج شب یره
روی بیضایه ستم منقاری خفّاش توکمگه

پخش قیلدی گنج احسانی مبارک اللرون
قویمادی محروم اولا بی‌وقت گلن دشمن‌لرون
جنبشه گلدی گئجه وقتینده باشسیز پیکرون
قیلدی دریا تک تلاطم دیشره داش قاش توکمگه
ساربان بیر پاره‌ی آهن تاپوب آلدی اله
جنّته بیر بند زر اوستونده سالدی زلزله
پابرهنه باش آچوخ مجبور اولوب زهرا گله
سینه‌ی صدپاروون اوسته یولوب ساش توکمگه
نعشووه ال ویرمارام ای خسرو گلگون‌کفن
قورخورام اوراق اولا قرآن کیمین باشسیز بدن
گورمیشم گون تابشینده ال دگنده غفلتاً
جمله برگین یوز قویار تپراقه خشخاش توکمگه
عازم شامم هانی ام‌البنین اوغلانلاری
پرچم آچسون کربلا میناسینون قربانلاری
تا یولا سالسون اباالفضلیم بو قلبی قانلاری
آیریلیق طرحین گلوب بو چولده نقّاش توکمگه

نیزه باشینده اوخور قانلو باشون کهف آیه‌سین
ناقه‌ی عریاندا من درک ایلرم قرآن سسین
رخنه‌ی بنیادینی دین مبین اقدسین
گلموشوک بو عالمه بیز باجی قارداش توکمگه
ائتمیشم عهدی سنیلن ایلیم دینه کومک
اکبری ساخلا یانوندا ای شه جن و ملک
اصغری آل سینووه گئتسون منیلن تا گرک
گوزیاشین بیر نازپرور طفل اوچ‌یاش توکمگه
شایقم[1] ماتملیم، ماتم لباسین سویمارام
من حسین‌بازم حسین‌بن علیدن دویمارام
چوخدا عید سیزده‌دور گئتمه نفسیم قویمارام
گئتسه گئتسون آبروسین مرد عیاش توکمگه

«شاه‌بیت»

نیزه‌دن بو کاروانه ایله بیر نظر حسینیم
چوللری گزور حرملر گور نه دربدر حسینیم

۱– لازم به تذکر است مرحوم شایق‌اردبیلی قادر به خواندن و نوشتن نبود.

«کوچ اسرا از قتلگاه کربلا»

نوحه‌سینه‌زنی - جوشی زنجیرزنی

کیم سن تک آنام اوغلی جلای وطن اولدی
گلدی بو بلالی چوله غرق محن اولدی
حسین ای شه عطشان
قوری یرده وئرن جان

بو قوم ستمگر گوره‌سن دویدی جفادن
سیراب ائلدی یر یوزونی خون خدادن
آخر باشووی کسدیله ظلمیله قفادن
تشنه سنی ئولدوردوله یا سو وئرن اولدی
صدپاره سالوب نعشووی بو فرقه‌ی عدوان
باشسیز بدنون ایستی قوم اوسته قالوب عریان
غسلون سنون اولموش یارالاروندان آخان قان
گل جسمووه خاشاک حنوط و کفن اولدی

دوغمیدی آنام فاطمه بو زینبی ای کاش
بو حالیده گورمیدیم حسینجان سنی قارداش
باخدوقجا سنه جاری گوزومدن اولی قانیاش
بی‌چاره باجون گور نقدر غم چکن اولدی
دوغراندی بو صحراده سوسوز قاسم و اکبر
گُل یوزلی جوانلار بویانوب قانه سراسر
بیر گونده حسین رونق گلزار پیمبر
باد ستمیله گلی سولموش چمن اولدی
ویرموش او یارالی باشووی نیزیه دشمن
هر یانه باشون گئتسه دالونجا گلرم من
هر دم باجووا بیر باخ او قانلی گوزیلن سن
گور زینبی مغلول طناب و رسن اولدی
گتدون نه جلالیله منی ای شه ابرار
صاق و صولومی آلدی جوانان وفادار
ایندی قولی باغلی باش آچوق شمره گرفتار
شامه گئدورم گور منه بیر رحم ائدن اولدی

بو نهر فرات اوسته سوسوز وئردون حسین جان
چیخماز بو غم و محنتون حشره کیمی یاددان
آزدور سنیچون خلق جهان آغلاسالار قان
دنیا ائوی سندن صورا بیت‌الحزن اولدی
غمگین غم و اندوه و بلای شه مظلوم
حشره کیمی اولسا رقم اولماز گینه مختوم
اوخشاردی حسینی بئله اول زینب مغموم
کیم سن تک آنام اوغلی جلای وطن اولدی

من زینبم، مدینه خموش اولموشام تانی
غملر شریکی، غملره توش اولموشام تانی
ئولدوردولر حسینیمی دشمنلر آغلادیم
چاره‌م کسیلدی خانه‌به‌دوش اولموشام تانی
«ناطقی»

«جوشی سینه‌زنی و زنجیرزنی»

دولانور علی قیزی مقتلی
قان ایچینده بیر بدن آختارور
یولون اوسته قافله لنگ اولوب
باجی قارداشا کفن آختارور

الی باشدا دورت طرفه قاچور
قییدور چوخور یره باش وُرور
بو نه یردی دُخت ابوتراب
قدمین ترابه یواش وُرور
یادینا او صحنه دوشوبدی که
هامی بیر یارالیا داش وُرور
پوزولوبدی گلشن آرزو
گُلی بلبل چمن آختارور

دینور اللّه عزّت هماسینون
ندن آشیانه‌سی قالمیوب
قولی باغلی قوشلارینون ائوی
تالانوبدی لانه‌سی قالمیوب
سویولوب وجودی حسینیمون
باشی یوخ نشانه‌سی قالمیوب
گورورم هرایه آنام گلوب
اودا قانلی پیرهن آختارور
یورولوب اوتوردی یره دئدی
آلوب عطرون اودلانورام حسین
بو قدر که داش توکولوب بورا
کئچه بیلمورم یانورام حسین
بدنون نماسی پوزولسادا
گینه من سنی یانورام حسین
منی سن چاغور یریوی باجون
ایتیرور دوبارەدن آختارور

حرکت زمانی غم اهلینه
یارانوبدی غصّه‌لی منظره
اوزونی چمنده هر عندلیب
یتوروبدی بیر گُل پرپره
آنالار سرود وداع اوخور
بیری قاسمه بیری اکبره
ائله‌بیل رباب ایتوروب اوزون
الی باشدا صودامَن آختارور
اُسرای خسته‌ی نینوا
هامی دلده آه و نوا گئدور
آنادی باشیندا قرا گئدور
باجیدی اورکده یارا گئدور
دوزولوب نظامه کجاوه‌لر
شهدا قالور اسرا گئدور
دولودی اورکلری دردیلن
ولی خلوت انجمن آختارور

گئدوری سکینه یواش یواش
یوزونون توزون یووا علقمه
دییه شرح حالینی مو به مو
سو یانیندا صاحب پرچمه
عموجان دور اللروه فدا
کمک ایله غصّه‌لی عمّه‌مه
چاغیرور هرایه بی‌بیم سنی
گوزی یولدادی گلن آختارور
اولوب اهلبیته زمانه تار
حرمون سونوبدی چراغلاری
بالا قیزلار ایستوری ناقیه
مینه لیک تترور ایاقلاری
کیمه میهمان گئدور ای خدا
گوزی یاشلی کوفه قوناقلاری
گوره‌سن مدینه هایاندادور
گوزی زینبین وطن آختارور

«جوشی‌سینه‌زنی - نوحه‌زنجیرزنی»
زبانحال سکینه‌خاتون

آچ گوزون قافله‌سالاریم امان قارداش اویان
گلدی شمرون سسی سرداریم امان قارداش اویان

شهدانون باخورام چوخدی بو گون یاره‌لری
قتلگاهینده دوشوب پیکر صدپاره‌لری
قیریلوبدور بابامون گور نجه مه‌پاره‌لری
داخی قالموبدی پرستاریم امان قارداش اویان
قرخ نفر السیز ایاقسیزلارا رحم ایله بو گون
جام الینده دولانان قیزلارا رحم ایله بو گون
تشنه‌لب عمّه‌مه هم بیزلره رحم ایله بو گون
سو تدارک ائله غمخواریم امان قارداش اویان
قان توکور دیده‌لریندن نظر ائت عمه‌لره
لعنت حق اولا بو صفلره بو دسته‌لره
گئتدی میدانه عمون سو گتوره تشنه‌لره
وئردی قوللارین علمداریم امان قارداش اویان

قبر بطحادن آیرما دئدیم آخر ائلیمی
شمر دون سولدوراجاق گلشنیمی هم گلیمی
بیرده من جام اله آلسام سو دئسم کس دیلیمی
حشره‌تک یانسا دوداقلاریم امان قارداش اویان
بیلمدیم من سیزیده ئولدوره‌جک شمر لعین
ظلمیله باغلیاجاق قوللاریمی لشکر کین
پابرهنه باش آچوق ایلیروک داد و انین
کیم اولور اوندا هواداریم امان قارداش اویان
قونداقی اصغریمون گور نجه القانه باتوب
سرو تک تازه جوانلار هامی یان یانه یاتوب
باخ بو قومه نجه گور دینینی دنیایه ساتوب
ای سخا کانی وفاداریم امان قارداش اویان
بیر نظر قیل نجه گور نوحه ائدر سیّد زار
سن روا ایله اونون هر نه که درد دلی وار
التماسین ائله قویما اولا محشر گونی خوار
سن اونا رحم ائله سرداریم امان قارداش اویان

«بحر طویل - زبانحال دختر امام حسین علیه‌السلام»

آچ گوزون ای شاه لب‌عطشان بابا
بیرجه دانیش باغریم اولوب قان بابا
گئتمه‌لیم شامه طرف باش آچیخ
یتدی بو دم موسم هجران بابا
آه اسیرم اسیر - باغلادی قوللاریمی شمر شریر

بیر نظر ائت حالیمه ای ممتحن
جسمی قوم اوستونده قالان بی‌کفن
گور دوزولوب شامه طرف کاروان، باغریقان
الامان، آل علی ناتوان، شمر ستم‌پرور اولوب ساربان
هرزمان - کوفیان - قمچی ویرار باشیمه شمروسنان
قویدی منی قوم دغا بی‌پدر - خونجگر - دیده تر
اولدوم اسیر سپه بدسیر - دامن فضلوندن الیم اوزدولر
فرقه‌ی کفّار ویرار طعنه‌لر
آغلارام هجرونده گئجه تا سحر

ایلرم هر وقتیده افغان بابا
آه اسیرم اسیر - باغلادی قوللاریمی شمر شریر
نطقه گلوب بیرجه دانیشدیر منی
سؤیله گوروم هانسی او شوم دنی
ظلمیله سالدی که بو حاله سنی
رهبریم - سروریم - موجه‌گلوب آرتدی منیم‌غملریم
هانسی‌دغا کسدی سوسوز حنجرون - نیزیه ویرمیش سرون
قانه باتوب لبلرون - دوغرادی گل پیکرون
قطع‌ائلیوب‌اللرون - بیرجه اوزوکدن اوتوری بارماقون
کسدیله قوم‌جفا - بی‌حیا - اشقیاً -ظلمین‌ائدوب برملا
قویدی قوم اوسته یارالی نعشوی
قالدی بو چوللرده چون عریان بابا
آه اسیرم اسیر - باغلادی قوللاریمی شمر شریر
خیمه‌لره ویردی اود - ظلمیله بو اهل شام
آل پیمبر هامی - چوللره قاچدی تمام
دشمن‌الینده پوزولوب شوکتون - عزّتون - حشمتون
بی سر و پا قالدی بابا عترتون

خیمه‌لره اود ویروب اهل جفا
شعله چکوب یاندی هامی ثروتون
عابدبیمار قالوب‌خیمه‌ده -اود دوتوب آزقالدی یانا عابدین
سید اهل یقین - بیرجه علاج ائت منه ای شاه دین
بی‌معین - اولموشام ایندی حزین
ظلم و جفای سپه کینیدن - باغریم اولوب قان بابا
آه اسیرم اسیر - باغلادی قوللاریمی شمر شریر
ئولمش علی‌اکبریم - قاسم مه‌پیکریم
عونیله هم جعفریم - ناصر و یاورلریم - اصغریم
حصرت عباس کیمی سروریم - رهبریم
میر وفاپروریم - ظلم و جفائیله سولوب گللریم
یوخدی بو چولده یانان احوالیمه
رحم ائلمز فرقه‌ی دونان بابا
درد و بلایه بابا اولدوم دچار - دلفکار
خوار و زار - بی‌قرار - فرقتون الدن که آلوب اختیار
صبر ائده بیلمم ستم دشمنه - هر آن بابا
آه اسیرم اسیر - باغلادی قوللاریمی شمر شریر

زبانحال حضرت زینب به رأس مطهر حضرت امام‌حسین علیه‌السلام در کوفه

حسین کئچن گئجه‌نی هاردا همزبان اولدون
من فلک‌زدیه مایه‌ی فغان اولدون
تنور خولی‌نی سن روضه‌ی جنان ائلدون
عزیز قوناقلاروا اوردا میزبان اولدون
یانان چادردا، منی خرداجا اوشاقلاروی
قویوب گئدوب کیمیله سؤیله همزبان اولدون
نوازش ایلمدون گلمدون یانان چادرا
سوروشمادون باجی نه نوعی باغریقان اولدون
مگر خیال ائلدون خرداجا اوشاقلارون
سو ایستیرله سنی گورسه‌لر، نهان اولدون
کئچن کئچوب دئمرم آج‌سوسوز باجون قالدی
ولیک سؤیله گوروم کوفیه روان اولدون

او گل یوزونده ندن خاک و خون علامتی وار
مگر کول اوسته تنور ایچره میهمان اولدون
سرشک چشمیله گل پاک ائدوم محاسنوی
که بیلمسونله بئله خوار کوفیان اولدون
قاباقدا منزل اوزاق خارجی ولایتی وار
که بلکه بیر گئجه مهمان راهبان اولدون

محبوبه‌ی ذات پاک سرمد زهراست
جان دو جهان و جان احمد زهراست
ما را شده از بضعةُ مِنّی معلوم
زهراست محمّد و محمّد زهراست

نوحه‌سینه‌زنی - جوشی‌زنجیرزنی سؤال‌وجواب

ای لاله کیمی قانه باتان باش باجون ئولسون
آچ قانلی گوزون باخ منه قارداش باجون ئولسون

بیر باشدا که قارداش اولا بیر بیله جراحت
مطبخده کول اوسته یاتار آیا نجه راحت
یاتدون نجه مطبخده سن ای شمس امامت
ای ماه تمام اوّل شبده نیه باتدون
آخر یارالیدون کول ایچینده نجه یاتدون

امام

چوخ آغلاما پوزما منیم احوالیمی زینب
بو قانلی یوزومدن گوروسن حالیمی زینب
ائو صاحبی مهمانه ائدر لطف و کرامت
لازمدی یاتاندا یرینی ایلیه راحت
خولی‌ده ولیکن یوخیدی بسکه لیاقت

کول اوسته جگر قانیمی گوزیاشینه قاتدیم
قویدوم یوزیمی حسرتیله کوللره یاتدیم

زینب

مطبخ که حسینجان سنه بیت‌الحزن اولدی
آیا دی گوروم یانوه هئچ بیر گلن اولدی
یا قانلی کولی قانلی یوزوندن سیلن اولدی
هئچ صبح آچلینجا گئجه‌نی یاتمامیشام من
بیر لحظه نظردن حرمون آتمامیشام من

امام

خولی باجی جان دینینی دنیاسینه ساتدی
قویدی منی مطبخده اوزی قصریده یاتدی
یاتمیشدیم او حالیله آنام گلدی اویاتدی
سسلندی حسین عترتوی گوزدن آتوبسان
پیغمبرین اوغلی نیه مطبخده یاتوبسان

زینب

نه حالیده گوردون انامی ای شه خوبان
شرح ائت باجووا شادیدی یا حالی‌پریشان

آیا آنامون حالی نجیدی سنه قربان
سینمیش قولون آیا یارالی سینه‌ده گوردون
سنله دانیشوب گولدی و یا غمزده گوردون

امام

ای مهر و وفاده منه زهرایه برابر
زهرا یوزی گولمز نقدر وار بو ستملر
پهلوسینه قویمیشدی الین زار و مکدر
ناراحتیدی چوخ در و دیوار اثریندن
اوپدیم یارالی سینه‌ده مسمار اثریندن

زینب

گر اولسا جدادن باشووی اگماقا امکان
اگ پاک ائلیوم قانینی ای سرور دوران
دشمن نیه گورسون یوزیوی قانله الوان
زلفیمله سیلم مه یوزیوی دوشمه خسوفه
شاید سنی گورسون تانیسون ملت کوفه

امام

سیلمه یوزیمین قانینی ای منبع عصمت

بو قاندی منه شاهد و عنوان شفاعت
حشره یوزی قانلی گلرم روزقیامت
الده یارالی باشیمی عنوان ائدرم من
بو قانله چوخ دردلره درمان ائدرم من

زینب

سنسن یارالی نی‌ده کسیک باشلارا رهبر
باشوز ائلیوب کوفه‌نی پر نور و معطر
سقا باشی اما آرادا یوخدی برادر
چوخ آختاریرام ماه بنی‌هاشمی قارداش
دُؤزمور اوره‌گیم ایستوری قارداشیمی قارداش

امام

هیچ‌کس اونون احوالینی مندن‌صورا بولمز
بیر باش که او حاله قالا نی‌ده دورا بولمز
قاتل اونی چون گوردی جدایه وورا بولمز
قویدی یارالی جسمینی میدان آراسیندا
شامه گئدیر اما باشی قلخان آراسیندا

زینب

قرآن سسیوی کسمه برادر قولاقیمدان
حالین بولورم قزلاریوین اوز سیاقیمدان
ایستور اوزین آتسون بو رقیه قوجاقیمدان
دُؤزمور بالا قزلار داخی یوخ چاره محلی
قرآنله وئر عترت اطهاره تسلّی

امام

قرآن اوخویاندا وورور اعدا من زاری
قرآنله یوخدور بو گروهین سروکاری
سن ناقه‌ده لای‌لای دی رقیّم یاتا باری
ناراحت اولار قویما جداده منه باخسون
دیندیر گوزینون یاشینی سیل قوی سنه باخسون

زینب

دشمن سنی مظلوم ائلدی کامینه چاتدی
بیگانه خیانت الین اسلامه اوجاتدی
قرآنی شهید ائتدیله قرآن سسی یاتدی

تنها بوئیدی دلده‌کی مقصودی یزیدین
پامال ائده احکامینی قرآن‌مجیدین

امام

ظالم باجی مین ایل یاشاسا کامه چاتانماز
هنداوغلی داخی بیر گئجه آسوده یاتانماز
قرآنیمون احکامینه خائن ال آتانماز
هر حالده من حامی قرآن مبینم
تفسیر ائلین قانله قرآنی حسینم

زینب

بیر گونده داغیلدی هامی یاور باشیمیزدان
قمچی ووروری ایمدی بو لشگر باشیمیزدان
هاردیدون او گون آلدیلا معجر باشیمیزدان
اللّه بولوری حاضرم هرگونه عذابه
اما دگولم راضی بو جور کشف حجابه

امام

سندن باجی جبریله قشون معجر آلاندا

جان اوسته چالوردیم ال اپاق قرمزی قاندا
باش سجده‌ده جان سینه‌ده قلبیم ضرباندا
چوخ سعی ائلدیم تا گلم امداده او ساعت
افسوس دیزیمده یوخودی دورماقا طاقت

زینب

باشون کسیلندن صورا ای مهر ولایت
گون باتدی گئجه گلدی دوتوب عالمی ظلمت
من خیمه‌ده مشغولیدیم اطفاله او ساعت
کیم نیمه‌ی شب یاد ائلیوب یانوه گلدی
کیملر دی گوروم شام غریبانوه گلدی

امام

سن گئتدون آنام گلدی الینده قره معجر
قارداشیم حسن گلدی آتام ساقی کوثر
سالدی اوزینی سینه‌مه حسرتله پیمبر
بجدل یتشوب مقصده چاتماقه تلسدی
چیخموردی اوزوک دُؤزمدی بارماقیمی کسدی

زینب

ایکاش نظامات جهان منحل اولیدی
نه شمر نه خولی نه بو گون بجدل اولیدی
بارماقوی قطع ایلین اللر شل اولیدی
بیر ال که چکردون فقرا باشینه هرآن
کیم کسدی بیلکدن اونی زینب سنه قربان

امام

قویماز باجی بو قانلاری یرده ید قدرت
بیر گون گلی دنیانی دوتار صوت عدالت
ظاهر اولاجاق مهدی موعود امامت
نیروی عدالت یخاجاق ظلم بناسین
ظالم گوره‌جاق ظلمتون البته جزاسین
جهد ایله کریمی اولاسان اهل حقایق
تا یازدیقون اشعار اولا فعلونله موافق
گورسونله سنی منصب نوکرلقا لایق
سعی ائتمه آدون شعریده دلدن دله دوشسون
دلدن دله جاری ائله قوی سؤز دله دوشسون

«جوشی سینه و زنجیرزنی - رجز»

سیر ایلینده کوفەنی شاه شهیدان نیزەده
اولدی شهادت چرخینون خورشیدی رخشان نیزەده

گزدی دولاندی کوفەنین هر کوچه و بازارینی
اما حریم عصمتین تار ائتدی روزگارینی
وار علتی بیر رشتیه دوزدی او شه انصارینی
یتمیش نفر قربانینی بیر بیر وئروب سان‌نیزەده
عهد ایلمیشدی عَدْویده بذل ایلسون اوز جانینی
اوز عهدین ایفا ایلدی خشنود ائدوب جانانینی
وئردی یارالی باشیله پایانه اوز پیمانینی
بیر ذرّه اصلاً قویمادی عهدینه نقصان نیزەده
پیغمبر اوغلی عالمه آندیردی اوز حقیّتین
گون تک اودور وئردی نشان هر یرده مظلومیتین
دین مبینه دمبدم تکمیل ائدردی خدمتین
دنیانی حیران ایلدی شاه شهیدان نیزەده

طی‌ایلدی چون بیربه‌بیر عشقین او شه هر پایه‌سین
آرتوردی قانلو باشیله شرع نبی پیرایه‌سین
لحن حجازیله او گون شرح ایلدی کهف آیه‌سین
ایلردی اهل کوفیه تفسیر قرآن نیزه‌ده
شور قیامت مطلقا ائتدی او ساعتده قیام
قالدی نه حاله بیلمورم آل شه فخرالانام
قانه کوله تپراقه چون باتمیشدی اول بدر تمام
اولموشدی گویا منخسف بیر ماه تابان نیزه‌ده
چوخ پوزدی شاه غم حشم دلدن باجیسی زینبی
دوشدی نه حاله کیم بیلر اول برج عصمت کوکبی
اوج ائتدی گورجک قارداشین افلاکه یارب‌یاربی
گوردی دوباره قانینه ایلوبله غلطان نیزه‌ده
وای‌قارداشیم‌وای سسلنوب توکدی عذاره گوزیاشین
سلب‌اولدی صبری محمله ویردی او اثناده باشین
پوزدی بتوله نائبه زینب یارالی قارداشین
قارداش باجی احوالینه ایلردی افغان نیزه‌ده

بیر باش که نور عینیدی ریحانه‌ی پیغمبره
شأن و شرافت آرتوران دسمالی عرش داوره
آیا روادور ظلمیله باتسون او باش خاکستره
یا قانی آخسون ایلسون رخسارین الوان نیزه‌ده
«نجمی» اگر داش اولسا دل بو غمده آغلار آغلاماز؟
گوزدن سرشک حسرتین رخساره باغلار باغلاماز؟
درد مصیبت سینه‌ی زهرانی داغلار داغلاماز؟
گورسه یارالی اوغلونون باشین او نالان نیزه‌ده



در سپهر استقامت ماه عزت زینب است
قُرةالعین شهنشاه ولایت زینب است
فاطمه ریحانه‌ی پیغمبر است اندر جهان
وه ببین ریحانه‌ی خاتون محشر زینب است
آنکه در بالین شاه تشنه با شمر شریر
کشمکشها کرد و دستش شدجراحت زینب است

«زبانحال حضرت زینب خطاب به سر مبارک امام»

هاردا یا اخا رأس اطهرون میهمان اولوبدور کئجن گئجه
نازنین‌باشا هانسی بیر لعین میزبان اولوبدور کئچن‌گئجه

سن شه حجاز و مدینه‌سن کربلاده بس لشگرون هانی
اهرمن مگر یول تاپوب سنه بارماقوندا انگشترون هانی
ای پیمبرین سینه زینتی جبرئیل اوپن اللرون هانی
قتلگاهیده همدمون یقین ساربان اولوبدور کئچن گئجه
رسمیدور طبیعتده خاتمه نوبهاره فصل خزان وئرر
کیم گوروب خزان بوستانیده فرّ نوبهاری نشان وئرر
آفت خزاندان صورا مگر بوستان گل ارغوان وئرر
تازه‌دن نیه گل بیلکلرون ارغوان اولوبدور کئچن گئجه
حالیوی سوروشماقلیقا گلوب قتلگاهه بیر مهربان بالالان
آرزو ائدوب دیندیروب اونی بیرده قولاّرین بوینونا سالالان
اشک حسرت و درد فرت و رنج غربتیندن خبر آلان
زجر شمردن خوف‌زجریدن باغریقان‌اولوبدور کئچن‌گئجه

سن شهید اولاندان صورا گئدوب غارته کئچن گونده خیمه‌لر
خرگه جلال امامتی ایستیوب اودا یاندیرا عمر
اود ویروب عدو خیمه گاهوه اولموشوق هراسان وخونجگر
دشمن جفاکار و بی‌حیا شادمان اولوبدور کئچن گئجه

پرشکسته بلبل‌لره دگوب کعب نیزه‌لر تازیانه‌لر
روزگاریده عزّ و نازیله پرورش تاپان نازدانه‌لر
باشلارینی تپراقه قویدولار گوردولر یانوب آشیانه‌لر
بیر یانیق چادر خیردا قیزلارا آشیان اولوبدور کئچن گئجه

اصغرین آناسی حزین حزین گوردوم آغلیور التهابیدن
علتین سوروشدوم او زاریدن آغلادوب منی بو جوابیدن
صود گلوبدی پستانیمه دئدی ایچموشم که بیر ذرّه آبیدن
تشنه اصغریم اود دوتوب یانوب ناتوان اولوبدور کئچن گئجه

آه و ناله‌ی زینبه قسم وئرّم ای شه کربلا سنی
ایسته حضرت کردگاریدن ایلسون مرضدن رها منی
عافیت لباسینه چولقاسین جمله‌ی مریض و مریضه‌نی
منطقی سنه چوخ امیدیلن نوحه‌خوان اولوبدور کئچن گئجه

«یابن‌الطلقاء»

یابن‌الطلقا در بر چشمان یتیمان
اینگونه مزن چوب تو بر این لب و دندان
این سر که بود سرّ خدا در همه آفاق
ظالم تو چرا لطمه زنی بر لب قرآن
در کیش کدامین مللی بوده و باشد
اینگونه جفا پیشه نمایند به مهمان
بی‌شرم و حیا این همه ظلم از چه نمایی
این سر چه گنه کرده به جز خواندن قرآن
امروز دگر بگذرد از ما و تو فردا
بین تو و ما حکم کند خالق سبحان
آرام دل خسته‌دلان یوسف زهرا
والله که هر شیعه بود بهر تو گریان

نوحه زنجیر و سینه‌زنی(مجلس‌یزید)

برگ گلی گرک باد صبا اوپه
یا بلبل ایلیه آه و نوا اوپه
زهرا عزیزینون غنچه دوداقلارین
انصافیدور نجه چوب جفا اوپه

ای خیزران ندن سن ائتمدون حیا
ویردون دوباره سن برگ گله یارا
گل یاپراقی هارا خار جفا هارا
شایسته‌دور گلی اهل وفا اوپه
بیر گل که پرورش وئرمیشدی مصطفی
ائتمیشدی گلشن توحیدی باصفا
انصافیدور نجه ای چوب پرجفا
پیغمبرون گلین خار جفا اوپه

ائتدون مخالفت قرآن دیین سؤزه
قرآنیله نجه سن قویدون اوز اوزه
اوپدون نه فایده قویدون اونی گوزه
قرآنی حیفیدور ناآشنا اوپه
بسته‌یدی معجز عیسی او لبلره
ائتدون اذیت بی‌جا او لبلره
ویرمیشدی بوسه چوخ زهرا او لبلره
ایستردی بس اونی خیرالنسا اوپه
گلشنده خار اوپر گللر ایاقینی
مسکن ائدر اونون پائین بُداقینی
گلزاریده گلون غنچه دوداقینی
خار ایلیور زبس شرم و حیا اوپه
اوپدوکجه سن او گل لبلردن ای آغاج
خردا رقیّه‌نون دردی تاپار رواج
بلبلدور اول گله بو طفل ناعلاج
خوشدور آتا لبین خردا بالا اوپه

گودالیده اولوب بازار ظلم گرم
شمر ائتمدی حیا اولمادی قلبی نرم
اول بوسه‌گاهیدن خنجر ائدوبدی شرم
مجبور اولوب اونی تا مِن قفا اوپه
گون تک او قانلو باش هنگام سیرده
جلوه‌نما اولوب انظار غیرده
ائتدی تجلّیِ جانبخش دیریده
راهب ائدوب اونی سعی و صفا اوپه
اوپدون دوداقلارین گر سن یواش‌یواش
قانلو جبینینی چوخ سخت‌اوپوبدی‌داش
وجهی بودور خسوف آی‌تک ائدوب او باش
داش ممکن اولمادی چون بی‌صدا اوپه
ناصر چوخ ایستیور ای شاه تشنه‌لب
درگاهوه گلوب قویسون رخ ادب
عشقونده صرف‌ائدر عمرینی روزوشب
ایسته ضریحووی صبح و مسا اوپه

«رجز - جوشی»

بزم یزیده آه او گون آل عبانی گتدیلر
کنج خرابه‌ده قالان تا اسرانی گتدیلر

یتدی یزید ظالمون ظلم و جفاسی آخره
فسقی چون آشکار اولوب دگدیله خلق بیربیره
گوردی حسینون ئولمگی منتشر اولدی هر یره
امر ایلدی خرابه‌دن زین‌العبانی گتدیلر
پرده چکیلدی مجلسه گتدیله آل حیدری
پرده دالنیدا اگلشوب اولدی زیاده غملری
قانیله دولدی تازه‌دن قانه دونن اورکلری
درده دوباره زینب بخت قرانی گتدیلر
عرض ایلیوم خلاصه‌سین تازه جوانلار آغلاسون
قاره گیین حسینی‌لر سینه ویرانلار آغلاسون
صاحب‌عزا اوزی باخور قوی اوتورانلار آغلاسون
حکم وئریلدی غارت کرب‌وبلانی گتدیلر

وارد اولوب نه گوردولر مجلس عامه ناکسی
الده علی‌اکبرون پارچالانان عمامه‌سی
گوردی اسیرلر گلور لیلینون آغلاماق سسی
آه و فغانه تازه‌دن بی‌کس آنانی گتدیلر
گلدی دوباره بیر لعین باخدولار اول ستمگره
پرده دالیندا یوز وئروب غم او خانیم حرملره
آل علینون اوج ائدوب ناله و آهی گوگلره
کرب‌وبلاده‌کی یاتان قانلی لوانی گتدیلر
ائتدیله چیده تازه‌دن کرب‌وبلا اساسینی
گتدیله قانلی بوخچادا قاسمون طوی لباسینی
گیدی عروسی تازه‌دن قلبینه غم قراسینی
آغلادیلار خیاله اول تازه جوانی گتدیلر
بسکه باخاردی هر گلن غارته زینب حزین
ناگه حسینون اول زمان گتدیله قانلی کوینگین
پارچالیوب یخاسینی زلفینی یولدی گورجگین
دشت نجفده نالیه شیر خدانی گتدیلر

«جوشی سینه‌زنی زبانحال مادر علی اکبر علیه‌السلام»[1]

نیزه باشینده باشون گون کیمی رخشاندور علی
تل به تل قاره تلون مه یوزه افشاندور علی

توکموسن زلفووی چون دسته‌ی سنبل یوزه
ابر تک طرّه‌لرون ائتموسن حایل یوزه
باخا هر کیم بو قرا زلفووه یا گل یوزه
بولوط آلتیندا دییر بیر مه تاباندور علی

سن او گوندن که منی وصلوه محتاج ائلدون
قلبیمی تیر غم و محنته آماج ائلدون
بو ایشیقلی گونومی گوزده شب داج ائلدون
سینه‌ده آهیم اودی لیک فروزاندور علی

مسکنیم ناقه‌ی عریاندی منیم قولدا رسن
منظریم گوزده سنون تک بئله بیر وجه حسن
سالموسان لیلینی مجنون کیمی صحرالره سن
بیلمورم من بو نجه گردش دوراندور علی

۱- از کتاب ارمغان تائب نوشته‌شده‌است.

مکتب ذوقیله تحصیلیمی عشق ایلمیشم
پیرو شمس عطارد کیمی مشق ایلمیشم
باشون آردینجا دوشوب عزم دمشق ایلمیشم
مقصدیم شامده بیر گوشه‌ی ویراندور علی

سنسیز ای سرو قدیم یوسف گل پیرهنیم
دلده یعقوب کیمی دائماً آرتار محنیم
گوزیاشیم قانه دونوب سهلدی هجرونده منیم
پرده پرده اورگیم غنچه‌صفت قاندور علی

بسکه آشفته‌ام عشقونده سر مو کیمی من
اولموشام قامتی چوگان خم ابرو کیمی من
باشون آردینجا دوشوب تک نه بیر آهو کیمی من
سنه پابند بو بیر جمع پریشاندور علی

دانه‌ی خالوه گوگلوم قوشی مایلدی زبس
وار اودور گل یوزوی گورمگه چوخ منده هوس
اولوب عالم منه سندن صورا بیر کنج قفس
دلده اندوه و غمیم بسکه فراواندور علی

بی‌سبب توکمرم انجم کیمی اشگ تریمی
سالارام یاده او عزّتلی کئچن گونلریمی
ائتمیشم مرکز غم خاطر غم‌پروریمی
مونسیم شام و سحر ناله و افغاندور علی

ساربانیم نه ائدر مکث نه بیر لحظه دورار
آپارار هی منی سرعتله بو یوللاردا یورار
آغلیاندا سنه هردم باشیما قمچی ویرار
بیر دئمز اوغلی ئولوب دیده‌سی گریاندور علی

روز و شب ذکریم اولوب دلده منیم واولدا
شوریله ساز ائدرم دمبدم آهنگ نوا
دُؤزرم قوم مخالف ائده هرقدر جفا
بیلورم عاشق اولان دُؤزمه‌سه نقصاندور علی

تار زلفیله منی ایلموسن بند کمند
گلّم آردینجا نقدری یته بو یولدا گزند
یانارام مجمره‌ی عشقیده مانند سپند
نیلیوم عشق اوزی بیر آتش سوزاندور علی

پای‌بند گره‌ی طره‌ی جانانم من
دوشموشم چوللره سرگشته و حیرانم من
سر زلفون تک اوغول گور نه پریشانم من
شامه‌تک گوگلوم اودور ظلمیله شان‌شاندور علی
دلده همواره گرک محنتیم اغراق اولسون
لیلی مجنون کیمی سرگشته‌ی آفاق اولسون
غم هجرانه دُؤزوب وصلوه مشتاق اولسون
من‌کیمی کیم بئله محنت‌کش دوراندور علی
بو نه تقدیریدی اصلاً ابداً بیلمز آنون
بیرده بو نشأده دلشاد اولوب گولمز آنون
بیلمورم سرّی ندور صاقدی هله ئولمز آنون
چوخ چتیندور بو مصیبت نه که آساندور علی
حشره تک داغون علی قالدی منیم سینه‌مده
نسگیلون یاد ائلدوقجا یانارام هر دمده
نقدر عمر ائده بو بی‌کس آنون عالمده
باغریقان مویه‌کنان چاک گریباندور علی

«جوشی سینه‌زنی و زنجیرزنی»

سوز وگداز دخترسه‌ساله امام

به رأس‌مطهر برادرش

نجه عمّه توز باسوبدی گور نیزه‌ده قلم قاشین
اجازه‌وئر شمره‌یالواریم وئرسون‌اکبرین باشین
سوسوز دوداقلارینه سپوم سو یرینه گوزیاشین
وئرسه اکبرون باشین - وئرسه اکبرون باشین

روا گوروب قاتلی نئجه بو جوان رعنایه
باشین کسوب پیکرینی غرق ائتدی قانلو دریایه
بَلَشدیروب قانه داغینی چکدی قلب زهرایه
مگر رحمی گلمدی سنه یا منه یا لیلایه
یا باحیسی صغرایه - یا باجیسی صغرایه

مگر عمّه اوچ یاشیندا قیز طی ائدر بو یولاّری
اکبریمون شوقیدور سالوب چوللره من زاری
دی شمره سن وئرمیور اونی ساخلاسون ایاق باری
نشان وئروم اکبریمه تا بو قابار ایاقلاری
بو یانان دوداقلاری - بو یانان دوداقلاری
باخار هردم کج نگاهیلن نیزه‌ده آناسینه
چالار کیپریک آغلیور اونون کهنه‌لن لباسینه
حزین حزین گوز دولاندیرور خویش و اقرباسینه
باجون قربان جان علی قارداش گوزلرون قراسینه
باشوون بلاسینه - باشوون بلاسینه
اگر منه اَندیروب وئره نیزه‌دن او زیبانی
سیلم زلفین قاش‌گوزون یووام پاک‌اولا اونون قانی
یاپشدیرام سینه‌مه دییم شرح درد هجرانی
او باشی من شمره وئرمرم بیرده اکبریم جانی
داغلارام بو دنیانی - داغلارام بو دنیانی

«نوحه - جوشی - سینه‌زن»

بیر اسیرم دوشموشم من کارواندان قالموشام
کاروان کوچ ایلیوب زار و پریشان قالموشام

قالموشام وحشتلو چولده یکه و تنها بابا
نه یانیمدا وار آنام نه زینب علیا بابا
تئز یتش امدادیمه ای سرور بطحا بابا
قورخولی چوللرده من با آه و افغان قالموشام

کیمسه‌نم یوخدور یانیمدا دردیمی اظهار ائدوم
تا بلالی کاروانه یول نشان وئرسون گئدوم
بو گئجه وقتی قرانلوق بیلمورم آیا نئدوم
عالمی ظلمت دوتوب صحراده ویلان‌قالموشام

بیر دایان گئتمه بابا درد غمیم جوش ایلیوب
شمر دون رخساریمی سیلیله منقوش ایلیوب
مهربان عمم منی یاددان فراموش ایلیوب
طاقتیم گئتمیش الیمدن اشک‌ریزان قالموشام

چون بو سس تأثیر ائدوب سلطان‌دینه گئتمدی
گوردی گر گئتسه قالور نازلی سکینه گئتمدی
قیلدی گویا که خطاب اول دل حزینه گئتمدی
کاروان ایلوب نقدری سندن هجران قالموشام
گوردی اعدالر دایاندی رأس اطهر نیزه‌ده
ایلدی ترک سفر سلطان محشر نیزه‌ده
ظاهر اولدی لنگر ارض و سمالر نیزه‌ده
بیربیره سؤیلوبله بو سرّه هراسان قالموشام
گلدی بیر ظالم جدایه زوریله وئردی تکان
گوردی گئتمز سخت دورموش فرق شاه انس‌وجان
ماجرانی عرض ائدوب بیمار امامه ناگهان
من بو اعجاز عجیب آثاره حیران قالموشام
ائتدی فرمایش او شومه حضرت زین‌العبا
گئتمز ای قوم عدو اول پادشاه کربلا
ناقه‌دن دوشمیش سکینه یولدا قالمیش با نوا
عرض‌ائدر گئتمه بابا من سینه‌سوزان قالموشام

نوحه زنجیرزنی

من یتیمی چوللره سالدی ساربان بابا
قانلی باشووه فدا هارداسان دایان بابا

آچ او قانلی گوزلرون بیر نظاره قیل منه
گلمیشم بو قورخولی چولده گور نه شیونه
ظلمیله ئولر بالون دوشسه دام دشمنه
گلسه ئولدورر یقین زجر و ساربان بابا

بو قرنقلوق گئجه ایله وحشت آلموشام
اود دوتوب جگرلریم یاده زجری سالموشام
خالقیم گواهیدور من نه حاله قالموشام
قویما ایلسون بالون چوللری مکان بابا

من سیزلدارام یانار اهل عالم آهیمه
هی نظاره ایلرم باشدا غم سیاهیمه
خردا قیز گور ایلمز بو مکاندا واهیمه
ئوز اياقینین سسین درک ائدن زمان بابا

بخت و طالعیم منی گور بابا هارا چکوب
گون باتوبدی عالمه پرده‌ی قرا چکوب
بو اَسَفلی منظره قلبیمه یارا چکوب
یوخدی دادیمه گلن قلبیم اولدی قان بابا
یوخدی بیر نفر منی غمدن ایلسون کنار
قاره معجریم کیمی ظلمت اولدی روزگار
قورخودان دوداقلاریم پارچالاندی آشکار
گوزیاشیم اولوب منه ایندی همزبان بابا
اوچ یاشیندا بیر قیزام صبریدن تالانموشام
دیده‌تر بو چوللری هی قاچوب دولانموشام
گاهی قوش کیمی گئدوب خاره دالدالانموشام
گاهی سویلرم گل ای یار مهربان بابا
راضی اولما خردا قیز قلبی قانیلن دولا
آز قالور بو دشتیده قورخی جانیمی آلا
گور دوشر نه حالته چولده خردا قیز قالا
گلسون ایلرم سنه دردیمی بیان بابا

گل هایانداسان منی بیرده آل قوجاقوه
راضی اولما من یانام آتش فراقوه
گل دوداقیمی قویوم یاره‌لی دوداقوه
منده قالمیوب داخی طاقت و توان بابا
سسده‌دور قولاقلاریم یولدا گوزلریم قالوب
بیلمورم هایاندا بس نازلی اکبریم قالوب
چولده هئچ دئمور منیم خردا خواهریم قالوب
گلسه باغرینا باسار اکبر جوان بابا
اکبرون عزیزه‌سی ظلم الیله خوار اولوب
خسته‌ام یورولموشام غملریم هزار اولوب
قاچمیشام ایاقلاریم گور نجه قبار اولوب
«حامد» ایلیر منه گوزیاشین روان بابا

«شاه‌بیت»

نصف‌شبده کوچ ائدوب کاروان دایانمادی
هرچه سسلدیم بابا ساربان دایانمادی

«یحیوی»

«جوشی راه‌شام»

کاروانیدن سالدی ساربان منی عمه
قورخولی بو صحراده سسلرم سنی عمه

چاره‌سیز آدامسیز قیز نیلسون دایان گئتمه
نه آنام نه قارداشیم حالیمه یانان گئتمه
بیر نفر سینان گوگلوم یوخ بی‌بی آلان گئتمه
آهمیله یاندیرام قلبِ دشمنی عمه

قاچمیشام بو یوللاری گور قابار اياقلاری
پارچالاندی اوچ یاشدا بیر قیزون دوداقلاری
یادیمه بی‌بی سالاّم بوش قالان اطاقلاری
ترک ائدر نجه بلبل صحن گلشنی عمه

گلمسون اگر عمه قورخودان یقین ئولّم
زلفلریمون اوستوندن یوللارون توزون سیلّم
بو قابار اياقیلن من نقدری یول گلّم
یاده سالمیشام الان ملک وطنی عمه

راضی اولما چوللرده ترک ائدم بو دنیانی
من سنه قسم وئرّم عمه حقّ زهرانی
کاروانیمی ساخلا آغلارام حسین جانی
آرتاجاق قیزون دلده درد و محنی عمه

ایلرم گله سندن نائب آنام زهرا
کول اَلندی باشیمه سالدی ناقه‌دن اعدا
قیز اوشاقی قول باغلی یول اوزاق اوزوم تنها
حالیمه یانار گورسه فرقه‌ی دنی عمه

ریسمان کسر الان خورداجا بو قوللاری
آج سوسوز رقیون تک طیّ ائدر بو یوللاری
قورخودان نجه یاره اولماسون دوداقلاری
بلبل آختارار گورسون تازه گلشنی عمه

ره‌گذاریدن کولگم قورخودار من زاری
من سنه نشان وئرّم بو قابار ایاقلاری
بیر نفر بو صحراده یوخدی سس وئره باری
قورخودان صدا والله ایلرم سنی عمه

زبانحال حضرت رقیه علیها السلام

زائرین قبر من این شام عبرتخانه است
مدفنم آباد و قصر دشمنم ویرانه است
دختری بودم سه ساله دستگیر و بی‌پدر
مرغ بی بال و پری را این قفس کاشانه است
بود سلطانی ستمگر صاحب قدرت یزید
فخر می‌کرد او که مستم در کفم پیمانه است
داشت او کاخ مجلل دستگاه باشکوه
خود چه مردی کز غرور سلطنت دیوانه است
داشتم من بستری از خاک و بالینی ز خشت
همچو مرغی کاو بسا محروم ز آب‌ودانه است
تکیه می‌کرد او به تخت ناز با کبر و غرور
این تکبّر ظالمان را عادت روزانه است
من به دیوار خرابه می‌نهادم روی خویش
زین سبب من روسفیدم شهرتم شاهانه است

بر تن رنجور من شد کهنه پیراهن کفن
پرشکسته بلبلی را این خرابه لانه است
محو شد آثار او تابنده شد آثار من
ذلّت او عزّت من هر دو جاویدانه است
کهنموئی چشم عبرت بازکن بیدار شو
هر که از اسرار حق آگه نشد بیگانه است



من بیر قیزام رقیه آدیم یار زینبم
قبریمده یاتمیشام گینه غمخوار زینبم
عباس عموم باباما علمدار اولوب منیم
ویرانسراده منده علمدار زینبم
شهزاده‌ام دویونجا غذا گورمین قیزام
بیر پاره کرپیچ اوسته باشی جان وئرن قیزام
شامین یولوندا اکبریمی اوخشیان زمان
سیلی دگنده گل یوزومه دینمین قیزام

بیر حاله سالدی اشرف مخلوق عترتین
انظاره جلوه وئردی کنیز و غلام شام
بیر ظلم قالموب آل رسوله یتیشمه‌میش
ائتدی تمام جور و جفاسین تمام شام
آخر بنات علّت ایجاد عالمه
وئردی خرابه کنجینی مسکن مقام شام
مهمان‌نوازلر یغیشوردی خرابیه
طعن و شماتت اولموشیدی احترام شام
هر بیر ستم‌کشیده قیز آغلاردی دردینه
شهقه چکوب گلردی الدّالخصام شام
بیر چوخ مدید مدّت او بیداد مرکزی
اوز ظلم بی‌دریغینه وئردی دوام شام
«ذهنی» بس‌ائت که شام‌کیمی ذهنون اولدی تار
یتمز تمامه نظیمله بیداد تام شام

«نوحه‌زنجیرزنی - جوشی‌سینه‌زنی - رجز»

بیر مصیبتدن گینه ایستر قلم یاد ایلسون
وار یری بو شرح غمده هرچه فریاد ایلسون

شام شومون بیر غمین ایستر ائده انشا قلم
قورخار اما دولدورا دنیا و مافیهانی غم
حضرت حوّا و هاجر مریم و سارا بو دم
گوزیاشیلان حقی وار زهرایه امداد ایلسون
بیلمورم آیا نه نوعی عرض ائدوم بو محنتی
آلتی آی ویرانه‌ده قالدی پیمبر عترتی
هندون‌اوغلی بیر گئجه گوردی او خواب وحشتی
آل طاهانی دوشوب بو فکره آزاد ایلسون
حضرت‌سجّادی بیر گون مجلسه احضار ائدوب
بیر نچه کلمه اونیلا بی‌حیا گفتار ائدوب
سؤیلدی یابن‌الحسین هر ظلم وار کفّار ائدوب
من دئمم حاشا سیزه ظلمی بو آحاد ایلسون

کیم دیوب شمره سوسوز کسسون حسینون باشینی
قانه دوندرسون ستمله زینبون گوزیاشینی
هئچ باجی گورمز معاذاللّه ائله قارداشینی
یدّی ضربتله قفادن ذبح جلاد ایلسون
من بو حکمی ائتمیش اولسام حضرت زهرا قیزی
ناقه‌ی عریانه مینسون باش‌آچوب مکشوف اوزی
یر یوزوندن نیست نابود ایلسون خالق بیزی
تاج تختیم سرنگون هم خانه برباد ایلسون
آل بو بیر کیسه زری کئچ سن ئولنلر قانینی
عون و فضل و جعفر و شهزاده اکبر قانینی
اوخلانان قونداق ایچینده تشنه اصغر قانینی
بو قصاصی قویما خالق یوم میعاد ایلسون
قیلدی فرمایش یزیده اول امام مفترض
سؤیله مقصودون بو سؤزلردن ندور آیا غرض
تار موی اکبره اولماز ایکی دنیا عوض
سهلیدور خالق دگر مین عالم ایجاد ایلسون

ایستیوب کرب‌وبلا غارتلرین بیربیر او دم
ظالمی حاضر ائدوب بیر مشگی بیر قانلو علم
بیر بیره دگدی بو محنتدن هامی اهل حرم
باشلیوب کلثوم و زینب ناله و داد ایلسون

گتدیلر بیر قانلو عمامه بویانمیش قانینه
گورجگین لیلا اونی ال قاتدی شیرین جانینه
تازه‌دن بیر اود دوشوبدور سینه‌ی سوزانینه
آز قالوب بیر آهیلن دنیانی برباد ایلسون

سؤیلدی سندن صورا تنگ اولدی بو دنیا منه
وئردی یوزمین گونده درد و محنت عظما منه
اولمیوب بیر کس به غیر از زینب علیا منه
تسلیت وئرسون علی بو گوگلیمی شاد ایلسون

گتدیلر بیر قانلو کوینک زینبون دلخواهینی
غم غم اوستن یوز وئروب آرتوردی بو غم آهینی
سؤیلدی هند اوغلونا ئولدوردون عالم شاهینی
بیر ستم قیلدون نه فرعون و نه شداد ایلسون

دوغرادون کرب‌وبلاده اول عزیز ناسیمی
ایلدون شرمنده سودان اوتری سن عباسیمی
قویدون حسرت نوعروس دلفکاره قاسیمی
وئرمدون مهلت عموسی تازه داماد ایلسون
بیر نچه گون مجلس ماتم قوروبلار شامده
بیر بئله بزم مصیبت اولمیوب ایامده
قویمادی زینب فغانی جان خاص و عامده
بو غمه طاقت نه نوعی زین‌العبّاد ایلسون
آل‌سفیان لعنتی هرلحظه و هر آنیده
خیلی مغضوب نظردور محضر سبحانیده
ای مؤذن هرقدر واردور نفس بو جانیده
لعنت ایله قوی سنه بیگانه ایراد ایلسون

«شاه‌بیت»

منه جان وئرنده عمه قولومون طنابی آغلار
یرون اوسته قاره تپراق گوگون آفتابی آغلار

«نخستین»

«نوحه‌سینه‌زنی - جوشی‌زنجیرزنی»

ای مهر و وفا شمعینه پروانه رقیه
توکمه بئله گوزیاشووی دامانه رقیه

آغلار گوزووه عمه‌وین آغلار گوزی قربان
گل تک سارالان رنگوه عمون اوزی قربان
حالون بیلورم چوخ پوزولوب شامه گلندن
جسمون اَریوب شمع کیمی آتش غمدن
گیزلتمه ننم تک اورگون دردینی مندن
خیردا اورگونده غم بسیاریوه قربان
گوزلردن آخان اشگ شررباریوه قربان
صبر ایله قیزیم محنت هجرانه داریخما
وئرمه بو قدر صبریوی تالانه داریخما
عادت ائله بو گوشه‌ی زندانه داریخما
چون اهل وفانی غم سوزانه سالالار
حق سؤز دییه‌نی رسمیدی زندانه سالالار

عشق‌اهلینون عالمده قیزیم خوش گونی اولماز
صابر اولی هر درده وفا اهلی یورولماز
چرخ فلکین گردشی دائم بئله قالماز
آخر بالا مشگل‌لری تسهیل ائلین وار
مسماری قیزیم تختیه تبدیل ائلین وار
بو رسمیدی درد اهلی اولار غم سراغیندا
سیندیرما اوزون درد و بلانین قاباقیندا
خوشدور یاتا عشق اهلی خرابه بوجاقیندا
شکوه ائلمه هر نه بلا گلسه قضادن
صبر ایله قیزیم اینجیمه چوخ درد و بلادن
آی نازلی بالا خوان وفانین دوزی‌سان سن
زهرا نوه‌سی چرخ حیا اولدوزی‌سان سن
دُؤز هر غم و آلامه حسینون قیزی‌سان سن
غملر قاباقیندا اوزوی سیخما عزیزیم
دیواره قویوب یوز ائویمی یخما عزیزیم

باخما بو گونه قاره گیوب زار و حزین‌سن
سن دختر شیرین‌سخن سرور دین‌سن
هرچند یرون خاکیدی ویرانه‌نشین‌سن
آز سنّیله هر درده معالج‌سن عزیزیم
شأنون اوجادی باب‌الحوائج‌سن عزیزیم
حسرتله باخوب یولاّرا آرامیمی آلما
دولدورما گوزون اشگیله گُل مثلی سارالما
ائتمه ئولوم آرزی ننه‌می یادیمه سالما
گوزیاشیله دردون یوزوه یازما قلم تک
اللّهدان ئولوم ایستمه مظلومه ننم تک
اهل حرمی آغلیوب آغلاتما عزیزیم
گوزیاشووی خون دلیوه قاتما عزیزیم
تپراقه قویوب گل یوزوی یاتما عزیزیم
گل سینه‌مه ای گوهر گنجینه‌ی طاها
قویما یوزوی تپراقا ای نوگل زهرا

هانسی گُلی سن تک سارالوب ظلمیله سولدی
یاندون غم الیندن اورگون دردیله دولدی
زهرا کیمی آز عمریده چوخ نسگلون اولدی
نسکل‌لرون ئولسمده اورکده قالاجاقدی
سندن ننه‌مین دردی منی ئولدوره‌جاقدی
آخدوقجا یوزه گوزیاشون اهل حرم آغلور
احوالیوی کیم دفتره یازسا قلم آغلور
سن آغلادوقیجا بئله بیلّم ننه‌م آغلور
هر غملی سؤزون بو یارالی قلبه اوخ اولدی
اوچ یاشدا سنون دردون آنامداندا چوخ اولدی
آهونله یانان قلبلری داغلاما بیله
دیواره قویوب گل یوزوی آغلاما بیله
قربان گوزوه چاره یولون باغلاما بیله
یازدوقجا سنون غملریوی «عدلجو» آغلار
نسکل‌لریوی یاده سالوب قلبینی داغلار

کیفیت طعام‌آوردن عورت به خرابه‌شام

زمانی غملی زمانیمده با دل پر غم
تفکّر عالمینه غرقیدوم الیمده قلم
خیاله قویدوم حسینون **مصیبتینی** یازام
یتیشدی خاطر محزونیمه خرابه‌ی شام
نجه خرابه قرانلوق مکان شکست دیوار
نه سقف وار سالا سایه نه ایستیدن ساخلار
اسیرلر هره بیر گوشه‌ده به رنج و تعب
یغوب یتیم‌لری باشینه خانم زینب
قالوب طعامه حسینون بالالاری حسرت
یتوب او وقته کنیزیله بیر خانم عورت
دایاندیلار قاپودا ائتدیلر او دمده سلام
خانم قاباقدا کنیزون باشیندا خونچا طعام
طعامی قویدی یره عورت اولماسون تفصیل
سوروشدی کیمدی سیزه بو خرابه ایچره کفیل

جواب عورتی بیر زار و ناتوان وئردی
اشاره‌ایله خانیم زینبی نشان وئردی
دولاندیروب یوزونی زینبه همان عورت
دئدی اسیرلره ایله سن اوزون قسمت
دونوب طعامی گورنده اوشاقلار اوز اوزونه
گهی طعامه باخوب گاه زینبون یوزونه
خانیم بویوردی تصدّقدی نذریدی بو طعام
تصدّق اولسا خدا بیزلره ائدوبدی حرام
دئدی اسیر بو بیر نذریدور چوخ اولما ملول
دعا ائدون ائله‌سون حق اوزی بو نذری قبول
گتورمگیمده بو نذری واریمدی آیری غرض
ائدوب قضا منی بیر وقته مبتلای مرض
اونون علاجینه اولدی طبیب‌لر عاجز
دوا تاپولمادی قالدی طبیب‌لر عاجز
آنام گتوردی منی بیر مقام والایه
او آستانه‌ی عالم پناهِ زهرایه

مرض منی اَریدوب ایلمیشدی بسکه علیل
هزار امیدیله گلدوک او دودمانه دخیل
الین گوتوردی سمایه خانیم دعا ائلدی
توجهیله منیم دردیمه دوا ائلدی
او دودماندا قالوب مدّتی عزیز اولدوم
علی‌الخصوص خانیم زینبه کنیز اولدوم
او زینبون منه چوخ چوخ محبتی واریدی
گئجه گونوز منه لطف و عنایتی واریدی
محبتی منی آز قالدی بی‌قرار ائلسون
که ایستمزدی گوزوندن منی کنار ائلسون
تصادف ایلدی گلدیم بو شام ویرانه
فراقی گوگلیمی الحال دوندروب قانه
گتورمیشم اودی بو نذری سیز غریبه وئرم
منی دعا ائده‌سوز زینبی دوباره گورم
علی‌الخصوص منِ زاره لطف ایلیه‌سن
نچه سؤال واریمدور جوابینی دیه‌سن

نه یرون اهلی‌سوز آیا، اسیرسوز بیلیوک
جواب وئردی خانیم بیز مدینه‌دن گلیوک
سوروشدی هانسی مدینه بویوردی پیغمبر
قبیلوز هانسی‌دی سؤیله سن ای الم پرور
دئدی قبیله‌میزی ایسته‌سون بنی‌هاشیم
مدینه‌دن بوراجان چوخ بلا چکوب باشیم
دئدی اسیر دانیش بی‌نوایه بنزورسن
فدا اولوم دلوه آشنایه بنزورسن
آقام علی ائوینی سؤیله سن تانورسان یوخ
دئدی بلی تانورام اوردا اولموشام چوخ چوخ
علی ئولنده ائوینده اونا چوخ آغلامیشام
یاراسینی باشینون اوز الیمله باغلامیشام
دئدی اسیر بیان ائت گوروم خانیم زهرا
قابورقالاری سینان وقته واریدون آیا
دئدی بلی واریدیم من غریب دلخسته
بلالی باشین اوزوم آلموشام دیزیم اوسته

دئدی اسیر بو سؤزلر که سن بیان قیلوسان
گرک منیم خانیمیم زینب اوندا سن اولوسان
بئله دیینده حرملر تماماً آغلادیلار
یتیشدیلر توکولوب زینبی قوجاقلادیلار
بویوردی گل داخی ائتمه بو قدری ناله و زار
مگر خانیم سویولاندا اونی تانیمازلار
کفایت ائت داخی ذاکر یانار الونده قلم
بو محنت آخره یتمز نقدری اولسا رقم

من بیر قیزام قلم منه غم یازدی شامده
ئولدوم بو خردا قبری بی‌بیم قازدی شامده
آباد اولوب خرابه وئرون عمه‌مه خبر
افسوس اولا گلوب گئدنیم آزدی شامده

«نوحه زنجیرزنی»

غربت خرابه‌ده یوخ یاریم عمه‌جان
دور بیر علاج ائله غمخواریم عمه‌جان

گوردوم گلوب شه عطشان خرابیه
اولموشدی بو گئجه مهمان خرابیه
سالمیشدی آهیله طوفان خرابیه
قان یاغدرور دل خونباریم عمه‌جان

گلمیشدی یانیمه ایندی بابام حسین
آلدی قوجاقینه اول شاه مشرقین
ال چکدی باشیمه عمه به شورِ شین
قانه دونوب دل افکاریم عمه‌جان

آلدی بابام منی عمه قوجاقینه
قویدوم دوداقیمی قانلو دوداقینه
چوخ آغلادوم داخی دوشدوم ایاقینه
قیلدوم شکایت اغیاریم عمه‌جان

شمرون جفاسینی گتدوم بیانه من
گوزیاشیمی یوزه قیلدوم روانه من
سالدوم شراره کیم عمه جهانه من
چوخدور دئدوم بابا آزاریم عمه‌جان
وار شمردن دئدوم عمه شکایتیم
عرض ایلدیم اونا بیر بیر شماتتیم
بزم یزیدیده چوخ آرتدی محنتیم
اینجیتدیلر دئدوم کفّاریم عمه‌جان
سیلی یرین اونا گوستردیم عمه‌جان
قمچی دگن یری وئردیم اونا نشان
چوخ نازیمی چکوب من ایلدیم فغان
اولدی خرابه‌ده دلداریم عمه‌جان

منتظر کتاب جدیدی از «ناصح» باشید

«نوحه‌سینه‌زنی - جوشی‌زنجیرزنی»

دل یاره‌سی باغرین ایلین قان بالا لایلای
ویرانه بوجاقینده وئرن جان بالا لایلای

حصّه‌ون بو فنا دهریدن افسوس غم اولدی
بو شامه گلن گوندن انیسون الم اولدی
چوخ دردیله عمرون ولی صدحیف کم اولدی
آز سنّیله اندوهی فراوان بالا لایلای

باجادی گوزوم یاشی دونه بارش ابره
آهیم ویرا آتش یری وار خرمن صبره
قویدوم اوز الیمله بالامی خانه‌ی قبره
تیر غم ائدوب قلبیمی شان شان بالا لایلای

ویرانه‌نی ائتدون نچه گون جبریله مسکن
اولموب بالا ویرانه‌ده حتّی گینه مأمن
آخرده اولوب کُنج خرابه سنه مدفن
اولدی وطنون گوشه‌ی زندان بالا لایلای

سالدون منی گوزدن بالا آخر هارا گئتدون
اولدی ایاقون تک اورگونده یارا گئتدون
قبره بالا آغ اولمادی گیدون قارا گئتدون
اولسون بو فنا عالمی ویران بالا لایلای
هجر آتشینه شامیده سندن صورا یانّام
اشگ غم و اندوه مصیبتله بویانّام
قبرون باشینا اللری قوینوندا دولانّام
هر دم دییرم بلبل خوشخوان بالا لایلای
یانّام بالا یادیمه دوشن وقته نگاهون
گل تک سارالوب سولموشیدی عارض ماهون
اولموبدی ویرام شانه هورم زلف سیاهون
تاپموبدی بی‌بون دردیوه درمان بالا لایلای
نه گلدی وفا رختینی تندن بئله سویدون
اوز همسفروندن بالا بو تئزلیگه دویدون
سالدون نظروندن منی تنها نیه قویدون
عمون ائلدون زار و پریشان بالا لایلای

گوشه‌ی ویرانیه گلدی یزیدون دختری
باشدا چادرشب واریدی زینت و زیب و زری
باجوون باشدا اقلاً اولمادی بیر معجری
نیلورم من بیر بئله دنیانی ئولّم گلمسون
شمر دون ویرانه‌ده ایستر منی هر گون وُرا
تازیانیلن بلالی باشیمون اوسته دورا
یوخدی بیر کیمسه منی اللّه رضاسی تاپشورا
نیلیوم فرمان اونون فرمانی ئولّم گلمسون
یوخ منیم تک صفحه‌ی دنیاده تیره روزگار
قویموسان قارداش بیر ایلدور گوزلریمی انتظار
گلمگون یوخ، نامه یولاّ ساخلیوم من یادگار
دست خطون دردیمون درمانی ئولّم گلمسون
بیلمورم من گئتموسن کرب‌وبلادن یثربه
یولاّرام من نامه هی باد صبادن یثربه
گل بیزی قارداش آپار ویرانسرادن یثربه
گوگلوم ایستر چوخ باجیم صغرانی ئولّم گلمسون

«نوحه - جوشي - سينه‌زن»

یات سکینه[1]جان ای گل خزان
بلبل مدینه‌م ماه انوریم یات
بو خرابه‌نی ایلدون مکان
ای سرور سینه‌م غنچه‌ی تریم یات
ای منیم انیسیم یار همدمیم یات
هر گئجه شریک محنت غمیم یات

راحت اول قیزیم کئچدی ذلتون
ال گوتوردی سندن شمر نامسلمان
یوخلا بیر زمان گرچه بالشون
پاره کرپیچ اولدی ای یتیم نالان
بو خرابه‌دور منزلون سنون
یوخ چراغ‌وفرشی توپراق‌اوسته وئر جان
غربت ئولکه‌دور اولمادی کفن
وار کفن یرینه قاره معجریم یات

۱- رقیه هم خوانده می‌شود.

ایستدی سنی شمر دون ویرا
هر زماندا وئردیم قوللاریم قباقه
بیرده گورمرم گل عذاروی
گل قویاق منیله بیر دوداق دوداقه
حاجتی بودور ناطقون گلوب
تا که زائر اولسون سن یاتان رواقه
واگذار ائله اجر و مزدینی
محشره گلنده وئرسون اکبریم یات



هر بیر گدانی شاه ائدر اللّه گر ایسته‌سه
چوپانی ایلیر بلی پیغمبر، ایسته‌سه
شاهلار جلالی آزدی باشیم عرشه قُوزانار
زهرا اگر حسینه منی نوکر ایسته‌سه

«نوحه‌سینه‌زنی - جوشی‌زنجیرزنی»

ویرانه‌ده حسرتله وئرن جان بالا لای‌لای
جیران بالا لای‌لای
قرآن اوخیوم یا دیوم الان بالا لای‌لای
جیران بالا لای‌لای

گردِ غم و آلامی اورکدن دئمه سیلّم
ای نازلی رقیّه‌م
بو آیریلقوندان بالاجان آغلارام ئولّم
بو سرّوی بیلّم
یثربده چتین ساکن اولام یانوه گلّم
عهدیمدی مسلّم
بو خردا مزاره دیوم هرآن بالا لای‌لای
جیران بالا لای‌لای

ای گلشن و گلزاره قالان عمریده حسرت
ای مدفنی غربت
بو تئزلیگه ئولمزدون ایا گوهر عصمت
ئولدوردی شماتت
شمر ائتدی جفا زجر ائلدی زجر و اذیت
ای سینه‌مه زینت
وُردی سنی شامه‌کیمی عدوان بالالای‌لای
جیران بالا لای‌لای
گوشواروی غارتده سنون آلدیم الوندن
یاندیم بالا دلدن
نامحرم الی یوز گوزوه دگمیه اصلاً
سینما بالا مندن
گوشواروی آلدیم سن اوزون گئتدون الیمدن
ای گل‌یوزی‌سوسن
گوشواره‌سی اللرده قالان جان بالا لای‌لای
جیران بالا لای‌لای

زهرا آناما سنده عجب واردی شباهت
اولدون بالا راحت
آز عمر ائلدی ئولدی آنام قلبیده حسرت
درک ائتدی شهادت
ترک ایلدون آز عمریله دنیانی بو ساعت
چوخ گوردون اهانت
زهرا کیمی ای دینینه قربان بالا لای‌لای
جیران بالا لای‌لای
سیلی آنامون صورتینی ایلدی نیلی
ایوای نجه سیلی
دگدی سنه‌ده دشمن الیندن بالا سیلی
چرخون بودی میلی
هم وُردی سنی هم آنامی ظلمه طفیلی
هئچ اولما گلیلی
ای صورتینی غصه سارالدان بالا لای‌لای
جیران بالا لای‌لای

ای گوزلری اولدوز یوزی آی آی بالا لای‌لای
ایوای بالا لای‌لای
چوخ قیز گلر اولماز سنیچون تای بالا لای‌لای
ایوای بالا لای‌لای
حق وئردی ربابه سنی چوخ پای بالالای‌لای
ایوای بالا لای‌لای
دگدی سنه گوز ای مه تابان بالا لای‌لای
جیران بالا لای‌لای
قبرون سالوری یاده چیخور شیون و شینی
هرلحظه‌ده «عینی»
اوتوز ایل اولور ذکر ائلیور نام حسینی
ادا ائتمدی دینی
چون زنده آتان قانی ائدوب مکتب دینی
او پیغمبرون عینی
قان‌وئردی اولوب زنده بو قرآن بالا لای‌لای
جیران بالا لای‌لای

«جوشی»

رقّیه‌وم گلمیشم بابا شام شومیده جانه
گئجه گونوز بو خرابه‌ده آغلارام یانا یانه
باخ بو دیده گریانه - گوزیاشیم دونوب قانه

دوشنده قارداشلاریم یادا حالیمی دولاندیرّام
دُؤزنمرم هجره صبریمون کاسه‌سین جالاندیرّام
سیزیلدارام نی مثالی من کائناتی یاندیرّام
یانار ملال و فغانیمه آشنا و بیگانه
باخ بو دیده گریانه - گوزیاشیم دونوب قانه

گوزل بابام، مهربان بابام، دوتموسان سراغ مندن
ائویم محقّردی بوش الیم چوخ خجالتیم سندن
دعا ایله بو گئجه منیم تئز چیخا جانیم تندن
فزوندی دردیم، گلن دگل هئچ بیریسی درمانه
باخ بو دیده گریانه - گوزیاشیم دونوب قانه

شه جهان جان جان جان حقّه جان وئرن سلطان
غریب‌نوازلیق ائدوب بابا اولموسان منه مهمان
نه یاخشیدور منده جانیمی ایلیم سنه قربان
ائدرله قربانی رسمیدور زیر پای سلطانه
باخ بو دیده گریانه - گوزیاشیم دونوب قانه
او گون که دوشدی بلالره بو باشیم بابام جانی
آخور یوزه دائماً منیم گوزیاشیم بابام جانی
عموم سالور یادینه نه‌ده قارداشیم بابام جانی
فلک منیم اشگ چشمیمی دوندروبدی عمانه
باخ بو دیده گریانه - گوزیاشیم دونوب قانه
رقیّه‌ون یوخدی دای بابا زنده قالماقا میلی
ویروب منه یولدا شمر دون گاهی قمچی گه سیلی
اوزونده گور ایلیوب نجه سیلی صورتیم نیلی
سیزیلتیما شامیلر کیمی جانه گلدی ویرانه
باخ بو دیده گریانه - گوزیاشیم دونوب قانه

نسیم اَسَر گون باتان چاقی اوندان عطروزی آلاّم
یوخوم دوشر اوندا باشیمه یاده من سیزی سالاّم
خرابه شاهددی چوخ گئجه صبحه‌جک اویاق قالاّم
ترحّم ایله آپار منی، سون قویاق بو هجرانه
باخ بو دیده گریانه - گوزیاشیم دونوب قانه
فراغته ال تاپام فلک وئرمدی امان غمدن
شیرین یوخی گورمرم بابا دهّم محرّمدن
یانار بیزه ذات حق اوزی راضی اولسون عمه‌مدن
شرار شمعه یانار نجه عاشقانه پروانه
باخ بو دیده گریانه - گوزیاشیم دونوب قانه
گوره واردی دردی هر قیزون ایلر عمه‌جان چاره
وئرر مکرّر غذاسینی گونده بعضی قیزلاره
عزا دوتار گه سنه گهی تشنه‌لب علمداره
دییر خدا لعنتون گله خاندان سفیانه
باخ بو دیده گریانه - گوزیاشیم دونوب قانه

یاتوبدی قلبینده نسکیلی عمه‌مون بابا لای‌لای
گهی دییر ظلمیلن ئولن تشنه‌لب حسینیم وای
ربابی گورسه دییر گهی لایلای اصغریم لایلای
یانار یانار نفرین ایلیر حرمله‌ایله پیکانه
باخ بو دیده گریانه - گوزیاشیم دونوب قانه
ساتاشدی لیلایه تا گوزی آغلیار دییر اکبر
گهی قوشار سس سریئیه قاسم جوان سسلر
دییر فلک یاخشی ایلدون زینبی قرا معجر
یانام گرک تا نفس واریم منده نار سوزانه
باخ بو دیده گریانه - گوزیاشیم دونوب قانه
گلنده شامه یادوندا وار چولده بیر گئجه قالدیم
تاپاندا زجر لعین منی ناله گوگلره سالدیم
قاچانمدیم تئز سلام ائدوب قمچی مزدیمه آلدیم
آجیغلانوب یولداشی دئدی رحم ایله بو جیرانه
باخ بو دیده گریانه - گوزیاشیم دونوب قانه

آمدن آهو به ویرانه‌ی شام

محرّران وفا منشیان محنت و غم
ائدوبله اوّل سرلوحه‌ده بو نوعی رقم
خرابه‌نون قاپوسیندا اسیر قوم عناد
امام مفترضة‌الطاعه، سید سجاد
دوروب ائدردی تماشا ملول و دل ناشاد
گوروب بیر آهونی صید ایلیوبدی بیر صیاد
کئچنده آهو دونوب باخدی بیر امامه طرف
دییردی باطناً ای ابن شهریار نجف
ترحّم ائت منه ای پادشاه عالمیان
اوزوم دچار، قالوبدور ایکی بالام ویلان
چاغوردی اُوچونی فرزند سرور بطحا
خلاص ائله بویوروبدی بونی رضای خدا
گئدوب بالالارینون حال زارینی بیلسون
قالوبلا آج، اولارا صود وئروب گینه گلسون

اگر قیتمسه من ضامنم بو آهویه
بهاسینی وئررم گرچه گئتسه هر سویه
دونوب امامه باخوب حیرتیله اول صیاد
شماتتیله دئدی ای اسیر دل ناشاد
اگر سنون بو قدر ثروت و جلالون وار
خرابه‌دن و بو زنجیریدن اوزون قورتار
الین اوزاتدی یره سرور حجاز و عراق
گوتوردی وئردی او صیاده بیر اُووج توپراق
ائدنده توپراقا صیاد دقتیله نظر
نه گوردی توپراق اولوبدور تمام درّ و گُهر
دوشوب اياقینه عرض ائتدی کیمسن ایله بیان
آتام آنام اوزوم اولام آقا سنه قربان
بویوردی حجت باری منم امام زمان
آتام حسیندی سوسوز کسدیلر باشین دالیدان
یوزون اياقینه قویدی به دیده‌ی گریان
دییردی عجزیله العفو یا امام زمان

دوروب آچوب ال ایاقین بوراخدی حیوانی
اوزوندن ایلدی راضی امام والانی
خلاص اولجاقین آهو قویوب بنای فرار
او قدری گئتدی که تا گوز ائویندن اولدی کنار
دوروبدی اُوچی ولی کئچمدی او قدری زمان
ایکی بالاسی یانیندا یتیشدی اول حیوان
دوشوب ایاقلارینا اذن وئردی گوزیاشینا
دوروب امام زمانون دولاندیلار باشینا
دییردی باطناً عهدیم باشا یتیردیم آقا
بو ایکی طفلیمه صود وئرمدیم گتیردیم آقا
دولوبدی دؤشلریم ای پادشاه هر دو سرا
اجازه وئرسون اگر صود وئروم بالالاریما
بویوردی آهویه اول یادگار ختم مآب
آپار بالالارووی ائت خرابه‌ده سیراب
گتوردی گوشه‌ی ویرانیه ایکی بالانی
آلوب آرایه ایکی صودامر بالا آنانی

اَمردیلر ایکی یاندان باخاردی آل‌اللّه
خانملارون آراسیندان نه گوردولر ناگاه
اوجالدی ناله علی‌اصغرون آناسیندن
خرابه نالیه گلدی اونون نواسیندن
دییردی گل آنون ئولسون گلوم سولوبدی بالا
هایانداسان علی جان دؤشلریم دولوبدی بالا
بالا قوجاقیمه گل آغلا بیر دیوم جان جان
او گل کیمی سارالان رنگووه آنون قربان
بیر آز قالوبدی چیخا جانیم اشتیاقوندن
خرابه‌ده یاتارام من سنون فراقوندن
ندندی گلمز اجل قورتارام من ناشاد
آنووی یاخشی ملر قویموسان ائوون آباد
گل ای قویان منی هجرینده یانه یانه بالا
خدنگ قامتیمی دوندرن کمانه بالا
بو نسکیلون آنووی یاندیرور آنون ئولسون
نه نوعی تاب ایلدون تیر جانستانه بالا

چالاندا سن ال ایاق اولمادیم یانوندا سنون
یانار یانان اورگیم آتش نهانه بالا
هامی آنا بالاسین قتلگاهیدن تاپدی
تاپانمدیم سنی باغریم دولاندی قانه بالا
علی اوزون بابوون سینه‌سینده یات راحت
آنووی قویگیله ویرانه‌لرده جانه بالا
بیلوبدی باب کرمسن دخیل درگاهون
گلوب امیدیله منعم بو آستانه بالا

من بیر قیزیدیم گل توکولردی ال اوزومدن
دل اورگدن عمه‌م هله دویمازدی سؤزومدن
بیلمم نیه آغلوردی اوپن وقته گوزومدن
الاندا همین عادتی حالین کدر ایلر

«منزوی»

«جوشی‌سینه‌زنی - نوحه‌مخصوص‌زنجیرزنی»

بو دل شبده منی یاد ائلدون سن یارالی
بو نه عالمدی بابا سن یارالی من یارالی

گلموسن بو گئجه وقتی قیزیوی یاد ائده‌سن
غملیدی، غصه‌لیدی غصه‌دن آزاد ائده‌سن
غصه ویران ائلین گوگلومی آباد ائده‌سن
ائوون آباد اولا گل یاخشی گلوبسن یارالی
من بیلوردوم که سنیق قلبلری سن آلاسان
رأفتیله یارالی دللره مرهم سالاسان
گلموسن بو گئجه ویرانه‌ده مهمان قالاسان
قالسون اولاّم ستم شمردن ایمن یارالی
دولانوم باشوه من کیم سنی بو حاله سالوب
سنی بو حاله سالان تاب و توان مندن آلوب
بو باشوندور باباجان بس بدنون هاردا قالوب
کسدی باشون دی گوروم هانسی دل‌آهن یارالی

کیم ویروب دست ستمله بو گوزل باشه یارا
باشوه یاره ویرانلار گونومی ائتدی قارا
سن هارا یاره هارا من هارا ویرانه هارا
عزّتیم سنله گئدوب ای سر بی‌تن یارالی
من بیلوردوم که بابا واردی قضاسی باشوون
گله ای کاش منه جمله بلاسی باشوون
گوزلریمدن بو آخان یاشدی دواسی باشوون
اوزگه درمانه گمان یوخدی بیلورسن یارالی
قان اولان گوگلومی ویران ائلدی باش یاراسی
هامی بیر یاره‌دن اولموش لبوون باش یاراسی
یاندیرور قلبیمی آلنونداکی بو داش یاراسی
دوتوب اود من کیمی دلدن یانا دشمن یارالی
گُل دوداقونده‌کی بو قانی آخان یاره ندی
قانی خشک‌اولموری ایوای منه بس چاره ندی
منده یوخ چاره ائدم چاره‌ی بی‌چاره ندی
وئر نشان چاره یولون گل دیله دیللن یارالی

دگو بیجا قزیوی گوزدن آتوبسان باباجان
باش‌وئروب مقصد و مقصوده چاتوبسان باباجان
یوخسا مطبخده تنور ایچره یاتوبسان باباجان
بَله‌شوب تا کوله بو حُسن مُحسّن یارالی
سالسا باجادی شرر کونه شرار محنیم
تیره شامه گونوزوم دوندی بو شام ایچره منیم
تازیانه اثریندن گووَریبدور بدنیم
غبطه بو جسمه ائده وار یری سوسن یارالی
آغلادار باخسا مدام آل خلیلی یوزومه
قان دولان گوزلرون آچ باخ بابا نیلی یوزومه
گور نجه شمر ویروب ظلمیله سیلی یوزومه
ایلیوب طعن اوخونا سینه‌می مخزن یارالی
سن نجه گون کیمی باتدون ائله منده باتارام
سنون عشقونده بو عالملری گوزدن آتارام
کنج ویرانه‌ده قبریمده کفن‌سیز یاتارام
دییر عشاق جهان عشقیمه احسن یارالی

عموم عباسه نه گلدی سنه ال تاپدی عدو
قویدی یوخسا اونا حسرت من بیچاره‌نی سو
سوئی اولمادی اودی خیمیه دوندرمدی رو
سؤله گل ایستمرم بیرده سو گلسن یارالی
سالدی دامه منی سندن صورا صیاد بلا
سنه تابع اولوب اولدوم نه بلا گلدی رضا
دیلیمه دگمدی بو مدّتی بیر ایستی غذا
بنزرم قالب بی‌روحه اودی من یارالی
چوخ دویوبدور بابا یوللاردا منی شمر دنی
بیر دیین اولمادی دوگمه بو جلای وطنی
چاغوراردیم او ویراندا منی امداده سنی
گلمدون دادیمه کوسدوم اودی سندن یارالی
من دئدیم کوسموشم آرتدی غمون ای طاقتی طاق
عفو ائله گل ئولورم بیرجه دویونجا دانشاق
قوی اوپوم بیرده یارالی دوداقوندان باریشاق
سنه نسگل اولی ئولسم منه شیون یارالی

آغلاما خسته‌سن اوز روحوی اینجیتمه بابا
آغلیوب لاله کیمی باغریمی قان ائتمه بابا
ئولورم گل منه خاطر بو گئجه گئتمه بابا
من ئولندن صورا نسگل اولی گئتسن یارالی
بابا ایستر بو شعاع عاشق دیوانه کیمی
گله مهمان بیزه بیر وقفه‌ی قربانه کیمی
دولانا باشوه بو جمعیله پروانه کیمی
ایسته قسمت ائلسون خالق ذوالمن یارالی

پیرِ خرد آمدم شبی اندر خواب
پرسیدم از او ز پرسش روز حساب
گفتا: که بگو مهر که داری در دل
گفتم که علی، گفت که آسوده بخواب
«جهرمی»

«سینه‌زنی - زنجیرزنی»

ای رقیه‌ی مضطر ای شیرین دلیم لایلای
ای نشانه‌ی اکبر نازلی سؤیگلیم لایلای
خسته بلبلیم لایلای

دمبدم سالوب یاده نسگیلون آلولانّام
دلده ذکر ائدوب آدون فرقتونده اودلانّام
کوفیان ائدن ظلمه تا ساغام قیزیم یانّام
قدّیمی کمان ائتدون گلموری بئلیم لایلای
خسته بلبلیم لایلای

اینجیدوب سنی لشگر گویلره فغان گئتدی
آغلادون یوزه گوزدن یاش یرینه قان گئتدی
دور اياقه ناز ائتمه قورخما ساربان گئتدی
باد ظلمدن سولدون آچمامیش گلیم لایلای
خسته بلبلیم لایلای

بو جفا و محنتدن قانه دوندی گوزیاشیم
دفن اولونمادی نعشون هاردادور بنی‌هاشم
یوخ خبر وئرن گلسین یدّی نازلی قارداشیم
شامده غریبم من هاردادور ائلیم لایلای
کاروانیمون زنگی خوش زبان رقیّه‌م وای
ناله‌ده هم‌آوازیم نوحه‌خوان رقیّه‌م وای
اوّلی عزیز آخر خوار اولان رقیّه‌م وای
توپراقی ائدن بالش زلفی سنبلیم لایلای
غربت ئولکه بیر کس یوخ نه کفن نه غساله
شمع آهی یاندیرّام باشون اوسته چون لاله
غسلووی اوزوم وئرّم آغلارام بو احواله
ظلمیله اولان خاموش شمع محفلیم لایلای
ذاکر حسینم من فارغم علایقدن
قانعم او رزقی که قسمتیمدی رازقدن
بو مراغه شهرینده کسمیشم خلایقدن
ازبریمدی زینب تک ای شیرین دلیم لایلای

«نوحه - جوشی - سینه‌زن»

اربعینوه گتوردوم باغری‌قانلاری حسینیم
زائروندیلر دانیشدیر آغلیانلاری حسینیم

سن شهادته چاتاندان قلبیلر اولوب شکسته
قیزلاری گتیرمیشم من آلتی‌گوشه قبرون اوسته
گلمیوبلر اربعینه قولاری طنابه بسته
هجروون غمی یوروبدور مهربانلاری حسینیم

تیر محنته گئدندن سینه‌لر اولوب سپرلر
اهل‌بیت ختم‌مرسل قبر پاکیوی اوپرلر
یوخ گلاب و مشگ و عنبر قبره گوزیاشین سپرلر
سن ئولن گونی داغیلدی آشیانلاری حسینیم

چادیرینده وئردی فرمان انتقامیدن دویانلار
سویدی قیزلارین طلاسین خیمه‌گاهوی سویانلار
حشریده گورر جزاسین قیزلاری یتیم قویانلار
تیتره‌در یتیمون آهی آسمانلاری حسینیم

تازیانه‌لر آچیلدی آل مصطفی ویرولدی
چکدیلر یانقلی آهی هانسی بینوا ویرولدی
شام و کوفه‌ده مکرر قلبیمه یارا ویرولدی
ویردیلار دوداقلاروندان خیزرانلاری حسینیم
قهرمان کربلایم فکریوه همیشه قالدیم
قانلی کوینگی عدودن شامیده دانیشدیم آلدیم
اربعین گونی گتیردوم قبر پاکون اوسته سالدیم
نهضتونده وئرمیشم من امتحانلاری حسینیم
شامه نازنین رقیّون قلب ائوینده دردی گئتدی
سینه‌وون ال آتدی تیرین قتلگهده دردی گئتدی
ساچلارین آچوب یارالی سینون‌اوسته سردی گئتدی
آه چکدی آهی یخسون اوخ ویرانلاری حسینیم
یارووی دوداقدا گوردی عرشه الامانی چیخدی
اللرین او قدری ویردی لبلرینه قانی چیخدی
وای بابا دئدی اورکدن محضرونده جانی چیخدی
یغدی باشینه عزاسین ساخلیانلاری حسینیم

غزلی در زبانحال حضرت زینب در یوم اربعین

نسیم صبحیلن همدم اولان تأثیر آهیمدور
کسیلمیشدور پناهیم بی‌پناه اولماق پناهیمدور
ایله تعریف‌لر کیم ایلیورلر لیل یلدادن
اونون سیری بو عالمده منیم روز سیاهیمدور
باشیم بی‌معجر و عریان دوه ظلمیله قول‌باغلی
پیمبر دختری دریا کیمی غملر سپاهیمدور
دیار شامیده بیر گون بیزی گزدیردیلر شهری
خرابه گوشه‌سینده گوزیاشی هم دادخواهیمدور
نقدری ظلم اولورسا ائتدیلر بیز آل طاهایه
مصائبده ولی صبر ایلمک امیدگاهیمدور
نجه عرض‌ائلیوم من باش‌آچوق مجلس‌لره گئتدوم
نه نوعی ظلم اولوب بیز بی‌کسه خالق گواهیمدور
یانوب پروانه تک غم شعله‌سینده بی‌نوا زینب
دوتام یوز هر طریقه غم طریقی نار آهیمدور

رجزی از زبانحال حضرت کلثوم به حضرت ابوالفضل

ای فرات اوسته آخان قوللارینون القانی
بیله ناله ائدرم آغلادارام دنیانی
آتامون صولت و سطوتلی علمدار اوغلی
اَسدِ بیشه‌ی قهرِ غضبِ یزدانی
وطنه گئتمه‌لیدی باجیلارون دور یولا سال
گوزلریمدن توکرم اشگ تر نیسانی
طاقتیم یوخدی آنام ام‌البنین آلسا خبر
نیه بس گلمدی عباس او غیرت کانی
سو کنارینده سنی قبره قویوبلار سببی
خلق بیلسون سوسوز ئولدوردیله بو سقانی
نیزه‌لرده دولانان باشوه باجون قربان
ای سوسوز جان وئرن الله یولونون قربانی
نه اوزیله وطنه یوز چووروم من قارداش
نه دیوم گر دئسه اوغلون آتام عباس هانی

شام کیفیتینون شرحینی من ایلمرم
کوفه‌ده سن دی جفای ستم عدوانی
او حسینون یارالی جانینه آند اولسون کیم
چکمیشم غم او قدر یوخدی دئمک امکانی
اوخلانان مشگوی یاده سالوب آغلار چشمیم
چشمه چشمه سو وئرور وردیقیجان مژگانی
باش آچوب شام‌وسحر ورد ائلرم قارداش‌وای
دیم عباس گرک دور ائلیم صحرانی
وطن آدین دئمگه یوخدی دلیمده یارا
داخی سندن صورا دونسون فلکون دورانی
باخورام آب فراته گینه‌ده موج ایلر
سالورام یاده علی‌اصغری عاشورانی
اله جام آلدی سکینه دئدی یاندیم سوسوزام
ای وفا کانی عمو گور بو لب عطشانی
گلمدی سو اله وئردون قولوی سو اوسته
اَیری قانلو عقابون دولانوب میدانی

اَسدی بیر باد ستم آل علی گلشنینه
قیلدی افسرده گل نسترن و ریحانی
اولدی بیر ایل بیزیچون مسجد ویران منزل
نجه ویرانه که یوخ ذلتینون پایانی
نه دیوم محنتیمی بسدی سنه اوز دردون
سن منه آغلا، سنه من ائدرم افغانی
دور گئدک یثربه یالقوز گئده بیلمز کلثوم
بی‌کسم یوخدی کسیم اکبر و اصغر جانی
بارالٰها به علمدار شهید حرمتینه
جرم دلخونی باغیشلا چوخ ائدوب عصیانی

روزی که خدا بنای افلاک بِهِشت[۱]
بر هفت در بهشت و دوزخ بنوشت
بر شیعه‌ی مرتضی حرام است جحیم
بر دشمن مرتضی حرام است بهشت

۱- از کتاب نوادر استفاده شده است.

«نوحه زنجیرزنی و سینه‌زنی»

عاشقین‌نقدری اولسا خوشدی‌ابتلاسی‌قارداش
زینبون قوتارمیاندی باشینون بلاسی قارداش

جوهر وجود عاشق درد و رنج و صبر و غمدور
دُؤزمین بو امتحانه ادّعاسی کالعدمدور
خاکسار اولا نگاره تازه اوّلین قدمدور
شمع‌تک یانوب کول‌اولماق درس ابتلاسی قارداش

فتح قیلمیشام حسینیم قلّه‌ی فراز عشقی
آلموشام بو لشکریله هفت شهر ناز عشقی
نیزه‌ده سسون که گلدی باشلادیم نماز عشقی
ناقه‌ده رکوعه گئتدیم قالمیا قضاسی قارداش

غم سپاهینی حضوراً ممکن اولسا سان وئرردیم
رمز عشقی قبرون‌اوسته شرح‌ائدوب بیان‌وئرردیم
باخماسیدی خردا قیزلار چیگنیمی نشان وئرردیم
وار هله بو پیکریمده عشقووین یاراسی قارداش

قوی دیوم سنه حسینیم اوز اسفلی حالتیمدن
اهلبیت مصطفایه ائتدیگیم کفالتیمدن
قیزلارون غذا دیینده ئولموشم خجالتیمدن
شرمسار اهل‌بیتم غملر آشناسی قارداش
شیرزن باجون قوجالدی جانیدن داخی اوصاندیم
آغلیاندا خوردا قیزلار باشینه دوروب دولاندیم
ایستدی غذا رقیّون اولمادی وئرم اوتاندیم
غصه‌لر بئله اریتدی قالدی بیر نماسی قارداش
شامیدن جلالی برهم قولاّریمدا یاره گلدیم
جان وئرن زمان رقیّون ئولمدیم دوباره گلدیم
توزلی قبریوه قیزوندان نائب‌الزّیاره گلدیم
قورتاران دگل بیلورسن زینبون وفاسی قارداش
اولماسیدی بو وظیفه زینبه اگر محوّل
قیترم بو کاروانی قبرون اوستونه معجّل
سن خرابیه گلنده من اوزوم ئولردیم اوّل
خسته جانیمه گلردی گوزلرون قاداسی قارداش

من دئمم حسین که ظلم و جور دشمنی سوروشما
داستان مرگ بلبل، وضع گلشنی سوروشما
هر کیمی دئسون خبر آل بیر رقیّه‌نی سوروشما
ئولدی گلمدوز عزایه خوار اولوب عزاسی قارداش
شامه رهسپار اولاندا قامتی خمیده گئتدیم
جور و ظلم آل هنده یازماقا جریده گئتدیم
خوردا قیزلاریلا باهم مجلس یزیده گئتدیم
باشووی رقیه گورجک اوج‌ائدوب نواسی قارداش
خیزران هوایه قالخدی دیزلریم اسوب آلیشدیم
هاشمیه‌لیق وقارین حفظ ائدوب او دم چالیشدیم
عاقبت ائله قیزیشدیم مرتضی کیمین دانیشدیم
اهل مجلسین اوجالدی آفرین صداسی قارداش
واردور علّتی مزارون ئوپدوقیجه شوقه گلّم
آخرین زیارتیمدور من اوزوم بو سرّی بیلّم
بیرده صونکی اربعینون گورمرم یقین که ئولّم
زائرم منی دانیشدیر سؤزلرون فداسی قارداش

زینبم سنه مُریدم حقّین اوسته جانفشانم
کوی عشقوه بلدچی حمله‌دار زائرانم
باخ بو قانلی کوینگوندور سینه‌م اوسته قهرمانم
آلموشام ولی نه آلماق چوخدی‌ماجراسی قارداش
نهر علقم اوسته بیر آی که دوشوب حسین محاقه
واردی زینبون او قولسوز سرسپاهه چوخ علاقه
سؤیله گلمیوب رقیه سن اوتانما چیخ قباقه
دور باجون گلوب سفردن ای‌گوزوم ضیاسی قارداش
آند اولا او قانلی باشه همچو شمس و ضُحٰها
باشلارا دالونجا آی تک والقمر اِذا تَلٰها
ایستورم قالام یانوندا والسّماء و ما بَنٰاها
آل بو خسته جانی مندن اللّهون رضاسی قارداش
وار یری بو نسکل ای شه الدن آلسون اختیاری
سیل تک ربابون ایلور گوزیاشین عذاره جاری
هی سؤال ائدور باجوندان اصغرین هانی مزاری
سؤیلورم آلوبدی حتماً سینیه آتاسی قارداش

چوخ بجادی سس گلیدی دی رباب دلشکسته
اولما ناگران بالوندان آغلاما بو نوعی خسته
نازیله یارالی اصغر یوخلیوبدی سینه‌م اوسته
اوچ نفر یاتوبلا باهم خوش آتا بالاسی قارداش

صادقی دوز اولسا عاشق چون کبوتر حرم‌دی
شاهدان قرب وصله همنشین و همقدم‌دی
بوشلا بیل یقین هر عاشق یاندیقیجا محترم‌دی
سینه‌سینده سوز عشقی روحینون غذاسی قارداش

لطفون اولسا یاحسین درد دل آغاز ایلرم
عاشقانه گلمیشم درگاهوه راز ایلرم
سن منه نوکر دئسون من شه‌لره ناز ایلرم
اعتباریمسن، شعاریمسن، وقاریمسن، حسین

«نوحه - جوشی»

شامده دؤزوب دایاندیم ظلم مشرکینه قارداش
قانلی کوینگون الیمده گلدیم اربعینه قارداش

کوینگون منه اولوبدور مایه‌ی نوا و شیون
عطروی بیر عمر آلاّم پاره پاره کوینگوندن
دلدن اودلانوب حسینیم شیونیله اوخشارام من
همدم آه و ناله‌دور بو زار و دلغمینه قارداش
زینبه قالوبدی سندن قانلو پیرهن نشانه
باغریما باسوب همیشه گلّم آه و الامانه
کوینگون اورک باشیندان قویمارام بیر اوزگه یانه
ورد اولوبدی قارداشیم‌وای زینب حزینه قارداش
قوم کین گئدنده فرصت وئرمدی بو باغریقانه
باشون اوسته ایلییدیم بیر نوای عاشقانه
آغلیاندا ظلم الیله شمر ویردی تازیانه
حسرتیم اورکده قالدی یاندی اودلی سینه قارداش

خودسری بیر اربعینی ترک قیلمادیم سنی من
سرّی وار بیر ایل یوباندیم مندن ایلمه گله سن
گلماقا بو قبره فرصت وئرمدی بیر ایلده دشمن
فرصت اولدی ایندی گلدیم کربلا یرینه قارداش
ایندی یوخدی قوم کینه الده یاخشی فرصتیم وار
عرض ائدوم سنه برادر دلده هر شکایتیم وار
سن اوزون حسین بیلورسن درد بی‌نهایتیم وار
دُوزموشم بیر ایلده ظلم اشقیای دینه قارداش
ایندی کاش اولیدی قارداش قبروین کناری خلوت
قولاّریمی گوستریدیم ای شهنشه ولایت
نقدر دگوب گوریدون منه قمچی عداوت
قولاّریم اولوبدی نیلی ای شه مدینه قارداش
تا شهادت امری یتدی بو دیارده تمامه
اولدی دستگیر عیالون اشقیای بدمرامه
چکدی قوم کینه عریان ناقه اوسته سوی شامه
یولدا گه دوشوب رقیه گه قیزون سکینه قارداش

باخمادی اولوبدی زینب درد الینده خسته خولی
تازه‌دن بو دلغمینی ائتدی دلشکسته خولی
ظلمیله آپاردی قویدی باشووی کول اوسته خولی
پرده پرده کول اوتوردی گل کیمی جبینه قارداش
نیزه‌ده اوخور نه گوردوم باشون ای یارالی قرآن
ابروش مه جمالون دوتمشیدی خون الوان
باشیمی او دمده ویردیم چوب محمله حسینجان
پارچالاندی باشیم اولدوم سنله هم‌قرینه قارداش
آل عصمتی حسینیم گتدی ظلم کوفه تنگه
کربلایه گلمین‌لر گلدی کوفه ایچره جنگه
بنزه‌دوردولر اسیر روم و دیلم و فرنگه
چوخ شماتت اولدی اوردا اهلبیت دینه قارداش
هر یره گئدوبدی باشون گون کیمی سر جداده
سایه تک اونون دالیجا دوشموشم من فتاده
گئتمیشم باشمیدا نچه قاره گونلی هر بلاده
دُؤزموشم جفا و ظلم فرقه‌ی لعینه قارداش

داد او وقتیدن حسینیم اهلبیت زار و خسته
وارد اولدی شامه عریان ناقه اوسته دست‌بسته
بعضی‌نین قوجاقدا طفلی اشگی یوزده دلشکسته
دمبدم آخاردی اشگی گل تک عارضینه قارداش
شامیده عزیز عیالون بیر خرابه یرده قالدی
آغلادی خانم بالالار شور و شین گوگه اوجالدی
بسکه قالدی آج رقیه گل کیمی سولوب سارالدی
گوزلریندن اشک حسرت آخدی دامنینه قارداش
قوردی بزم غم بالالار گوزده اشگ دلده شیون
آه دلنشین چکردی بعضی‌سی یانقلی دلدن
بعضی‌سی دییردی عمه دور علاج ائله آجام من
خون دل توکردی گوزدن اشک تر یرینه قارداش
یتدی عاقبت تمامه ظلم آل بو امیه
قورتولوب گلوب سلامت اهلبیت هاشمیه
گلمدی بو اربعینه حیف نازنین رقیه
ائتدی غربت اختیار اول ناتوان حزینه قارداش

سن رقیه قالماقیندان مندن ایلمه گلایه
نیلیوم اسیریدوم من امر و گردش قضایه
چوخ سُوردیم اول بلاکش قیز گلیدی کربلایه
عندلیب اولیدی بو غم غصه گلشنینه قارداش
دور گئداخ دئدیم منیله ای بلالی گلعذاریم
سؤیلدی ایاقلاریم‌دا واردی عمه‌جان قباریم
چوخ دُگوبله یورقونام من گئتماقا یوخ اختیاریم
غربت اولدی خوابگاه اول طفل نازنینه قارداش
ذکروا وطن دلینده دوشدی دلدن اول وطن‌سیز
گوزلری باخوب یولا جان وئردی حسرتیله سنسیز
تاپمادیم کفن او طفله قالدی سن کیمین کفن‌سیز
کوینگیله اولدی مدفون آخر اول دفینه قارداش
چوخ سُویر قویا بو تائب اول مزاره روی زردی
اشگیله یُووب او قبری پاک ائده غبار و گردی
زینبین دلینجه بیرده ذکر ائده بو غملی فردی
قانلو کوینگون الیمده گلدیم اربعینه قارداش

«نوحه‌سینه‌زنی - جوشی‌زنجیرزنی»

بالینیمه گل قارداش حسین‌جان ئولورم من
گل باشیمون اوسته اوخی قرآن ئولورم من

یوردی باجووی غصه‌لرون سالدی ایاقدان
آز قالدی چیخا جانی بو غربتده دوداقدان
دیداریمه گلسیدون اگر آنی قاباقدان
اِئتمزدی غمیم سینه‌ده طغیان ئولورم من

واردور سنه منده بیلوسن آیری علاقه
آغلار گوزولن دُؤزموشم هر لحظه فراقه
تسکین گل اوزون وئر یورولان غملی قوناقه
گل ایله‌گیلن دردیمه درمان ئولورم من

گلشنده سو گل وئر گل احساسیمه قارداش
تئز ایله خبر اکبریلن قاسیمه قارداش
قولسوز قالان عباسیله گل یاسیمه قارداش
یورقون یارالی زار و پریشان ئولورم من

هر گون نچه یول سن کی منی یاده سالاردون
هر ایل سن عزیز گونلری یانیمده قالاردون
بایرامدا عزیز گونده منه خلعت آلاردون
حقّیمده ائدردون منیم احسان ئولورم من

بیر یرده اجل زینبووی بنده سالوبدور
گون ایستی‌سی آرام و قراریمی آلوبدور
سال زینبووی یاده گوزی یولدا قالوبدور
گل کامل اولا عهدیله پیمان ئولورم من

سن گلمه‌سون آیا منه کیم آغلیاجاقدور
کیم باشیمون اوسته منه دل داغلیاجاقدور
یوللاردا قالان گوزلریمی باغلیاجاقدور
کیم دوندره‌جک قبلیه جان جان ئولورم من

اولسا باجینون قارداشی جان اوسته حسینجان
چوخ عزّتیلن قبره گئدر دفن اولار هرآن
یوخدور باجووین بیر کسی زینب سنه قربان
گل ایله‌گیلن شیون و افغان ئولورم من

بیر گونلری نسوان باشینون منده تاجیدیم
سن کعبه‌ی عشق و سنه زیبنده حاجیدیم
من یدّی گوزل قارداشا دنیاده باجیدیم
دوندی ولی اول گردش دوران ئولورم من
باشیمه منیم هر نه بلانی قارا گتدی
بوکدی بئلیمی قلبیمه سایسیز یارا گتدی
اقبالیمه باخ گور منی آخر هارا گتدی
گوزلردن ایراق بی سروسامان ئولورم من
آز قالدی ایاقدان منی غم شامیده سالسین
قارداشلاریمون یوخدی بیری گوگلومی آلسین
نیلوم بو گونه من کیمی باعث‌لری قالسین
غربتده نیه دیده‌سی گریان ئولورم من
من شام غریبانووه گلدیم یانا یانه
قانونله باتیردیم آغاران ساچلاری قانه
سن کان سخاسن بیلورم گل بو مکانه
عباسیله دوت شام غریبان ئولورم من

فکر ائتمزیدیم مندن حسین سنده دویارسان
اگنوندن اخا رخت وفاداری سویارسان
غربتده بو قدری گوزومی یولدا قویارسان
یاددان چیخادارسان منی بیر آن ئولورم من

قارداشه وئره یوز غم دوران باجی قویماز
قارداش غمینه یانسا عزا رختینی سویماز
قارداشدان ئولونجه بونی بیل هئچ باجی دویماز
شاهد بو سؤزه زینب نالان ئولورم من

صدقیلن اگر گئتسه حقیقی حاجی دونمز
دوز عشقیده کیم یانسا اوت اوسته ساجی دونمز
قارداش باجیدان دونسه ئولونجه باجی دونمز
وار سنده منیم گوزلریم الان ئولورم من

ازبس یدی غم زینبوون باشی آغاردی
جان اوسته سنه قلبیده گیزلین سؤزی واردی
هر بیر باجینون قارداش الینده گوزی واردی
زینب کسیلن اللره قربان ئولورم من

«جوشی سینه و زنجیرزنی»

مهِ وفا، کوکب حیا، شمس اَلولا زینب
غمه آنا، غرقه‌ی بلا، زار و مبتلا زینب
صبروه فدا زینب - صبروه فدا زینب

نِکو سیَر، زینت پدر، افتخار پیغمبر
علیّه‌فر، فخر دادگر، درّ قلزم کوثر
خدانگر، ذوالفقار اثر، استقامته مظهر
فرشته‌سا، ایلین ثنا، صبحیلن مسا زینب
بلالرون قُرعه‌سی چیخار نام شخص ممتازه
اودور قضا اوخشادوب سنی قلّه‌ی سرافرازه
یازوبدی غم غصه آلنووا بی‌حساب و اندازه
بیلوب روا، بختووی قرا، قلبووی یارا زینب
اوشاقیدون حُزن فاطمه ائتدی قلبووی یاره
ریاض‌طاهاده اوخشادون غمله‌سولموش‌ازهاره[1]

۱- شکوفه

گینمه‌میش طوی لباسینی گیدون اگنووه قاره
ائدوب بکا، ساخلادون عزا، یار حقّه یازینب
ننه فراقینده عود تک قلبون اود دوتوب یاندی
سیزیلدادون نی کیمی سسون آسمانه قوزاندی
شرار آهون ائدوب اثر عرش اعظم اودلاندی
که هم‌نوا اولدی برملا، سنله ماسوا زینب
اودور که سن آغلیان زمان حجت‌اللّه آغلوردی
سرشکینی نازل ایلیوب عصمت‌اللّه آغلوردی
دلینده قالموردی طاقتی قدرت‌اللّه آغلوردی
یانا یانا، بسکه جانگزا، دئیدون اوخشاما زینب
گئجه گونوز گرچه آغلادون شدّت مصیبتدن
ولی قضا گوردی اوز ایشین دونمدی مشیّتدن
کباب ائدوب قلبووی گینه شعله‌های محنتدن
سنی اودا سالدی مطلقا، سوگ مرتضی زینب
مصیبت والدینیده اولدی گوزلرون گریان
حسن غمی داغلی قلبووی ائتدی تازه‌دن سوزان

حسینووی ئولدورن زمان شمر بی‌حیا، عطشان
سنی تورا سالدی چون قطا، حُزن کربلا زینب
اسیر اولوب آل مصطفی سرزمین غربتده
شماتتین ناری یاندیروب قلبووی اسارتده
نجه دیوم اول دیاریده زیر بار محنتده
قدِ رسا تاپدی انحنا، چون مه سما زینب

سلام‌گفتن عزاداران به موقع ورود به مساجد و حسینیه‌ها

السّلام ای حامی قرآن یزدان السّلام
السّلام ای دین یولوندا قانه غلطان السّلام

السّلام ای حکم دین حقّی احیا ایلین
السّلام ای قتلگاهین رشک مینا ایلین
السّلام ای جان و مالین حقّه اهدا ایلین
السّلام ای تربتی هر درده درمان السّلام

السّلام ای حجت پروردگار لم یزل
السّلام ای نیّر عصمت شه لاُمنعزل
السّلام ای سرّ نامکشوف خلاق ازل
السّلام ای رهبر پیدا و پنهان السّلام
السّلام ای نور جاویدان ارض و آسمان
السّلام ای سید پاک جوانان جنان
السّلام ای روح قرآن جان میر مؤمنان
السّلام ای گوشوار عرش رحمان السّلام
السّلام ای زینت آغوش ختم‌المرسلین
السّلام ای عروة‌الوثقی، هُدیً للمتّقین
السّلام ای کعبه‌ی دلهای پاک مؤمنین
میر و معشوق جمیع کون و امکان السّلام
السّلام ای قلبینه ظلمیله غم غصه دولان
السّلام ای گلشن زهراده گل مثلی سولان
السّلام ای قتلگاه کربلاده ذبح اولان
ایلین سرنیزه‌ده تفسیر قرآن السّلام

السّلام ای نهضتی دنیانی حیران ایلین
السّلام ای کربلانی فخر رضوان ایلین
السّلام ای جان و مالین بذل قرآن ایلین
حیّ ائدن اسلامی حلقیندن آخان قان
السّلام السّلام ای لطف بی‌پایان خلاّق
علیم السّلام ای معنی برجسته‌ی ذبح عظیم
سنسن عالمده آقا مصداق احسان عمیم
سائل لطفوندی هر آن اهل ایمان السّلام
السّلام السّلام ای عزّ و جاهی ماخلقده بی‌نظیر
محنتی چوخ لیک لطفی محنتینده کثیر
ریزه‌خوار خوان احسانوندی هر خرد و کبیر
هر ایکی عالمده سنسن جان احسان السّلام
السّلام ای عزّ و جاهی ماملکدن باج آلان
کربلاسی کعبه و جنّاتی رونقدن سالان
عرصه‌گاه نینواده واحد و یکتا قالان
تشنه‌لب دریا کنارینده وئرن جان السّلام

قدروی حاشابیلیدی کوفی و شامی‌سنون
چونکه سن نوریدون امّا ظلمتیدی دشمنون
ظلم الیله ماحصل تاراجه گئتدی گلشنون
لاله‌مثلی اولدی اوز جسمونده افشان‌السّلام
قانوین اعجازی جاویداندی تا روز معاد
خلق‌ائدوب هر قطره‌سی عالمده یوزبیرمین جهاد
درس آلار سندن جهاندا هر زمان مردان راد
ای فروغ عشق و ایمان، روح برهان السّلام

عالم همه مست از گل رخسار حسین است
ذرات جهان در عجب از کار حسین است
دانی که چرا کعبه‌ی حق گشته سیه‌پوش؟
یعنی که خداوند عزادار حسین است

«نوحه‌سینه‌زنی - جوشی‌زنجیرزنی»

یثربده ابوالفضل سنه یالقوز آنون آغلار
گوز یولدا قولاق سسده اوغولسوز آنون آغلار

شهلا گوزووی قامتووی یادیمه سالاّم
بی‌کس بالووی گورّم اوغول بهتیده قالاّم
آغوشه آلاندا اونی من عطرووی آلاّم
اشگیم توکولنده یوزومه گوز بولاغیندان
آغلار، اوپرم تئز تئز اونون گل دوداقیندان
بو سؤزلری زینب دئدی یاندی دل عالم
عباسیمون احوالی سالوب عالمه ماتم
قولسوز یخیلاندا یخیلوبدور یره پرچم
حیف اولسون اوغول اولمامشام کرب‌وبلاده
آغ ساچلاری قانه بوئیام کوه مناده

محرابوه باخدوقجا اوغول اشگ اَلَرم من
قارداشلاروا هم سنه هر گون مَلَرم من
گونلر قاباقیندا گزرم دربدرم من
عزّتلی گونوم گئتدی داخی عزّتیم اولماز
احوالوه گوش ایلمگه طاقتیم اولماز
هر مجلسه دعوت اولام آسان سانورام من
آغلارلا اوغورلار آناسی من یانورام من
لیلانی ربابی گوروم اودلانورام من
گورجک منی لیلای حزین با دل خسته
گوزیاشی توکور اوندا یانان صورتی اوسته
چیخماز بو یادیمدان بالا اول روز ولادت
آغوشینه آلدی سنی تا شاه ولایت
قولاّرون اوپوب آغلادی دوتدی اونی رقّت
گیزلین سنه اول وقته اوزوم آغلارام اوغلوم
بو سینه‌می هر گون غمووه داغلارام اوغلوم

آغلاتدون اوغول سن او زمان شیر خدانی
سالدون غم هجرانه بو بیچاره آنانی
یاندیردون عجب نار غمه آل عبانی
دوز یول گئدن اوغلوم او گوزل یولاّرا قربان
آغلار گوزوم حق اوسته دوشن قولاّرا قربان
سن ئولدون اوغول گرچه منیم باشیم اوجالدی
عالملری شأن و شرفون حیرته سالدی
بو مادر بیچاره یامان گونلره قالدی
آغلار گوزومی اوخشادارام بارش ابره
سینه‌مده اوغول داغی گئدر خانه‌ی قبره
ای ام‌بنین ای رشید عباسون آناسی
بو نصرتینون واردی سنه بیرجه دعاسی
قلبینده‌کی دردین اولار عالمده دواسی
دردیم بودی سن ایله دعا مادر بی‌یار
بو هیئتیمیز قبر حسینه اولا زوّار

«جوشی»

ام‌البنین ایله فغان اولدی شهید عباس
محشر اولونجا آغلا قان اولدی شهید عباس

عونیله فضل‌وجعفرون دوغراندی جان وئردی
شیر خدایه بنزرون دوغراندی جان وئردی
هم قاسم و هم اکبرون دوغراندی جان وئردی
یاندی امام انس و جان اولدی شهید عباس
قوللارین عباسون او گون ائتدی قلم دشمن
قولسوز یره گلدی آت اوستن ایلدی شیون
دوندی خیامه گلمگه اول باوفا توسن
آگاه اولوب فوج زنان اولدی شهید عباس
گلدی باشی‌اوسته دیوب سیندی بئلیم قارداش
آچ گوزلرون سنسن منیم آرخام ائلیم قارداش
بو حالیله گورجک سنی یاندی دلیم قارداش
اُسقونی سؤیلر تشنه‌گان اولدی شهید عباس

چکدی درون سینه‌دن شاه جهان بیر آه
اعضاسی دوغرانمیش گوروب قارداشینی اول‌شاه
قلبی یانوب چکدی او موقع ناله‌ی جانکاه
ائتدی نوا کرّوبیان اولدی شهید عباس
لال اولمیور آخر دلیم سینمور ندن خامه
هرقدر یازسون بو غمی بیل یتمز اتمامه
شاه جهاندان ایسته سنده بیر امان‌نامه
راحت اولا ذبیحیان اولدی شهید عباس



می‌توانی تا، بهاری باش پائیزی مکن
در دیار عشق و عرفان فتنه‌انگیزی مکن
ای مرید مکتب آل علی، جان علی
آبرو بخش ار نباشی، آبروریزی مکن
«کلامی»

حالات خانم ام البنین مادر عباس علیه السلام

مدینه اهلی منیم سؤزلریمه گوش ائلیون
منیم آدیمه سیز امّ‌البنین داخی دئمیون
اوغول‌لارون آناسیدوم اوغولسوزام ایندی
اولوب شهید تمامیسی یالقوزام ایندی
اگرچه دورت نفر اوغلوم واریدی عالمده
شهید اولوب هامیسی دهم محرمده
نه فضل واردی نه عباس و عون و جعفر وار
بو قان دولان اوره‌گیمده نقدری غملر وار
واریدی گرچه اباالفضل تک رشید اوغلوم
گئدوب الیمدن ائدوب دردیمی مزید اوغلوم
آتاسی حیدر کرّار تک هنروریدی
جواب وئرمگه دشمنلره دلاوریدی
اوزون قولی اوزی رعنا بلندقامتیدی
فنون رزمیده چوخ صاحب شجاعتیدی

ائشتمیشم سو یولوندا کسوبدولر یولینی
جفا الیله سالوبلار ایکی اوزون قولونی
ئولنجه چکمیوب ال پادشاه بطحادن
آناسینی خجل ائتموب جناب زهرادن
اونون غمینده گرک چشمیم اشکیله دولسون
بودور دعام اونا یارب صودوم حلال اولسون
اوغوللاریملا تانوردی منی قبیلم ائلیم
ئولوبدی دورت بالام آخر منیم سینوبدی بئلیم
بالالاریم هاموسی شاهباز همّتیدی
بلند قامتیدی تاجدار نصرتیدی
بئله دیورله منه اول عزیز اشرف ناس
بلند قدّی اوزون قولّی حضرت عباس
گئدنده سمت فراته کسوبدولر یولونی
وئروب سکینیه قربان ایکی اوزون قولونی
صحیح اولا بو خبر بو قیضیه‌سی یاران
ابوالفضل اوغلومون اولاّم وفاسینه قربان

اونا من آغلامارام آغلارام حسین غمینه
قرا گیوب چکرم قاره بزم ماتمینه
فغانیله دیرم نور هر دو عینیم وای
غریب کرب‌وبلا تشنه‌لب حسینیم وای
نه عون و فضل نه جعفر آدینی ذکر ائدرم
حسین حسین دیرم قبر ائوینه تا گئدرم
گرک ئولنجه گیم من جهاندا قاره لباس
همیشه ذکریم اولا واحسین واعبّاس



«شاه‌بیت»

آناووی وطنده سنسیز یوروب هر بلا ابوالفضل
خم ائدوب قدین قوجالتدی غم کربلا ابوالفضل

«تفاخری»

شکایت از چرخ دون و جور روزگار و توسّل به حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام

گلوبدی درده دلیم ایله ای خدا یاری
غریق بحر غمم، غصه‌لر گرفتاری
همیشه ایلیرم روزگاریدن زاری
نه‌اینکه چرخین ایشی ناکسانه باخمادادی
سبب اودور گوزومون یاشی دائم آخمادادی
کلاغیلر دولانار گلستانیده آزاد
دمیر قفسده ولی بلبل ایلیر فریاد
چتین فلک قویا بیر کیمسه‌نی اولا دلشاد
نه چوخ شیوخین الیندن آلوبدی ایمانین
یِدیردوب عارف اولان کیمسیه اورک قانین

گوروم خراب اولا بو فتنه‌سار دنیانی
روا گوروبدی دوز انسانه جور و ایذانی
سالوبدی حبسه پیمبر بالاسی موسانی
اولوبدی چرخین ایشی شکّ یوخدی وارونه
یتیردی سلطنتی ظلم‌کار هارونه
الٰهی حجّتووی اینجیدوبدی دوراندا
قالوبدی اون‌بیر ایلی شهریلرده زنداندا
نه‌لر چکوبدی باشی بیلمرم او بحراندا
اشارتیله دیوم بیر گونی دیوب با آه
بو حبسیدن منی ایله خلاص یا اللّه
او قدری وئردی او ظالم امامه زجر و فشار
یازولا جور و ستم گوردوقیجه دوتدی قرار
دیوبدی بیر گونی یاربّی جانیمی قورتار
دُؤزوم واریمدی منیم کونده‌ایله سلسلیه
دُؤزنمورم بیری بیر حقّی پایمال ائلیه

اگیلمین بیلوسن ظالمانه قدّیمدی
میان ظالم و مظلوم منیمده حدّیمدی
حسین که ظالمه باش اگمیوبدی جدّیمدی
آناسی فاطمه‌دی، شیر حق علی، آتاسی
قرانقلوقدادا قالسام، منم اونون بالاسی
الٰهی غصه‌لیم پیرمرد مغمومم
ائدوبله ظلم منه شاهد اول که مظلومم
قالوبدی یولدا گوزی اون بیر ایلدی معصومم
دورانمورام اياقا دیزلریم دوراندا اَسور
اورک ولی بالالاریمی گورمگه تله‌سور
الٰهی قلبیمی بیگانه‌گانه وئرمه‌میشم
چتین زماندادا حتی عبادت ایلمیشم
بیلورسن ایللر اولار هئچ رضامی گورمه‌میشم
او بلبل اوخشاریام حسرت اولموشام چمنه
منی یتور بالاما یا بالامی فوری منه

الهی یوسفی زندانیدن قوتاردون اوزون
دوتوبدی حبّ جهان دشمنین اگرچه گوزون
ائشیت بو پیرین اورکدن‌چیخان یانیقلی سؤزون
قوتار منی بو اراذل یانیندا سیندیرما
ویرولا سیلی منه یوخدی بیر دیین ویرما
یرین رطوبتینه یوخدی قلبیمین دُؤزومی
آغیردی سندین الی قورخودوب منیم گوزومی
ویراندا سیلی کناره چکنمورم اوزومی
فشار و ظلمینی تا زنده‌ام کم ائتمیه‌جک
ئولنده‌ده یوزومون سیلی ردّی گئتمیه‌جک
الٰهی یوخدی باخان بیر نفر غریب آهینا
نیازی وار بو غریبونده سن تک اللّٰهینا
توسّل ایلرم ایللردی کربلا شاهینا
سیزیلدارام او شهون گلشنینده گللرینه
علاوه آغلیارام، تشنه اوخلی اصغرینه

چوخ ایستیردیم اولام تک، سنه نیاز ائلیم
اورک صحیفه‌سینی عاشقانه باز ائلیم
دویونجا کونده‌لریم قویمیور نماز ائلیم
نقدری چکمه‌لیم بوردا آهی آه اوسته
ویرولا سیلی منه هانسی بیر گناه اوسته
نه وقتی باغریمی اوز نسکلیمدی داغلیانیم
نه آلنیمی اووانیم وار نه واردی آغلیانیم
نه واردی گوزلریمی جان وئرنده باغلیانیم
او دم که پیک اجل سایه باشیمه سالاجاق
بو یرده چیخسا جانیم گوزلریم آچیق قالاجاق
واریمدی قلبیده حسرت گورم اوشاقلاریمی
وئروبله زهر منه، یاندیرور دوداقلاریمی
او قدری تنگیدی یر، یغموشام ایاقلاریمی
سرشک سیلی خدایا حصار صبری آشوب
بالالاریم کیمی زنجیر بوینوما دولاشوب

آتا ئولنده گوره اوغلی آغلیور نه غمی
گتیردی جانه منی سند ظالمون ستمی
ویراندا سیلی منه داده سسلرم ننه‌می
گوروب ننه‌مده منیم ضرب سیلی محنتینی
دگنده سیلی اونا یاندیروبدی صورتینی
الهی یوخدی ائدن راز قلبیمی احساس
گلر سراغیمه هر گون که سند حق نشناس
ویراندا سیلی چاغیرّام اورکده یا عبّاس
دوشنده تنگه هامی سسلر اشجع‌الناسی
بی‌بیمده دادینه بیر یول چاغیردی عباسی
نجه بیلر غمیمی حبسه دوشمین بیر فرد
دیرله دردە دوشن‌لر بئله چتین‌دور درد
ائدوبدی کونده و زنجیر رنگ رویمی زرد
کباب، کوز اوسته سیزیلدار نه‌نوعی احوالینا
سیزیلدارام ائله بیمار کربلا حالینا

روادی آهیم اوخی کئچسه چرخ اخضردن
نه‌لر چکوبدوله من بیلمیشم شقی‌لردن
ویریلدی سلسله بیماره لشگر شردن
گون ایستی‌سی دیوم اللّه، اینجیدوب هاراسین
شاخاندا بوینونا، یاندیردی سلسله یاراسین
دیوله شامه گئدن وقته خوندل اسرا
گئدردی نیزه‌لر اوستونده شاهدان خدا
باخاردی عترتینه رأس سیدالشهدا
گوروبدی یوخدی قیزی کائناتی یاندیردی
عذاره اشک اَلَدی لشگری دایاندیردی
او کاروان که ائدوردی شتاب قالدی گئجه
بیر آزجا فکر ائله زینب گئده بیلردی نئجه
بیر اوچ یاشیندا بالا یولدا قالموشیدی گئجه
آلوبدی زلفین اله آغلیور یانا یانه
که بیلمیور نئجه چاتسون قطار سلطانه

دیور الٰهی منه رحم ائله کسیم یوخدی
اوزوم اوشاق، گئجه‌یاری، هراس‌چوخ‌چوخدی
تجسّم ایلیورم توش ائدن منی اوخدی
گلور خیالیمه دشمن گینه مرامه چاتور
کمان آلوب الینه حرمله منه اوخ آتور
الٰهی سؤیگلوون، سؤیگلی رقیه‌سیم
قویوبدی چولده قوشون ئولمه‌سمده غصه، ییم
بئله بیلورله کسیم یوخدی درد دل ائلیم
منیم کسیم اوزون اول ای خدای عالمیان
یتور منی باباما یا دئنن بابامه دایان
خبر وئروبدی بابام، غصه قلبیمی دله‌جک
فلک خرابه‌ده من جان وئرنده دینجله‌جک
گئدنده جنگه دیوب اوردا دیدیمه گله‌جک
اودور منیم عجله‌م واردی شامه تئز یتیشم
گورم بابامی، یتم کامه، عاشقانه ئولم

بو قدری غصه یمه «ناصحا» بو دنیاده
وفات موسی کاظمدی گلگیلن داده
یتیر عریضووی دلدن غریب بغداده
قلم مژوندی چالیش قانه قات گوزیاشووی
ثمر وئرر ائده بیلسون دوات، گوزیاشووی



ما پیرو آفتاب عاشورائیم
در ظلمت شب شهاب عاشورائیم
تا رجعت فجر و قائم آل علی
پرچم‌کش انقلاب عاشورائیم

من صاعقه‌ی سینه‌ی سینای دلم
خورشید منیر عشق و مولای دلم
این است مرا جان سخن، در سینه
یا جای خدای عشق یا جای دلم

«احد ده‌بزرگی»

حالات موسی بن جعفر علیه‌السلام

حبیب با حبیب خود به خلوتی صفا کند
ندانم از چه بی‌گنه عدو به او جفا کند
سرشک غربتش روان، نوا زند ز نای جان
نهان ز چشم دشمنان به دوستان دعا کند
به پیکرش نشانه‌ها به سینه‌اش ترانه‌ها
که زیر تازیانه‌ها، رضا رضا کند
به دست‌ها سلاسلش ز غصه سوخت حاصلش
چه می‌شود که قاتلش ز فاطمه حیا کند
فتاده در ملالها به عشق شور و حالها
در آن سیاه‌چالها، خدا خدا کند
فتاده دیگر از نوا برو به دیدنش صبا
بپرس مرغ کُشته را کی از قفس رها کند
به خاکس بی‌کسی سرش کسی نبود در برش
کجاست تا که دخترش اقامه‌ی عزا کند
اثر نمانده از تنش دلا برو به دیدنش
بگو عدو ز گردنش غُلی که بسته وا کند

«روایت»

روایت ایلوری راوی دییر بیر اثناده
مسافرت ائلدوم من زمانی بغداده
گئچنده کوچه‌ده گوردوم که بیر جوان سعید
الی اورکده دوروب ایلیور فغان شدید
گئدور گئدور دورور هر دم چکور اورکدن آه
اوزی اوزونه دیور لا اله الاّ اللّه
گهی ویرور باشینا گاهی بیر قدم گوتورور
فغان سسی در و دیواری نالیه گتورور
دایانا بیلمدیم آخر منی کباب ائلدی
اونون او حالی منیم حالیمی خراب ائلدی
یانیقلی آغلاماقی قلبیمه چوخ ائتدی اثر
دئدیم گئدیم بو جواندان آلوم بو سرّی خبر
اوزوم اوزومه دئدیم قورخورام جواب ائلیه
غریب و نابلدم بلکه بیر عتاب ائلیه

غرض یتیشدیم او نالانه بیر سلام ائلدیم
ملالتیله محبّانه بیر سلام ائلدیم
دئدیم نیه توکوسن گوزیاشووی بیچاره
دئدی من آغلیورام بیر غریب و بی‌یاره
دئدیم او هانسی غریبدور، سالموسان یاده
دئدی که آغلیورام من غریب بغداده
غریب چوخدی دئدیم آدینی بیان ایله
دئدی آدین دییرم شرطی وار فغان ایله
دئدیم که منده غریبم خیالیمه آلاّم
توکوب گوزوم یاشینی دردوه شریک اولاّم
دئدی او موسی کاظمدی سبط پیغمبر
بو شهریده اونا چوخ چوخ ستملر ایلدیلر
دئدیم که دشمنی کیمدور، دئدی او هارون‌دور
دئدیم که ظلملریندن خبر نه واروندور
و بیرده هاردا او ظالم اونا مکان وئردی
بیر اون‌بیر ایل دئدی زنداندا قالدی جان‌وئردی

دئدیم دی ظلم‌لرین ایلدون منی دلگیر
دئدی که بوینینا ویرمیشدیلار آغیر زنجیر
بو نوعی ظلمی غریبه روا گوروب هارون
پیمبر اوغلونا زهر جفا وئروب هارون
ئولنده زهر وئروب حبس خانه‌ده او شریر
صورا گتوردیله سالدیردی رختخواب حریر
مباد شیعه‌لری حبسیده گلوب گوره‌لر
منی ملامت ائدوب بیر بیره خبر وئره‌لر
چاغوردی دسته‌ی اشراف شیعه‌نی او گونی
باخون صورا دئمیون الده ئولدوروبلر اونی
یتیشدی محضرینه شیعه‌لر سوروشدی خبر
آقا، حالون نجه‌دور، ای امام جن و بشر
ندور سنون مرضون اولموسان بو نوعی علیل
تاپوبدی گل بدنون بو قدر ندن تحلیل
دونوب باخوب اولارا اللرین نشان وئردی
اشاره‌ایله یانان لبلرین نشان وئردی

حالات حضرت امام رضا علیه السلام

یتیشدی خاطریمه محنت امام رضا
مصیبت الم حضرت امام رضا
او گون که وئردیله زهر جفا او سلطانه
فغان و ناله داغیتدیله کون و امکانه
دیور غلامی اباصلت گوردوم اول شاهی
عبا باشیندا گلور منزل ایچره ناگاهی
بویوردی فرشیلرین منزلین که ایله کنار
وئروبله زهر منه اود دوتوب بو سینه یانار
غریبلر یاتا بیلمز ئولنده بسترده
غریب ئولنده گرک جان وئره قوری یرده
گرکدی تابع اولام جدّیمه بو محنتده
قوری یر اوسته قالام موسم شهادتده
یانیمدا یوخدی عیالیم باجیم فغان ائلسون
سرشک حسرتینی دیده‌دن روان ائلسون

منی ائدوبدی او مأمون بی‌حیا مسموم
بو نوعی ئولمگی ائتمیش قضا منه مرقوم
نه وار یانیمدا او اوغلوم تقی امام زمان
جنازه‌م اوسته ائده ذکر آیه‌ی قرآن
منی ائدوبدی احاطه سموم زهر اثری
من ئولجگین ویره‌سن شیعیانه بو خبری
منی جفائیله مأمون دون شهید ائتدی
او بی‌حیا منی ئولدوردی مطلبه یتدی
گورنده بیر نفری جان وئرنده غربتده
منیمده غربتیمی یاد ائدون او حالتده
گلون بو یرده عزادار ناله و داده
غریب صحبتی اولدی دوشوب حسین یاده
واریدی حضرت موسی‌الرضایه غسل و کفن
چوخ احترامیله اول شاهی گوتدیلر یردن
ولی حسین غریبه نه غسل و کفن اولدی
قالوبدی اوچ گئجه گوندوز آراده دفن اولدی

او حالتیله که دوشموشدی قانلو میدانه
وجود محترمی غرقیدی قزل قانه
یتیشدی باجیسی زینب جنازه‌سی اوسته
نه گوردی اوخدی قلجدور او نعشه پیوسته
الین قویوبدی اورک باشینه چکوب بیر شور
یانیقلی قلبیله عرض ائتدی ایّهاالانحور
فدا اولوم سنه ای قانه غرق اولان اعضا
جفائیلن ایتی خنجرله دوغرانان اعضا
منیم حسینیم اگر سنسن ائتگیلن گفتار
اورکده غملریمی ایلیوم سنه اظهار
نه بی‌مروّتیمیش قاتلون بو حاله سالوب
بلالی زینبوون صبر و اختیارین آلوب
یتور تمامه داخی ناطقا بو اشعارون
جزا گونی ایکی مظلوم امام هوادارون

«نوحه‌سینه‌زنی و زنجیرزنی»

اجازه‌خواستن عزاداران از محضر امام‌هشتم

ای امام هشتم گلمیشوخ نیازه
تا اولاخ مرخّص ایستروخ اجازه
شام هجر ظاهردی - بو وداع آخردی
باشووه دولانّوق - باشووه دولانّوق

کئچدی وصل وقتی یتدی نار فرقت
یوزلره دوباره آخدی اشگ حسرت
بس ندور علاجی قویمیور محبت
آیریلاق جواروندن - دویماروق مزاروندن
باشووه دولانّوق - باشووه دولانّوق

زایری همیشه لطفه مایل ایله
لطفووی بو جمعه بیرده شامل ایله
دعوت ایله هر ایل فیضه نایل ایله
ایلمه بیزی مأیوس - آهیله اولاق مأنوس
باشووه دولانّوق - باشووه دولانّوق

نکهت مزارون دولدوروب جهانی
قبریوی گورنلر نیلیور جنانی
شمع وصله یانّوق آیریلیق زمانی
آیریلیق چتین غمدور - یاندیران همین غمدور
باشووه دولانّوق - باشووه دولانّوق
صحنوه گلنده دسته‌لر دوزولدی
حسرتیله گوزدن اشگیمیز سوزولدی
مرقدوندن اللر بیر زمان اوزولدی
یوخدی قالماقا فرصت - ایلیاخ گرک رجعت
باشووه دولانّوق - باشووه دولانّوق
هر کیمین اورکده واردی بیر ملالی
لطفیله قبول ائت بیزدن عرضحالی
درگهوندن آخر ائتمه دست خالی
سائلی یولا سالسان - خوشدی گوگلونی آلسان
باشووه دولانّوق - باشووه دولانّوق

نیسگلون اورکده بو سیاق آپاروق
بو گوزل رواقدان اشتیاق آپاروق
سینه‌لرده دردِ افتراق آپاروق
هجریله یاناق اوقات – بیرده بیز گلاخ هیهات
باشووه دولانّوق – باشووه دولانّوق
گلشن مزارون گل آچوبدی تازه
هرکس اوز دلیجه دل آچوبدی رازه
تا اولاخ مرخص ایستیروخ اجازه
اعظمی قالوب حسرت – ایله قبریوه دعوت
باشووه دولانّوق – باشووه دولانّوق

عزیز و محترم شاعرلر:

اگر مایل‌سوز شعرلروز بو مجموعه‌لرده چاپ اولونا
لطفاً شعرلروزی بو آدرسه مرحمت ایلیون
اردبیل بازار جلائی، کتابفروشی ناصح

درمان

خستگان عشق را ایّام درمان خواهد آمد
غم مخور آخر طبیب دردمندان خواهد آمد
آنقدر از کردگار خویشتن امیدوارم
که شفابخش دل امیدواران خواهد آمد
دردمندان بی‌پناهان مستمندان را بگوئید
منجی عالم پناه بی‌پناهان خواهد آمد
باغبانا سختی دی ماه سی‌روز است و آخر
نوبهار و نغمه‌ی مرغ خوش الحان خواهد آمد
بلبل شوریده دل را از خزان برگو نناﻟﺪ
باغ و صحرا سبز و این دنیا گلستان خواهدآمد
صبر کن یا فاطمه ای بانوی پهلوشکسته
مهدیت با شیشه‌ی دارو و درمان خواهد آمد
اینقدر آخر منال از ضربت بازو و پهلو
مونس تو پادشاه دلنوازان خواهد آمد

مُحسنت از ضربت مسمار گر مقتول گشته
عنقریب آن دادخواه بیگناهان خواهد آمد
پرچم سرخ حسینی شاهد است آن منتقم زود
بهر خونخواهی سالار شهیدان خواهد آمد
اصغرا از ضربت زخم گلو دل را مسوزان
صبر کن مرحم‌گذار زخم پیکان خواهد آمد

«آستانت»

همه شب بر آستانت شده کار من گدائی
به خدا که این گدائی ندهم به پادشائی
همه شب نهاده‌ام سر چو سگان به آستانت
که رقیب درنیاید به بهانه‌ی گدائی
به طواف کعبه رفتم به حرم رهم ندادند
که تو در برون چه کردی که درون کعبه آئی
«؟»

«ای قلم»

ای قلم سؤزلریمده اثر یوخ
آشنادن منه بیر نظر یوخ
گلدی بو جمعه‌ده گئچدی اللّه
فاطمه یوسفیندن خبر یوخ
یاندی پروانه‌لر شمعی سوندی
آیرلیقدان اورک قانه دوندی«۲»
ای قلم یاز او شاه جهاندان
صاحب عصر امام زماندان
دنیانون صاحبی تئز گلیدی
شیعه‌لر دوشدی تاب و تواندان
یاندی پروانه‌لر شمعی سوندی
آیرلیقدان اورک قانه دوندی«۲»
ای قلم دنیا قیل و قالیندان
باخبردی او شیعه حالیندان

ظلم ائدنلر گئدرلر فنایه
هر زمان چیخسا پرده دالیندان
یاندی پروانه‌لر شمعی سوندی
آیرلیقدان اورک قانه دوندی«۲»
کیم دیور آیرلیق دردده سالماز
عاشقین صبرینی الدن آلماز
ای گوزوم یوللارا باخ داریخما
گون همیشه بولوط آلتدا قالماز
یاندی پروانه‌لر شمعی سوندی
آیرلیقدان اورک قانه دوندی«۲»
غنچه گُللر نه اندازه سولسون
قلبلر قویما قانیله دولسون
گلدی بو جمعه‌ده گلمدون سن
گون سایوم جمعه‌ی دیگر اولسون
یاندی پروانه‌لر شمعی سوندی
آیرلیقدان اورک قانه دوندی«۲»

قلبلر غصّه‌دن لخته قاندی
ظالمین ظلمی عرشه دایاندی
آل اله ذوالفقار علینی
یا امام‌زمان گل آماندی
یاندی پروانه‌لر شمعی سوندی
آیرلیقدان اورک قانه دوندی«۲»
سن بیزه لطف حیّ ازل‌سن
«شأنیده رتبه‌ده بی‌بدل‌سن»
گورسه یوسف دیر بارک‌اللّه
«هر گوزلدن آقا سن گوزل‌سن»
یاندی پروانه‌لر شمعی سوندی
آیرلیقدان اورک قانه دوندی«۲»
ای «صفائی» هله دؤز فراقه
سن گذر کربلایه ائدرسن
گر امام زمان ائتسه دعوت
باغلی یوللار آچیلدی گئدرسن



جمعی از اعضای هیئت محترم الزّهراءِ اردبیل در مشهد مقدس با سرپرستی استاد فقید روانشاد رحیم‌منزوی اردبیلی در حدود ۳۰ سال پیش



هیئت محترم حسینی اردبیل قریب به ۶۰ سال پیش که از شعرای حسینی موجود در این عکس مرحومین حاج یحیوی، مضطر، ثابت، حاج‌نخستین، حاج‌میرطاهرروضه‌خوان و آقای‌قاسمی در قید حیاتند از نوحه‌خوانان مرحومین حاج حسینقلی داودی، مرشد، ثابت‌زاده، احمد تبریزی، میرزا عبدالرحمان، حاج رضا مفتاح‌پور، حاج رحیم حیدری، خسرو سلطان‌پناه، یوسف‌صادقی، نصرت رجزی

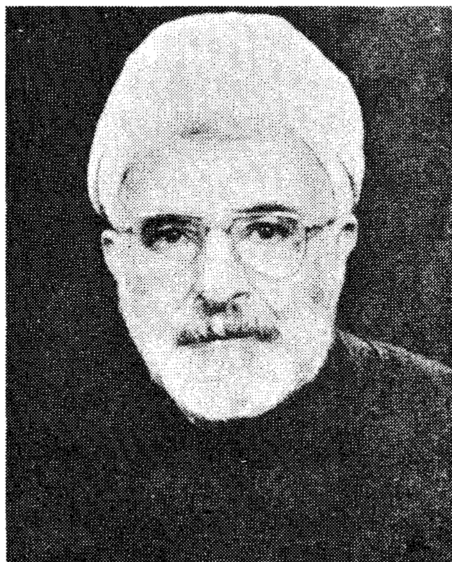
این عکس در حیاط مرحوم حاج عباس آقا عارف گرفته‌شده‌است.



اوان جوانی ناصح اردبیلی با روانشاد شایق اردبیلی

بزرگ فلسفه‌ی قتل شاه دین این است
که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است
نه ظلم کن به کسی نی به زیر ظلم برو
که این مرام حسین است و منطق دین است

«خوشدل» از آنم که در پناه حسینم
گیتی از این خوبتر پناه ندارد



«استاد خوشدل تهرانی»

مرکز پخش:

تهران، خیابان ناصرخسرو، کوچه حاج نایب،

ساختمان حفظی، انتشارات پیری تلفن ۳۱۱۲۴۷۵۳

اردبیل، بازارجلائی، کتابفروشی ناصح تلفن

۰۴۵۱-۳۳۳۳۳۷۷ و ۰۴۵۱-۳۳۳۴۵۷۳